دورهٔ چهاردهم قانون گذاری — جلسه ۶۱ — شمارهٔ مسلسل - ۱۳۱۸

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز دوشنبه ۲۰ شهریور ماه ۱۳۲۳ ☆

فهرست مطالب :

۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - مذاکره راجع بدستور
۳ - طرح برنامهٔ دولت
۴ - موقع و دستور جلسه آتیه - ختم جلسه

مجلس سه ربع ساعت قبل از ظهر بریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید

صورت مجلس روز قبل را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند ☆☆

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده قبل ازدستور عرض دارم.

جمعی از نمایندگان - دستور.

۲ - مذاکره راجع بدستور

رئیس - آقای ساسان

ساسان - بنده قبل ازدستور یك عرایضی دارم که باید بعرض برسد و فعلاً هم که هیئت دولت حاضر نشده اند استدعا میکنم موافقت بفرمائید یك مطالبی هست تأثیر در امور کشور دارد باید گفته شود و ازطرف مجلس هم تصمیمی اتخاذ شود چون مطلب مربوط به قضات است و بالاخره تشکیلات اجتماعی دردست اینها است طوری شده است که از شمال بجنوب و از شرق به غرب هرروز نقل وانتقال پیدا میکنند فقط روی نفوذ متنفذین در حال حاضر ۶۱ پست بلا متصدی است البته تصدیق میفرمایند آقایان وقتی که تشکیلات قضائی اینطور بود در هیچ امری موفقیت حاصل نخواهد شد مخصوصاً در کرمانشاه در هر حال یك مطالب لازمی است که بایدبعرض مجلس برسد اگر آقایان موافقت میفرمایند عرض کنم.

رئیس - آقای دکتر شفق

دکتر شفق - راجع بسازمان قضائی کشور بعقیده بنده بقدری مهم است که جا دارد جزء برنامه دولت یا در ضمن

☆ عین مذاکرات مشروح شصت و یکمین جلسه از چهاردهمین دورهٔ قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

ادارهٔ تند نویسی و تحریر صورت مجلس

☆☆ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه : آقایان - تربتی - ذوالقدر - نبوی - کفائی - سمصام - فتوحی - فرود - بوشهری - سلطانی - قبادیان - ظفری دکتر راد منش - دشتی - معدل - حشمتی - گله داری.

دستور جزء یك قسمتی بحث شود و بعقیده بنده بهتر است که قبل از دستور مطرح شود راجع باختلاف صحبت قبل از دستور وبعداز دستور هم یك طرحی تهیه شده است که بنده تقدیم کردم و امیدوارم که در موقع مطرح شود ورفع اشکال بشود .

رئیس ـ رای میگیریم برای ورود در دستور موافقین قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

[۳ ـ طرح برنامه دولت]

رئیس ـ تصویب شد . دستور برنامه دولت است گرچه آقای نخست وزیر نیامده اند ولی چون آقایان وزرا هستند ممکن است شروع شود (صحیح است) . آقای طباطبائی

طباطبائی ـ اگر در مملکت اقتدارات یا اختیاراتی هست صرفاً مربوط به ملت ومال مردم است نهایت این است این اقتدارات ملی گاهی از جای صحیح و اساسی خودش ازمحل وضعی واساسی خودش بیرون میاید ودرنتیجه حوادث بدست اشخاص میافتد معهذا این حقیقت سرجای خودش مسلم است که اگر یك نفر هم در یك زمانهای مخصوص دارای یك اقتداراتی هست باز مال مردم است اگر قدرت ملت و اختیارات مال مردم است از اقتدارات و عظمت کشور استفاده میکند نه از خودش شخص به تنهائی برفرض که کافی و لایق و شایسته باشد معهذا یکنفر است و اگر دریك فرد یکقدری کفایت باشد و نبوغ باشد این از قدرت مردم و اقتدارات مملکت است والا خودش صفر است آقایان خوب بخاطر دارند که در این اواخر یعنی ده پانزده بیست سال اخیر همین قدرت ملی همین اختیار مردم افتاد بدست یکنفر او هرطور می خواست آن قوه را اعمال می کرد والبته اینطور نباید باشد زیرا که خلاف نص است همه بخاطر داریم حالا بنده باخوب وبدش کاری ندارم بهرحال هر تصمیمی میگرفت غیر قابل مقاومت بود و اجرا میشد و همه مردم و همه مملکت از این طرز حکومت بستوه آمدند برای اینکه دریك مملکت که اراده یکنفر حاکم باشد هر کس را بخواهد بگیرد وهر کس را بخواهد دول کند وهر دولتی را که بخواهد بیاورد و هر دولتی را که نخواهد برود و بالاخره اگر بیك سرایداری میگفت برو دولت تشکیل بده کسی نمیتوانست حرفی بزند تا قضایای شهریور پیش آمد و اوضاع دنیا و حوادث روزگار این پرده را درید این اوضاع را بهم زد آن اقتدارات عمومی که عرض کردم مال مردم است رها شد و از دست یکنفر خارج شد اگرچه قبلاً هم خود او ودیگران فکر کرده بودند که این اقتدارات بمیراث بماند ولی روزگار نگذاشت وقتی که اینطور شد مرکز اصلی این اقتدارات کجااست؟ مردم، آن اقتدار بملت برگشت مظهر ملت کجاست؟ مجلس، چون این اختیارات که عرض کردم بدست افراد نمیتواند باشد پس طرز عمل این است که بایستی مردم نماینده انتخاب کنند وکیل بگیرند مثل دعاوی این و کلا یکجائی جمع میشوند اسمش را میگذارند مجلس آن اختیارات برمیگردد میاید بمجلس مرجع اینجا است حالا اینجا چه شکل باید حکومت کند بمردم طرز حکومت مجلس چه شکل باید باشد اگر بطرز اساسی خودش رفتار کنیم ووظایف خودمان را انجام بدهیم و مجلس را نگاه بداریم ممکن است یك روزی مملکت نجات پیدا کند اما اگر بخواهیم یك رضا شاه را که رفته است وبرده اند ماهم هر کداممان یادوتاسه تا ده تا مان دورهم جمع شویم ویکرضاشاه درست کنیم (فاطمی کنفرانس ندهید) اجازه بدهید وسط صحبت من حرف نزنید آن روز بشما جواب ندادم ولی اگر یك دفعه دیگر حرف بزنید جواب سختی بشما میدهم عرض میکنم حضورتان آقا متوجه شدند مطلب را کجا میخواهم ببرم این است که اجازه نمیدهند (فاطمی ـ بفرمائید استدعا میکنم) عرض کردم اگر پنج تامان ده تامان بخواهیم عمل رضا شاه را انجام دهیم یعنی دولت بسازیم دولت بیندازیم و همان اعمال را انجام دهیم غلط است پیش نمیرود منتها بایك تفاوت و آن این است که حالا اگر چه رضا شاه رفته است ولی اگر ده تا صد تا عمل بد داشت چهار تا پنج تا ده تاهم عمل خوب داشت او را ما نداریم قدرت وسلطه او را هم نداریم عاجزیم نمی توانیم

هم خودمان را خراب میکنیم وهم به اصول صدمه میزنیم و مشت خودمان را باز میکنیم عرض کردم اختیارات با مجلس است وقتی که اختیار حکومت و مقدرات با مجلس شد باید مجلس را حفظ کرد باید بمجلس احترام کرد باید اصول را مقدس شمرد تا باقی بماند و اما مجلس مجلس عبارت از تیر و تخته نیست عبارت از ابنیه مرحوم سپهسالار ومیز و صندلی نیست بلکه مجلس عبارت است از تجمع و کلای ملت وشرکت نمایندگان ملت در امور مربوط به مملکت (مخبر فرهمند صحیح است یعنی نمایندگان ملت) اگر این حرف شما نسبت بمن است وبه شخص من میخواهید این حرف را بزنید (مخبر فرهمند ـ در تائید حرف شما است) جوابش با ملت است اگر من وکیل این ملت نباشم من نمیدانم چطور شما وکیل این ملت خواهید بود اگر مقصودتان هم توهین به آقایان است این را دیگر چه عرض کنم حالا این و کلا را شما قبول ندارید وکیل ملت نمیدانید شما یك مجلس دیگر درست کنید که وکیل مردم باشند باز هم من طرفدار این اصول هستم عرض کردم مجلس عبارتست از جامعه نمایندگان ملت وقتی که نمایندگان ملت جمع شدند و قوانین موضوعه رعایت شد به آنجا اطلاق مجلس میشود وقتی که ما مجلس را تشکیل دادیم و قوانین موضوعه رعایت شد و نگذاشتیم که قوانین واصول ملعبه شود « دراین مملکت یك مدتی ملعبه کردند کار مملکت بآنجا کشید که همه دیدید» و حالا بنظر من زود است که ما ازسر شروع کنیم یعنی بعد از بیست سال دوباره آن هرج و مرج را از سر بگیریم بنده واقعاً همه را متأسف دیدم در خارج از این جریانی که اخیراً درمجلس پیدا شد واقعاً خود آقایان فکر بفرمائید که آیا این جریانات شأن مجلس است عرض کنم بنده یك روزی شنیدم که آقای ساعد نخست وزیر سابق استعفا کردند و دولت افتاد متعاقب آن شنیدم که یك دولتی درشرف تشکیل است یك جلسه خصوصی اینجا تشکیل شد بعداز خاتمه جریان من اینجا از آقای رئیس خواهش کردم که اجازه بدهند آن مطالب در جلسه علنی گفته شود جلسه خصوصی که عنوان قانونی ندارد در نظامنامه جلسه محرمانه پیش بینی شده است ولی این مطالب محرمانه که نیست بهر حال قبل از اینکه بنده اطلاع حاصل کنم در روزنامه نوشته شد که فرمان هم صادر شده بناء علیهذا من خواهش کردم که حرفهامان را برویم در جلسه علنی بگوئیم موافقت نشد در جلسه خصوصی عرض کردم که مطالب را لزاول شروع خواهیم کرد ودر جلسه علنی هروقت فرصت بدستم آمد قضایا را ازاول عرض خواهم کرد و حالا عرض میکنم غروب یك روز پنجشنبه بود که بنده مطلع شدم که در خارج گفتند بمن که جلسه خصوصی هست و صحبت از رفتن و افتادن هیئت دولت هم بود اتفاقاً بنده و آقای مسعودی با هم آمدیم وقتی که آمدم مجلس دیدم توی باغ یکعده از آقایان آنجا تشریف آورده بودند آقای ساعد هم آمده اند اینجا در این سرسرای پائین مجلس هم چند نفری بودند من خیال کردم که از جریان من یك قدری بی اطلاعم اول با یك عده بر خوردم و صحبت کردم دیدم آنها اطلاعشان از من کمتر است روز بعد وقتی که آمدم در طالار جلسه خصوصی بمن خبر دادند که شما هم بیائید وقتی که رفتم دیدم آقایان منفردین آنجا جمع هستند یك صورتی آوردند حساب کردیم دیدیم در حدود سی وسه نفر منفرد هستند وقتی که آنجا صحبت شد دیدیم همه آقایان از جریان بی اطلاع بودند حکومت ساعد بنام مجلس افتاده در صورتیکه سی وسه نفر بی اطلاع هستند ایشان مأمور شدند حکومت دیگری تشکیل بدهند فرمان صادر شده واین آقایان بی اطلاع هستند در این بین زنگ جلسه زده شد و گویا درخارج گفتگوی منفردین انعکاس پیدا کرد جلسه رسمی که شروع شد آقایان اطلاع دارند که آقای رئیس فرمودند آقایان مستقلین بیایند صحبت کنند بعد از جلسه ایشان تشریف آوردند و یك مقداری درهمین ابواب صحبت شد در آن جلسه خصوصی و بعد در جلسهٔ اخص بنده به آقای رئیس تذکراً عرض کردم که اگر بنام مجلس حرفی زده میشود اقدامی میشود در سقوط یك دولتی یا تثبیت یك حکومتی باید معنی وحقیقت داشته باشد یعنی واقعاً مربوط

بمجلس باشد واگر چنانچه آقا خدمت شاه رفته‌اند وبنام مجلس صحبتی کرده‌اند مربوط بمجلس نیست و مجلس بی اطلاع بوده‌است بعد صحبت‌مان با آقای رئیس یك تقداری درهمین ابواب طولانی شد بدون اینکه نتیجه گرفته شود بر خاستیم این جلسه آقایان منفردین که ۳۳ نفر عرض کردم هستند فراکسیون توده هم بهش اضافه شد که در حدود هشت نفر هستند (یعنی ما مطلع شدیم که آنها هم دارای همین عقیده هستند و از جریان بکلی بی اطلاع هستند) بعداً آقای نخست وزیر آقای ساعد خودشان آمدند و با ماملاقات کردند از آقایان منفردین در اطاق خارج که رئیس مجلس غالباً آنجا می‌نشیند من به‌ایشان تذکر دادم و گفتم شما در دولتهای سابق خودتان عضو بودید و ملاحظه کردید اگر یك دولتی می‌افتاد و بعد دولتی اگر تشکیل میشد جریان از چه قرار بود یکرئیس دولتی دوجور ممکن است که از کار کنار برود یاشخصاً کناره میکند خسته میشود و دیگر مجلس هم نمی‌آید و استعفای خودش را مینویسد و میدهد به اعلیحضرت و میرود آقای ساعد ازاین شق نیستند ومشمول این فرض نمیتوانند باشند برای اینکه آمدند ومیخواهند دوباره تشکیل دولت بدهند و از کارهم که خسته نشده‌اند در حکومت مشروطه شق ثانی این‌است که‌وقتی که‌رأی مجلس نسبت بدولتی متزلزل میشود ویك دولتی اکثریت خودش را ازدست میدهد ناچار باید برود شق دیگرهم ندارد حالا بایدببینیم که دولت سابق آقای ساعد که عرض کردم نمی توانیم فرض کنیم که ایشان و حتی وزرایشان خسته‌شده باشند چطوراستعفادادند توی روزنامه‌ها دیدید منعکس شد که مجلس نسبت بدولت سابق آقای ساعد اعتمادش متزلزل است و مجلس باعث شد که دولت ایشان سقوط پیدا کند (این را من درجلسه خصوصی عرض کردم اینجاهم تذکراً یادآوری میکنم مرام من وسلیقه من اینطور نیست که بادولتها آشنائی داشته باشم ارتباط داشته باشم یعنی نمیتوانم این کار را بکنم چرا برای اینکه معتقد هستم این سنخ حکومتها اگر میتوانست مملکت را بجائی برساند تا حالا رسانده بود) بناء علیهذا این نوع حکومتها چنانچه عرض کردم مال مردم نیست پس اینکه عرض میکنم ازبابت دلسوزی برای این نیست که ده دوازده نفری وزیر بودند و کنار رفتند بجهنم درك که رفتند من علاقه بآنها نداشتم اما از نظر رعایت اصول وحفظ مشروطیت و از این جهة که ما مشروطیت را بدست خودمان ملعبه نکنیم و خودمان باعث نشویم که بعضی صحبت‌ها بشود وبالاخره آن صحبت‌ها بیاید پشت تریبون (که الآن من مشغولم و دارم صحبت میکنم) باآن جریان موافق نیستم . عرض میکنم که آقای ساعد اگر بنابود حکومت شما بنام مجلس سقوط پیدا بکند شما خودتان درکابینهٔ سابق تشریف داشتید و طریق عمل را میدانید که اشخاص فکرهاشان را میکردند دونفری پنج نفری درخارج صحبت میکنند فراکسیونهای مجلس توی خودشان می‌نشینند وتصمیم میگیرند بایدهم اینطور باشد اما مطابق قانون اطلاق مجلس به این طرز تبانی‌ها نمیشود که دوتا در باغ چهارتا در خانه شان چندتا پیش آقای نخست وزیر جمع شوند این را نمیشود عنوان مجلس بهش اطلاق کرد شما وقتی میتوانید تصمیم بگیرید که مطابق اصل هفتم قانون اساسی که ثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند میخواهد در جلسه خصوصی باشد یا جای دیگر و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضاء باید حاضر باشند شما وقتی که رأی میدهید وقتی که تصمیم میگیرید بنام مجلس میخواهید یك حکومتی را بیندازید این وقتی ممکن است که سه ربع از اعضاء مجلس حاضر باشند و شرکت کنند اصل ۳۴ میگوید رئیس مجلس میتواند برحسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضای مجلس یا وزیری اجلاس محرمانه بدون حضور روزنامه نویس و تماشاچی یا انجمن محرمانه مرکب ازعدهٔ منتخبی ازاعضاء مجلس تشکیل بدهد الی آخر که قائم‌مقام آن همین جلسه خصوصی است که ما داریم (فریور ـ هیچ قایم مقام نیست) مانعی ندارد بنده موافقم بالاخره مجلس علنی جائی باید باشد که تمام حاضر باشند عرض کردم که چهل ویکنفر قدرمسلم شرکت‌کردند وبی اطلاع بودند ازجریان سقوط کابینه واما فراکسیون‌ها مثلاً اگر یك فراکسیون دارای بیست و پنج نفر عضو باشد

ایا اینها متحدالکلمه هستند ؟ اینطور نیست اگر شما همان عده‌هائی که‌درهر فراکسیونی پنج وشش‌تا هست که ازموافقین آن جریان نبودند بعدهٔ منفردین ضمیمه میگردید نصف بیشتر اعضاء مجلس و آقایان نمایندگان میشد و از نصف کمتر نمیشد بنابراین یك عمل قهقرائی بنام مجلس انجام شده (اشاره به ساعد) گفتند که مجلس گفته است که دولت بیفتد دولت افتاد بعد بجنابعالی عرض کردم و ملاحظه کردید که جریان مأموریت یکنفر برای تشکیل دولتی ازچه قرار است البته مطابق قانون صدور فرمان نخست وزیری باشخص شاه است اما اگر یك نفر یا بصد نفر شاه فرمان نخست وزیری داد و مجلس قبول نکرد و رأی اعتماد نداد آن آدم البته رئیس‌الوزرا نیست و هیچکاره است (فولادوند ـ هنوز که رأی نداده‌اند) بنده که نگفتم رأی داده‌اند گوش کنید خوب یکنفررا که ممکن است شاه دستخط نخست وزیری بدهد و بیاید بمجلس ومجلس رأی‌ندهد راهش رامیکشد ومیرود اما این کار خوب نیست و یك خلاف نزاکتی است و اسباب اتلاف وقت است باین جهة آمده اند طبق سوابق فرمول صحیحی پیدا کرده‌اند و تمام مجالس هم رویش عمل کرده‌اند و آن این است که در نتیجه این عمل دیگر مملکت و مجلس و مردم دچار یك همچو منظوری نمیشوند سیره و عادت و سوابق اینطور جاری شده که قبلاً از طرف شاه استمزاج میشود ومجلس شورای‌ملی با کثریت بهر کس که تمایل داد دستخط شاه صادر میشود و او رئیس‌الوزراء میشود آنوقت بآن عمل خلاف نزاکتی که عرض کردم مصادف نمیشدیم آنوقت این نخست وزیر تشکیل هیئت دولت را میدهد و پروگرام میآورد و با همین جریانی که ملاحظه میفرمائید اینجا با ورقه یا باقیام وقعود رأی اعتماد میگیرد حالا به‌بینیم چطوررأی تمایل مجلس را باید بدست آورد ؟ وکلارا که دانه‌دانه نمیشود خانه‌شان رفت درقانون درعمل سابقه‌امر اینطور است که‌عرض کردم که مطلب را باید بجلسه خصوصی بیاورند بدون حضور تماشاچی رأی گرفته‌شود وبگویند حکومتی افتاده است ومیخواهیم تمایل مجلس را معلوم کنیم وببینیم چه کسی نامزد نخست‌وزیری است ولی اینجا چکار کردند فقط فراکسیونها کارخودشان را کردند درصورتیکه درجلسه خصوصی باید منفردین‌راهم خبر کنند که آنهاهم نظر خودشانرا بگویند و بالاخره رئیس مجلس موظف است که جلسه خصوصی خبر کند چرا برای اینکه در آخرین مرحله رئیس مجلس باید برود و بشاه بگوید که تمایل مجلس با کی است خود آقا (اشاره به آقای ساعد) در حکومت مرحوم فروغی عضو کابینه بودید که همین عمل که عرض کردم جریان داشت درجلسه خصوصی همه آقایان نمایندگان فراکسیونها شرکت میکنند منفردین‌هم هستند مخالف و موافق صحبت خودشان را میکنند آقایان در دوره‌های سابق تشریف داشتند یادشان هست که چندین مرتبه‌هم جلسه خصوصی میشد حتی شبها ما میماندیم راجع بگذشته و آینده حکومت صحبت میشد و همه دراین‌صحبت شرکت میکردند بعد از اینکه این جریان تمام میشد، فکر شد که چطور رأی تمایل گرفته شود بهترین طرز که مصون از هر نوع ریا و رودربایستی و جا کردن اشخاص و تعهدات و تبانی‌ها باشد این ترتیب را مجلس اتخاذ کرد که بیایند در طالار جلسه علنی بدون حضور تماشاچی رأی گرفته شود (یکی از نمایندگان گویا یك مورد است) چندین مورد بوده است شما نبوده‌اید و رأی با ورقه هم بود حساب میکردند به بینند کی چقدر رأی دارد هر کس اکثریت را میبرد معلوم میشد که تمایل مجلس با او است و این رأی تنها یك فرقی دارد با آن ورقه که بعنوان اعتماد میدهند ورقهٔ که خواهیدداد باامضاء است ورأی اعتمادی‌است که‌بشما (خطاب بساعد) میخواهند بدهند وامضاء دارد معلوم‌است که کیهاشرکت کرده‌اند ورأی داده‌اند وآن رودربایستی هائی که عرض کردم اینجا هست ولی در رأی اول که عرض کردم اینطور نیست زیرا فقط مینوشتند حسن تقی و اشخاصی که میخواستند زمام مملکت را در دست بگیرند این یك اسه‌ای بود برای خودش یعنی رئیس دولت قطعاً میدانست که درمجلس چند رأی دارد ، ~~رأی حقیقی~~ رائی که تحت تأثیر بنده و عمرو زید واقع نشده است و بعد

از این که این فورمول و این ترتیب صحیح و این شقی که اصح شقوق بود در مجلس اجراء میشد آنوقت رئیس مجلس از طرف مجلس به شاه اطلاع میداد که زید در مجلس دارای اکثریت است و دستخط صادر میشد و این آدم نخست وزیر میشد و میآمد به مجلس و کابینه اش را تشکیل میداد و میآوردبه مجلس و این جریان را که ملاحظه کردید تمام عملی میشد ولی حکومت فعلی شما و این مأموریت جدید شما برای تشکیل کابینه از خودتان من پرسیدم اعتراف کردید که مطابق اصول سوابق نبوده و خودتان گفتید که بمن گفتند که باید این هیئت دولت شما استعفا بدهد و بعد خودتان اعتراف کردید که بمن گفتند که خودت هم باید استعفاء بدهی با این شرط که دوباره شما رامیآورند من هم گفتم چشم وقتی که این کار را کردم فرمودید که آمدم از لحاظ اخلاق گفتم که این آنگاژمان شما رامن بشما پس میدهم که شما تعهدی ندارید که دو باره من را بیاورید و روز بعد دستخط اعلیحضرت صادر شد به اینکه شما مأمور تشکیل کابینه هستید و مجلس بشما اظهار تمایل کرد اعتراف کردید که من اطلاع نداشتم و از مطالب آقایان هم بی اطلاع بودم و خیال کردم همین جریانی که هست از مجلس بوده است . من بشما عرض کردم که اگر شما خودتان را پای بند اصول میدانید و اگر شما خودتان معتقد هستید که مجلس باید حکومت کند در مملکت و حالا که شخص شما هم مطلع هستید که جریان از چه قرار است بروید استعفاء بدهید اگر مجلس شما را خواست دو مرتبه شما را میآورد الآن که لااقل در تردید هستید خاطر جمع که نیستید که (بعضی از نمایندگان ـ کاملاً مطمئن هستند) لا اقل در تردید که هستند حتماً شما خاطر جمع نیستید که اکثریت مجلس بشما تمایل دارد یا نه اگر شما خاطر جمع بودید هواخواهان شما هم خاطر جمع بودند و این همه ما بشما گفتیم و آقایان خواهش کردند و اصرار کردند چه مانعی داشت اگر یک رأی مخفی گرفته میشد اینکه بهتر بود اگر این کار را کرده بودید دیگر من اینجا جرأت نمیکردم با ایمان و عقیده بشما بگویم که اکثریت ندارید پس اینطور نکردید در جلسه خصوصی منفردین با تصمیم ما در اتخاذ رأی تمایل از همهٔ وکلا شما موافقت کردید و چند نفر از آقایان حضور داشتند و اگر بخواهید اسم میآورم ولی اینکار را عملی نکردید (دکتر کشاورز ـ برای اینکه از سستی منفردین اطمینان داشتند) عرض کنم آقا شما مأمور تشکیل کابینه شدید و به شما دستخط داده متأسفانه قبول کردید و آن نصیحت واقعاً مشفقانه یک عده‌ای که بشما گفتند استعفاء کنید در شما مؤثر واقع نشد. از طرف دیگر شما یک عمل بسیار غلطی کردید و آن این بود که بشما دیکته کردند که برو که را بیاور و که را نیاور و خود آقای ساعد اعتراف کردند (نخست وزیر ـ چنین چیزی نبود) و من ایشان را دارای وجدان میدانم ایشان اعتراف کردند در حضور همه که گفتند این عده را باید بیاوری این را اول هم گفتم که همه مردمی که مرا میشناسند شاهد من هستند که من طرفدار آن دوازده دوازده نفر نیستم و این را از لحاظ حفظ اصول عرض میکنم چرا نباید آنها باشند تقلب کردند خیانت کردند آن دوازده نفر که باید بفرستید بیاورند تعقیبشان بکنند خوب پس حالا که اینطور است چرا این کار را کرده‌اند! میگفتند که آن شخص دم خروس ازجیبش پیدا است اینکه خود خروس پیدا شده غرض از این بالاتر میشود؟ این اغراض شخصی بوده است! لقمان‌الملک را همه مردم می‌شناسند و همه هم نبضشان را توی دستش گذارده‌اند و مبلغی پول داده‌اند و میدانند که لقمان الملک اهل کمبینزون و ساخت و پاخت با من و اشخاص دیگر نیست. خوب شما رفته‌اید و یک وزیری را آورده‌اید چند ماه مشغول کار بود، و چندین جلسه وقت ما را ضایع کرد تا دو ساعت بعد از ظهر لایحه سازمان آوردید مطرح شد و ناتمام ماند و بعد او را انداختید بیرون این غرض شخصی نیست؟ (همهمه نمایندگان) برفرض که شما حالا قال قال کردید ونگذاشتید که من حرف بزنم مردم که مطالب را میدانند. پس آن عده را که کنار گذاشتید روی اغراض

شخصی و نظر خصوصی بوده و این عده‌ای را هم که الآن آورده‌اید روی نظر شخصی و نظر خصوصی است.

فولادوند ـ نتیجه‌اش را بفرمائید چه عیبی دارند؟

طباطبائی ـ صبر کنید بعد بآن هم میرسیم. عرض کنم انسان نباید آنقدر ضعف نفس بخرج بدهد که مثلاً توسط من و آقای منصف و آقای مؤید وغیره یک صورتی بایشان داده شود که اینها هستند از برای شما وحتی با بنده هم مشورت کردند که تو هم اگر کسی را داری بگو مردم اطلاع دارند و بنده اینهائی را که عرض کردم شاهد دارم که خلاف عرض نمیکنم تمام درست است ـ عرض کنم یک نخست وزیری برای چه میآید رئیس الوزراء میشود اگر برای دو سه هزار تومان حقوق است که این قابل نیست یک شوفر، یک شوفری که در این کامیونهای متفقین است ماهی ۷۰۰ یا ۸۰۰ تومان حقوق میگیرد وده هزار تومان نفع دارند برای اینکه هرچه جنس قاچاق است آنها میآورند و کسی از آنها جلوگیری نمیکند و وقتی که حساب بکنید می بینید که یک شوفر بیشتر ازشما حقوق میگیرد و استفاده میکند بنابراین اگر حقوق را بگذاریم کنار یک چیز میماند وآن پرستیژ و شخصیت واداره کردن مملکت است. یک رئیس الوزرائی که بیاید این شکلی باشد که من بهش صورت بدهم که زید بهتر است یا این را بیاور آن را نیاور حسن را بگذار تقی را بردار بنظر بنده این نهایت درجه ذلت است وبنظر من یک همچو کسی نه تنها نمیتواند مملکت را اداره بکند باصول هم ضرر میزند و مشروطیت را شل میکند (جمعی ازنمایندگان ـ اینطور نیست) ووقت مملکت تلف میشود و گرنه این خط این نشان این حکومت اگر ده روز بماند ده ماه بماند کوچکترین بارحتی یک سربار هم از دوش مردم نمیتواند بردارد چرا؟ برای اینکه فاقد شخصیت است وفاقد قدرت است ونمیتواند

حاذقی ـ هم شخصیت دارد وهم قدرت

مخبر فرهمند ـ آن حکومت مقتدر را معرفی کنید با مملکت نمیشود بازی کرد

طباطبائی ـ من واقعاً طرفدار این حرفم که با مملکت نمی‌شود بازی کرد و دارید بازی میکنید

فاطمی ـ شما دارید بازی میکنید بنام منفرد

رئیس ـ حرف خودتان را بزنید وزیاد طول ندهید.

طباطبائی ـ من حق دارم تا ده روز دیگر صحبت کنم شما نمیتوانید جلوی مرا بگیرید

دکتر آقایان ـ اینها چه حرفی است میزنی بنشین.

طباطبائی ـ ..... شما هم دکتر ناشی هستید (خنده نمایندگان). در دو مورد در تمام شئون مملکت میشود صحبت کرد غیر از این دوفرصت دیگر فرصتی نیست و آن یکی بودجه مملکت است و یکی هم پروگرام دولت واین فرصت را اگر بخواهید با قال وقال از ما بگیرید نمی‌شود آقای رئیس میگویند که زود باشید این تازه اول صحبت من است (رئیس ـ گفتم ازموضوع خارج نشوید) این خارج نیست من درتمام مراحل حق دارم صحبت کنم حتی راجع بدآن پاسبانان وزارت دارائی و وزارت زهرمار که ایستاده‌اند وباشخاصیکه ماشین دارند سلام میکنند واحترام میگذارند بنده حق دارم صحبت کنم (صحیح است) (هاشمی ـ ولی متأسفم که از متن خارج میشود) من میگویم من در تمام جزئیات میتوانم داخل بشوم دیگر این متن ندارد پروگرام دولت که دیگر متن ندارد؟! من حق دارم در تمام شئون مملکت صحبت کنم. این تذکری که من بجنابعالی عرض کردم (خطاب به نخست وزیر) از لحاظ حفظ شخصیت و پرستیژ خودتان وازنظر قدرتی که دولت شما باید داشته باشد وتحت تأثیر واقع نشود بود ازاین جهت عرض میکنم و اگر عیب شما باز تا همین اندازه بود قابل اغماض بود از لحاظ قانون اساسی «ناسلامتی حالا دیگر میگویند مملکت مشروطه است وشما باید اصول را احترام کنید» اصل ۲۷ قانون اساسی قوای مملکت را به سه شعبه تجزیه نموده: اول قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین (ساسان خواجه نصیری ـ و انتخاب وزیر) ... بله و انتخاب وزیر ولی این تو ننوشته است (دکتر کشاورز ـ

مستتر است) . . . دوم ـ قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق الی آخر . سوم ـ قوه اجرائیه . اصل ۲۸ ـ قوای ثلاثه مزبور همیشه ازیکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود اینکه عرض کردم تجزیه است نه تقسیم برای این ماده بود که صراحت دارد یعنی این سه قوه اگر بخواهند داخل هم بشوند و مخلوط بشوند ودر وظایف هم مداخله کنند این هرج ومرج است استبداد محض است این بدبختی مملکت است قوه مقننه فقط باید کار خودش را بکند کار ما وضع قانون است شما قوه اجرائیه و مسئول اجرای قانون هستید شما را درست است که گفتند رئیس الوزراء ولی فردی از افراد مملکت هستید نباید تسلیم بشوید رضایت بدهید باینکه چهار روز رئیس الوزراء بشوید و اشخاصی بیایند بنام مجلس درخشت اول درسنگ اول در کار شما دخالت کنند بنام مجلس . دخالت دو جور است یك وقت این است که بآقای سروری گفته میشود که آقا بیائید حاکم جوشقان را عوض کنید و فلانکس را جایش بگذارید این یکنوع دخالت است ولی این باز خیلی مضر نیست جور دیگرش این است که ازهمان اول میگویند که مثلاً باید آقای سروری بیاید (فرمند ـ خیر این دخالت نیست دخالت آن است که وکیل را حاکم معین کند (خنده نمایندگان) طباطبائی ـ قیل و قال نکنید اجازه بفرمائید عرض کنم حضور عالی برفرض که قیل وقال بکنید وجواب بمن بدهید مردم خودشان میدانند عمل از چه قرار است شما آمده اید بنام مجلس یك شخصی را آورده اید و با او شرط کرده اید که یکنفر از سابقی ها را نیاورد و بعد دیکته کردید که این اشخاص رابیاورد وضمناً هم یك مهارتی بخرج داده شده که عوض ۱۲ نفر ۲۴ نفر اسم نوشتید وچهار نفر ساده لوح هم باور کردند وخیال کردند رئیس دولت اختیار دارد هر کدام رارئیس الوزراء انگشتش را رویش گذاشت اووزیر است ولی عرض کنم اینطور نیست اینها قبلاً پخته شده و تبانی شده ومعلوم شده است وضعیت ازچه قرار است که کی باید بیاید و کی نباید بیاید . پس شما مشارکت کرده اید در یك عملی که مخالف اصل ۲۷ واصل ۲۸ متمم قانون اساسی است و آمده اید یك اشخاصی را بنام مجلس وبنام قوه مقننه دخالت داده اید در وظایف خودتان در انتخاب وزیر . وقتی که من سروری را معین کردم برای وزارت کشور شما نمیتوانید تعقل کنید که من چکار میکنم باوزارت کشور خوب عواقب این کار و اختلال وهرج ومرجی که ازاین عمل ناشی میشود فکر بکنید تا کجا است . آخر این خونهائی که ریختند ومملکت را بخاك وخون کشیدند تاوقتی که مشروطیت مستقر شد و قانون اساسی را نوشتند و این مطالب را اشخاص دقیق و با تجربه مطالعه کرده ونوشتند دیکته کردند آمد بمجلس و بنام مملکت رأی دادند . بی فلسفه وبی حکمت نیست وبی جهت نیست که یك همچوقانونی را گذاشتند که ما اصلاً دورسر این قانون میگردیم ما اصلاً جمع شدیم برای اینکه این قانون نوشته شده اگر این قانون اساسی نبود حالا ما اینجا نبودیم واینکه گفتند بامملکت نمیشود بازی کرد شوخی کرد آقا اینها شوخی است بامملکت با مشروطیت با اصول آنهائیکه این قانون اساسی را نوشتند مثل ما فکر می کردند که چه میشود اگر من وزیر تحمیل کردم بآقای ساعد . عرض کنم که مجلس چهارده باید بیاد مردم بیاورد مشروطیت را شما باید به مردم دوباره سرمشق بدهید یادآوری کنید و از خاطرها اگر محو شده است یادآور بشوید که وقتی میخواستند ایران را مشروطه بکنند مشگلاتی بود و آن دوره تمام شد . حالا حکومت باید نشان بدهد که با مجلس است ما چطور میتوانیم نشان بدهیم که حکومت با مجلس است وقتیکه خودمان بقوانین ورسوم وسوابق احترام نگذاریم (همهمه نمایندگان) شما خیال میکنید که اگر نگذارید من اینجا حرفم را بزنم یك عمل مشعشعی را انجام داده اید درصورتیکه اینطور نیست شما هر قدر تفضل کنید متانت بخرج بدهید وهرقدر صبر و حوصله بخرج بدهید بصرفه شما است . من در اقلیت هستم و شما هم که مطمئن هستید که دولت در اکثریت است بنابراین شما باید بمن اجازه بدهید که من حرفم را بزنم چون حالا میخواهم مطلبی رابگویم که این را مقدمه کردم که اوقاتتان تلخ نشود شما باید اجازه بدهید که من مطالب را باکمال صراحت و

و با کمال وضوح مطابق قانون اساسی عرض کنم باید بگذارید من بگویم حالا عرض کردم که شما میخواهید سرمشق باشید برای مملکت امروز صبح ملاحظه کردید که برای یك ورقه موافق و مخالف چه چیزهائی پیش آمد . یك ورقه را می آورند که موافق و مخالف اسم بنویسند . . .

دکتر اعتبار ـ اینکه مربوط بدولت نیست ؟

طباطبائی ـ . . . آن مقدمه را چیدم برای اینکه بمن فرصت بدهید که یك پرده هم از روی کار خودمان برداریم که مردم بدانند ما که می خواهیم به مملکت حکومت کنیم دارای چه رویه و خلقی هستیم . یك ورقه ای آوردند در خارج چسپاندند و از همان روز پنجشنبه یکعده ای کاغذ بآقای رئیس نوشتند که خواهش میکنم اول مرا بنویسند و یك عده دیگر هم خواستند که زودتر آنها را بنویسند و البته آقای رئیس هم قبول نکردند و بالاخره قاعده اش این است که باید همای روزی که جلسه میشود باید سرساعت ورقه را بگذارند هر کس که زودتر آمد او اول اسم مینویسد اینکه اشکال ندارد و بالاخره همین کار را هم کردند وورقه را بجای خود چسپاندند و اول کسی که آمد اسم نوشت من بودم آقای فاطمی بنده زودتر از شما از خواب بیدار می شوم (فاطمی ـ الآن هم دارید صحبت میکنید) و بعد از من هفت هشت نفر دیگر هم آمدند چندین نفر بودند آقای دکتر کشاورز و آقای فدا کار و سایرین بودند و اسم خود را نوشتند . بعد آقای دکتر مصدق آمدند خواستند در ستون مخالف اول بنویسند دیدند جا نیست ولی دیدند که ستون موافق جا دارد میشود اول نوشت اول نوشتند موافق و من با ایشان یك شوخی کردم گفتم که « طاعت از دست نباید گنهی باید کرد » خوب مخالف که نشد اول بنویسند موافق اول نوشتید (یکی از نمایندگان اینکه گنهی نیست) نگفتم که گنهی است این یك شوخی بود که کردم . بنده رفتم اما بعد از ساعت ۸ یك ورقه دیگر آوردند بشهادت آقای نراقی که ایشان بمن گفتند این ورقهٔ دومی را قبلاً پنج شش نفر اسم نوشته بودند با یك قلم اما بامرکب مختلف با مرکب سیاه و مرکب آبی . آقای دکتر مصدق آمدند دیدند درستون مخالف جا هست میشود اول نوشت نوشتند مخالف شهوت در اول بودن است آقا . مملکت سی سال چهل سال پنجاه سال گرفتار همین جور هوسها و شهوتها بوده است که باین جاها رسیده است مردمی که بسینما میروند آنقدر بلد شده اند که هر کس جلوتر میرود دیگر نباید باو تنه زد ما وکیل مجلس هستیم عده مان هم صد نفر بیشتر نیست یك ورقهٔ را که باید امضاء کنیم اینطوری میشود و در سرسرای باین بزرگی دوتا ورقه را نمیتوانیم منظم کنیم و مراعات نوبت را بکنیم . وای باین مملکتی که تحت سلطه (سلطه که نیست حیف لفت سلطه است) بدست یك چنین حکومت ها افتاده است پس ملاحظه فرمودید با موجباتی که عرض کردم بااستدلالهائی که کردم حکومت سابق را مجلس نینداخت و بمجلس مربوط نیست و آن اشخاصی که سابق بودند تا وقتی که گناهی ندارند محرومیت از حقوق اجتماعی ندارند کسی حق ندارد بگوید او را نیاور یا فلان را بیاور باید آن شخص که میخواهد با آنها کار کند خودش مسئول باشد و وزرایش را انتخاب کند اگر من جلویش را گرفتم خیانت کرده ام . اما هیئتی را که فعلاً آورده اید تنزل کرده اید زیرا تحت تأثیر واقع شده اید و شما دیگر قدرت زمامداری ندارید و تحت تأثیر واقع شده اید مضافاً باینکه قوای سه گانه مشروطیت را مخلوط و نظمش را بهم زدید شما قوه مقننه را دخالت داده اید ومخلوط کرده اید با قوه اجرائیه درصورتیکه این سه قوه کاملاً از هم منفصل هستند و هر کدام در روی صندلی خودش میتواند وظیفه خودش را انجام بدهد و دیگری حق ندارد دخالت کند . بنده یادداشت کرده بودم که راجع به وظایف آینده دولت صحبت کنم ولی صحبت بنده بجائی رسید که حالا بیشتر بمن تأثیر کرد من زیادتر متأثر هستم چون زیادتر صحبت کردم این است که میگویم اگر اینطور یك دولتی آمد چه وظایفی در آینده دارد ؟ راجع بوظیفه

شما میخواهم دو سه کلمه بعرض برسانم که بعد از خاتمه جنگ (جنك نمیدانم تمام میشود ؟ صلح میشود ؟ از این حرفهائی که گاهی بگوش من و شما میخورد) چه باید بکنید ؟ یاد داشت کرده بودم که بشما توجه بدهم که اقلااز عهده امنیت صوری و داخلی مملکت بر بیائید . شما لازم نیست که بروید آنجا در کنفرانس صلح تأثیر کنید در سرنوشت دنیانظر بدهید همین‌قدر که ما بتوانیم یك نفر انشاءالله ازمان برود و فرصتی دست بدهد واگرزبان داشته باشد چهار کلمه بگوید کافی است شاید مؤثر واقع شود ولی مهمتر از آنهم بنده حرف دارم و آن این‌است که جنگ قریب باتمام است و اگر تمام شد برحسب قراردادمان متفقین هم از این جاخواهند رفت شما باید از حالایك فکری بکنیدنه‌ایستید که وقتی که متفقین رفتندامنیت صوری مملکت قبلاً تأمین شده باشد باید از حالا شروع بکنید اگر میخواهید امنیت ایجاد کنید موقعش حالا است (صحیح است) امنیت صوری اقلاً باید ایجاد شود این مملکت هیچوقت امنیت واقعی که نتوانسته است ایجاد کندامنیت واقعی یعنی عدالت یعنی‌عدل من زمان انوشیروان را که نمیدانم درست میگویند یانه‌من نبودم (اقبال ـ شما کوچك بودید) بله کوچك بودم« خنده نمایندگان » از زمان انوشیروان عادل باین طرف تاریخ هرچه‌هست نگاه کنید به‌بینیدعدالت آیادراین مملکت بوده است پس‌ازشما که‌ساخته نیست‌وانتظار این را کسی ندارد که بیائید عدل و انصاف را در مملکت مستقر کنید شما که نمیتوانید لااقل امنیت صوری را برای مردم تأمین کنید بعد از جنگ چه خواهید کرد من یك روز توی تجریش در میدان‌سرپل که همانطور خرابه مانده‌است (خاك برسربلدیه که اقلاً نمی‌آید خاکهایش را بردارد آقای رئیس‌الوزراء بفرمائید آن خاکها را بردارند) دیدم دو تا پاسبان را هفت هشت تاچاقو کش دوره کرده‌اند دارند کتکش میزنند عین‌این منظره را یکی از رفقای مجلسیمان که الآن این جا هست جلوی مهمانخانه‌ایران دیده‌بودندشما که منتظر صلح‌هستید منتظر خاتمه جنگ هستید لااقل امنیت صوری را تأمین کنید ولی نمیتوانید انجام بدهید شما از عهده چهارتا دزدو دغل وچاقو کش برنمی آئید چطور در کشور پهناوری‌ایجاد امنیت خواهید کرد اگر واقعاً از عهده برمی‌آئید اقلاً یك کاری بکنید که مردم‌نگرانی‌برای بعد ازجنگ نداشته‌باشند دراین جا راجع‌بتثبیت قیمت ارزاق‌من یادداشتهائی کرده‌ام ولی نمیدانم چه بگویم شنیدم که یك کارخانه براثر صحبت از خاتمه جنگ تعطیل شده‌است شاید هم مربوط به متفقین بوده در نتیجهٔ تعطیل آنجاده‌هزار نفر بیکار شده‌اند کارگر و عمله الآن روزی هفت هشت تومان میگیرد این خیلی پول است اما با این پول خودش را نمیتواند اداره کند و همیشه گرسنه است ولخت است اگر کار بهمین منوال باشد و همینطور پیش برود این مؤسسات بزرگی که هست و هزاران عمله وکارگر تویش کار میکنند و فعلاً مشغول کار هستند از بین میرود و تمام این کارگران بیکار خواهند شد صلح برای تمام دنیا نعمت است ولی برای ما متأسفانه‌نکبت ونقمت است این چهار پنج حرفی را که شما درپرگرام نوشته‌اید اینها یك کلیاتی است برای قاب کردن بدنیست که با خط جلی و نستعلیق (که متأسفانه نستعلیق هم با این ماشینیست‌هائی که آورده‌اید‌ازبین رفت) بنویسید وقاب کنید اینها برای تابلو کردن بد نیست و الا اینها همه‌یك کلیاتی است بی روح ! این‌جا نوشته اید حاکمیت قانون قانون که حکومت نمیکند حاکمیت قانون عبارت از این است که شما خودتان که یك فرد از افراد این مملکت هستید ورئیس الوزرا وشاخص هستید مراعات و ملاحظه قانون را بکنید شما وقتیکه‌دیدیداقلاً چهل‌نفر درمجلس باشما مخالف‌هستند این را که دیدید نباید بیائید بمجلس بدون اینکه بدانید اکثریت درمجلس دارید یاخیر (بعضی از نمایندگان ـ چرا اکثریت‌ندارند؟) شماوقتی که میبینید من‌یکنفر که منفرد هستم عقیده دارم که رأی قطعی شما در مجلس معلوم شود شما باید بامن هم نفس باشید رأی مجلس وقتی است که این جامعلوم شود واکثریت معلوم‌شود اگر اینکار را میکردید بضرر شما نبود بنفع شما و بنفع مملکت است ، مجلس اینجا

است : در این جا یا جلسهٔ خصوصی اکثریت نمایندگان مجلس جمع میشوند وبآن ترتیب خاص عمل‌میکنند والاآن کمیسیونها وآن تبانی هائی که درخارج هست برای مملکت کاری نمیتواند بکند باید فکر اساسی کرد . قسمت دیگر شروع باجرای قانون تعلیمات اجباری است یکمرتبه آن دکتر سیاسی آمد نزدیك انتخابات بود خواست مردم را احمق کند مدتی وقت مجلس را گرفت همانوقت هم ما گفتیم که این قانون‌قابل‌اجرا نیست می‌بینیم مدارس الآن باز شده‌ولی شما معلم ندارید جا ندارید مردم داوطلب هستند بروند مدرسه بچه هایشان را بمدرسه بفرستند ولی آنجا کسی نیست که اسم بنویسد و هرکس میرود رد میکنند (فداکار ـ در عوض هزار نفر بازرس دارند) بله من خودم رفتم بخراسان دیدم که دردهات مدرسه ندارند ولی‌یك عده باسم بازرس دارند راه میروند بعد رفتم به جوین ودیدم آنجایك مدرسه ایست مدرسه ابتدائی‌چند کلاس‌دارد ؟دو کلاس یکنفر آنجاهست هم مدیراست هم‌معلم است هم ناظم است هم‌فراش است هم‌فال بین است وهم‌دعا نویس ماهی هم صدتومان بهش میدهند یکنفر آمده بود آنجا که‌مدرسه را تفتیش کند مدرسه دو کلاسهٔ ابتدائی راتفتیش کند الآن شاگردیکه از کلاس شش ابتدائی بیرون می‌آید نه‌خواندن بلد است نه نوشتن در دفتر روز نامه من یك بچه که کلاس ده را دیده است هنوز نمیتواند یك قبض بنویسد) این بازرس آمده بود این مدرسهٔ دو کلاسه را تفتیش کند خوب کوته فبل‌این بدبخت بیچارهٔ مبتلا را که مدیرمدرسه است درآن‌گوشهٔ ده چطور بایدگرفت که ازش پول‌دربیاید؟ اگر بعقل آقایان رسید ؟ گمان نمیکنم بتوانید حدس‌بزنید گفته بود که اینجا سابقاً یك عکس شاه‌سابق بوده روی‌یك تیکه مقوا آن عکس کجا رفت و چطور شد مدیر مدرسه گفته بود وقتیکه شهریور شد سرسر شد و پا پا شد و همه در رفتند حاکم رئیس قشون هم فرار کرد و همه رفتند آن مقوا اینجا بود ممکن است بچه ها پاره کرده باشند عاقبت این موضوع به پنجاه تومان خاتمه پیدا کرده بود (یکنفر از نمایندگان ـ اسم آن بازرس را بفرمائید) بر فرض که گفتم یك بدبخت دیگری هم به بدبختها اضافه میشود خیال میکنید آن کسی را که‌میفرستند امین‌التجار است خیراوهم یك بدبخت مفلوك گرسنه‌ایست که سی تومان بهش خرج سفر میدهند واقعاً ملاحظه بفرمائیدبا این ترتیب این شوخی نیست که شما راست و رُك‌جلوی چشم ما دربرنامه مینویسید شروع باجرای‌قانون تعلیمات اجباری ؟ با چه چیزمیخواهید قانون تعلیمات اجباری را اجرا کنید ؟ اگر چنانچه شما بخواهید در قراء و قصبات یك مدرسهٔ ابتدائی (حالا شش کلاسه‌سرش رابخورد) فقط چهار کلاسه تأسیس بکنید که یك مدیر داشته باشد که ناظم مدرسه هم باشد دو تا سه تا معلم بگذارید وهمین مسجد هائی‌هم که الآن اسمش‌مدرسه است همین ها باشد (باز خدا پدر سابقین را بیامرزد که ان مساجد را درست کردند) خیال میکنید این مدارس با این ترتیب چقدر خرجش میشود ؟ اگرشما تمام بودجهٔ مملکت را هم بدهید موفق نمیشوید آقا این حرفها تعارف است و دروغ برای‌چه وقت مملکت را با این حرفها ضایع‌میکنید؟ الآن‌توی‌همین‌طهران‌همه‌مردم شاهدمن‌هستند که‌بچه‌هایشان را میبرند مدرسه بگذارند ولی مدرسه ها جا ندارند وقبول نمیکنند و نمیتوانند هم قبول کنند بنده حاضرم دست شما را بگیرم و ببرم امروز عصر نشان بدهم توی هر کلاسی‌هشتاد نفر محصل است این معلم اگر فاریابی هم باشد هشتاد نفر را درظرف نیمساعت که زنگ مدرسه است (چون میدانید هر زنگ نیمساعت یا سه ربع بیشتر نیست) نمیتواند این هشتادنفر راتدریس کند بااین‌ترتیب واقعاً خودتان بفرمائید اجرای‌تعلیمات اجباری معنی‌دارد ؟ اما شروع بایجادوسایل تحدید کشت تریاك در کشور که در برنامه شماست : این حرف را هم میزنید این چیزها را میگویند که راه معاش چند تا دهاتی را که کشت تریاك است از بین ببرند ومسدود کنند . آقا حالا وقت این حرفها است ؟ آقا این حرفها را مجمع اتفاق ملل گفت و گذاشت و رفت ودیگر کهنه شد شما اگر میخواهید فکری برای این مردم بکنید این را درنظر

بگیرید که مردی رفته است زحمت کشیده است آبیاری کرده خون جگر خورده یك من تریاك بدست آورده است برای معاش خودش وعائله‌اش این یك من تریاك ششصد تومان قیمت دارد مأمورین دزد که میروند میدانید این را ازش چند میخرند ؟ شما آقای ساعد شاید اطلاع ندارید هشتاد تومان ازش نمیخرند (دکتر کشاورز نکارد) بله . ولی نمیخواهند که اصلاً نکارند چون استفاده مأمورین دولت از بین میرود اگر میخواستند که کاشته نشود اصلاً دولت نمیخرید یا اینکه هشتاد تومان قیمت نمیگذاشت که رعیت مجبور بدزدی شود این مزرعه این زمین بیست من تریاك دارد مأمور دولت میآید این بیست من را ده من برآورد میکند ده من آنرا با آن رعیت میدزدد آنوقت آن ده من دیگر را هم کارهائی میکند که بالاخره دوسه من صورت داده میشود و از اینجا هم مأمور حق خودش را میگیرد و میرود وقتی که رفت یك عدهٔ دیگر میآیند و آن تریاك را که دهاتی با آن مأمور تبانی کرده و سهم دهاتی شده باسم قاچاق میگیرند واز این راه هم راه دخل یکعده دیگر باز میشود برای یکعده سبزواریهای بدبخت همینطور پیش آمد که آنها را آورده‌اند اینجا حبس هستند و آنها را انداخته‌اند در نظمیه. آقای وزیر دارائی خوب گوش کنید به‌بینید از عهدهٔ اینها برمیآئید ؟ خیر آقا نمیتوانید این تریاك را هشتاد تومان قیمت میگذارند ولی آنراهم برعیت نمیدهند وقتی نمیدهند اوهم مجبور میشود بدزدد یك قسمت راهم مأمور میدزدد ولی تا آخرین نفس رعیت بیچاره گرفتار است یا مالك ازش میگیرد یا اینکه مأمورین ازش میگیرند تریاکش را گرفته‌اند آخر کار از او جریمه هم میگیرند و پول تریاکش راهم نمیدهند همین بلا برای گندم هم هست برای جو هم هست مگر منحصر به تریاك است ؟ اگر این بدبختی فقط روی تریاك است بجهنم که نکارند ولی برای همه چیز هست . خلاصه این مطالبی است که شما در پر گرام خودتان نوشته‌اید واین پرو گرام راهم بنده شنیدم که یکی از آقایانی که فعلاً اینجا تشریف ندارند نوشتند و دیکته کردند و بشما دادند (فداکار ـ اسمش را بفرمائید) حالا غایب هستند چون غائب هستند اسم نمیبرم (فاطمی ـ این را بنده تکذیب میکنم) تکذیب بکنید اشکالی ندارد . عوض اینکه شما یا هرکس که زمام امور را در دست میگیرد وارد این مطالب بشود که بداند واقعاً اینموضوع تحدید گشت تریاك چیست و برای مملکت و اهل این مملکت مفید است یا خیر یك مطالب کلی را مینویسید (این مطالب یك اطلاعات جزئی است که من دارم) و شما باید چارهٔ این درد ها را بدانید شما باید الآن حاضرالذهن باشید و بدانید چارهٔ این کار چیست و الا این حرفهای پوسیدهٔ جامعهٔ مالی که تریاك را تحدید بکنید و چه نکنید این صحبت‌ها کهنه شده است ، بله این حرفها کهنه شده است (دکتر عبده ـ کهنه نشده است بنده جواب عرض میکنم) بعد بفرمائید . قسمت دیگر پرو گرام تقدیم لایحهٔ اصلاح قانون انتخابات است این را در دقیقات سابقتان اگر راست میگفتند گفتند که آقای عدل دارند مینویسند عوض این حرفها خوب بود برمیداشتید می آوردید شما از یك مطلبی باید در پر گرام خودتان صحبت کنید که برای دردهای مردم دوا باشد مردم اطمینان پیدا کنند و بفهمند که تکلیف مملکت از چه قرار است و شما چطور مملکت را اداره خواهید کرد تا برسد بانتخابات حالا که عجالتاً تا یك سال و نیم دیگر این مجلس هست وهمین آقایان هم هستند و این کار یك مطلب فوتی و فوری نیست و ارزش ندارد که درپر گرام فعلی خودتان بنویسید . قسمت دیگر کوشش برای تثبیت قیمتها است شما اگر راست میگفتید و میخواستید تثبیت قیمت بکنید میخواستید اداره تثبیت قیمتها را منحل کنید (یکنفر ازنمایندگان ـ منحل شد) منحل شد ولی بصورت دیگر درآمد منحل شد ؟ یعنی چه ؟ یعنی آن اداره که به تعداد یك بازار در آن آدم بود از مرد و زن و دختر و بچه اینهارا بیرون کرده‌اند و آن اعمال دیگر جاری نیست (خنده نمایندگان) و آن اشخاص از حوزهٔ مالیه بیرون رفتند ؟ نوشته‌اند استقلال قضات چون خیال میکنند که ممکن است بعضیها از این حرف خوششان بیاید این حرفها را الانسه کرده اند و نوشته اند برای جلب توجه ساده لوحها ؛ آقا

کدام قضات ؟ همان قضاتی که عاملین مستقیم شهربانی سابق بودند ؟ همان قضاتی که مردم را باوجود آنها خفه کردند مردم را در زندانها بیچاره کردند آیا با این یك جمله با این یك حرف پوچ (استقلال قضاة) کافی است که شما امنیت قضائی مملکت را تأمین کنید ؟ با کدام قضات ؟ اگر نوی این مملکت قاضی بود که یکنفر نمیتوانست همه را خفه کند اگر قاضی بود که کارهای خلاف را رأی نمیداد اگر میخواهید شما یك قضاتی را از آسمان بیاورید و استقلال بدهید من موافقم ولی با این آقایانی که الآن هستند و رتبه‌های قضائی دارند شما که اداری هستید فقط تا رتبه نه بیشتر نمیتوانید بالا بروید ولی آنها تا رتبه پانزده هم مینوانند بگیرند (دکتر معظمی ـ تا رتبه ۱۱) خوب تا رتبه یازده تأمین قضائی ممکن نیست: کدام قضات اگر قضاوت صحیح وعدالت بود ما این جا در مجلس گفتیم که مال مردم را که گرفته‌اند پس بدهند قانونش هم گذشت مجموع عمل دولت را بیاورید به بینیم کدام رعیت کدام مالك؟ کدام خانواده سرگردانده‌اند متواری را برگردانده از جز برهٔ قشم و ملکش را بهش پس داده‌اند؟ یك صورتی از استرداد اموال مردم بیاورید ببینیم با این ترتیب کدام قاضی را شما میخواهید استقلال بدهید خوب این همان قاضی بود که بشما فتوی داد که افشار تبرئه شده و میتوانید کار بهش بدهید اگر این حرف صحیح بود پس چرا بعد آمدند گفتند خیر نمیشود باو کار داد اگر این حرف دوم صحیح است آن چه جور قاضی بود قاضی اصلاً در مقابل مجلس شورای ملی چه حقی دارد فتوا بدهد (فریور ـ دولت بی ربط بنظر شخصی او اعتنا کرد آن نظر شخصی او بود دولت نباید اعتنا بکند) نظر شخصی را هم باید قاضی روی موازین قانونی بدهد من میگویم اگر همین فتوا هم صحیح بوده که باید اجرا کنند اگر نظر و عمل آنها مناط است عرض کردم آن ها همان اشخاصی هستند که پشت میز می نشستند و آن لباس سیاه مضحکه را میپوشیدند وفتوی میدادند به‌قتل مردم وگرفتن اموال مردم این قضاتی را که شما میخواهید استقلال بدهید همانها هستند (جمعی از نمایندگان ـ چرا توهین می کنید به قضات این حرفها چیست ؟) البته توی پنجاه نفر قاضی پنج نفر هم آدم صحیح آدم سالم آدم درست هست خدا کند که انشاءالله همه‌شان خوب باشند ولی همه اینطور نیستند اکثر همانهائی هستند که من میگویم وشما میخواهید باین قضات استقلال بدهید تازه این حرف هم یك چیز تازهٔ نیست و من خیال نمیکنم شما یك چیز تازه‌ای کشف کرده باشید از اول مشروطیت و از اول دوره دمکراسی این حرف استقلال قضاة را گفته‌اند این حرف هم صحیح است ولی هرکس بخواهد قضات را استقلال بدهد باید این نکات را در نظر بگیرد و به حساب قضاوتشان رسیدگی کند (حاذقی ـ این کار مطابق اصل ۸۳ قانون اساسی است) بعد میگوید جلوگیری قطعی از کلیهٔ عوامل و عناصری که مخل امنیت و نظم باشند (فداکار ـ یعنی خود مأمورین دولت) شما بیائید از این روح تعدی و تجاوز و دزدی و اختلاس که در ادارات مملکت هست جلوگیری کنید این کارها درست میشود شما حکومتها بقدری ضعیف هستید که ادارات خودتان را نمیتوانید درست کنید . یکی از رفقای مجلسیمان گفت که از پشت اطاق یك مدیر کلی رد میشدم دیدم که آن مدیر کل اتصالاً زنگ میزند ودوسه تا پیشخدمت که آنجا هستند هیچکدامشان از جایشان بلند نمیشوند و آن مدیر کل هم پشت سر هم زنگ میزند آن شخصی که این را نقل کرد الآن توی مجلس است خودش دیده بود که آن پیشخدمتها با هم صحبت میکردند بالاخره یکی از آنها گفت می بیند کسی تو نمیرود و جواب نمیدهیم باز هم دارد زنگ میزند (خنده نمایندگان) درست است که این یکقدری جنبهٔ شوخی دارد اما این حقیقت اوضاع و احوال و وضعیت اداری ووزارتخانه های شما است متأسفانه دمکراسی معنیش این شده است که هرکس پیش خودش یك رضاشاه باشد حتی پیشخدمت دم اطاق سرکش است . آقا باید یك انتظام و دیسیپلینی در کارها باشد شما اگر هر تصمیمی را بخواهید اجرا کنید اولین مرتبه باید انتظام در کار باشد وباید حسن وظیفه شناسی را به مأمورین خودتان بفهمانید تا وقتی که آن مرد بود یك وحشت وهراسی بود اگر یك عدهٔ تجاوز و تعدی

میکردند باز صورتاً یك نظم و ترتیبی بود که مثلاً یك پیشخدمت پشت اطاق یك مدیر کل این حرف را نزند مقصود من نظم است و الا دلم برای آن مدیر کلی هم که در آن اطاق بیکار نشسته است سوخته است سابق باز یك نظم صوری بود او رفت و اختلال و هرج و مرج بتمام معنی در این مملکت حکمفرما شد و اسم این هرج و مرج را ما گذاشته ایم دمکراسی. خوب شما و هیئت شما واقعاً مردی هستید که میتوانید از عهدهٔ انجام این مطالبی که نوشته اید بر آئید؟ (ایرج اسکندری ـ خود دولت هم مدعی نیست) من از اول صحبتم روی مجلس و خودمان بود ولی آقایان به من کمتر فرصت میدهند و نمیخواهند من صحبت بکنم (امینی ـ شما که بیشتر از همه صحبت میکنید) من از اول مجلس تاحالا آقای امینی صحبت نکردم (امینی ـ چرا خیلی صحبت فرمودید) آنها صحبت نیست دوتا کلمه گفتن صحبت نیست . عرض کنم در خارج من دیدم آقای دکتر مصدق یك طرحی تهیه کرده اند که دوازده نفر این دولت ضمیمهٔ خودش بکند برای مشورت (مهندس فریور شورای دولتی است) حالا ملاحظه بفرمائید با این فکرهای ناهموار میخواهند مملکت را اداره کنند حالا میخواهد آقای دکتر مصدق خوششان بیاید یا نیاید . . .

مهندس فریور ـ آقا توهین نکنید .

محمد طباطبائی ـ دوازده نفر شخصیت اینطور که نوشته اند در این مملکت هست یا نه ؟

مهندس فریور ـ البته هست .

طباطبائی ـ اگر هست چرا آن ها را دعوت نمیکنید که همین وزارتخانه ها را دستشان بدهید اداره کنند :

مهندس فریور ـ مقصود تشکیل شورای دولتی است و هیچ عیبی هم ندارد بسیار طرح خوبی هم هست .

طباطبائی ـ آقا شما مهندس برق هستید شما در این چیزها وارد نیستید واطلاع ندارید . . . .

مهندس فریور ـ شما که آنهم نیستید و هیچ نیستید

طباطبائی ـ این مطالب قماش شما نیست شما نمیتوانید وارد باشید .

مهندس فریور ـ آن طرح که حالا مطرح نیست . حق هم ندارید شما بکسی توهین کنید .

طباطبائی ـ من بکسی توهین نمیکنم و در پروگرام دولت هم حق دارم هر صحبتی را که میخواهم بکنم لازم نیست مطرح باشد .

مهندس فریور ـ شما میگوئید افکار ناهموار .

رئیس ـ آقایان ملاحظه کنید . آقای طباطبائی خارج ازموضوع صحبت نکنید .

محمد طباطبائی ـ شما میخواهید دوازده نفر اشخاص با شخصیت که البته میگوئید در این مملکت هست بیاورید از وجودشان ازتجربه شان استفاده کنید خوب چرا نمیآئید زمام همین وزارتخانه ها را بدستشان بدهید؟ همین ها را که شما صورت داده اید اینها را دعوت کنید برای وزارت ...

مهندس فریور ـ سفسطه میکنی .

محمد طباطبائی ـ سفسطه نیست عین حقیقت است . من میگویم چرا این دوازده نفر را نمی آورید وزارتخانه ها را دستشان بدهید وبرای مشورت دعوت میکنید (این وزیر مشاور بازی هم تازه معمول شده است) من که نزاع شخصی با کسی ندارم (دکتر معظمی ـ شما حق ندارید در مجلس شورای ملی بگوئید که در مملکت شخصیت نیست) من که نگفتم چنین شخصیت هائی نیست ولی اگر دارید همان ها را بیاورید وزیر کنید والا درقوانین هم که نیست که رئیس دولت برود یك اشخاصی را بیاورد وبگوید این وزیر مشاوراست این وزیر فلان است وزیر مشاور هم در این دوره های آخر معمول شد ... .

مهندس فریور ـ آقای طباطبائی طوری صحبت کنید که یکنفر موافق برایتان بماند .

محمد طباطبائی ـ میخواهم موافق برای من نیم نفر هم نماند برای من فرقی نمیکند من کسی هستم که حکومت سابق را خودم تنها استیضاح کردم ومیدانستم بآن رأی خواهند داد برای من فرقی نمیکند ...

دکتر عبده ـ مخصوصاً بقضات خیلی بی لطفی کردید.

مهندس فریور ـ جا دارد که از آقای دکتر مصدق معذرت بخواهید .

محمد طباطبائی ـ من که حرفی نسبت بایشان نگفتم ایشان طرحی تهیه کرده اند ورضاشاه هم نیستند که بگویند حتماً باید این طرح تصویب شود وبگذرد بنده مخالف هستم با آن طرح و کار بدی هم نکرده ام حق دارم حالا هرچه مطلب دارم بگویم .

واقعاً بدبختی این مملکت درهمین است بجای اینکه هر کسی در کارخودش باشد . اشخاص. افراد. طبقات . در کار هم دخالت میکنند اگر هر کسی برود دنبال حرفه خودش اختلال بر ما مستولی نمیشود آنوقت مهندس ساختمان هنوز از اروپا نیامده نمیخواهد وکیل بشود و پل تجریش همین طور خراب بماند .

مهندس فریور ـ پس میخواهید هر چه بیسواد است بیاید مجلس ؟

دکتر زنگنه ـ (خطاب بآقای سید محمد طباطبائی) شما حق ندارید اینطور صحبت بکنید .

محمد طباطبائی ـ گوش کنید آقا شما یك الف. ب هم نمیتوانید بنویسید .

دکتر زنگنه ـ شما حق ندارید بطبقه تحصیل کرده توهین کنید .

محمد طباطبائی ـ شما حق ندارید وسط حرف من صحبت بکنید .

دکتر زنگنه ـ شما تصدیق شش ساله ابتدائی دارید؟

مهندس فریور ـ رئیس جمهور فرانسه لبرن . مهندس است بیسواد .

محمد طباطبائی ـ تو سواد داری؟ اگر سواد داشتی که میرفتی دنبال کار برق .

رئیس ـ (خطاب بآقای محمد طباطبائی) آنوقت که من میگفتم خارج از موضوع صحبت نکنید برای همین حرفها بود .

دکتر اعتبار ـ بنده اخطار نظامنامه ای دارم .

رئیس ـ بفرمائید .

دکتر اعتبار ـ بنده درموقعیکه ایشان صحبت میکردند اجازه خواستم ولی آقای رئیس اجازه ندادند بعقیده بنده آقای رئیس مجلس نباید اجازه بدهند که هرکسی هرچه بدهنش میآید بگوید (صحیح است) این مادهٔ ۱۲۹ نظامنامه است که میگوید :

مؤاخذه بامنع حضور در موارد ذیل است :

اولاً نمایندهٔ که پس از مؤاخذه درهمان جلسه مجدداً از دایره نظم خارج میشود .

ثانیاً نمایندهٔ که در ظرف ششماه دومرتبه مؤاخذه شده باشد .

ثالثاً نمایندهٔ که مردم را در مجلس علنی بزدو خورد یا جنگ خانگی یا بضدیت و نقض قوانین اساسی دعوت و ترغیب نماید .

رابعاً نمایندهٔ که نسبت بمجلس یاقسمتی ازمجلس یا برئیس هتك شرف نماید .

خامساً نماینده که نسبت بیك یاچند نفر از هیئت دولت فحش داده یاتهدید نماید .

سادساً نماینده که نسبت بدولت توهین نماید .

(خطاب بآقای محمد طباطبائی باعصبانیت) حرف شما از اول تاآخر فحش و توهین بافراد مجلس بود .

رئیس ـ برای همین بود که بایشان گفتم خارج ازموضوع و خلاف نزاکت صحبت نکنید گفتند که در برنامهٔ دولت میخواهم صحبت بکنم بعد وارد موضوعهای دیگر شدند.

امینی ـ (خطاب بآقای رئیس) آقا اداره بکنید مجلس را چه حق دارد اینطور صحبت کند .

رئیس ـ آقایان در ضمن صحبتشان نباید از موضوع برنامهٔ دولت خارج شوند آقای فاطمی چنانچه مایلید همانطور که اجازه خواسته اید بنام موافق صحبت کنید بفرمائید .

فاطمی ـ عرض کنم قبل از اینکه بپردازم بجوابها و تهمتهائیکه آقای طباطبائی نسبت بیکعده از رفقای بنده و خود بنده زدند در قسمت اخیر ~~اظهارایشان~~ که چون در مجلس راجع بقضات صحبت شد میخواهم عرض کنم که

عقیده مجلس باعقیده‌شخصی‌ایشان مخالف‌است (صحیح‌است) قضات پاکدامن بسیار داریم‌و یکعده ازآنها در خود مجلس عضویت دارند و سه نفر از قضات پاکدامن شما الآن وزیر هستند آقای طباطبائی شما حق ندارید نسبت بقضات توهین کنید یکی از قضات همین آقائی است که نزد شما نشسته (اشاره بآقای زرین‌کفش) وتحت تأثیر شهربانی وقت نرفت و محمد باقر گلپایگانی معروف را همین قاضی تبرئه کرد حالا شما بقضات توهین میکنید ؟ اما یك سلسله اظهاراتی ایشان کردند راجع بجریانات مجلس ایشان گفتندخوب نیست که در مجلس این حرفها گفته شود ولی بنده خیلی میل دارم گفته شود حرفهای مشروطه در خود مجلس باید گفته شود باجلسه خصوصی همیشه مخالف هستم برای اینکه‌باید مطالب بانهایت صراحت و حقایق گفته‌شود تاآنهائیکه‌ما را فرستاده‌اند این موضوعات را قضاوت‌کنند و آنهائیکه موکل دارند موکلینشان قضاوت کنند عرض کنم دیگر این مطالبی که آقا گفتند تطبیق با آن ماده قانون اساسی که ایشان خواندند نمیکند سابقهٔ که ماداریم این است که اولاً قانون اساسی بعد از قوانین آسمانی‌فوق سایر قوانین است البته باید هرکاری که میکنیم مطابق قانون اساسی باشد و رعایت قانون اساسی را بکنیم ماده صریح قانون اساسی این است که عزل و نصب وزراء با پادشاه است .

ایرج اسکندری ـ بفرمان شاه است .

فاطمی ـ از زمان نیابت سلطنت مرحوم ناصرالملك یك فورمولی درست شد چون از طرفی مجلس شورایملی حق دارد که اگر یك هیئت دولتی را خوب ندید رأی‌عدم اعتماد بدهد حالا برای اینکه بهیئت دولت برنخورد قبلاً تمایل مجلس‌را بوسیله وزیر دربار وقت توسط رئیس‌مجلس میخواستند حالا میخواهم به‌بینم در ایندفعه چه‌خلاف نظامنامه‌ای یاخلاف قانون اساسی واقع شده است ؟ تقریباً در یکماه‌قبل بین سه فراکسیون مجلس مذاکره بودبرای رفع همین عیوبی که آقای آقاسید محمد طباطبائی در آخر بیاناتشان فرمودند والبته هم‌من وهم رفقای من و هم‌دولت و هم مردم موافق هستند که یك دولتی بیاید درمجلس که یك اکثریت قوّی داشته باشد همان انوشیروان عادلی که ایشان گفتند اگربیاید رئیس‌الوزراء شود ومجلس ما بهمین حال باشد ازعهده هیچ‌کاری نمیتواند برآید (صحیح‌است) باید درهرحال یك دولتی بیاید سرکار ویك اکثریت‌ثابت وقوی پشتی‌باش باشد .

دکتر کشاورز ـ وصالح .

فاطمی - وصالح که باو بگوید حساب جمع باشد وبرو سراغ کار خودت ومشغول کارت باش وهرقانونی که داری بیاور ما بگذرانیم و هرپشتیبانی که میخواهی ما ازت میکنیم ولی نه آنطور که تا حالا عمل میشد درست است که با مملکت نمیشود شوخی‌کرد این نظر شما درست است اما ما برای‌چه این کار را کردیم؟برای‌این این کاررا کردیم که در این موقعیت دنیا احتیاج داریم بیك دولت ثابتی‌که هم بتواند کارهای داخلی را اداره‌کند و هم‌حواسش جمع باشدکه حقوق ایران را در دنیا حفظ‌کند حالا این اتفاق علی‌رغم یکعده‌ای واقع شده‌است وبرخلاف میل یکعده‌ای واقع شده است تکذیب نمیکنم . که وقتی هیئت مؤتلفه درست شد از دولت گذشته ساعد ناراضی بود این هم هیچ عیب نداشت اصل ٦٧ قانون اساسی است‌که میگوید :

در صورتیکه مجلس شورای ملی یامجلس سنا با کثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر ازمقام وزارت معزول میشود در این‌که تردید ندارید که این سه فراکسیون اکثریت مجلس‌بود وچون اکثریت بود اکثریت عدم‌رضایت‌خودش را اظهارکرد وبنده نمیگویم آنها خلاف‌کردند خیر بسیار مردمان خوبی هم هستند بنده میگویم ممکن است بعداًهم ازآنها استفاده کنند اما مجلس اینطورکرد

یکی ازنمایندگان ـ پس چرا حالا نکرد ؟

فاطمی - بنده هم‌که دارم دفاع میکنم از این هیئت

دولت اگر وقت دیگر دیدم‌که این هیئت دولت خوب کار نکرد من از شما مخالف‌تر میشوم بنده میگویم بایداسباب ووسایل‌کاررا بدست دولت‌دادو گفت بروباخاطرجمع کارکن اگر دولتی را که شما آن وسایل را بدستش دادید رفت ونتوانست‌کارکند یایك موانعی دارد بایدبیاید پشت تریبون بگوید آقایان شما که این کار را بمن داده‌اید این موانع هست باین جهت من نمیتوانم کارکنم اگر نیامد این‌حرف را بزند آن دولت مقصر است بنده الان در اینجا از این دولت مدافعه میکنم وورقه سفید هم میدهم و تا بتوانم تقویت خواهم کرد اما اگر دولت رفت و کار نکرد بنده خودم مخالفت خواهم‌کرد خودم ازآندولت استیضاح میکنم پس بنابراین مطلب اینطوراست ودولت‌آقای ساعد استعفا داد بعد همانطورکه گفتند آقای ساعد تشریف آوردند در هیئت مؤتلفه یعنی نمایندگان سه فراکسیون‌که اکثریت داشتند واظهار تمایل‌کرده‌اند آمدند آنجا با آنها ملاقات کردند .

محمد طباطبائی ـ پس‌میخواستید بیایند باشماملاقات کنند ؟ (همهمه نمایندگان) (زنك رئیس)

فاطمی - صبر کنید آقا یا شما مجتهدید یا مقلد اگر خودتان ازخودتان یك چیزی در میآوریدکه چه عرض‌کنم والبته مقررات همان است‌که داشتیم آقای رئیس هم همانروزیکه مجلس تشکیل‌میشد وهیئت مؤتلفه تشکیل شد فرستادند پشت‌سرآقایان منفردین درصورتیکه اگرمن‌بودم نمیفرستادم .

دکترعبده - متشکریم

فاطمی - آقای دکتر عبده بنده رودربایستی ندارم مطالب را خیلی صریح عرض میکنم حالا دلیلش را هم عرض میکنم فراکسیون توده البته یك فراکسیونی‌است که اقلیت است و اقلیت هم همه‌جا محترم است اکثریت هم باید رعایت اقلیت را بکند در پارلمان انگلستان هم اینطور است‌که فقط با اقلیت و اکثریت صحبت‌میشود در هیچ‌کجای دنیا رسم نیست‌که ازمنفردین دعوتی شود اگر میگوئیداینطورنیست‌تلگراف کنیدبنده‌حاضرم‌پول‌تلگراف رابدهم واز آنجاسئوال‌کنید لازم نیست پارلمان دور برویم ممکن است ازکشورهمسایه ما مصر سئوال‌کنید درانگلستان حتی حقوق لیدر اقلیت از نخست وزیر بیشتر است اگر بخواهندکه یك دولتی تشکیل دهندازه‌منفردین سئوال نمیکنند ازدانه دانه منفردین هم سئوال نمیکنند از لیدر اکثریت مجلس تمایل مجلس را می‌خواهند ومیپرسند

یکنفر از نمایندگان ـ اینطور نیست آقا

فاطمی - نه آقا نفرمائید این‌که عرض میکنم توی چشم مجلس عرض میکنم اگر اینطورنبود بنده‌را ملامت کنید اگر بنده هم رئیس بودم‌همانطورکه‌گفتم ازمنفردین دعوتی نمیکردم

یمین اسفندیاری ـ انشاءالله که اجازه خواهید داد

فاطمی - بله ؟ چه فرمودید ؟

یمین اسفندیاری ـ عرض‌کردم هروقت شما رئیس شدید دعوت نکنید

محمد طباطبائی - اگر کار مجلس بجائی رسید که رئیسش‌هم شما بشوید دیگر هیچ

فاطمی ـ (باحال عصبانی وصدای بلند خطاب بآقای سید محمد طباطبائی) بنده داوطلب ریاست نبوده و نیستم پهلوی اگر برای همه بدبود برای امثال توکه خوب بود بی انصاف بی‌مروت آنروزیکه من در زندان بودم تو بزور پهلوی‌با دسیسه‌ازساوه‌وکیل‌شدی‌چراخلط مبحث‌میکنی ؟

محمد طباطبائی ـ قضیه حبس شما را باید از دیوان جزا پرسید .

فاطمی ـ از هرجا میخواهید بپرسید تمام مردم مرا می‌شناسند اگر قضات در آن دوره مردم را بیخود محکوم میکردندبرای‌این‌بودکه وکیلشان‌توبودی شماها نمیخواهید و نمیگذارید مملکت بهتر شود اگر میخواستید اینطور نمیشد ما هم علی‌رغم شما میایستیم‌فریاد میزنیم‌کارمیکنیم هرقدرهم حوصله میکنیم نمیگذارند بیا به بینیم من‌وکیل تحمیلی نائین هستم تو وکیل سبزوار درست هستی ؟

بهرحال این مواد قانون اساسی که نوشته شده است اینها همه‌اش مربوط به توی مجلس شورای ملی است نه مربوط به بیرون مجلس دلیلش این بوده است که همیشه رئیس مجلس تمایل اکثریت را میخواسته‌است وبعرض ملوکانه میرسانیده است واین دفعه هم همینطور شده است معهذا بنده قطع دارم دو مرتبه جلسه خصوصی تشکیل دادند آقای رئیس آقایان منفردین را دعوت کردند منتها آقایان نخواستند و اظهار تمایل نکردند و نگفتند که ما چه کسی را در نظر داریم و نیامدند کمك کنند که فلان شخص رئیس الوزراء شود .

دکتر زنگنه ـ خجالت میکشیدند .

کام‌بخش ـ از ما بعد از خاتمه قضایا دعوت کردند .

فاطمی ـ بایستی همینطور هم باشد وقتی که نظر سه فراکسیون که اکثریت داشته باشد حائز شد بعداً باید از شما ها هم دعوت کرد چون خودتان را رسماً باقلیت معرفی کردید من خودم را رسماً مدافع حقوق اقلیت معرفی میکنم برای اینکه ممکن است یك روزی خودم جزء اقلیت باشم آقای آقاسید محمد طباطبائی یك تهمتهائی بیکعده از رفقا زدند خواستم عرض کنم که خلاف واقع وخلاف قانون در هیچ قسمتی مرتکب نشدیم ایشان یك چیزهائی گفتند که شما رفتید ویك عده ای را بعنوان وزیر تحمیل کردید بنده این قسمت را جداً تکذیب میکنم و چنین چیزی نبوده است اگر آقای نخست وزیر مشورتی کرده باشند با یك عده‌ای و یك عده‌ای را درنظر گرفته باشند این مانعی ندارد که یك اسامی ذکر شده باشد و این موضوع بهیچوجه نباید موجب این بشود که بگویند یك عمل خطائی کرده باشند خیر همیشه مجلس میتواند با دولت دراین قبیل موارد تشریك مساعی کند و بهترین دلیل هم فراکسیون اتحاد ملی امت در صورت مجلسش موجود است که اصلا رأی گرفته شد که دراین باب وارد صحبت نشوند یعنی کسی را تحمیل نکنند میخواهم به‌بینم چه عیبی دارد که اگر آقای نخست وزیر مشورت کرده باشد مگر یك صورت عده‌ای را اکثریت مجلس برداشت و رفت داد بآقای نخست وزیر که حتما باید این عده را انتخاب نمائید ؟ همچو چیزی بود ؟ چه عرض کنم ؟ خیلی خلاف واقع بشما گفته‌اند ولی اگر شخص آقای نخست وزیر میل بکند که بانماینده ملت و اکثریت مجلس مشورت کند چه مانعی دارد ایشان هیچوقت نمیروند با اشخاصی که مخالفشان است مشورت کنند مثلاً یکی از اظهاراتی که ایشان کردند این بود که چرا نیامد توی مجلس بنشینید و ورقه بی اسم بدهید اینها برخلاف اصول است دولت باید طرفدارانش را بشناسد طرفداردولت باید معلوم باشد اینها یك چیزهائی است که اگر دولت خوب کار نکند ما هم که طرفدار دولت هستیم مخالفت خواهیم کرد ماها بین خداوخلق وموکلین خودمان مسؤلیت داریم پس همیشه باید دولت طرفدارانش را بشناسد کجا همچو چیزی است که بیایند باورقه های بی اسم دولت را معین بکنند ؟ در آن مجالسی که بنده بودم و ایشان نبودند این چیزها معمول ما نبود معمول ما رعایت مقررات و نظامات و وظایف بوده است و تا بحال که این عمل را ما کردیم هیچکدام بر خلاف اصول نبوده اما یك اظهاراتی درآخر بیاناتشان کردند چون میدانم مجلس خسته است و خود بنده هم در حال طبیعی نیستم چون اظهارات ایشان راجع بیك قسمت بنده را عصبانی کرده است میترسم خارج از نزاکت بشوم عجالةً عرایضم را خاتمه میدهم تا بعداً گر نوبت به بنده رسید بقیه صحبتهای خودم را خواهم نمود .

(صحیح است)

رئیس ـ الآن یك ساعت و خردهٔ از ظهر میگذرد آقایان چه نظری دارند ؟ ادامه بدهیم یا جلسه را ختم کنیم ؟

نمایندگان ـ بله ادامه دهید .

رئیس ـ آقای مهندس فریور برطبق ماده ۱۰۹ میتوانند دفاع ازخود بنمایند .

مهندس فریور ـ عرض کنم آقای طباطبائی در ضمن مذاکرات بی‌سروتهشان اول شروع کردند بتوهین تمام قضات

بنده از آنهائی نیستم که دو آتشه باشم و بگویم همه شان خوب هستند البته همه سرتا پای یك کرباس هستیم البته در بین آقایان قضات اشخاص خوب وپاکدامن زیاد وجود دارد (صحیح است) وامیدوارم که اکثریت این طبقه از اشخاص باشرف باشند اساساً برای یکنفر که خودش را نماینده ملت میداند اینطور جایز نیست که پشت تریبون مجلس شورای ملی برود وبیکی از ارکان اربعه مشروطیت اینطور متجاسر اند صحبت کند (صحیح است) آقای فاطمی خوشبختانه جواب ایشان را دراینخصوص دادند و گفتند آنوقتی که آن قضات آن کار را میکردند تو وکیلش بودی یعنی اگر اعتراض میکردی آن قاضی جرأت نمیکرد که برخلاف قانون عملی بکند یك مطلب دیگر اینکه پریدند به بنده و گفتند تو مهندس برقی واین کلمات قماش تو نیست یعنی این کلمات را نمی‌فهمی البته بنده نمیخواهم بگویم که این حرف چقدر دلیل بر عوامی گوینده است اگر ما بگوئیم که مهندس باید دنبال کار خودش برود و دکتر درطب دنبال کار تخصصی خودش باشد آنوقت حصر کرده‌ایم وکالت مجلس را بیك عده‌ای که تقریباً گفته‌ایم که حتی تصدیق شش ابتدائی هم نداشته باشند در ادارات شرط ورود داشتن دیپلم و لیسانس است برای نمایندگان رسمی مجلس سواد فارسی کافی است برای وزیران که هیچ قید و شرطی نیست نگار من که بمکتب نرفت وخط ننوشت بغمزه مسئله آموز صد مدرس شد شاید مقصود ایشان این بوده است که رویهمرفته طبقه تحصیل کرده ها نباشند توی این خطها و حصر بشود بطبقه بیسوادها و البته ایشان شانس انتخاب شدنشان شاید بیشتر باشد والا میدانند که اغلب زعمای ممالك اروپا وامریکا از تحصیل کرده‌های حقوق ازمهندسین از اطباء درجه اول بوده‌اند مانند لبرن رئیس جمهوری فرانسه

ایرج اسکندری ـ پنلوه بود

مهندس فریور ـ بله پنلوه بود لئون‌بلوم بود از سیصد وشصت وچند نفر وکلای فرانسه پنجاه ونه نفرشان فقط مهندسین بودند البته دیگران هم اشخاص تحصیل کرده‌بودند یك مهندس اقلا پس از تصدیق متوسطه شش یا هفت سال دیگر هم درس خوانده است تو که بیچاره تصدیق متوسطه را که نداری هیچ تصدیق ابتدائی را هم نداری

رئیس ـ آقای طوسی

طوسی ـ بنده میخواهم استدعا کنم که جلسه بعنوان تنفس ختم شود و بقیه مذاکرات بعصر امروز موکول شود (همهمه نمایندگان)

عده‌ای ازنمایندگان ـ خیر آقا ، فردا . فردا

بعضی از نمایندگان ـ بعد ازظهر جلسه باشد

برخی دیگر از نمایندگان ـ شب جلسه باشد

طوسی ـ مقصود عرضم این‌است که تنفس شود که مجال صورت مجلس نوشتن نیست .

رئیس ـ اگر آقایان موافق هستند که همان پنجشنبه جلسه خودمان باشد

بعضی از نمایندگان ـ خیر فردا جلسه باشد . . .

رئیس ـ آقایان صبر کنند تا رای بگیریم (همهمه نمایندگان) چون اختلاف است جلسه همان چهارشنبه باشد یکساعت و ربع بعد ازظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و یکساعت پیش ازظهر روز چهارشنبه بیست و دوم مجدداً تشکیل گردید

رئیس ـ دستور امروز برنامه دولت است ولی برای اینکه ضمن صحبت‌های مجلس وخارج جلسه علنی اشاراتی شده است بوظایف هیئت رئیسه دراین‌باب لازم است مختصر توضیحی راجع به وظیفه خودم عرض کنم . راجع بجریان اکثریت وتشکیل دولت بنده برحسب روشی که دارم البته شرکت نداشتم یعنی نه در جلسات آقایان و نه در مذاکرات وارد نمیشدم حتی در روز آخر که این‌قضیه خاتمه پیدا کرد بنده اصلا درمجلس حاضر نبودم یعنی‌چون جلسه نبود و بنده هم کار داشتم مجلس نیامدم . شبی که بنده از منزل دزاشوب به‌تجریش منزل یکی از دوستان رفته‌بودم ازمنزل یکی از همسایگان صاحبخانه اطلاع دادند که بوسیله تلفن بنده را از مجلس میخواهند بنده نگران شدم که چه اتفاقی

افتاده که بنده را در اینموقع خواسته‌اند پای تلفن به بنده گفتند که آقایان نمایندگان فراکسیونها راجع با کثریت و کاردولت صحبت میکنند آقای نخست‌وزیر استعفا کرده‌اند واعضاء سه فراکسیون مجدداً به آقای نخست‌وزیر اظهار تمایل کرده‌اند و از دربار خواسته‌اند که آقای وزیر دربار برای اعلام استعفاء ایشان وکسب تمایل مجلس بیایند ولی از طرف اعلیحضرت برای استحضار از جریان امر بنده را خواسته‌اند و بنده چون در منزل نبودم سه چهار مرتبه از مجلس واز دربار بمنزل تلفن کرده‌اند وبالاخره بانشانی که از منزل داده بودند بنده را پای تلفن خواستند و من‌هم برای اینکه ازطرف اعلیحضرت احضار شده بودم شرفیاب شده و آنچه راکه از مجلس پای‌تلفن به بنده گفته‌بودند عرض کردم همچنین سابقه تشکیل اکثریت‌را هم عرض‌کردم‌وصبح هم آمدم بمجلس و به نمایندگان فراکسیونها و بعضی ها اطلاع دادم و به آقایان عرض کردم بایستی به آقایان منفردین و فراکسیون توده هم اطلاع داده شود آقایان هم گفتند که بایستی آقای وزیر دربار بیایند اینجا و استعفای کابینه را اعلام کنند و تمایل مجلس را بخواهند . بنده خودم شخصاً از نظر و فتوای شخص خودم اساساً باین ترتیب موافق نبودم یعنی عقیده بنده این بود که بایستی رئیس مجلس احضار شود و استعفا کابینه بوسیله رئیس مجلس اطلاع داده شود و تمایل آقایان نمایندگان هم همینطور بوسیلهٔ رئیس مجلس به عرض برسد چنانکه رئیس مجلس‌های سابق هم اینطور بوده است و این نظر خود را به آقایان اظهار کردم ولی آقایان نمایندگان فراکسیون ها اظهار کردند سابقه سنه گذشته این طریق بوده است بنده‌در قدیم(چون بنده تابع نظرا کثریت‌هستم) .. (رفیع ـ شما بر همه ما رئیس هستید آقا) بسیار خوب . این بود که بنده به دربار اطلاع دادم که آقایان منتظرند که آقای وزیر دربار بیایند استعفای دولت را اعلام کنند و نتیجه تمایل اکثریت را هم به عرض برسانند بعد هم اطلاع دادم به آقایان منفردین که آمدند در اطاق تنفس و قضایا رابه ایشان اطلاع دادم وهمچنین بتوسط آقای کامبخش به فراکسیون توده اطلاع دادم زیرا معمول نبوده است که به‌افراد فراکسیونها اطلاع داده‌شود بلکه بوسیله یکنفر اطلاع داده میشد بعد هم آنها نظر شان‌را اظهار میداشتند . اینکه گفته میشود قبلا به آقایان منفردین اطلاع داده نشده (طباطبائی ـ خود آقا هم قبلاً اطلاع نداشتید) بلی بنده سابقه نداشتم زیرا همان شب این ترتیب پیش آمده بودولی چون نظرم این بود که از آقایان منفردین بپرسم این بود به آقایان اطلاع‌دادم و در اطاق تنفس آمدندبعد دیدم‌تمایل دارند با یکدیگر صحبت کنند بنده گفتم برای اینکه تنها باشیدو بهتر بتوانید آزادانه‌صحبت کنید بنده‌مرخص‌میشوم و بعداز آنکه آقایان مذاکراتشان را کردند نتیجه‌رااطلاع دهند حتی یکی‌از آقایان که گویا آقای امیر تیمور بودند راجع به این عمل بنده اظهار تشکر کردند بعد هم آقای وزیر دربار آمدند اینجاو جریان را به ایشان گفتم و آقای امیرتیمور هم‌بعداً ازطرف آقایان‌منفردین جریان مذاکرات آقایانرا در حضور آقای وزیر دربار بیان کردند و بنا شد به عرض برسد از طرف فراکسیون توده هم دیگر اطلاع به بنده نرسید . مقصود بنده از این عرایض این است که بنده وظیفهٔ که داشتم به قدر مقدور انجام دادم و بهیچوجه خلاف ترتیبی واقع نشده واگر قبلاً بنده آقایان‌رانخواستم یا ندیدم و نگفتم از این جهة بوده است که قبلاً اطلاع نرسیده بود وپس از وصول اطلاع صبح‌همانروز که عرض‌شد به آقایان اطلاع دادم این است که به عقیده بنده در این موضوع جای اعتراض وایرادی نیست و البته اینجا موافق هست . مخالف هست ، اکثریت هست ، اقلیت هست اینها مربوط به بنده نیست و بنده باید تابع افکار اکثریت مجلس باشم وآنچه را اکثریت مجلس میگوید آن را تعقیب کنم نظر دیگر بنده این بود که راجع به مذاکرات جلسه گذشته مجلس وداخل در موضوع یا خارج از موضوع بودن اعتراضاتی نسبت به بنده‌میشود خواستم این راحضور آقایان عرض کنم که خود آقایان‌از اطراف اظهار کردند

بگذارید حرفها تماماً زده شود و هر کس هرچه دارد بگوید و بنده هم بر حسب این نظر آقایان دخالتی در نطق‌ها نکرده و حالا اگر آقایان میخواهند نظامنامه اجرا شودبنده بایدموادنظامنامه‌را رعایت کنم وازمذاکرات خارج ز موضوع جلوگیری بکنم که دیگر آقایان بر خلاف نظامنامه ضحبت نکنند حالا بسته است بنظر آقایان

جمعی از نمایندگان ـ دستور دستور .

رئیس ـ مذاکره در برنامه دولت است آقای اردلان بفرمائید .

اردلان ـ بنده اسم خودم را بنده مخالف برنامه دولت در لایحه ایکه آنجا آویخته شده است ثبت کردم و بنا براین اگر عرایضی میکنم امروز راجع به مخالفت بابرنامه است و الا با شخص آقای ساعد و آقایان وزرائیکه انتخاب فرمودند اعتماد و اطمینان کامل دارم و از جناب آقای رئیس خیلی تشکر میکنم که در نظر داشتند از منفردین راجع به تشکیل کابینه نظر بخواهند ولی آقای فاطمی در جلسه گذشته فرمودند که این نظر را نداشته اند واگر تلگراف هم به ممالک مشروطه اروپا میکردند و از آنها استعلام میکردند آنها هم هیچوقت از منفردین راجع به هیئت دولت سئوال نمی کردند واین فرمایش آقای فاطمی هم در تمام جراید نوشته شده اگردر حال حاضر بنده که یك نفر منفرد هستم در این قسمت سکوت بکنم مثل این است که راضی بوده ام در این قسمت ولی از حیث ممالك خارج کاملاً صحیح‌است‌وامامممالك خارج‌نمایندگانشان را احزاب کاندید می کنند شما در بلژیك بشریف ببرید در هلند تشریف ببرید در سویس تشریف ببرید در تمام ممالك احزابی هست که کاندیدها را معلوم میکنند آن اعضاء که‌میآیند به‌مجلس در فراکسیون پارلمانی آن‌حزب عضویت‌پیدامیکنند بنابراین منفردصورت‌صحیحی‌ندارد که ازش سئوال‌بکنندولی درایران‌اینطور نیست وبعدممکن‌است اینطوربشود ولی‌امروز که احزاب درایران‌نیست ۸۰ درصد از آقایان نمایندگان که در اینجا انتخاب شده اند اینها البته روی حزب انتخاب نشده اند و بنده از آن اشخاصی هستم که نظر بسوابق خانوادگی و مساعدتهای ذی قیمتی که آقای آصف به بنده فرمودند از کردستان انتخاب شدم ولی حزبی در کردستان نبود که از کردستان بنده را انتخاب بکنند که حالا بنده بیایم در فراکسیون پارلمانی آن حزب عضویت داشته باشم ولی با این حال چطور ممکن است که بنده را ازحق مشروع‌خودم برای اینکه در امرتشکیل هیئت دولت شرکت بکنم محروم بکنند بعقیده بنده اینطور نیست بنا بر این از آقای فاطمی خواهش میکنم که اگر در جراید سهوا نوشته‌اند یا بنده سهوا شنیده ام و یا این فرمایشی که فرمودند نظر خودشان بوده توضیح بدهند و البته نظر اکثریت مؤتلفه فراکسیون ها هم اینطور نبوده و الا چطور ممکن است که ۳۱ نفر اگر ۵ نفرشان فرض کنیم دستهٔ یا فراکسیونی تشکیل بدهند حق اظهار نظر در تشکیل دولت دارند ، اما ۲۶ نفرشان اگر منفرد باشند این حق را ندارند ؟ این ترتیب گمان نمیکنم درست باشد و اما درعین حال بنده خیلی خجلم از طرز صحبت آقای طباطبائی بنده حقیقةً خجل و شرمنده شدم برای اینکه ممکن‌بود مخالفت‌را با یك طرز بهتری کرد بنده هم بعنوان مخالف صحبت میکنم ولی امیدوارم که هیچوقت از نزاکت خارج نشوم (صحیح است) عرض کنم که اما مخالفت بنده بابرنامه ، عرض کردم که بنده نسبت به آقای ساعد و وزرائی که انتخاب کردند مخالفتی ندارم و نسبت به شخص آقای ساعد برای اینکه ایشان یك رکن مهمی بودند که موفق شدند پیمانی بامتفقین به بندند که مفید باشد (وانشاءالله امیدوارم ما روزی بتوانیم نتیجه‌خوبی از این پیمانی که با متفقین بسته‌اند بگیریم و امیدوارم که این آرزوهائی که داریم نتیجه خوبی از این پیمانی که با متفقین بستیم برآوریم و گمان میکنم که این آرزو در دل بنده تنها نباشد و در دل تمام افراد نمایندگان و حتی تمام افراد ملت باشد و انشاءالله امیدواریم هرچه زود تر جنگ جهانی باموفقیت کامل متفقین ماخاتمه پیدا کند) همه‌میدانند ما هر چه در ایران در اختیار داشتیم به متفقین خودمان

دادیم و امیدواریم که آنها هم در موقع صلح فداکاری های مارا فراموش نکنند و بعداً از آقای ساعد بنده مخصوصاً تشکر میکنم که یك عناصر جوانی را در کابینهٔ خودشان شرکت دادند ولی باید باین عناصر جوان بنده عرض بکنم که هر نظریاتی و هر عقایدی و هر افکاری که قبل از رسیدن بمقام وزارت داشتند حالا هم که بمقام وزارت رسیده‌اند باید همان افکار وعقایدرا دنبال وانجام بدهند ، والا اشخاصیکه پشتیبان آنها بودند پشتیبان افکار آنها بودند از رفتار آنها روی میگردانند حالا استدعا میکنم از آقای نخست وزیر که نسبت به پیشنهادات و نسبت بتقاضا های این عناصر جوان کاملاً حمایت وتقویت بکنند که آنها بتوانند بموفقیت نائل بشوند اما مخالفت بنده با برنامه : آنچه خودم توجه کردم و توصیف میکنم مخالفت بنده یك مخالفت منفی نیست بلکه یك مخالفت مثبت است باین عبارت که یك مطالبی را بنده برای اصلاحات مملکت ضروری میدانم که در برنامه میبایستی نوشته بشود و میبایستی دولت بآن عمل کند و این مطالب در برنامه دولت نیست باین لحاظ بنده با این برنامه مخالفت میکنم با عرض این مراتب بنده راجع باین مطالب بعرض آقای نخست وزیر ووزراء میرسانم البته مطالب بنده را گوش میدهند اگر دیدند یك مطالب شدنی و قابل انجام است خود آقای نخست وزیر و وزراشان به بنده خواهند فرمود که این کار راخواهیم کرد آنوقت البته مخالفتی از طرف بنده باقی نخواهد ماند و هم امیدوارم باقی نماند و بنده هم بتوانم از موافقین دولت باشم البته اصلاحات در مملکت باید خیلی زیاد بشود واگر بنده هم بخواهم زیاد صحبت بکنم این انصاف نیست وهر کسی باید باندازه سهم خودش صحبت کند برای اینکه سایر آقایان هم اجازه خواسته‌اند نوبت به آنها هم برسد فعلاً عرایضی که من دارم یکی راجع بوزارت فرهنگ است و دیگری راجع به وزارت دارائی است راجع به این دو موضوع بنده نظریاتی که دارم در برنامه دولت به هیچ وجه ذکری از آن ها نشده حالا بنده عرض میکنم و امیدوارم که هیئت دولت هم بعرایض بنده توجه خودشان را معطوف

بفرمایند و اما راجع بوزارت فرهنگ گمان میکنم یك حقیقت مسلمی برای ما نمایندگان ملت وافراد مملکت باشد که سطح معلومات در این چند سال اخیر عوض اینکه بالا برود پائین آمده است واگر وزارت فرهنگ ودولت مانوجه نکنند باینکه سطح معلومات بالابرود وهمینطور پائین بیاید چه زیانهائی برای فرهنگ عمومی کشور خواهد داشت بنده توجه آقای نخست‌وزیر را جلب میکنم که دولت ووزارت فرهنگ بایستی توجه بکنند باینکه سطح معلومات حتماً بالابرود دراین مملکت وتا مملکت بیك دانش حقیقی نرسد به هیچ جا نخواهد رسید وقتیکه یك تکه کاغذ بآدم بدهند و بگویند که آقا شما تصدیق فلان دارید دانش البته این نیست دانش آن است که شخصی بتواند یکزحمتی که کشیده باشد بمورد عمل بگذارد و حالا یك عواملی هست در وزارت فرهنگ که باعث شده است این سطح معلومات درمملکت ما عوض اینکه صعود بکند نزول کرده است ، بنده یکی یکی آنچه که بخاطر رسانیده‌ام بعرض میرسانم امیدوارم که توجهی بآن بفرمایند اولش وزارت فرهنگ ما اگر بخواهد یك اساسی داشته باشد دراین مملکت بایستی پایهٔ برنامه‌اش راروی یك جای ثابت ومحکمی بگذارد پایه وزارت فرهنگ ما یعنی برنامه‌های مدارس روی شورای عالی فرهنگ است متأسفانه این شورای عالی فرهنگ تحت نفوذ و تحت تأثیر ونظر وزیر فرهنگ وقت همیشه درنوسان است یکروزمی بینیم آقای دکتر صدیق میآیند یك برنامه درست میکنند وروز دیگر آقای دکتر سیاسی میآیند یك نظریهٔ دیگری اتخاذ می کنند و آن را بهم میزنند یك وزیر دیگری می آید برنامهٔ دیگری درست میکنند وتمام این نظریاتی که اتخاذ میکنند با هم اصطکاك پیدا می کند و یك مضاری برای این مملکت درست میکنند . بنده خیلی خوشوقت میشوم که اگر وزارت فرهنگ ما نسبت باین کار مهم توجه بکند ، این خیلی کار آسانی است نباید مخالفت بکنند چون تمام نواقصی که عرض خواهم کرد یکی یکی راه حلش را هم عرض میکنم که منفی بافی نباشد آقای وزیر فرهنگ یك لایحهٔ به مجلس شورای ملی تقدیم کنند که سی نفر از اشخاص دانشمند و فاضل این مملکت را بمجلس پیشنهاد می کنند که از مجلس شورای ملی برای مدت دوسال ۱۰ نفر یا ۱۲ نفر از آنها را بعضویت شورای عالی فرهنگ انتخاب کند و وقتیکه مجلس شورای ملی خواست و توانست اینکار را بکند یك شورای عالی برای وزارت فرهنگ درست می کند که وزیر نمی تواند دیکتر در آن اعمال نفوذ بکند این شورای عالی فرهنگ است که اگر تأسیس بشود ـ کاملاً میتواند وظایفش را انجام بدهد ویك مرکز ثابت باشد ووظیفه قانونی او تهیه برنامه و بالا بردن سطح معلومات و سطح فرهنگ کشور باشد و اما عامل دیگری که بنده پیدا کرده و مطالعه کرده موضوع استادان دانشکده و دانشگاه است خوشبختانه در مملکت ما باندازه کافی استادان فاضل دانشمند وجود دارد و اما اگر وارد زندگی آنها بشویم و تماس با آنها پیدا کنیم می بینیم که شغل اصلیشان استادی نیست آقا ، شغل اصلیشان یا وزیرند یا وکیل‌اند ویا رئیس‌اند و یا مدیر یك بنگاهی هستند یا در بانك ملی هستند و جای معلم تدریس میکنند

البته این درست درنمی‌آید من باخیلی از آنها آشنائی دارم با اغلب شان دوست هستم و وقتی آدم با یکی شان ملاقات می کند پس از مدتی میگویند آقا بنده در دانشکده لجا درس دارم و پا میشود میرود آنجا باور بفرمائید اگر یك استادی تمام وقتش را صرف بکند وبرای این بکساعت خودش را حاضر بکند ممکن نیست شاگرد بتواند از او استفاده بکند واو هیچ کار دیگری نباید بکند باید وزارت فرهنگ اینطور استادان ذیقیمت را اجیر بکند وباندازهٔ کافی مایحتاج زندگی آنهارا بآنها بدهد تا آنها هم تدریس کنند والا بآنها هم نمیشود ایراد گرفت برای اینکه میگویند ما چطور با ۳۰۰ و ۴۰۰ تومان زندگی بکنیم و کار خارجی هم نداشته باشیم ؟ بنابراین وزارت فرهنگ بایدتوجه باین قسمت بکند که استادان تمام وقت وهم خودشان را صرف تدریس و تعلیم وتربیت بکنند واز آنطرف زندگی آنها کاملاً تأمین بشود اما در ولایات اینطور نیست ، در ولایات یك عامل دیگری مخل آسایش مرده‌شده‌است و آن اوقاف است ومن خواهش میکنم از آقای وزیر فرهنگ که از رئیس دفترشان بخواهند ورئیس دفترشان نشان بدهند که از رؤسای فرهنگ ولایات که امور اوقاف ولایات را اداره میکنند نشان بدهند نامه هائی که رسیده‌است ، صدی هشتاد از آنها راجع به اوقاف است و صدی بیست آن مربوط بفرهنگ میباشد بنده خودم در ولایتی بودم وبا رئیس فرهنگ آنجا خواستم چند روز متوالی مطالعه کنم وضعیت آنجا را . دیدم آقا تمام اوقاشان را صرف میکنند که فلان باغ را اجاره وفلان ملك را مزایده بگذارند وهزار چیز دیگر ، البته با این ترتیب دیگر توجهی بفرهنگ ندارند و این نقیصه را ما باید رفع کنیم بنده شخصاً معتقدم که اداره فرهنگ در کار اوقاف اصلا دخالت نکند و اوقاف را واگذار کنیم بمردم هرمحل که اهالی محل خودشان اداره به کنند وبنده یك پروژه‌ای برای این کار درست کرده‌ام و تقدیم کردم بمجلس درروزنامه‌ها هم نوشته شده وخلاصه‌اش این است که اهالی هر شهرستانی بموجب انتخاباتی خیلی سریع مثل اینکه اولاً قراء را درش شرکت بدهیم ثانیاً اشخاص بی سواد را درش شرکت ندهیم یك اشخاصی را انتخاب کنند مطابق قانون انتخابات برای مدت سه سال و وزارت فرهنگ بکلی مداخلاتش را از آنجا بکشد کنار و مردم در آنجا مداخله کنند و اداره کنند بگذارید اهالی شهرستانها خودشان اوقافشان را اداره بکنند و اولش این است که بهتر اداره میشود و دوم اینکه فرهنگ ما فلج نمیشود و اما عامل سومش این است که از همه اینها مهمتر است و در امر فرهنگ کشور چه دانشجو چه غیر دانشجو و در تمام شئون اجتماعی دخالت دارد موضوع مطبوعات است ودربرنامه دولت متأسفانه یك کلمه راجع به مطبوعات نوشته نشده و در دوره ۱۳ یك قانونی برای مطبوعات گذشته است که بنده . از اول تا آخر آن مخالف هستم ممکن است این عقیده بنده در مجلس شورای ملی یا در جای دیگر مخالف داشته باشد وموافق نداشته باشد ولی حسن نمایندگی این است که میتواند نظریات خودش را توضیح بدهد و بطور صریح

عقیده‌اش را بگوید بنده عقیده‌ام این است که هر کس در مملکت مابخواهد کتابی چاپ بکند و یا مجله‌ای چاپ بکند ویا روزنامه‌ای چاپ بکند بهر نامی وبهرعنوانی باید آزادی مطلق داشته باشد بنده مخالف هرقانونی هستم که مطبوعات را محدود کند یا تحت تهدید و شکنجه یا ریستریکسیون در آورد و البته بنده در این استدلال خودم یك توضیحی عرض میکنم (دکتر کشاورز ـ در حدود قانون اساسی) به بخشید بنده چون یادداشت ندارم اگر نطق بنده را قطع بکنید رشته سخن ازدستم میرود (خنده نمایندگان) بنده معتقدم هر کسی که میخواهد مجله ویاروزنامه‌ای چاپ بکند باید آزادی مطلق‌داشته باشد حالا چرا این عقیده‌را بنده پیدا کردم توضیح عرض میکنم شاید آقایانی که با این نظرمخالف هستند موافق بشوند مطبوعات ما ازدوحال خارج نیست یا چیزهائی مینویسند که ممکن است بحال مملکت مفید باشد یا از نام مقدس مطبوعات سوء استفاده می کنند و بنای فحاشی و اخاذی میگذارند اما بنده از مطبوعاتی که خوشبختانه در مملکت ما وجود دارد البته بنده نمیخواهم اسم ببرم درهمین تهران درضمن این مطبوعات روزنامه هائی هست که در هیچ جای دنیا نظیر آنها نیست و از بهترین روزنامه های دنیا است بهیچ نظر هیچ نوع کاری نمیکنند وخیلی منظم و مرتب است در اینصورت حرف بنده متوجه این نوع مطبوعات نیست اگر این نوع مطبوعات یکی باشد البته ده تا اگر باشد بهتر است ولی صحبت راجع به مطبوعاتی است که از این نام مقدس سوء استفاده میکنند و بجان مردم میافتند اینها را بنده شبیه میکنم بمار گزنده که مثل مار گزنده بجان مردم میافتند همین مار گزنده را که بنده تشبیه میکنم توجه بفرمائید چندین هزار نفررا در آسیا و امریکا میکشت و علاج کاررا آخر در سم خود مار پیدا کردند و سم مار را میگرفتند وعلاج درد میکردند وبخودش تزریق میکردند ودرك کردند که این‌راه علاجش است واصلاح شد مطبوعات هم همینطور است شما یك روزنامه‌ای را آزاد می گذارید میرود بیك تشریفاتی که در قانون مطبوعات معین کرده اید امتیاز میدهید یك روزنامه مثلاً روزنامهٔ سمن شروع میکند به‌فحاشی فرض کنید به‌بنده که میخواهد حیثیت من را ببرد بنده هم میخواهم دفاع کنم ولی اودفاع مرا نمینویسد ولی این حق اگر بینده داده شود و روزنامهٔ آزاد باشد منهم یاسمن در میآورم وجواب سمن‌را به فحاشی میدهم بالاخره سمنی یاسمنی را خنثی میکند واین عمل مثل مریضی میماند که چشمش درد میکند ووقتی که شما آنرا میبرید پهلوی طبیب فوراً یك دوائی میریزد بچشم او که بآن طرف اطاق نمیتواندبرود هر کس فکر کند که خوب عجب حکیم دیوانهٔ بود از در اطاق تا اینجا را آمدم یك دوائی درچشم من ریخت که بکلی چشم مرا نانوان کرد که حالا من نمیتوانم دوقدم هم راه بروم ولی اینطور نیست آن طبیب حاذق درست تشخیص داده حالاهم آن دوای مؤثر اینکار آن آزادی مطلق مطبوعات است ولی البته بدون توجه و دقت این عرض بنده را تصدیق نفرمائید ، تمنی میکنم این نظررا تحت مطالعه و دقت قرار دهید بعد عمل کنید واینوسیله مطبوعات را اصلاح کنید (سیف پور ـ آزادی مطبوعات درقانون اساسی است) بلی هست ولی عمل نمیکنند وثانیاً تمنی میکنم که این موضوع را مطالعه بکنید که اگر توجه کنید باین وسیله ما میتوانیم فرهنك و مطبوعات خودمان را اصلاح بکنیم آنوقت شما یك قانونی را میدهید بمجلس وآزادی مطلق مطبوعات را دراو اجازه بدهید البته دونکته هست که باید درآن نهایت دقت بشود بحث اینکه هر کس که میخواهد روزنامه دایر بکند باید دفتر تجارتی داشته باشد حساب دخل‌وخرجش‌را که‌روزانه میکند در او نوشته شود ومرتب باشد که قابل کنترل باشد که اگر هر کسی بخواهد درست کنترل کند وقابل قبول دادگاه باشد، دوم اینکه آقا ما باید یك دادگاه ویژه مطبوعات درمملکت ایجاد کنیم و همین آقای وزیر دادگستری هم این کاررا بکند والبته لازمست واگر روزنامه بمن فحش داد من بروم محکمه صحبت کنم ما برای یك ارز که چیز مهمی نیست یك دادگاه برای

کارهای ارزی داریم چه اشکال دارد که اگر یك دادگاه ویژه مطبوعات هم داشته باشیم. اگر مطبوعاتی برخلاف حیثیت وشرافت یکنفرچیزی گفت بروند بآن دادگاه شکایت کنند و مراجعه بکنند تا دادرسی شود بنده دیگر راجع بفرهنگ عرضی ندارم وعرض دیگرم راجع بوزارت دارائی است که عرایض خودمرا میکنم وزارت دارائی وزارتخانه ایست که بنده دو مطلب را در آن عرض میکنم که مستقیماً مربوط بوزارت دارائی نیست ومربوط بتمام وزارتخانه ها است ولی وزارت دارائی چون قضیه مالی وپول دستش هست این است که بنده اول قانون استخدام کشوری را عرض میکنم دربرنامه دولت یك کلمه راجع باصلاح قانون استخدام کشوری نوشته نشده وچون نوشته نشده بنده باین لحاظ مخالفم وحالا عرض میکنم این قانون استخدام کشوری بطوری که آقایان مسبوقند در سال ۱۳۰۱ بتصویب مجلس شورای ملی رسید واگر درآن میبایستی تجربیاتی هم بشود درظرف این بیست و دو سه سال شده است و حالا موقعی است که میبایستی تجدید نظری در قانون استخدام بکنیم، قانون استخدام ازاین لحاظ در نظر بنده اهمیت دارد که حرکات واعمال وروش مأمورین دولت راتحت نظم در میآورد واگر ما موفق شدیم که یك قانون استخدام خوبی برای مأمورین دولتمان معین کنیم میتوانیم آنرا عمومیت بدهیم وهر تجارتخانه یا بنگاهی‌هم که بخواهدعضواستخدام بکند رجوع بکند بهمین قانون واز روی آن اداره بکند . یك ماده ای دارد در قانون استخدام که مینویسد: دراول‌هرسال پایه حقوق وحد اقل‌پایه مستخدمین را دربودجه‌منظور دارند متاسفانه چندین سال است که این‌عمل نشده‌است بنده چندین‌مرتبه دراین مجلس شورای ملی بعرض آقایان رسانیدم که وضعیت زندگی ازشهریور ۱۳۲۰ باینطرف درست ۲۰ برابر شده‌وحقوقی که بمستخدمین اضافه‌شده‌است فقط درحدود سه‌برابر بوده است، ما ده روز باین مستخدم حقوق میدهیم و ۲۰ روز دیگر او را گرسنه نگاه میداریم بایستی توجهی نسبت باین‌موضوع بشود ودولت بایستی نسبت باین‌موضوع توجه کامل بکند شما یك نوکری داشتید که یك بشقاب چلو جلواش‌می گذاشتید آنوقت‌برنج‌را میخریدید یك من ۵ قران وحالا مدخرید ۵ تومان حالا نمیتوانید بشقاب او را مبدل به تعلیکی بکنید برای اینکه تعهد کرده اید اوراسیر کنید واز او خدمت هم بخواهید آقا بایدشما تعقیب‌بکنید مأمورین متخلف را وباید حتماً این ها را قید کرد و توجه کرد درقانون استخدام کشوری و اما ماده دیگری که حتماً باید درش توجه‌بشود ماده ۲۸ قانون استخدام است که بوزراء حق داده است که بنابمقتضیات اداری اشخاص‌را تغییر وتبدیل بدهند بنده بسیاربااین ماده مخالف‌هستم حالاشایدموقع‌مناسب باشد که اصل ۸۱ و ۸۲ قانون اساسی را هم آقای وزیر دادگستری رعایت بکنند که ما اینقدر در روزنامه ها نخوانیم که انتصابات وزارت دادگستری که از کجا یکنفر رافرستاده‌اند بکجا اینکارها اینقدر لزوم ندارد همینطورسایر وزارتخانها بنده خودم بطور مثل عرض میکنم یك حاکمی داشت کردستان در ۲۰ سال پیش دو سه سال آنجا ماند بعد رفت‌یزد بعدازسه‌چهارسال اورا فرستادندبکرمانشاه بعدشیراز بعد دو مرتبه او را برگرداندند بهمانجا خوب آقا اگر این مدت در همانجا او را نگه میداشتید حداقل یك کاری برای این مملکت ما کرده بود اگر میخواهید مستخدم را نگه دارید و ازاو استفاده بکنید چرا اینقدر او را انتقال میدهید اینها برای ملت ایران گران تمام میشود .

یك‌موضوع مهم دیگری که در قانون استخدام کشوری بایستی رعایت‌بشود موضوع تشویق ازدواج و زناشوئی‌است (فیروز آبادی ـ قانون ازدواج در شرع هست اینجا لازم نیست) در قانون استخدام بهیچوجه باین موضوع توجهی نشده است اگر شما دو تا کارمند داشته باشید یکیش متأهل باشد و یکیش متأهل نباشد حتماً بآن کسیکه متأهل است باید توجه بیشتری بشود باید در قانون این رعایت بشودشما دو تامستخدم دارید که متأهل هستند یکی اولاد داردیکی اولاد ندارد حتماً باید بآنکه اولاد دارد توجه بیشتری بشود شما در عوض اینکه هی در وزارتخانه ها را باز بکنید و

مستخدم خارجی بیاورید باید اینکار را عملی بکنید اینست که بنده از آقای وزیر دارائی تمنا میکنم در تجدید نظر قانون استخدام این چند اصل مسلم را رعایت بکنندوقانون استخدام را هرچه زودتر به مجلس شورای ملی بیاورند اما موضوع دومی که مربوط بوزارت دارائی است و بنده لازم میدانم که عرض کنم این‌است که مقدمةً عرض میکنم به‌بنده یك کاغذی رسیده بود درین هفته که یکی از اقوام بنده از یکی از دهات کردستان که اسمش میهم است و از بلوك اسفند آباداست نوشته بود که بنده استدعا میکنم از چندنفر از آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی که بیایند در این قریه و در منزل من بنشینند به بینند از صبح تا شب چند نفر مأمور در منزل من میآیند و چقدر مزاحم حال مردم اینجامیشوند یکی‌هم‌موضوع قند است قند منی ۵۰ تومان از کجا بیاورم چائی میخواهد اسبش جو میخواهدخودش تریاك میخواهد آقا ۴۰ سال است که از عمر مشروطیت میگذرد ومردم قراء وقصبات ما همیشه این ناله راداشتند والله بخدا اشکالی‌ندارد اصلاح اینکار و میشود اصلاح کرد هیچ‌کاری ندارد فقط یکقدری توجه بکنید اصلاح‌میشود بنده خیلی دراین موضوع مطالعه کردم از شدت‌علاقمندی که باین امرداشتم ویك طرحی در این خصوص‌تهیه کردم به مجلس‌شورای ملی‌تقدیم کردم‌حالا هم بآقای نخست‌وزیر تقدیم میکنم استدعا میکنم که توجه بکنید شما دو اصل را باید در این موضوع رعایت بکنید دز شهرستانها اولا مملکت ما یك کشور وسیعی است پست و تلگرافش‌خیلی بطئی‌است‌بعلاوه راه آهنش یك قسمت بیشتر نیست وسائل نقلیه نیست اگر بیك کسی در کرمان یا رفسنجان یا در دیوان دره کردستان یا مریوان یك تعدی بشوداین‌برایش مقدورنیست که بیاید بمرکز وشکایت بکند امریکا ازحیث خوبی جریان یکی از بهترین ممالك دنیاست درکار ولی باز ما می‌بینیم که ۶۴ استان دارد و قسمت اعظم شکایاتش را همانها مستقلاً رسیدگی میکنند بنابراین اول این است که وزارت دارائی ، فرض بفرمائید که در یکی از شهر ها مثلا بنده در کردستان عرض میکنم ، در شهر کردستان یکنفر رئیس گمرك یکنفر رئیس دخانیات یکنفر رئیس‌باربری و یکنفر رئیس دارائی دارد اینها تمام نه اینکه یك اداره مستقلی‌هستند بلکه یك دولت مستقلی‌هستند رئیس گمرك آنجا رئیس دارائی آنجا رئیس دخانیات آنجا بنده بچشم خودم دیدم که در ادارهٔ دخانیات آنجا یکنفر را بنام قاچاق توقیف کردند آنوقت این مرکز شکایتش تهران است وحال آنکه این‌درست نیست آقا بنابر این بنده تقاضا کردم که این موضوع را تحت نظر بگیرند و آقای ساعد توجه بکنند درتمام شهرستانها درهر شهرستانی هر وزارتخانه یك نماینده داشته باشد چون اگر وزارت دارائی در حوزهٔ کردستان یك نماینده داشته باشد وقتی که رئیس بار بری آنجا یا رئیس دخانیات آنجا پدر مردم را در میآورد بتواند لااقل یك شکایتی بیك مرجع بکند بنده درموقع صحبت‌در لایحه ارزاق‌عمومی با آقای فروهر صحبت کردم همین‌موضوع را بحث کردم درمجلس و تذکر دادم که آقا تماس مأمورین را بامردم کم کنید گفتند که اصلاً آنها تماس با مردم‌ندارند آقا چطور تماس‌ندارند این‌است که همانطوری که درادارات دولتی دیگرهست در وزارت کشورمااداره‌ژاندارمری داریم ادارهٔ‌نظمیه داریم ادارهٔ آمار وثبت احوال داریم کسی که می خواهد از ژاندارمری کردستان شکایت کند میگویند باید بهنگ کجامراجعه کنی باید به‌تیپ کجا مراجعه کنی آنوقت تیپ کجا رجوع بمرکز بکند این طرز کار نیست اصلاح این کارها کار آسانی است و باید قوا را در محلها تمرکز داد و رفت و آمد مأمورین دولت را در قرا و قصبات تحت کنترل قراربدهید بنده درپروژهٔ که تهیه کردم کتابچهٔ تنظیم کردم که هر کدخدای محلی باید این کتابچه را داشته باشد وهر مأموری که رفت اسمش‌را می‌نویسد بعد گزارش آن‌را بدهد به‌بخشدار که‌اینها کنترل شوند ومعلوم شود که اینها برای چه میآیند باین دهات از آقایان نمایندگان تقاضا میکنم خودتان تشریف ببرید دریك‌دهی

در همین شهریار بنشینید و به بینید چند نفرمأمور میآیند والله بخدا این کارها اصلاح میشود این نه مربوط بسیاست خارجی است نه بچیز دیگر الآن ۴۰ سالست که این مملکت مشروطه است و ما نمیتوانیم قوانین را اجرا کنیم و مسئلهٔ دیگری که مستقیماً مربوط به وزارت دارائی است آن مسئلهٔ وضعیت پول مردم است وضعیت ارزاست بنده در دو سال قبل یادم است که یك لوایح کنترل به مجلس‌شورای ملی میآوردند دردورهٔ ۱۲و۱۳و۵۰۰ میلیون ریال‌اسکناس را اجازهٔ خروج میدادند همان ساعت میدیدید که در بازار اجناس میرفت بالا و ما یك مجمعی داریم که اسم آن مجمع کانون ایران‌است وتشکیل شده است ازیك عده ازدکترهای حقوق و اشخاص تحصیل کرده وخود آقای دکتر نخعی‌هم در آن مجمع تشریف داشتند و ما این موضوع را در آن‌جا مورد بحث قراردادیم وخیلی صحبت کردیم راجع به اینکه بچه وسیله اسکناس را تمرکز بدهیم و نتیجهٔ مطالعاتمان را چاپ کردیم برای وزارت دارائی فرستادیم برای دولت فرستادیم بما هم جواب دادند که بله مثل همان فرمول های معمولی تحت مطالعه قرار خواهد گرفت ولی یك قدم هم برنداشتند ما امروز الحمدلله بودجه مان موازنه دارد شاه سابق که رفته چندین میلیون تومان بثروت دولت افزوده شده است از این املاك واگذاری و دلیلی در دست نیست که بودجهٔ ما کم باشد و وضعیت ما برای این بد است که سیاست مالی ما خوب نیست و ممکن است ما را بورشکستگی بکشاند و باید توجهی به این سیاست مالی ما بشود امروز ممالك‌دیگر که‌جنك می کنندوروزی چندین میلیون خرج می کنند سیاست مالی شان منظم تر است وضعیت مالیشان بهتر است چرا باید چیزهائیکه در داخلهٔ کشورهست و در داخله تهیه میشود قیمتش ۱۰برابر شده باشد این قیمت نیست که بالا رفته است این ارزش پول ماست که گمان میکنم کم شده باشد و ما خودمان بایداین موضوع را اصلاح بکنیم واز مسائل مهمی که بایستی‌دولت حاضر و مانوجه بکنیم وبهیچ وجه‌در برنامهٔ‌دولت ذکر نشده است موضوع ارز است وبنده برای این که این مطلب مهم راخوب روشن کنم‌یك تشبیهی‌میکنم خود بنده تشبیه کردم ارز برای یك دولتی مثل آب آشامیدنی است شما با یك لیوان آب آشامیدنی ممکن است یك نفر را از مرك نجات بدهید ولی ممکنست‌همین‌آب وقتی‌زیادشد و بقدر یك استخر شد او را خفه بکند و بکشد بنا بر این در کیفیت آب‌هیچ فرق نکرده در کمیتش فرق کرده بنده‌اینجا باید عرض‌بکنم که در سیاست مالی دولت بهیچوجه اظهاری نشده است که آیا دولت ما قصد دارد عقریك سیاستش را متوجه به اقتصاد وصنعتی کردن ایران بکند یا بکشاورزی کردن ایران بکند آنچه بنده خودم شخصاعقیده دارم صنعتی کردن‌ایران یك کار بسمار عبث بی حاصلی است هر گز مانمیتوانیم با مؤسسات صنعتی خارجی مقاومت بکنیم ما باید تمام هم خودمان را تمام کوشش خودمان را ، تمام سرمایه خودمان را متوجه باین بکنیم که در مملکت خودمان کشاورزی‌را توسعه بدهیم(دکتر اعتبار ـ صحیح نیست آقا) و دربرنامهٔ دولت هیچ ذکری‌در این‌خصوص نشده‌است‌ودر این ۲۰ساله یك سیاست‌معکوسی اتخاذ شده بود و یك قوانین و نظاماتی وضع شد برای اینکه ارز را دراین مملکت وارد بکنیم‌برای اینکه ما مجبور بودیم کارخانجات وارد بکنیم و مجبور بودیم ارز را داشته باشیم آمدیم در اسفند ۱۳۱۴ موضوع ارز را درست کردیم‌تصدیق صدوردرست کردیم‌بعد موضوع کالای درجه‌سه‌رادرست کردیم‌بعد گواهینامه‌درست کردیم آخرش آمدند این کمیسیون ارز را درست کردندو بنده قصد ندارم که در اینجا بگویم حساب دال و گواهینامه هر چه بوده است و اینها تدابیری بوده است که‌دولت وقت درست کرده است که‌ارز درمملکت‌زیادبشودولی حالابه مناسبت‌معاهداتی که ما بسته ایم ارز ماهمان‌طوری‌است که‌مثل‌زدم باید دولت حاضر کوشش بکندکه از موجودی ارزیش کاسته بشود اسکناس ازدست مردم بیاید ببانگ ملی ایران و بر گردد تا وضعیت مردم بهتر بشود و هزینهٔ زندگی بیاید پائین و بهیچ وجه توجهی‌دراین قسمت نشده بنده تمنا میکنم در

پروژهٔ که راجع بجمع آوری اسکناس تهیه شده با اشخاص بصیر و مطلع مشورت بکنید والبته بیك جائی میرسیم بنده بیش ازاین نمیخواهم عرض بکنم و مطلبم تمام خواهد شد فقط یك مطلبی را در آخر خواستم بعرض آقایان برسانم و آن این است که امروز نقل تمام مجالس ومحافل شده که جنگ انشاءالله تمام خواهد شد ووضعیت ما خوب خواهد شد وبنده گمان میکنم هر کسی این فکر را در کله اش بگذارد که اگر جنگ تمام بشود وضعیت ما خوب خواهد شد این یك اشتباه کامل محرز بینی خواهد بود ما باید اعتماد بنفس داشته باشیم ما باید تکیه‌مان ببازوی خودمان باشد ما باید خودمان کار بکنیم (صحیح است) وقتیکه جنگ تمام شد شما ببینید یك اروپای ۴۰۰ میلیونی خرابی هست که همه گرسنه وبرهنه هستند ماهم البته درین پیروزی سهیم هستیم ولی نباید فکر کنیم که توجه متفقین عزیز ما همه‌اش بما باشد اینطور ممالك هم هستند ما باید تکیه و اعتماد بخودمان داشته باشیم و با سعی و اعتمادیکه بخودمان داریم کارهای خود را انجام بدهیم این مطالبی بود که بنده بطور کلی عرض کردم البته مطالب گفتنی خیلی هست ولی بنده نمیخواهم ازین مقام سوء استفاده بکنم و حق دیگران را بگیرم عرایض بنده را آقای نخست وزیر استماع فرمودند اگر ملاحظه‌فرمودید که یك مطالب شدنی است که در این جا خواهید فرمود که مورد توجه قرار گرفت و اگر شدنی نیست که دلیلی برای مخالفت خودشان بیاورند در اینصورت بنده از موافقین جدی ایشان خواهم بود .

رئیس ـ آقای دکتر زنگنه .

دکتر زنگنه ـ بنده می خواستم قبلاً مطالبی را برای جواب ایراداتی که راجع به تشکیل کابینه شده است بعرض برسانم قبل از تشکیل این کابینه آقای ساعد استعفا دادند طرز و علت استعفاشان هم این بود که (**کام بخش** ـ آقا ایشان را مستعفی کردید) بایشان گفته شد که اکثریت مجلس موافق با آن کابینه نیست بعد از اینکه ایشان استعفا دادند فراکسیونهای مجلس یعنی سه فراکسیون باهم متحدشدند و بنده بعد دلایل آنرا بعرض میرسانم (یمین اسفندیاری ـ بعد از استعفا متحد شدند ؟) پیش از استعفا متحد شدند وگفتند ما باین کابینه اعتماد نداریم و آن کابینه باید استعفا بدهد این حق اکثریت بوده است و اجرا کرده است آقای ساعد وقتی که استعفا دادند مطابق اصول مشروطیت استعفاشانرا بحضور اعلیحضرت همایونی میدهند واعلیحضرت همایونی تمایل اکثریت را استفسار می کنند بنده تکیه میکنم روی کلمهٔ تمایل . تمایل اکثریت مجلس را گفتند نه رأی اکثریت را واین اختراع مانیست ویك چیزی است که در تمام دنیا معمول است وقتی که رئیس دولت استعفا بدهد باید تمایل اکثریت مجلس را (دکتر کشاورز ـ تمایل مجلس را) خیر تمایل اکثریت را برای اینکه حاکم در اکثریت مجلس است هرقانونی را که اکثریت رأی داد دیگر نمی‌گویند که اقلیت هم اینطور رأیش بود اکثریت مجلس را میخواهند و اکثریت مجلس با تشخیص رئیس مجلس شورای ملی است و رئیس مجلس شورای ملی هرطور که استنباط کرد بعرض اعلیحضرت میرساند بعد از این که بعرض اعلیحضرت رساندند (یکی از نمایندگان ـ وقتی که شما جزو اقلیت بودید اینطور صحبت نمی کردید) فرمان صادر میکنند و بهر کس که بخواهد ریاست دولت رامیدهد و رئیس دولت هم وزرای خودش را انتخاب می کند بعد میآوردبه‌مجلس ورأی مجلس گرفته‌میشود برای چه ؟ وقتی که این حق مسلم مقام سلطنت است چرا تمایل مجلس خواسته میشود این برای اینست که مبادا دولتی معرفی بشود و بعد رأی عدم اعتماد داده شود پس بنابر این بطور خلاصه عرض میکنم مطابق هیچ قانون وهیچ اصول حقوقی خلافی نشده است اما بنده میخواهم یکقدری دقیق تر وارد بشوم امروز که آقایان فرمودند ما صراحت میخواهیم بنده خواستم به صراحت بگویم حقیقت مطلب چیست؟ حقیقت مطلب این است که وقتی یك رئیس الوزرائی می خواهد وزرایش را انتخاب بکند در انتخاب وزرا کاملا آزاد است یعنی توجه باکثریت مجلس و تمایل دسته های مجلس نمی کند نه اینکه

دراینجا اینطور نیست هیچ جا اینطور نیست وهرجا رژیم دموکراسی باشد اینطور نخواهد بود ولی سابق اینطور نبود در سابق اینطور بود که رئیس الوزراء وقتی شروع بانتخاب وزرا میکرد مدتها در اطاق کار خودش می‌نشست و دسته‌دسته وکلا محرمانه، باتلفن، بطورخصوصی باوسایل مختلف باو تلقین میکردند که فلان کس وفلان کس حتماً بایستی وزیر شود ولی البته در مجلس همه می گفتند که نخست‌وزیر آزاد است هر کاری میخواهد بکند ، این حقیقت مطلب است دراین دفعه کاری که کرده شد این بود که اینکاری که میخواستند محرمانه و باتلفن بکنند ودر منزل بکنند توی مجلس کرده شود واسم اشخاصی را بیاورند ومخالف وموافق گفته شود تایك توافقی بشود بنابراین هیچ کار خلافی نشده است و فقط از کارهای خلاف جلوگیری شده است حالا هم مجلس وزراء را انتخاب نکرده است فقط با دولت مشورت کرده است یعنی یك صورت مفصلی نوشته گفته این اشخاص را ما خوب میدانیم اگر رئیس دولت هم اینهارا خوب میداند از بین آنها انتخاب بکند وایشان هم انتخاب کرده‌اند ازبین آنها یا ازاشخاص دیگری ، موضوع دیگری که بنده میخواستم عرض کنم وقتی که ما این طرز عمل و Procedure پروسدور را کنار بگذاریم حقیقت علت ائتلاف و موفقیتی که در اکثریت پیدا شده است علت اینست که ائتلاف قطعی انشاءالله بهتر و بیشتر پیدا خواهد شد سه تا فراکسیون جمع شدند و نسبت بدولت ائتلاف پیدا کردند حالا چرا این سه فراکسیون جمع شدند و راجع بدولت توافقی کردند واین موافقت حاصل شد برای این که ما دیدیم که در مجلس شورای ملی از اول مجلس تا حالا اکثریتی نبوده است و غالباً انتخاباتی که شده است با تفاوت یکی دو رای شده است و لوایحی که تصویب شده است با تفاوت دو سه رأی شده است اینصورت مجلس نیست ما معتقدیم که امروز هم مملکت ما در یك حال عادی نیست باید فراموش نفرمائید که مملکت ما امروز از هر حیث درحال غیرعادی است ما امروز رسما در حال جنك هستیم و از طرف دیگر سه ارتش خارجی که خوشبختانه دوست ومتحد ماهستند درمملکت ماهستند بالاخره هزار کار هست مسائلی هست که باید بتمام آنها توجه بشود مسائلی هست که در امور بین المللی باید مورد دقت قرار بگیرد اینها مطالبی است که سیاست خارجی ما را امروز در درجه اول اهمیت قرار داده آقایان که بعنوان مخالف یا موافق صحبت می کنند تمام شکایت‌هائیکه هست ومیگویند تمام‌هم‌صحیح است مردم گرسنه هستند نان ندارند ، آب ندارند تمام اینها هست ولی اگر همه‌اش ما فقط توی سرهم بزنیم ونطق قبل از دستور وبعد از دستور بکنیم چکار میتوانیم پیش ببریم باید (ایرج اسکندری ـ دولت حسابی سرکار بیاورید) این دولت حسابی است وبالاخره هر دولتی که سرکار بیاید ممکن است یکنفر چند نفر یکعده مخالف داشته باشد دولتی که سرکار میآید باید حسابی سرکار بیاید حالا بهرصورت باشد البته چندنفرهم ممکنست مخالف باشند امروز امنیت داخلی کشور ما یکمقدار اصلاحاتی لازم دارد یعنی امنیت بعضی جاها متزلزل شده است هم امنیت مادی وهم امنیت قضائی وبرقراری امنیت هم لازمه‌اش قدرت است دولتی که قدرت نداشته باشد بنظر بنده اگر از ملائکه‌ها هم تشکیل بشود هیچ کاری نخواهد کرد ممکن است دولت خیلی صالحی از اشخاص خیلی خوب تشکیل بشود ولی هیچ کار نکند یعنی قدرت نداشته باشد کاری بکند و آنوقت هم برابن دولت هیچ نمیشود ایراد گرفت (یکی از نمایندگان ـ قدرت قانون هست) ازنظر امنیت اخلاقی نیز امروز ارتجاع می‌بینم بصورتهای مختلف ما را تهدید میکند ما نباید ساکت بنشینیم وبگذاریم که این ترتیب ادامه پیدا کند وپیش برود ازیك طرف فکر ایل بازی ودسته بندی می‌بینیم که پیدا شده است از یك طرف دیگر می‌بینیم مطبوعات ما که باید هادی مردم باشند یك عده عوامل مضر فحاشی وارد شده اند در آنها که واقعاً اسباب رسوائی خود مطبوعات ورسوائی کشور میباشد این را آقا ما نباید فراموش کنیم که از طرف روزنامه نباید توهین بمملکت بشود بنده اگر

فرض بفرمائید یك کسی از قوم وخویشانم ولوخیلی هم بد باشد هیچوقت فحش علنی باو نمیدهم یك روزنامه نویس اگر خیلی هم با کسی بد باشد نباید بمملکت واشخاص مملکت فحش علنی بدهد این شایسته نیست نباید بهر شخصی حتی اشخاص عادی فحش بدهند واین لازمه اش کسر مطبوعات نیست؟ وبایستی برای این کار فکری کرد آیا بفکر این هستند که این را جلوگیری بکنند در این موقع یك اتحاد ملی باید در مملکت برقرار بشود وخیلی متأسفیم که نتوانستیم تمام متحد شویم باید یك طوری باشد که در مجلس شورای ملی اقلیت در اینموقع نباشد درمواقع دیگر اقلیت ضامن اصلاحات است ولی در امروز همانطور که درتمام ممالك دنیا می‌بینید اتفاق کلمه است اقلیت تمام حرفهای خودش را نگه میدارد برای یك روزی که مقتضی باشد (فرهودی ـ با اقلیت لااقل مشاوره که باید کرد) بنده عقیده‌ام این بود که شاید اساساً اقلیتی که در تمام کارها راضی باشد وجود نداشته باشد وامروز باید اقلیت وجود نداشته باشد که با آن مشاوره بکنیم اقلیت باید صبر کند تا بعد از جنك بعد از اینکه اشکالات بگذرد وهمانطور که یکی از آقایان گفتند ما باید یا مجتهد باشیم و یا مقلد متأسفانه مجتهد نیستیم ولی مقلد که هستیم در این قسمت مشروطیت باید یاد بگیریم به‌بینیم جاهای دیگر چه می کنند امروز کجای دنیا هست که اقلیت واکثریت توی سر همدیگر میزنند درین موقع جنگ با این دلایل که عرض کردم اکثریت یعنی اعضاء سه فراکسیون مؤتلفه ملتفت شدند که اگر یك دولتی انتخاب کنند وسر کار بیاورند البته قبلاً هم با خودشان همه این شروط را در نظر گرفتند که هرجور اختلاف حزبی وهرنوع اختلاف دیگری را کنار بگذارند والحق هم بعضی از رفقای ما در این اکثریت وارد حزب بودند و شاید فداکاری کردند از نظر حزبی‌شان برای خاطر اینکه منظور اکثریت پیش برود و یك دولتی متکی با کثریت سر کار بیاید (صحیح است) ما میخواهیم که دولتی پیدا شود متکی با کثریت و البته منظور ما این است و آرزوی ما فقط تشکیل دولت نبوده است دولتی میخواستیم که مقتدر باشد وموقعی که رای اعتماد گرفت فوراً از اینجا که بلند میشوند تصمیمی بگیرند بر علیه چاقوکش‌ها بر علیه هر کسی که مخل آسایش مملکت است اقدام بکنند اینرا بنظر بنده وقتی که دولت قوی باشد با کمال آسانی میتواند جلوگیری کند فرض بفرمائید امنیتی که از نظر پاسبانی و شهربانی و این قبیل چیزها در این مملکت هست و از بین رفته است این را در ظرف ٤ روز با یکدست قوی میشود جلوگیری کرد با اجرای دادگستری بنده نمی‌گویم که یك کسی را حق یا ناحق بیاورند دار بزنند و مجازات کنند ولی اگر کسی که چاقوکشی کرده است و آدم هم کشته است در قانون نوشته شده است که بایستی چاقوکش را مجازات کرد ولی اگر کسی که چاقو کشیده است و در نتیجه‌اش هم آدم کشته شده است این را نباید بگذارند طولانی شود و جریان دو سالهٔ استیناف و تمیز پیدا کند باید بسرعت بیاورند دو روز بعد در میدان توپخانه مجازاتش بکنند آنوقت دومی و سومی پیدا نخواهد شد (صحیح است) راجع به تأمین خواربار یعنی قسمت سومی که واقعاً طرف توجه اکثریت بوده است تأمین خواربار و وضعیت اقتصادی مردم است در این زمینه هرچه که آقایان گفته‌اند صحیح است و هزار چیز دیگر هم بهش میشود اضافه کرد بنده واقعاً عرض میکنم وقتی که ما در اروپا بودیم و دورهم جمع میشدیم مکرر گفتیم که برای مملکت مانقشه‌های اقتصادی خیلی طولانی لازم نیست کاری بکنیم که برای مملکت ایران دو چیز تهیه کنیم وآن آب است و نان و اگر دولت فعلی هم همین دو کلمه را دربرنامه‌اش مینوشت بنده راضی میشدم آب و نان فقط آب و نان امروز کشور ما یك مملکتی است که آب نداریم از کرمانشاه روزنامه که آمده بود نوشته بود که شهر کرمانشاه امسال آب نداشته است بالاخره دل ارتش انگلیس سوخته است و چند کامیون مخصوص کرده بود که بروند طاق‌بستان و از آنجا آب بیاورند برای مردم و می‌ایستادند در وسط میدان توپخانه شهر و بین مردم آب تقسیم میکردند این

واقعاً ننگ آور است برای یك مملکتی که در قرن بیستم ما هنوز سر آب و نان گیر کرده‌ایم یادرهمان شهر کرمانشاه که غله‌خیز است و هزاران خروار گندم آن شهر بطهران میآید جار و جنجال برای نان است نان بدست مردم نمیرسد و یا نانی که هست بد است باینجهت است که عرض کردم و ما واقعاً در برنامه مفصل صحبت کرده و جزئیات مطلب را صحبت نکردیم امروز درجاهای دیگر دنیا وقتی که نقشه می‌کشند راجع به‌برق کشیدن تمام دهات است یابرای تعمیم رادیو و شاید تلویزیون است و ما امروز آمدیم اینجا داد میزنیم آب نداریم نان نداریم در برنامهٔ دولت بنده راجع بهمین موضوع که عرض کردم هیچ صحبت نمی کنم بنده معتقد هستم ویك وقتهم در دوره‌های سابق خیلی خوشوقت شدم در کابینه‌های سابق نمیدانم کابینهٔ آقای فروغی بود یا کسی دیگر که دراین مجلس گفته شد برنامهٔ مایك کلمه است وآن کاراست واقعاً اگر یك دولتی باشد که برنامه‌اش فقط کارباشد قطعاً یك اصلاحاتی از زیردستش بعمل خواهد آمد ولی اگر وسایل نداشته باشید اگر باطلاهم این جا برنامه بنویسند هیچ فایده ندارد و بیخود و بی‌جهت وارد مواد برنامه شدن کار عبثی است فقط اینجا یك کلمه را خواستم عرض کنم که آقای طباطبائی تجدد ایراد کردند ببرنامه دولت که چرا محدود کردن کشت تریاك را دربرنامه گذاشتند بنده‌عرض میکنم این باید آرزوی همگی‌ما باشد باید منظوری باشد که تمام افراد مملکت برای برآوردن آن بکوشند فرض کنیم که میلیون‌ها تومان عایدات تریاك باشد بنده انصافاً از آقایان میپرسم کدام‌یك ازشماها راضی میشوید که بهتان بگویند صدهزار تومان بشما میدهیم که یکی از فرزندانتان را جلوی شما بکشیم؟ البته هیچکدام راضی نخواهیم شد ولی چطور شماخودتان وکیل هستید پیشوای مملکت هستید در مقدرات مملکت شرکت دارید می‌گوئید که چندین میلیون تومان بخزانهٔ مملکت وارد بشود ولی در عوض چند میلیون نفر از بین بروند؟ این منطق صحیح نیست. نسل ایرانی دارد از بین میرود پس باید برای ازبین بردن تریاك اقدام کرد امروز برای یك مقصود عالی در تمام ممالك دنیا میلیونها از افراد دارند کشته میشوند شهرها خراب میشود ولی اعتنا نمی‌کنند معذلك میگویند ما این مقصود عالی را داریم و بایستی مقصود و منظور عالی ما انجام شود ولی ما چند سال است بیست سال است سی سال است داریم توی سر خودمان میزنیم داد میزنیم میگوئیم آقا چند میلیون تومان که عایدات تریاك است ما این را نمیخواهیم ما نمیخواهیم این چند میلیون که ملازمه با از بین رفتن نفوس و افراد کشور ما داشته باشد در بودجه ما باشد و به خزانهٔ ما برسد ملاحظه بفرمائید این چند میلیون تومان را شما چه خرجی برایش درست میکنید؟ میگوئید برای ارتش خرج می کنیم برای فرهنگ خرج می کنیم برای ژاندارمری خرج میکنیم آخر آن سرباز یا ژاندارم یامعلم تریاکی بچه درد ما میخورد؟ یا آن پاسبانی که شب باید حراست و پاسبانی شما را بکند یا آن ژاندارمی که تریاک میکشد چه کار میتواند بکند برای امنیت شما یا معلمی که تریاك میکشد چطور بچه شمارا تربیت میکند؟ (صحیح است) مطلب دیگری که میخواستم توضیح بدهم راجع به کار آقایان استادان بود که ایشان فرمودند (خطاب به آقای اردلان) و راجع باستادان بود ایشان فرمودند که استادان وظایفی دارند که باید صرفاً بکار استادی شان برسند و متأسفانه الآن دارند بکارهای مختلف میپردازند و بکارشان نمیرسند این را تا اندازهٔ بنده تصدیق میکنم که ممکن است آنطوری که باید استاد بکارش نمیرسد ولی البته استاد دوره عالی با درجهٔ دیگر معلم البته تا اندازه تفاوت دارد زیرا در دوره عالی هرقسمتی را که نگاه کنید درطب در حقوق درفنی در تمام اینها با عمل مصادف میشود و دیگر از کتاب خارج میشود وفارغ است یك استاد دانشکده حقوق باید در عمل باشد اگر یك استاد دانشکده حقوق وکیل عدلیه هم باشد نمیتوان گفت که این بهیچوجه بدرد نمیخورد البته او هم زندگی دارد باید با حقوق استادی و کار خارج خودش را اداره کند بعلاوه این استاد که وکیل عدلیه هم

هست آن تجربیاتی را که در خارج بدست آورده است بشاگردانش میگوید ومعایب کاررا درعمل بشاگرد دانشجو میآموزد که مفید برای او باشد یا استاد دانشکده طب امروز ملاحظه بفرمائید دانشکده طب ما که خوب شده است برای این است که شاگردهارا مجبور کرده اند که بروند بمریضخانه بلابورانوار وتحت نظر استادان و پزشکان عالی مقام کارکنند و تجربه بیاموزند یا در قسمت فنی همینطور در همه جای دنیا قسمت تعلیمات عالیه همینطور است وزیر و کیل و صاحبان مقامات دیگری . اشخاص بزرگ اطباء ، مهندسین که درکار بوده اند و تجربیات و معلوماتی دارند دولت از وجود آنها استفاده میکند و در دانشگاه هم درشعب مختلفه تدریس میکنند و به مراتب استفاده دانشگاه از معلومات آنها بیشتر است حال اگر صرفاً معلم رسمی باشد و بگوئیم استاد فقط باید بنشیند وکارش را بکند و کنفرانس بدهد و هیچ کار دیگر نکند آنوقت باید حقوق کافی باستاد ، فرق نمیکند آموزگار و دبیرهم همینطور است باید حقوق کافی بدهید که تأمین معاش اورابکند والا فرض بکنید معلمی که نان نداشته باشد بخورد نه میتواند درس بدهد و نه قدرت کار کردن دارد و باید از مدرسه که آمد بیرون برود یك کاری بکند که معاشش تأمین بشود (صحیح است) ملاحظه بفرمائید الآن دانشگاه تهران در شمال غربی تهران است و اگر یك استاد از خیابان سیروس بخواهد برود بدانشگاه باید روزی ده تومان پول درشکه بدهد حقوق استاد اگر ماهی سیصد تومان هم باشد یعنی رتبه شش و هفت استادی هم داشته باشد تازه تمام حقوقش صرف پول درشگه خواهد شد خوب این چه کاربکند این نان نمیخواهد ؟ لباس نمیخواهد؟ زندگی نمی خواهد ؟ پس بعقیده بنده باید در هر موضوعی مطالب را تمام اطرافش را نگاه کرد و پس از مطالعه کلیات مطلب آنوقت صحبت کرد واظهار نظر کرد (صحیح است) در خاتمه عرایضم بنده می‌خواهم همان مطلبی را که در صدر عرایضم عرض کردم باز تکرار کنم و بگویم ما برای تشکیل دولت نظرمان این بود که یکدولت قوی باشد و کار کند ودرمجلس هم پشتیبان داشته باشد والبته منظور همهٔ ما این است که دولتی باشد که با کمال قدرت با اتکاء بمجلس شورای ملی کار کند واگر کار نکند البته بدرد هیچکس نخواهد خورد ولی ما امیدواریم که این دولت موفق بشود برای اینکه مامی بینیم افرادی که دراین کابینه هستند افرادی هستند که هیچ عمل سوئی درخارج نسبت بآنها داده نشده است و در کارهائی هم که کرده اند خلافی از آنها دیده نشده است و فعالیت هم نشان داده اند ولی البته ما ضمانت نمی کنیم که بعداً هم خلافی نکنند ولی امیدارم و یقین دارم که اینکار را نخواهند کرد واگر کردند البته ماهم مخالف خواهیم شد ولی امروزه خواهش میکنم که آقایان رفقای منفردین ما وحزب توده هم روی آن نظری که عرض کردم که حال حاضر ووضع امروز مملکت و وضع ناامنی مملکت و وضع عمومی دنیا را درنظر بگیرند وموافقت بفرمایندواگر فرض کنیم این دولت نباشد اگر دولت دیگری هم باشد نخواهد توانست میل تمام افراد را تأمین کند پس خوبست موافقت کنند واز این دولت پشتیبانی کنند که این بحران جهانی وبحران کشور خودمان را بگذرانیم .

رئیس ـ آقای فرهودی موافقید ؟

دکتر کشاورز ـ بنده مخالف دستور هستم

رئیس ـ آقای دکتر کشاورز بفرمائید

دکتر کشاورز ـ درکابینه اولی که آقای ساعد بمجلس شورای ملی معرفی کردند بنده ورفقایم جزء مخالفین دولت آقای ساعد بودیم آنروز ما از روی پیش‌بینی برای اینکه آقای ساعد هنوز رئیس الوزراء نشده بود میدانستیم که ایشان ودولتی که ایشان معرفی کرده اند بمجلس شورای ملی توانائی انجام کارهای مهمی را که درمملکت وجود دارد ندارند آنروز یك حس پیش‌بینی همانطور که عرض کردم ما را وادار کرد که بدانیم که این رئیس الوزراء واین وزراء دراین موقع برای مملکت ما کاری نمیتوانند انجام بکنند اما امروز روی پنج ماه سوابق گذشته ، روی پنج ماه عمر ملت ایران که بدست کابینهٔ که آقای ساعد رئیس الوزراشان بودند تلف شد ما قضاوت

میکنیم . امروز بعقیده من آقای ساعد در پیشگاه مجلس شورای ملی بایدجواب دهندهٔ پنج ماه عملیاتشان باشند یعنی باید درپرگرام خودشان می گفتند که در این پنج ماهی که من مسئولیت اداره امور مملکت را بعهده گرفتم فلانکار و فلانکاررا برای مملکت ایران انجام دادم . آقای ساعد فرمودند اما آن فلانکار و فلانکار فقط دو تلگراف بود . وقتی که رئیس الوزرائی بعد ازپنج ماه اداره امور مملکت استعفامیدهد و دوباره مأمور تشکیل کابینه میشود باید در پشت تریبون مجلس شورای ملی بنمایندگان ملت وبملت ایران بگوید در این پنج ماه من چکار کرده‌ام این کارها ازروی برنامه‌ای که آقای ساعد بمجلس شورای ملی تقدیم کردند عبارت بود از تلگراف بدولت فرانسه بمناسبت فتح پاریس ویك تلگراف بدولت آزادبلژیك بمناسبت فتح بروکسل . دراین برنامه‌ای که‌ایشان جواب دهندهٔ عملیات پنج ماه کابینه بودند جزاین دو مطلب مثبت چیز دیگری وجود نداشت ومطابق معمول آقای ساعدمثل تمام کابینه‌هائی که سرکار آمدند برنامه‌بسیار مشعشع باکلمات بزرگ بمجلس شورای‌ملی تقدیم کردند اما امروز من همان گفته پنج‌ماه قبلی را تکرارمیکنم : وقتی‌در مملکتی رژیم تغییر کرد ، وقتی که اصول دیکتاتوری را یك مملکتی خواست کنار بگذارد و اصول دمکراسی را برقرار کند باید بازی کنان دوره دیکتاتوری از کار برکنار بشوند(صحیح است)وشما در تمام مدت پنج‌ماهی که‌حکومت ایران را در دست داشتید یکنفر از آن بازی کنان را کنار نگذاشتید (مظفر زاده ـ دعوت کردند) من در مخالفت قبلیم تذکر دادم که شما در پرگرام تان از آزادی اسم نبردید و مراعات کردم و گفتم امیدوارم فراموش کرده‌باشید با اینکه میدانستم فراموش نکرده‌اید برای حفظ نزاکت گفتم که شاید فراموش کرده باشید ولی اعمال شما دراین پنج ماه آقای ساعد نشان داد که شما از مخالفین جدی دمکراسی وآزادی هستید (بعضی ازنمایندگان ـ اینطور نیست) الآن اعمالشان را شرح میدهم که ملاحظه بفرمائید خیلی دورنرویم بنده این نکته را در مجلس گفتم ولی‌چون یك چیزی اضافه شده دومرتبه‌عرض‌میکنم‌بنده‌بنام یك نفر نمایندهٔ مجلس شورای ملی که دو سال مصونیت دارد وبنام یك حزب سیاسی رفتم در پشت رادیو صحبت بکنم عنوان صحبتم هم مشروطیت ایران بود و بتصدیق تمام آقایان نمایندگان بنده دردفعات‌مکرری که این‌جا صحبت کرده‌ام هیچوقت پا روی حق نگذاشته‌ام و هیچوقت کلماتی که خارج ازنزاکت و اصول و ادب باشد ادا نکرده‌ام . اداره تبلیغات نطق مرا گرفت که اجازه بدهید تا به بینیم من هم نطق را برای‌شان فرستادم بعداز آن برای من پس فرستادند با حذف چند جمله از آن که سانسور کرده‌اند من آن جمله هارا یك روز درمجلس عرض کردم امروزچون مقتضی ومناسب است تکرار میکنم یکی از آن جمله ها این بود که : حق گرفتنی‌است نه دادنی وجملهٔ دیگرش این بود که بمناسبت اینکه قبول ظلم کردن دال برسستی و بی اعتنائی بامور اجتماعی است و گناه مظلوم هزاربار از گناه ظالم بیشتر است . این دو جمله را ادارهٔ تبلیغاتی که در تحت نظردولت شما اداره میشود حذف وسانسور کردند زیرا ملت ایران نبایستی مفهوم این دو جمله را بفهمد بعقیدهٔ دولت شما و دولت امروز شما بدتر از این کار را هم کردند و اداره تبلیغات را هم تحت‌فشار گذاشته‌اند که شما موقعیکه دکتر کشاورزاین‌عبارت‌رامی گفت‌یعنی متن‌نطقی که بشما داده بود و سانسور شده بود از آن زیادی گفت چرا پیچ رادیو را نبستید که این صدا بملت ایران نرسد و الآن اعضای ادارهٔ بی سیم و پخش رادیو را در تحت فشار سخت و تعقیب قرارداده‌اند برای همین صحبت و برای همین دوجمله ، آقای ساعد ! ! ! دولتی که حفظ آزادی را در برنامهٔ خودش می نویسد دولتی که احترام به قانون را دربرنامه‌خودش می نویسد دیگراین عمل برای این‌دولت دم خروس یا بلکه بقول یکی از رفقا خود خروس است (خنده نمایندگان) بلی آقای ساعد ! ! این قبیل اعمال و اعمال دیگر شما نشان‌داد که شما یا نمیتوانید یا نمیخواهید به آزادی ملت ایران احترام بگذارید و همانطور که

عرض کردم امروز اعمال گذشته شما در مجلس شورای ملی باید قضاوت بشود و نمایندگان ملت، نمایندگان مجلس شورای ملی در مقابل ملت ایران مسئولیت دارند که اگر حس کردند که شما در ظرف پنج ماه برای ملت ایران کاری انجام نداده‌اید بشما رأی اعتماد ندهند والا درپیشگاه ملت ایران مسئول هستند، در مقابل تاریخ آینده ایران مسئول هستند. کار مهمی که شما در کابینه تان انجام دادید یعنی کاری که میل داشتید و خوشبختانه انجام نشد لوایحی بود که بمجلس شورای ملی آوردید وضمن آن لوایح دو تالایحه بسیار جالب توجه بود یکی نظامی کردن ادارات و دوائردولتی و کارخانجات که شما میخواستید این مختصر آزادی را هم که سالها است ملت ایران با دست و پا زدن و این در آن در زدن زیر این رژیم بدست آورده بود وهنوز حفظ کرده است آن را ازش بگیرید یکی‌دیگر هم لایحهٔ شلاق زدن بزندانیان بود. دولتی که نتواندزندانیانی را که محبوس داشته اداره بکند وبرای اداره کردن محبوسین احتیاج داشته باشد که آنها را شلاق بزند تا اداره بکند این دولت بنظر من قابل دوام و قابل رأی اعتماد نیست این لایحه را برای چه آوردید یاآن وزیرتان برای چه آورد؟ این شلاق را درزمان دیکتاتوری سابق هم میزدند اما یکی؟ به آنهائیکه فریاد میزدند اصول مشروطیت را باید حفظ کرد، به آنهائی میزدند که فریاد میزدند زنده باد قانون اساسی (کام بخش - خود ما هم خوردیم ..... (خنده نمایندگان)) یعنی برفقای ما که در محبس رضاخان بودند این شلاق رامیزدند این شلاق رامیزدند ومیشمردند ومیگفتند این قانون اساسی این هم مشروطیت .... شماهم میل داشتید مثل رضا خان این کار را در زندان اجرا بکنید والا بچهار تاآفتابه دزدشلاق زدن که افتخاری ندارد (فیروزآبادی - شلاق زدن بلکه کشتن هم جایز است) عرض کردم آفتابه دزد. آقای ساعد .... در این پنج ماه کدام دزد بزرگ را شما گرفتید وحبس کردید؟ کدام محتکر یرا بمحبس بردید؟ که بشما اجازه داده‌بشود باو شلاق بزنید، کدام کسی را که با احتکار مواد خوار بار و یا بالا بردن سطح زندگی مردم این مملکت را باین لختی و گرسنگی انداخته که نمایندگان شان مجبور میشوند این جا برخیزند و پشت این تریبون بگویند برای ستر عورت شان مردم پارچه ندارند و باین روز سیاه انداخته گرفتید و محاکمه کردید و بمحبس انداختید؟

شهاب فردوسی - رشیدیان‌را .... (خنده‌نمایندگان)

دکتر کشاورز - بانجا هم میرسد. اجازه بدهید. کدام یك از این اشخاصی را که مردم و مملکت را باین روز سیاه انداختند بزندان بردید؟.... بهرحال کار مثبتی که شمادر این پنج ماه انجام داده‌اید همین بود که به آفتابه دزد شلاق بزنید این که افتخار ندارد شما برای آتیه این کارگرهای بیچارهٔ که الآن ده هزار نفر ده هزار نفر از اندیمشك و سایر جا ها بیکار میشوند و بیرون میریزند در کارخانه هاچه فکر کرده‌اید؟ آیافکرنمیکنید که‌این عمله که‌امروز روزی چهارتومان پنج تومان‌مزد میگیردفردا بااین بیکاری خودش وزن و بچه‌اش چطور زندگی باید بکنند شما چکار کردید؟ کاری کردید که او جرأت نفس کشیدن هم نداشته باشدبلی دولت شما نشان داد که نباید جرأت نفس کشیدن هم داشته باشد، شما شهرداری راروی کارآوردید که این شهردار در حضور من رسماً بگوید رئیس اتحادیه کارگران شهرداری خود من هشتم غلط میکنند که اتحادیه درست میکنندواین شهردار شمامیخواهد که حقوق و منافع کارگران‌شهرداری را حفظ کند؟

فداکار - سی هزار تومان پول یخ میگیرد.

دکتر کشاورز - شهردار شما آقای ساعد ... خدای واحد را شاهد میگیرم که این عرضی که الآن میکنم عین واقع و حقیقت است که این‌جا عرض میکنم در حضور من و آقای فرود رئیس انجمن شهرداری بکار گری که آنجا کنار دیوار ایستاده بود و ما از آنجا عبور می کردیم گفت تو اینجا چه کار می کنی؟ گفت قربان آمده‌ام‌اینجابشما عرض کنم... گفتم‌سو گندمی‌خورم که عین عبارت را که

اینجا تکرار میکنم او گفت: قربان آمده ام این جا بشما عرض کنم که کارگران جزء شهرداری لختند گرسنه اند، بهشان ترحم کنید، حالا شما می دانید که چه جواب بهش داد؟ بهش گفت که برو گم شو پدرسوخته برو گم شو، این حرفی است که از دهان شهردار شما خارج شد، اگر یك وزیر یك وکیل یك رئیس ادارهٔ بیك نفر مستخدم جزئی که باین ترتیب درمقابلش حرف‌بزندبهش بگوید‌پدرسوخته پدر سوخته خود اوست‌و حق‌ندارد بکسی که‌اینطور بی‌ادب بهش صحبت می کند از مقامش سوء استفاده کند و وقتی که با ادب باو صحبت می کنند بآن کارگر اینطور صحبت بکند...

فرود - آن کارگر نبود آقا. او محرك اصلی بود آقای دکتر...

دکتر کشاورز - آقای فرود اومحرك نبود او کارگری بیش نبود تازه کارگر هم نبود در موقعی که یك فردی با او بادب و احترام صحبت می‌کند او حق ندارد باو بگوید پدرسوخته، این عبارت را در مقابل شما گفت. من از شما خواهش میکنم کتمان نکنید. من شما را تا بحال آدم با انصافی میدانستم (خندهٔ نمایندگان) تا الآن وخواهش‌میکنم تصدیق بفرمائید با آن حرفی که آن کارگر زد در آنموقع بخصوص چرا این حرف را بهش زد و آیا شایسته بود؟

اما کارهائی که درزمان حکومت شماانجام شده کارهای مفید بنده هرچه گشتم‌نتوانستم کاری که برای مملکت‌ایران مفید باشد و انجام شده باشدپیدا کنم خدا شاهد است گشتم و نتوانستم اما در دولت شما کارهای دیگری شد درمدارس رابستند مدارس را بستند و دولت شما لیاقت وعرضه اینکه مدرسهٔ دامغان را از دست ده بیست نفر که آنجا را اشغال کرده بودند پس بگیرد دلیلش هم‌این است این کاغذی است که بمن نوشته شده است از طرف وزارت فرهنك و برای آقایان می‌خوانم:

بمن می نویسند. آقای دکتر کشاورز نماینده محترم مجلس شورای ملی:

راجع به تخلیه محل دبستان‌منوچهری دامغان مکرراز وزارت کشور و جناب آقای نخست وزیر تقاضا شده که دستور فرمایندبوسیله شهربانی و بخشداری‌محل‌رفع‌مزاحمت بشود و اقداماتی در جریان است ولی نتیجه حاصل نشده اخیراً نیز طی نامه شماره ۱۳۳۸۶ مراتب تأکید شده که اقدام فرمایند که تا اول سال تحصیلی محل دبستان برای استفادهٔ دانش آموزان بلامانع باشد.

شما، دولت شما بیست نفر را که بمدرسه ریخته اند وبچه‌های بی گناه‌را بیرون کرده اند نتوانستید تکان بدهیدو از آنجا بیرون کنید و هنوز این قضیه بقول این نامه (در جریان است) هنوز نتوانسته اید محل‌مدرسه را دراختیار فرهنگ بگذارید. این‌اقتدار را ندارید. شما برای ادارهٔ امور کشور در یك هیچو موقع باریکی اقتدار ندارید و بدون داشتن اقتدار هم کافی نیست‌علتش را هم عرض‌میکنم برای چه اقتدار ندارید؟ اقتدار فرع بر این است که ملت ایران بفهمد که این دولتی که‌روی کار است‌برای امور آن دلسوزی میکندبرایش کارمیکند، شما بعقیدهٔ‌من آقای ساعد کوچکتر از آن هستید که دیکتاتور بشوید اگرشما در نظر داشته باشید که بدون اعتنای بملت ایران که نودونه درصدشان گرسنه و برهنه هستند و کار گرند و کارمی کنند بدون توجه و اعتناء بمقدرات آنها حکومت‌بکنید نتیجه‌اش همین میشود که می‌بینید برای خاطر اینکه ملاحظه بکنید دنیا و تاریخ دنیا ثابت کرده است که هیچ فردی یا بایك دسته کوچك اقلیت بیك ملتی نمیشود حکومت کرد. در زمان حکومت شمادراراك اغتشاش شد یك‌عدهٔ‌مغرضی‌تحریك کردند آن دفعه هم گفتم می‌خواستند برادر کشی را براه بیندازند وراه‌هم انداختند بنام مسلك بازی بجان یکدیگر افتادند یابنام اختلاف بامسلك‌های مختلف یابنام‌مذهب‌های مختلف‌یابعناوین دیگر بجان یکدیگر انداختندوبرادر کشی را... (عزت‌الله‌بیات - اینطور نبود آقا دراراك اینطورنبود) بنده‌هم نگفتم بطور قطع دراراك، من باب مثال اراك‌را گفتم توجه بفرمائید و دوباره ازبنده‌سؤال نکنید درخیلی‌ازجاها

مردم را بجان یکدیگر انداختند به برادر کشی وادار کردند درشاهرود این کار را کردند برای چه این کار را کردند؟ برای چه مردم را بجان یکدیگر انداختند؟ برای خاطر اینکه ملت ایران را در مقابل دنیا ملت نالایقی نشان بدهند، برای اینکه دولتش که نالایق بود ومحتاج به نشان دادن نبود میل داشتند که ملتش را هم نالایق نشان بدهند، در دماوند، بین مسلمان و کلیمی دعوا راه انداختند و دولت شما کوچکترین جلوگیری از این اعمال نتوانست بکند، و حتی در واقع نیز مستقیماً مسئول است برای آن خونهائی که در تبریز ریخته شده است حتی ممکن بود که در تبریز با توقیف یك نفر یك فرد که کارگران را تحریك میکرد یك نفری که توقیفش باعث آرامش تبریز میشد و با توقیف یك نفر تمام غائلهٔ را که میخواستند آنجا بار بیاورند آرام کرد و ساکت کرد عمداً مأمورین شما اورا توقیف نکردند اورا پروبال دادند که کار بجائی رسید که کارگران بی گناه را بمسلسل به بندند. وشما خودتان گفتید و اعتراف کردید که من از وقایع آنجا اطلاعی ندارم و آن وقایع شوم و شرم آوری که آنجا اتفاق افتاد که من خجالت میکشم روبروی نمایندگان ملت بگویم ....

امینی ـ خواهش میکنم آن یك نفر را اسم ببرید آقا ..

دکتر کشاورز ـ چشم آن یك نفر خلیل انقلاب بود. آنوقت در تبریز چند کارگر کشته شد عدهٔ زخمی شدند ..

کام‌بخش ـ یك عده را با سرنیزه چشم شان را سوراخ کردند و در آوردند.

دکتر کشاورز ـ یك عده که هنوز جان در بدن داشتند بردند و دفن کردند.

عدل ـ در تبریز همچو چیزی نشده است.

دکتر کشاورز ـ آقای نخست وزیر خودشان میدانندو اطلاع دارند خواهش میکنم از ایشان دفاع نفرمائید آقا در اردبیل مأمورین دولت شما اشخاصی را که گناهشان این بوده است که بملت ایران می‌خواستند بفهمانند که ملت ایران آزاد است و حق دارد در حدود قانون اساسی یعنی چیزی که ما همیشه فریاد کرده ایم و گفته ایم حق دارد در حدود قانون اساسی از حق خودش دفاع بکند میگیرند و توقیفش میکنند در ملایر معلم مدرسه را با دست بند و پابند از آنجا تبعید میکنند.

ملك مدنی ـ معلم نبود چاقو کش بود.

دکتر کشاورز ـ آقای ملك مدنی من یك دفعه با شما مواجه شدم در موقع صحبت نتیجه اش معلوم شد (خنده نمایندگان) همه فهمیدند بنده راجع به ملایر صحبت میکنم راجع به ملایر ملایر که ارث پدر بنده و شما نیست من نمیگویم آقا کردید، چرا وادارم میکنید مفصل‌تر صحبت کنم.

فداکار ـ ملایر مستعمرهٔ آقای ملك مدنی است.

دکتر کشاورز ـ اما از همه مهمتر موضوع اصفهان است. شما درموقعی که میدانستید وضعیت اصفهان مغشوش است در وقتی که میدانستید یك دستهای مرموزی که در تمام مملکت میخواهند اغتشاش تولید کنند در اصفهان مشغول تحریك هستند و میخواهند اغتشاش تولید بکنند در یك همچو موقعی برداشتید آقای افشاررا بحکومت آنجا معین کردید بشهادت وزیر کشور کابینه سابقتان هزاربار بهش گفتم که آدم درست وپاکدامنی بآنجا بفرستید وآقای هژبر اگر با انصاف باشد مثل آقای فرود تصدیق خواهند کرد که هیچ دفعه برای هیچ کاری از دهان نمایندگان توده کسی برای انتخاب بیرون نیامده وتحمیل نشده همیشه ما داد زدیم که یك آدمی را به اصفهان بفرستید که در مقابل پول که در آنجا فراوان است یعنی صاحبان کارخانه فراوان دارند و خرج میکنند تطمیع نشود اما شما افشار را فرستادید که سوابقش معلوم بود بنده تصور کردم که شما یك شخص لجوجی هستید و این صفت را بنده در شما پسندیدم از این نظر که لجاجت در این قبیل امور پسندیده است بهرحال جریان واقعه شمارا محکوم کرد افشاررا از اصفهان برداشتید اما قبل از برداشتن پشت این تریبون آمدید و درجواب سؤال ما گفتید که افشار را من فرستاده ام و از او تقویت

خواهم کرد و بیش از این هم توضیحی نخواهم داد و من هم عرض کردم که خیلی دیکتاتور مآب هستید ولی همینطوری که عرض کردم دیکتاتوری به‌شما نمی آید (خنده نمایندگان) اما این لجاجت را شما در یك جای دیگر نشان ندادید شما مثل موم نرم شدید آقای ساعد هنوز برمن‌معلوم نشده که‌چرا اینطور شدید. وآن راجع به مستخدمین امریکائی بود، شما که اینقدر از افکارتان دفاع میکنید شما که اینقدر مدافع اعمال خودتان هستید وقتی که بقول خودتان حس کردید مجلس شورای ملی مخالف اختیارات نا محدود دکتر میلسپواست چرا آن لایحه را آوردید اولاً چرا نیاوردید صاف در مجلس مطرح کنید و آوردید در جلسه خصوصی روز اول سفت ایستادید آقایان هم یکعده موافقت کردند فرداش مثل یخ که در آفتاب آب بشود آب شدید و اصلاً موضوع از بین رفت حاجی حاجی که (یکنفر از نمایندگان ـ سیاست اینطور بود) اجازه بفرمائید آقا بنده‌عرایضم راعرض میکنم بعدشما هم‌فرمایشی دارید بفرمائید بنده با دوتا گوشم میشنوم ـ شما نرم شدید بخدای متعال قسم اگر رئیس‌الوزرائی یك‌ذره علاقه بحیثیت خودش‌داشت استعفا میداد، شما تسلیم شدید معذرت‌میخواهم بزانو در آمدید در قضیهٔ مستخدمین امریکائی و بکلی آن لجاجتی را که من خیال میکردم در آقای ساعد وجوددارد اصلاً وجود نداشت معلوم شد در کار بد وجود داشت (خنده نمایندگان) اما راجع بامور مملکت چه خوب بود شما میفرمودید که قیمت اجناس در مدتی که جنابعالی دولت ایران را اداره میکردید چند بود وبکجا رسید، چقدر بجا بود اگر شما می گفتید که بمردم ایران چه جور نانی داده شد در این پنج ماه. چقدر صحیح بود اگر میگفتید که بمردم ایران چقدر شکر داده شد چقدر قماش داده شد بنده خجالت میکشم در یکی ازجلسات مجلس عرض کردم که‌چون‌ماه مبارك‌رمضان‌است ودراین ماه بخصوص‌بمناسبت اینکه مردم روزه هستند احتیاج دارند که یك‌خرده قند و شکر بیشترداشته باشند شما یك‌کاری بکنید که بآنها قندو شکردر این ماه‌مبارك اقلاً بیشتر داده شود شما هم کردید آقای‌وزیردارائی‌تان کرد اینجاهم باخیلی‌طمطراق ببخشید گفتند و دوماه بمردم تهران نه بمردم ایران شکر وچای‌داده شد شما فکر نکردید که چهارده میلیون دیگر مردم ایران که درولایات هستند و اغلبشان یعنی هشتاد درصدشان در قری و قصبات زندگی میکنند آنها هم جزء مردم ایران هستند؟! (مهندس فریور ـ مردم تهران هم نگرفته‌اند) بهمان امید هم شما بدولت رأی اعتمادمیدهید چون قرار شده است کارها اصلاح شود. در موضوع مواد انحصاری که‌دولت شما و دولتهای سابق (فرق نمیکند بنده بشما رسیدم واگر هم آنوقت بودم به آنها هم میگفتم ومطابق وظایفی که‌ملت ایران بگردن بنده گذاشته است باید بگویم) راجع بمواد انحصاری در تمام مدت حکومت شما بازار سیاه وآزاد در کنار بازار انحصاری وجود داشت. در کدام نقطه دنیامرسوم است که یك مادهٔ را که ملت بآن احتیاج مبرم دارد مثل چای مثل‌قماش مثل شکراجازه بدهید به‌پنج برابر انحصاری در بیرون فروخته شود این واضح است یك همچو عملی‌واقع میشود که دزدی‌رواج شود (تهرانی ـ کی‌میفروشد آنرا هم بفرمائید) خود مأمورین دولت (تهرانی ـ غیر از مأمورین دولت‌هم‌میفروشند) ... خوب بفرمائید (طهرانی ـ بنده‌نمیدانم زیر اجرأت‌نمیکنم) ... ولی اگر بنده‌میدانستم جرأت‌میکردم که بگویم بهر حال شما باستادان دانشگاه‌تان بمهندسین‌تان که طبقه تحصیل کرده‌و روشن‌فکراین‌مملکت هستند بین دویست تاسیصدتومان‌حقوق‌میدهید. هیچ‌فکر این‌را کرده‌اید که بااین حقوقی که بآنها میدهید چطور میتوانند زندگی کنند! بخدا قسم استاد دانشگاهی را میشناسم که تمام‌تخت کفشش پاره شده است و سوراخ شده و این مرد پول ندارد و نمیتواند کفش خود را درست کند، استاد دانشگاه است‌در فرهنگ هم مورد احترام بوده است ومعلمین او باو احترام میکردند ومورد نظر همه‌معلمین بوده است برای اینکه خوب تحصیل میکرد ولی این‌شخص کفش‌ندارد، این آقابرای‌دولت شماخجلت آور است وشما هیچکارنکردید نه برای اینها نه

برای مهندسین نه برای اعضاء جزء ادارات هیچ چیز نگردید که در این پنج ماه بیائید پشت تریبون و بگوئید که من فلان کار را برای ملت ایران کردم ، که ماخودمان را راضی بکنیم که مخالف نباشیم و ممتنع باشیم ولی شما نمیتوانید بگوئید کاری برای ملت ایران کردید حتی چند روز پیش مراسلهٔ بمن رسید یکعدهٔ از مهندسین راه آهن را توقیف کردند درست است ما درحالیکه با متفقین مان دوست هستیم درحالیکه بر علیه آلمان فاشیست اعلان جنگ میدهیم هر کس که بر علیه منافع متفقین ما کوچکترین تعدی بکند باید باشدّ مجازات برسد این بجای خودش محفوظ است اما یك عدهٔ را نگهداشتند و بعد خود متفقین ما حس کردند که این ها مقصر نیستند آزادشان کردند وحالا هم این بدبختها گرسنه هستند و شما حقوقشان را بهشان نمیدهید درصورتیکه باید مطابق قانون حقوقشان را بدهید برای اینکه اینها بی تقصیر بوده اند اینها محکوم نشده اند واز کارشان اجباراً بیرون شده اند ، من پنج ماه قبل اینها را نمیدانستم ونشاخته بودم ولی حالا معتقد شده ام که در این خراب کاریهائی که در مملکت می شود تعمد وجود دارد ، بنده یك مثال میزنم درموقعیکه قند وشکر قیمت عادی داشته در حدود ۵۰۰۰ تن چای در سال مصرف کشور بوده وشما در انبارها دوازده هزار تن چائی موجود دارید توجه بفرمائید بمناسبت اینکه قند و شکر پیدا نمیشود و خیلی گران است مصرف چائی از پنج هزار تن پائین آمده درصورتی که شما مصرف سه سال ایران را دارید و درانبارها نگاه میدارید وحال آنکه بنده تجاری را می شناسم که امین و درستکار هستند و نمیخواهند ازملت ایران بدزدند ومیگویند که اگر این چائی ها را آزاد بگذارید قیمت چائی بکلی پائین میآید . (مظفرزاده ــ الآن چهل هزار جعبه چای از هندوستان آورده اند) . . قطعاً تعمدی در کاراست برای اینکه می خواهند ملت ایران را سرگرم کنند به قند وقماش وچائی که نفهمند چه کسانی بما دارند حکومت میکنند این سیاستی است که سالها در ایران انجام شده است وحالا سیاست شکر وقند وقماش بجای نان درمیان آمده است اینها تازگی ندارد این حربهٔ همیشگی ارتجاع در ایران است برای اینکه ملت ایران را مشغول بکنند و سر گرم بکنند و نرسد که آزادی خودش را حفظ کند ، یکی دیگر از خراب کاریهای دولت شما دراین پنج ماهه موضوع سیگار و توتون است من نمیدانم آقایان نمایندگان اطلاع دارند یا نه اخیراً متداول شده در توی بسته های ده تائی سیگار اشنو دو تا سه تا سیگار امریکائی می گذارند و میفروشند مملکتی که توتون خودش را تأمین میکرد و صادر هم میکرد کارش بجائی رسیده است که سیگار آمریکائی را می خرد و بجای سیگار اشنو میفروشد اگر بخواهید بنده می خرم و میآورم وبشما تقدیم میکنم هفت تا سیگار اشنو میگذارند سه تا هم سیگار امریکائی لایش میگذارند برای اینکه قیمت سیگار امریکائی که درخیابان اسلامبول میفروشند یك نوعش از سیگار اشنو ارزان تر است ، مملکتی که مصرف سیگارش را بطور خوبی و بقیمت ارزانی تهیه و تأمین میکرد چطور شده که الآن ما احتیاج داریم که سیگارهای فرنگی بقیمت سیگار خودمان بلکه نازلتر بخریم! بخدا در این امور تعمد در کار است برای اینکه کشت توتون را ازبین ببرند ، دراین مملکت سیگار را از ترکیه خریده اند.

(مظفر زاده ــ توتون را از ترکیه خریده اند کیلوئی شش تومان) . . . . بله توتون کارهای گیلان فریادشان بلند است که یك قیمت عادلانه ای برای کالاشان گذاشته شود . آقای ساعد شما که پشت میز ریاست نشسته اید نمیدانید که توتون کاری چه زحمتی دارد چه اشکالاتی دارد ، بند کشی این توتون ، جور کردن آن وعدل بستن وغیره چه اشکالاتی برای سلامتی شخص تولید میکند ، آنوقت دولت شما بقیمت بسیار نازلی از آنها میخرد وبقیمت گران حتی بخود آنها نمیفروشد درچندی قبل یکعده از توتون کاران گیلان نامهٔ نوشته بودند که حتی توتونی که از ما میگیرند وسیگار درست میکنند سیگارش را هم برای ما نمیفرستند والآن در آنجاها سیگار وجود ندارد و در دهات گیلان سیگار نمیفرستند و انحصار باندازهٔ کافی سیگار نمیدهد (خلعت بری ــ همه جا همان طور است) . . . . بنده نمیدانم که این را اسمش را چه بگذارم

واگر ارفاق بکنم بدولت گذشتهٔ شما بعقیدهٔ خودم باید بگویم که تعمد بخرابکاری شده است . درموضوع نوغان هم به حمدالله همین کار را کردید ، کار نوغان را بجائی رساندید . . . . بنده در حضور آقایان نمایندگان ملت عرض میکنم که امسال نوغان باندازه کافی نخواهید داشت و با این خرابکاریهائیکه درادارهٔ نوغان شد جیب یکعده ای پر شد (اگر با آقای ملك مدنی دوباره برنخورد) ولی مردمیکه از آن زندگی میکردند از بین میروند وبخاك سیاه می نشینند (مظفرزاده ــ ابریشم ایران ازبین میرود) اما درعوض اگر شما میخواستید کار بکنید شما که می بینید در مملکت ما ما یحتاج باندازه کافی بمردم نمیرسد قند و شکر و قماش باندازه کافی نمیرسد چرا اجازه میدهید که درهر خیابان وبازاری بیش از هر دو اخانه ، هر مطب وهر دکان دیگر عرق فروشی باشد حتی دولت شما پیاله فروشی را آزاد کرده است واگر عرق را بابطری بفروشند شاید یکعدهٔ مخفیانه بخرند و ببرند منزل شان زهرمار کنند اما باپیاله بقیمت ارزان بشاگرد مدرسه میفروشند بهرکس که رد میشود میدهند یك نفری که معتاد است دیگران را هم معتاد میکند این عمل برای این است که ملت ایران باید ازبین برود چرا در شیره خانه ها را نمی بندید آقا بفرمائید با بنده برویم بعباس آباد با من تشریف بیاورید که ملاحظه کنید که درشیرك خانه ها نمردم ایران را بچه روزنشانده اند شما ورئیس الوزراهای سابق تان دمکراسی را بدنام کردید مردم دارند ازدمکراسی متنفر میشوند ومنظورهم همین است، منظور این است که بمردم ایران کاری بکنید که آنها از لفظ دمکراسی بیزار شوند و آنوقت پناه ببرند بیك بی وجدان بیوطن که آن بی وجدان دیکتاتور بشود در ایران ؛ وملت ایران را اسیر بکند وهر کار وهر بلائی که میخواهد بیاورد بسرشان ولی بنده اطمینان میدهم که جوانانی که درمجلس شورای ملی هستند یعنی در اینجا نشسته اند و قلبشان از آتش عشق بایران میسوزد واین پیرمرد هائیکه برف پیری برسرشان باریده ولی قلبشان درخدمت بایران جوان است نگذارند که نه شما و نه جنایتکارانیکه میخواهند استقلال ایران را از بین ببرند فرصت این کار را پیدا نمائید شما درموقع حکومت تان آقای ساعد در همان موقعی که ملت ایران همان طور که گفتم نیم متر پارچه نداشت نهصد هزار متر پارچه برشیدیان دادید (فداکار ــ یك میلیون و دویست هزار متر) تعمد در اینکار بود برای اینکه منفعتی را که از فروش آن در بازار آزاد بدست میآید برای آن مقاصد سوء که همه میدانند صرف کنند ولی ملت ایران میفهمد و فرصت این کار را به شما و آنها نخواهد داد ، این ها را ملت ایران خوب میداند و شما را نمی بخشد ، پول پارچه های رشیدیان بدست یك بی وجدان خرج میشود و برای اینکه زنجیر بگردن ملت بیندازند و برای اینکه حلقه بندگی واسارت بگردن ملت ایران بیندازند (خنده نمایندگان) و استقلال سیاسی و اقتصادی او را از بین ببرند شما اینکار را کردید وملت ایران این ها را فراموش نخواهد کرد ، بالاخره کار بجائی رسیده که حتی مسلولین هم از دولت شما شکایت میکنند مسلولین بیچاره ایکه دم مرگ هستند آنها هم از دولت شما شکایت میکنند که با زور سرنیزه آنهارا از شاه آباد بیرون میریزند دسته دسته برای اینکه گفته اند چرا طبیب بما نرسانده اید و میبرند در حضرت عبدالعظیم (فیروز آبادی ــ نخیر آقا جا نداشتند) در دورهٔ دولت شما تا کنون که شش ماه است مجلس شورای ملی افتتاح شده هنوز انتخابات بعضی نقاط باقی مانده است (یکی از نمایندگان ــ مثل درگز) منتظر چه هستید شما ، برای خاطر این است که میخواهند وکیل تحمیل بکنند شما باید شهامت داشته باشید و بیائید پشت تریبون اینجا بگوئید که فلان کس و فلانکس بمن فرصت نمیدهند که انتخابات فلان قسمت را تمام کنم برای اینکه میخواهند فلان وکیل را انتخاب بکنند (یکی از نمایندگان شما بگوئید) . بگوئید بگذارید ملت ایران بشناسد اگر ما نمایندگان بدی هستیم دفعهٔ دیگر ما را انتخاب نکنند و مجازات کنند شما دربرنامه تان احترام اصول دمکراسی و قانون را گذاشته اید و خیال میکنم که حضرتعالی به اند که دمکراسی دور کن معظمش سواد و تعلیمات و احزاب

سیاسی است شما در پنج ماه گذشته برای با سواد کردن ملت ایران هیچکار نکردید اما راجع به احزاب دولت شما جز فشار جز مضیقه برای اشخاصی که عضو حزب بودند هیچ عملی را انجام نداده یك شمهٔ راگفتم بفرمائید تشریف ببرید در کارخانه بی کربنات دوسود یکعده از کارگران را بمناسبت اینکه عضو حزب هستند بیرون میکنند (کامبخش یکجا) معلمین رابه مناسبت اینکه عضو حزب هستند ازارتقاء شان جلوگیری میکنند و ترفیعشان را نمیدهند، از کار بیکار میکنند، ازمحلی بمحل دیگرمنتقل میکنند، اینها افتخاراتی است که درقسمت دمکراسی نصیب دولت آقای ساعدشده‌است شما آقای ساعد با تذکرات عدیده راجع بمستخدمین آمریکائی هیچ نظری نگرفتید و من معتقدم و نظر مجلس شورای ملی هم همین بوده که یك فرد هر قدر هم خوب باشد نبایداختیارات معتنابهی باودادونبایدبیك فردحق قانونگذاری داد شما این حرف حسابی را آوردیدتا مجلس وبعد نمیدانم تحت تأثیر چه عوامل مرموزی این حرف را پس گرفتید واصلاً شتردیدی ندیدی آقای ساعد که این اندازه سنك بسینه میزد که این اختیارات دکتر میلسپو منافی مصالح مملکت ما است یکمرتبه تسلیم شد و حتی تصمیم دکتر میلسپو این شد که سه ماه و نیم او بشود رئیس الوزراء و هرچه امر بدهد آقای ساعد اجری بکند چون با آن اختیاراتی که دکتر میلسپو داراست اورئیس الوزراست وشماتابع آن هستید . مطلب مهمتر دیگری که وجوددارد موضوع کارگرانی است که درنتیجه تعطیل کارخانه‌های متفقین ما منفصل وبیکار خواهندشد دراندیمشك ده هزار کارگر یك دفعه بیکار شدند واین یك رقم کوچکش است در تمام طول خط راه آهن در طهران و در اراك و در جنوب عدهٔ زیادی کارگر مشغول کار بودند برای متفقین و بیکار شده اند یك مسئله مهمی هم که اگر دولت متوجه باشد برای او پیش آمد نموده این مسئله کارگران روزمزد است (من دور سالاریه) شما در پرگرامتان برای این صد هزار نفر کارگر که چند روز دیگر در نتیجه تعطیل کارمتفقین بیکار خواهند شد چه فکری میکنید ؟ شما بایستی الآن نقشه اقتصادی بعداز جنگ را تهیه کنیدو یك خورده گوشهٔ آنرا نشان بدهید که ملت ایران بدانند چکار میخواهید بکنید من میگویم که شما چنین نقشهٔ ایرا ندارید و این صد هزار نفر کارگر که کار میکنند و بیکار میشوند برای آنها هیچ کار نخواهید کرد این‌ها درنتیجه یك اپیدمی کوچك تیفوس تمام‌شان از بین خواهند رفت و آن وقت این افراد را که بازوشان برای این مملکت ارزش طلا را دارد و باید در این مملکت تولید ثروت بکنند اینطور برایگان از دست میدهید . شما راجع به بیمه اجتماعی هیچکار نتوانستید بکنید بیمهٔ اجتماعی را مجلس شورای ملی تصویب کرد شما چرا تا کنون اجری نکردید ؟ چرا یك کار کردید در این مدت وآن این است که باهمه تعارف کردید با همه مجامله کردید هر کسی هر کار داشت و هر کاری خواست از شما فرمودید چشم تقاضای خصوصی بود فرمودید چشم ، تقاضای خصوصی انجام‌شد تقاضای عمومی که به نفع ملت ایران بود همه فراموش شد . بهر حال آقای ساعد اگر مرد وطن پرستی هستید باید بدانید که همان طور که گفته شد امروز برای ایران موقعیت بخصوص وباریکی وجود داردازیك طرف بحمدالله جنگ تمام میشود وامیدوارم برای آخرین دفعه در دنیا باصول قلدری و زورگوئی و دیکتاتوری خاتمه‌داده شود د از طرف دیگردر داخله ایران ما گرفتار این قحطی و این ناراحتی و سختی مردم هستیم و شاید بعداز رفتن متفقین بمناسبت بیکار شدن عده ای از کارگران این وضع سخت‌تر شود بنابر این یك بحران داخلی برای ما تولید بشود و از طرف دیگردر نتیجه بی‌لیاقتی که دولتهای دورهٔ دمکراسی نشان داده اند در نتیجه تعمدی که در زمان دمکراسی شد برای اینکه ملت ایران را ازدمکراسی بیزار بکنند خطر دیکتاتوری در ایران پیش آمد کرده اگر شما مرد میدان هستید مسئولیت را بعهده بگیرید اما اگر نیستید این ننگ را قبول نکنید که در تاریخ ایران کابینهٔ شما یك کابینهٔ محللی بشود یك کابینهٔ بشود که خرابکاریها

را در ایران تمام بکند و کار را بجائی برساند که ملت ایران بیك اژدهای خائن پناه ببرد . . .

صفوی ـ این طور نیست آقا سوء تعبیر نفرمائید .

دکتر کشاورز ـ بنده افتخار این را دارم که هر وقت صحبت میکنم آقای صفوی توی حرف بنده بدوند . آقای صفوی حسن نیت بنده از شما بیشتر است . . .

صفوی ـ این طور نیست آقا .

دکتر کشاورز ـ . . . سوابق من وشما را درمقابل ملت ایران میگذاریم آنوقت ثابت میکنم که من حسن نیتم از شما زیادتر است (رئیس ـ آقا مذاکره بین خودتان نکنید صحبت را بفرمائید)

دکتر کشاورز ـ آقاجنابعالی مراوادارمیکنیدوقتی که من حرفی را میزنم پا روی دمم نگذارید من خیلی صریح حرف میزنم . . (رئیس ـ آقا شما که ول نمی کنید صحبتتان را بکنید .)

دکتر کشاورز ـ بهرحال بحران داخلی پیش میآید و خطر دیکتاتوری وجود اسلحه ایکه دولتهای دیگر قبلی و دولت شما بدست مردم داده‌اند باسم اینکه از خودشان دفاع بکنند ودر آذربایجان است و برعلیه رعایا استعمال میکنند این‌ها کارهائی است که باعث بحران داخلی ایران می‌شود و کار را واقعاً مشکل میکند از یك طرف دیگر زمزمه نفط در تمام دنیا پیچیده شما که در مجلس شورای ملی ازتان سئوال شد راجع به نفت وجواب سربسته دادید در پروگرامتان چرا این قضیه را روشن نکردید چرا نخواستید بملت ایران بگوئید که نظر کابینه شما راجع به نفت چیست ؟ زیرا برای ملت ایران یکی ازمنابع بزرگ نفتش است واین نفت همان اندازه که ممکن است باعث خوشبختی ملت ایران بشود ممکن است باعث بدبختی ملت ایران هم بشود و ما را گرفتار یك رقیت اقتصادی وبندگی اقتصادی بکند که در نتیجه از بین رفتن استقلال اقتصادی ما استقلال سیاسی ما هم عملاً از بین برود چرا دربرنامه خودتان راجع باین قضیه صحبت نکردید الآن که مذاکره نفت حتی دربین تمام دولتهای بزرگ دنیا متوقف شده است واین را گذاشته‌اند برای بعد از صلح چرا شما در برنامه تان نگفتید که دولت من تعجیل دربارهٔ نفط ندارد و میل دارد صبر بکند با مطالعه این کار انجام شود اما نه مطالعه‌ایکه بدست چهارپنج نفری که شما باسم کمیسیون نفت معین کرده‌اید ومعلوم نیست چه نوع اشخاصی هستند ، با مطالعهٔ کامل ، باحفظ استقلال سیاسی و اقتصادی ایران با فرصت از این موضوع استفاده کند چه ضرر داشت شما بملت ایران این اطمینان را بدهید که نگویند کابینه آقای ساعد بوی نفت میدهد وزیادهم بوی نفت میدهد من خیال میکنم آقای ساعد دو مطلب دیگر که بگویم صحبتم تمام می‌شود یکی اینکه شما درپروگرامتان یك صحبتی کردید که بسیار خوش‌مزه بود فرمودید اگر من کاری نکردم برای این بود که یکماه رأی اعتماد بمن دیر دادید یکماه مهندس فریور استیضاح کرد ومرا معطل کرد یکماه‌هم موضوع مستخدمین خارجی مرا معطل کرد یکماه‌هم موضوع استیضاح آقای فرهودی و تشکیل کابینه بنده بیاد یك مثلی افتادم خیلی معذرت از شخص جنابعالی میخواهم و آن این است که یك خانمی شوهر کرد رفت بمنزل شوهرش وبعد از سه ماه فارغ شد . . .

اردلان ـ بخانم‌ها توهین نکنید .

دکتر کشاورز ـ این عمل که ممکن است اتفاق بیفتد (من طبیب هستم میدانم که ممکن است اتفاق بیفتد) مطرب‌ها مشغول نواختن بودند بآن مرد رساندند که زنی که سه ماه در منزل تست چطور ممکن است از تو اولاد داشته باشد ، عصبانی شد گفت بچه‌ها نزنید مطرب را ساکت کرد رفت پیش زنش پرسید که تو سه‌ماه بیشتر نیست که منزل من آمده‌ای حالا چطور شد که فارغ شدی گفت الآن حسابش را دستت میدهم سه ماه تو من را دوست میداشتی سه ماه من ترا دوست میداشتم سه ماه‌هم‌هست که درخانه‌ات هستم این می‌شود نه‌ماه برگشت رفت پیش مطرب‌ها گفت بچه‌ها بزنید که کار درست شد وحالا عرض میکنم اینکه حساب شده غلط است شما پنج‌ماه تمام وقت ملت ایران را تلف کردید آنوقت سه موضوع را که اصلاً در موقعی که شما در مجلس شورای ملی

نیستید نباید وقت‌تان را بگیرد این رابهانه کردید که وقتتان را گرفته و کاری نکردید ، شما با این فرمایشتان یك اعتراف ضمنی هم کردید به اینکه کاری نکرده‌اید اما جنابعالی کاریکه می‌توانید بکنید و می توانستیدبکنید این بود که این قدر صراحت و شهامت داشته باشید که بیائید پشت این تریبون‌اسم آن اشخاصی‌را که‌نگذاشتند شما کار بکنیدبه‌مجلس‌شورای ملی و بملت ایران معرفی بکنید باید پشت‌این‌تریبون‌صریحاً بگوئید فلان‌وفلان . وقت‌من‌را برای فلان کار تلف کردند . فلان و کیل و فلان شخص میخواهند فلان کار را بکنم شما حق تان این بود که تسلیم کار بد نشوبدو اگرچاره‌نداشتیدممکن بود که این‌جابگوئید و صراحت‌داشته باشیدمثل‌مرحوم مستوفی‌الممالك که گفت من آجیل نمیگیرم و آجیل هم نمیدهم و اهل بره کشی هم نیستم شما هم پشت این تریبون بایستی میگفتید که فلان میگوید که فلانکس باید وزیر بشود فلانکس باید معاون وزارتخانه بشود و فلانکس رئیس‌فلان اداره بشود و من سخنم با این جور نمیآید میروم منزلم می نشینم آنوقت‌باور کنید ملت ایران آن احترامی‌را که‌به‌امثال‌مستوفی‌الممالك و مشیرالدوله‌ومؤتمن‌الملك‌میکنند‌بشمامیکردمن‌اطمینان‌دارم که‌درقلبتان گفته‌های‌من‌راتصدیق میکنید اگر آدم منصفی باشید آقای ساعد بنده اطمینان دارم که گفته‌های مراتصدیق میکنید ولی ممکن‌بود که‌شما از من‌بپرسید که‌تو همش منفی میگوئی ومن در یك چنین موقع باریکی و با مجلس فعلی چکار بکنم من معتقدم که در یك چنین موقع باریکی رئیس‌الوزرای یك مملکت بایدیك کسی باشد که مورداعتماد اکثریت کامل ملت ایران و مجلس‌شورای ملی باشد و آن شما نمی‌توانید باشیدباید یك کابینه‌ای تشکیل بشود که آن کابینه کابینه ائتلاف ملی باشد همان طور که در تمام ممالك‌دنیا در یك چنین موقعی یك چنین کابینهٔ تشکیل شد در آن‌اشخاصی که‌واقعاً میتوانند بمملکت‌شان خدمت‌بکنند واشخاصی که میخواهند بمملکت‌شان خدمت بکنندشرکت میکنندوماامثال‌ایشان‌رادار یم‌من‌نظریه‌شخص‌خودم‌رامیگویم امثال مصدق‌السلطنه‌هاما داریم که آنهامورد اعتمادتمام ملت ایران هستند قشقائی ، بختیاری ، کرد ، ترك‌زبان همه اینها یك همچو شخصی را می‌شناسند میدانند این شخص درستکار ومعروفی است ومیخواهد برای ملتش خدمت بکند وحاضر است برای مملکت وملتش فداکاری بکند ملت ایران دریك همچوموقعی‌احتیاج باین اشخاصی که‌هم‌بخواهند وهم‌توانائی کاررا داشته باشند دارد والا بااین نوع کابینه‌هائی که شمادر رأسش قرار گرفته‌اید ملت نتیجه‌ای نخواهد گرفت به خدا قسم و آنوقت شعر آن شاعر درست میشودکه گفت :

صد سال این طریق اگر زندگی کنیم
مانند گوسفند به صحرا چریده ایم

جمعی ازنمایندگان ـ ختم جلسه

فرمند ـ اجازه می‌فرمائید این مطالبی که اینجا گفته شده است حق‌است که خود رئیس‌الوزراء یا یکی از وزراء جواب‌بدهند‌چون‌یك‌قسمت‌مطالبی‌بود که آقای‌رئیس‌الوزراء کاری کرده اند یا نکرده اند این را و کلا نمیتوانند جواب بدهندبایدخود آقای نخست‌وزیر جواب بدهند(صحیح است)

رئیس ـ جلسه برای فردا ساعت نه و عجالةً بعنوان تنفس تعطیل میشود آقایان ساعت نه تشریف بیاورند

[مجلس یکساعت وده دقیقه بعدازظهر بعنوان تنفس تعطیل]

(و یکساعت پیش از ظهر پنجشنبه ۲۳ شهریور مجدداً بریاست آقای طباطبائی تشکیل گردید)

رئیس ـ چون جلسه بعنوان تنفس تعطیل شد صورت مجلس نداریم . یك مطلبی را میخواستم عرض کنم . دراواخر جلسه‌گذشته چند نفر از آقایان نمایندگان در مجلس وبعداً در خارج اعتراض میکردندکه ازطرف آقایان تماشاچیان باخنده‌کردن وحرف زدن انتظامات مجلس یکقدری مختل میشود حالا خواستم خاطر آقایان را مستحضر کنم که بموجب ماده ۱۴۲ و۱۴۳ نظامنامه‌مجلس شورای ملی آقایان تماشاچیان بهیچوجه نمیتوانند تظاهراتی بنمایند و باید کاملاً رعایت انتظام‌مجلس ازطرف آقایان بشود وقوانین‌مجلس را رعایت‌کنند . این‌را خواستم برحسب‌اظهاری که ازطرض

آقایان نمایندگان شده بود اخطارکنم (صحیح است) آقای فرهودی نوبه‌شان است ودر ستون موافق اسم نوشته‌بودید حالا بفرمائید مخالف‌هستید یاموافق (فرهودی ـ بعدعرض میکنم) چون مطابق قانون ونظامنامه باید معلوم شود اگر موافق هستید حالا میتوانید مذاکره بفرمائید ولی چون نوبت مخالف نیست اگر مخالف باشید جلوگیری میشود .

فرهودی ـ این سئوالی را که الان آقای رئیس‌محترم مجلس فرمودند دیروز هم همین سئوال را از بنده فرمودند بنده یك توضیحی بنظرم رسید . مخالفت و موافقت بابرنامه را قبلاً بطور قطع‌نمیشود اظهارکردبرای اینکه مطلبی در مجلس مطرح است دلایل مخالف و موافق آن مطلب‌گفته میشود ودر نتیجهٔ آن اظهارات یك عقیدهٔ برای وکیل پیدا میشود یعنی از مجموع اظهارات در ذهن خودش یك‌عقیده ورائی برای خود ترتیب میدهد ودرموقع رأی دادن مخالفت وموافقت‌خودش را بارائی‌که میدهد اظهارمیدارد درهرحال زمینه عرایض بنده مخالفت آمیز نیست فقط تذکراتی را لازم میدانم عرض‌کنم چون آقای نخست‌وزیر در موقع معرفی کابینه اسمی از استیضاح بنده بردند ناچارم مقدمةً توضیحی عرض‌کنم آقایان نمایندگان میدانندکه بنده‌ابتدا قصد استیضاح نداشتم فقط میخواستم در باب سوءجریانات ادارهٔ راه آهن یك حقایقی را بعرض برسانم این بودکه در اوائل‌اردی بهشت ماه‌سئوالی‌دراینموضوع کردم‌پس‌ازیکماه آن سئوال را در جلسه رسمی تذکردادم وزیرمسئول‌برای جواب نیامد پنجاه روز از آن تذکرگذشت بازهم وزیر مسئول جواب نداد قضیه تخلف از اصل ۶۰ متمم قانون اساسی بمیان آمد و بنده نظر بوظیفه قانونی ناچار شدم استیضاح‌کنم والا مایل باستیضاح نبودم بفرمایش حضرت امیر علیه‌السلام در هفته سوگواری او هستم اتسع الخرق علی الراقع بعدآقای نخست‌وزیردرجلسهٔ استیضاح مداخله کردند و استیضاح را به هیئت دولت‌خودشان بسط دادند والا قضیه بنده مربوط بیك نفر وزیر بود بنابراین آن استیضاحی‌که منجر شد به‌سقوط کابینه سابق بنده مسبب آن نبودم بلکه رویه کابینه سابق آن استیضاح را هم تولید کرد وهم بسط داد از این‌گذشته آقای نخست‌وزیر که میخواهندبا مجلس کار بکنند نباید از استیضاح‌دلگیر شوند آقای‌نخست‌وزیر خوب میدانندکه‌یکی‌ازوظایف‌نمایندگان نظارت‌واجرای قوانین وحسن جریان اموراست وبرای‌انجام این وظیفه است که قانون اساسی به‌نمایندگان حق سئوال واستیضاح را داده است بنابراین سئوال واستیضاح یك‌امر عادی جاری حکومت پارلمانی است وآنطور که آقای نخست‌وزیر دربیلان خودشان بیان فرمودند موجب بطالت وتعطیل کارها نباید بشود وهمینطورکه آقای نخست‌وزیر معمولاً مراسلات را امضا میکنند میبایستی تشریف بیاورند و جواب سئوال و استیضاح را بدهند و نباید تصور شود که سئوال و استیضاح موجب تعطیل کارهای دولتی میشود اصولاً استیضاح‌سه‌عنصرداشت‌یك‌عنصروزیرمسئول‌یکی هم سوء جریان بنگاه راه آهن یکی هم بنده که در خدمت آقایان هستم یك عنصرش رفته که او وزیر راه است اما دو عنصرش باقی است سوء جریان برقرار است بنده هم خدمت آقای نخست وزیر هستم چون قصد بنده از این استیضاح اصلاحات اساسی بود در امور بنگاه راه آهن و آقای نریمان وزیر راه که فعلاً این مسئولیت را دارند بطوریکه می‌شنوم مرد جدی و درستکاری هستند و امیدوار هستیم بدون اینکه بنده‌محتاج به‌استیضاح وسئوال ثانوی‌بشوم‌ایشان‌موفق‌بشوندکه یك‌اصلاحات اساسی درکار راه‌آهن بکنند وبرای‌این منظورهم البته همانطورکه بنده آن دفعه سه ماه صبرکردم حالا هم ممکن‌است یکماه صبر کنم ولی اگر سوء جریان برقرار بماند عنصر ثالث هم تشکیل میشودوآن وزیر مسئول است واستیضاح بجریان خودش برقرارخواهد بود بنده درباب این‌کابینه‌که تشکیل شده است نظریاتی پیدا کردم در اصول تشکیلش آن نظریات را یکمرتبه در جلسه خصوصی عرض کردم یك مرتبه هم در ضمن یك پیامی‌که نوشته بودم و در روزنامه کیهان چاپ شد به‌آقای ساعد تقدیم‌کردم آن مطالب کم و بیش اینجا گفته شد این است که تذکر آن مطالب دیگر در این‌جا ضرورتی ندارد ومیرویم سربرنامه

البته برنامه که نوشته شده است چون مکمل برنامه سابق است برنامهٔ سابق هم اصول وموادی داشت رویهمرفته بنده اعتراض بمواد برنامه ندارم اما خیال میکنم که این برنامه یك نقصی دارد برنامهٔ هر دولتی گمان میکنم که باید متناسب آن زمانی نوشته شود که در آن زمان تشکیل شده است بنده خیال میکنم البته بنده که نخست وزیر نیستم و به عقل و درایت آقایان وزراء هم نیستم ولی خیال میکنم که در آن موقع که پروگرام را مینوشتند حق این بود که یکی از مواد برنامه ایجادکارهای عام المنفعه و مولدثروت باشد برای اینکه مدتی است آقایان ملاحظه میفرمایند وقت مملکت و مقالات مطبوعات و نطق های نمایندگان مربوط بعدم رضایتها از زندگانی طبقاتی است که دراین مملکت زندگی میکنند و این عدم رضایت بانواع و اقسام اظهار میشود بنده تصور میکنم سرچشمه این بدبختیهائی که گفته میشود و ما می بینیم که با این همه گفتن ها چاره هم برای آنها نمیشود یعنی راه حلی برای آنها نشان داده نمیشود باید راه حل هم گفته شود بعقیده بنده دوچیز است یکی فقرعمومی است یکی سوء اداره ـ وفقرعمومی مهم تر است بنده تصورمیکنم که صرف منفی بافی واظهارتأثرکردن از یك وضعیت نامطبوعی کافی برای اصلاح آن وضع نیست هرکس یك قضیهٔ وپروبلم اجتماعی را عرضه میکند مکلف است که یك راه حلی هم نشان بدهد و هرکس هم که یك راه حلی را که گفته اند نمی پسندد باید یك راه حل بهتری را نشان بدهد و الا با نفی مطلق مملکت بجائی نمیرسد باید روحیهٔ مثبت داشت وسعی کرد باقوه کار تمام این بدبختی ها و نگرانیها و ناراحتی ها را اصلاح کرد فعلاً ما یکی از لحاظ چاره فقرعمومی و یکی هم ازلحاظ این وضع خاصی که مملکت دارد یعنی یك عدهٔ کارگر دریك کارهائی مشغول هستند و بتدریج آن کارها تعطیل میشود و ممکن است که آن کارگرها بیکار بمانند ناچار هستیم یك رشته اقدامات عام المنفعه که تأثیر فوری در تولید ثروت داشته باشد در نظر بگیریم و بنده دواقدام را من باب نمونه عرض میکنم یکی سدسازی کرخه است درخوزستان رودخانه کرخه یکی از رودخانه های معتبر خوزستان است که این قدرها اهالی ازش استفاده نمیکنند از دشت میشان میگذرد بعد هم میرود باصطلاح اهل محل بآن هورالعظیم میریزد در سال ۱۳۱۸ یك مطالعاتی شد که یك سدی برای رودخانه کرخه بسازند و نقشه های تفصیلی آن سد هم تهیه و حاضر شد و الآن هم هست ومخارج آن هم درآن سال برآورد شد بدو میلیون تومان البته حالا بواسطه گرانی قیمتها ممکن است دو میلیون ده میلیون بشود اگر این سد ساخته شود ممکن است در هر ثانیه از ۲۶ تا ۴۳ مترمکعب آب در جلگه خوزستان سرازیر شود و بیش از ۲۶ هزار هکتار زمین را مشروب میکند فعلاً که در خوزستان یك بیکاری شروع شده وبحمد الله دولت هم عایداتی دارد بنده خیال میکنم که هیچ مانعی نداشته باشد شروع باین اقدام اساسی بشود چون در آنجا پروندهٔ سدسازی کرخه که حاضر است فوراً بمعرض اقدام گذارده شود این باعث خواهد شد که یك سلسله از حرفها و عدم رضایتها بخودی خود از بین میرود یك نمونه دیگر مسئله قندسازی است البته آقایان میدانند که کشور ما دارای چند کارخانه قند است و مقداری هم محصول میدهد واین محصول کافی نیست وسالی نود هزار تن قند وشکر از خارجه باید بیاوریم (سیدضیاء ـ شصت هزار تن) خوب شصت هزار تن ولی مصرف قبل از جیره بندی یکصد وبیست هزار تن بوده و حالا آورده اند به نود هزار تن و مصرف عادی مطابق قراردادی که در ۱۳۱۰ باشوروی شد مقدار قند و شکری که دولت ازدولت شوروی میخرید و میآورد صد و بیست هزار تن بود وهمانطور که عرض کردم ما در حدود سالی نود هزار تن یا بقول آقا شصت هزار تن کسر قند وشکر داخلی داریم یکنفر ازمتخصصین علاقمند به زراعت نیشکر در خوزستان مطالعاتی کرده و در نتیجه آن مطالعات باحساب دقیقی که کرده این نتیجه بدست آمده که درظرف سه سال میتوان زراعت نیشکر را درخوزستان

بقدری توسعه داد که میتوان این نود هزار تن کسری محصول قند را در خود کشور تهیه کرد حتی ما دقت کردیم و خواستیم یك کارخانه جدید هم از خارجه لازم نیست و یکی از همین کارخانجاتی که در کنار راه آهن داریم و سالی یکماه بیشتر کار نمیکنند آن را به آسانی میشود بخوزستان برد و مرکز قندسازی کرد ملاحظه میفرمائید که اگر این اقدام بشود ما یك مملکتی میشویم که وارد شده ایم درخط صحیحی که آن خط تولید ثروت است بجای تولید حرف بجای تولید منفی بافی بجای تولید کشمکش رسیده ایم بمرحلهٔ تولید ثروت یك ملاحظه هم باید الآن داشته باشیم و آن این است که بنده اینطور حس میکنم که عدهٔ هستند که درامورتولیدی مملکت هم اختلال میکنند و اگر جامعه وطنپرستی یك اکثریت ثابتی یك دولت فعالی حقیقةً علاقمند باشند که مملکت را از این بحران بیرون بیاورد بایدهم دستگاه تولید ثروت را توسعه بدهد و هم باعوامل مخل تولید ثروت مبارزه کند این ترتیبی که بنده عرض میکنم و این فکری که بنده دارم بجز تولید ثروت یك ثمر دیگری هم دارد و آن این است که ما یك ارزشی دراین جنگ که در جریان است پیدا کردیم وانصافاً هم باید ممنون باشیم این ارزش بین المللی خودمان را به سیاستمداران گذشته خود مثل مرحوم فروغی و همکاران او و حسن تشخیص مجلس سیزدهم و چهاردهم اما ارزش بین المللی زمان صلح مان راهم بنظر بنده میتوانیم حفظ کنیم در زمان صلح ارزش بین المللی هرجامعه این است که عضو مفید جامعه ملل باشد و آن عضوی در جامعه ملل مفید است که تولید کننده خوب باشد و فروشنده خوب باشد تابتواند خریدار خوب باشد پس اگر تولید ثروت را ما توسعه بدهیم تکمیل بکنیم عواملی را که مانع کار و کارگر هستند جلویشان را بگیریم دراینصورت امیدوار خواهیم بود که محصولات صنعتی و فلاحتی داشته باشیم و بتوانیم احتیاجات خودمان را رفع کنیم وهم بااین قوه صادرات بتوانیم واردات خوب داشته باشیم برای اینکه این اصلی راهم که در اقتصادیات مخصوصاً چند سال قبل میگفتند که بایستی احتیاجات را کم بکنیم و چیزهای خوب نخوریم و نپوشیم برای اینکه صادرات و واردات تعادل بکند بنده معتقد نیستم بلکه یك جامعه قرن بیستم باید متناسب باوضع و احتیاجات قرن بیستم زندگی بکند والارفتن یك گوشهٔ نشستن وبنان خشك قناعت کردن تحریم قند و شکر و پارچه کردن و مثل جوکیها زندگی کردن این زندگی قرن بیستم نیست مطلب دیگری که درامردولت بنظر بنده اهمیت دارد و غیراز تشکیل کابینه که شرکتی است از افراد وزیران و غیراز برنامهٔ که نوشته اند وداده اند یك مطلب ثالثی هم هست بنده که درمجلس چهاردهم ودولت دوم آقای ساعد که معرفی شده است نمی بینم که دراین باب مذاکره شده باشد وآن موضوع رویه وطرز کار دولت است بنده نمیدانم که رویهٔ دولت چیست وطرز کار دولت چیست وآقای ساعد آن روز که کابینه تشکیل دادند و وزراشان را معرفی کردند و برنامه شان را دادند رویهٔ خودشان را برای ما روشن نکردند شما سه رویه میتوانید داشته باشید یکی رویه حفظ وضعیت یعنی (استاتوکوئو) یعنی خرابیها و مفاسد سرجای خودش همینطور باقی بماند ومردم هم دراین کثافت و ناراحتی جان بدهند گمان میکنم این رویه را هیچیك از آقایان نپذیرد یك رویهٔ دیگری است و آن رویهٔ اصلاحات کند و تدریجی است اگر آن رویه را بخواهند داشته باشند قرنها بایست تا خون شیرشد و یك رویه سوم هم هست و آن این است که اقدام سریع و اساسی ومنظم بشود راجع به انجام اصلاحات اساسی درشعب مختلفه زندگی به قول فرنگی ها رفرم شود مافعلاً در اوضاع و احوالی هستیم که احتیاج بیك سلسلهٔ رفرم داریم و الا باآن دو رویه اولیه بمقصود نمیرسیم حالا بنده نمیدانم از این سه رویه که عرض کردم کدام یك مورد قبول دولت جدیداست ودرهرحال آنچه که مسلم است رویهٔ استاتوکوئو و رویهٔ اصلاحات تدریجی بدرد این ملت و این مملکت نمی خورد .

رئیس ـ آقای فداکار موقع خودشان را به آقای نراقی

دادند . آقای نراقی .

فداکار ـ تعویض کردم .

نراقی ـ با اینکه بنده عضو فراکسیون آزادی هستم و این فراکسیون یکی ازفراکسیونهای ثلاثه‌ایست که ازدولت پشتیبانی کرده‌است و بنده صد درصد موافق با جریاناتی که پیش آمده‌نیستم ونظریاتی‌دارم که بایدبعرض‌برسانم‌ومخصوصاً یك نگرانی بزرگی دارم که اگر آقای نخست وزیر یك حول‌شرفی واطمینان‌شرفی وجدی و وجدانی بدهند که‌چنین نیست من موافقت میتوانم بکنم و الا همانطور که تا کنون بحال امتناع بوده‌ام حالا هم ازدادن رأی امتناع خواهم کرد دربرنامهٔدولت بحث زیادشده است ومطالبی که لازم بوده‌است آقایان چه مخالف و چه موافق صحبت کردند و بنده تکرار نمیکنم و وقت آقایان راتلف نمیکنم (ساسان ـ آقای‌نراقی شما که عضوفراکسیون آزادی‌هستید چطورمخالفت‌میکنید) ومبپردازم بمطالبی که‌درمجلس‌صحبت نشده‌است ونکات‌لازمی که دربرنامه اشاره بهش نشده ودر مجلس هم روی آنها بحث نشده آنها را عرض‌میکنم دربرنامه برای تسکین‌خاطرعمومی ومخصوصاً فرهنگی ها یك جمله نوشته شده است که شروع باجرای‌قانون‌تعلیمات‌عمومی‌این‌موضوع‌سابقه‌اش‌این‌است که درقانون تعلیمات عمومی که سال گذشته بتصویب‌مجلس‌رسید دولت را مکلف کرده است که درسال ۱۳۲۲ شروع‌باجرای این قانون بکند د برنامهٔ اولیه که دولت آقای‌ساعد بمجلس آوردند اشاره باین موضوع نشده است بنده یاد آوری کردم وتذکردادم که یك همچو تکلیفی‌امسال دولت دارد و چرا دربرنامه ذکر نکرده اند آقای وزیر مالیه توضیح دادند که ماآنچه راکه مکلف هستیم لازم نیست در برنامه بنویسیم و توضیح بدهیم اما موقعی که بودجه را آوردند وتقدیم مجلس کردند مخصوصاً این نکته راتذکر دادند که ما نتوانستیم وظیفه خودمان‌را درباره قانون‌تعلیمات عمومی‌اجباری‌بموقع اجرا بگذاریم بنده که ایراد کردم گفتند که اعتبار کافی برای این کار نداشتیم بنده که خودم تحقیق کردم معلوم شد که اینها زحمت بدست آوردن میزان اعتبار و خرجش راهم بخودشان راه نداده‌بودند وتصور کرده بودند که‌یك قلم‌خیلی بزرگی برای این‌کار لازم است وبهتر این دیده‌اند که شانه از زیر بار این‌کار خالی کنند بخیال اینکه پانزده میلیون یا بیست میلیون خرج دارد درصورتیکه ما حساب کردیم دوملیون وچهارصد هزار تومان برای اجرای این‌کار لازم است با درنظر گرفتن ماده ۱۲ آن قانون که بالابردن‌حقوق کلیه معلمین‌است مطابق اشل جدیدی که درقانون تعلیمات عمومی است وقریب یك میلیون تومان هم برای‌سایرکارها وزارت‌فرهنگ لازم دارد رویهمرفته سه میلیون و کسری برای انجام این‌کار بیشتر لازم نبود بودجه کشور چهارصد وپنجاه وشش‌میلیون مخارج عادیش‌است وششصد و کسری هم‌قسمت اقتصادی آنست که جمعاً میشود ۱۰۳۰ میلیون تومان‌بنده تعجب کردم‌که دریك بودجه ۱۰۳۰ میلیونی چطور دولت نتوانسته است سه میلیون پیش بینی بکند برای بهترین و لازمترین و مفیدترین تکالیف خودش این را بنده‌ایراد کردم حالادربرنامه‌دولت شروع باجرا رانوشته‌اند شروع باجرا خیلی کش دارد‌ممکن‌است افتتاح چندد‌بستان طهران را شروع باجرا تلقی کنند یا دادن چند جا اضافه حقوق را شروع باجرا بگویند باید صریحاً و مردانه نوشت انجام تکلیف دولت راجع بتعلیمات عمومی ازسهمیه امسال این را باید نوشت وعمل کرد وشروع باجرا نوشتن این قانع نمیکند مارا وبنده‌میخواستم‌به‌هیئت دولت تذکربدهم که آقایان اطمینان داشته باشند که دستگاه فرهنگی امسال با این وعده‌ها براه نمی افتد تا دولت تکلیف خودش را دراین‌مورد اجرا نکند وباوعده و وعید نمیشود معلمین را بیش از این معطل نگاهداشت معلمین حالا یك طبقه هستند که تظلم واسترحام‌نمیکنند مردمانی هستند تحصیل کرده تربیت شده با عزت نفس و آماده برای مفید ترین خدمات کشور و سالم و صحیح معلم یك آدمی است لیسانسیه همقطارش دریك شهری بخشدار است‌یا دادستان است یا رئیس محکمه است یك لیسانسیه در این جا عنوان دبیرومعلم را دارد جامعه ازنقطه نظرجهالت

اینها را به یك چشم نگاه نمیکند به دادستان و بخشدار و رئیس دفتر بخشدار بیشتر اهمیت میدهد با اینکه این یکی مسئولیتش بیشتر ، وظیفه‌اش سنگین تر است به این کمتر اهمیت میدهند دستگاه دولتی ما هم بیشتر به اینها توهین میکنند کمتر حقوق میدهند و کمتر توجه میکنند دیگراین وضع برای معلمین قابل تحمل نیست وطاقت فرسا است این است که در قانون تعلیمات عمومی که پارسال از مجلس گذشت اشل حقوق کلیه طبقات پنجگانه معلمین را بالا برد یعنی متناسب با حقوق سایر مستخدمین دولت کرد واین اشل باید حالا انجام شود و اجرا شود با ماست مالی و فریب دیگر نمیشود معلمین را معطل کرد هنوز درکشور معلمینی هستند که حقوقشان چهل ، پنجاه تومان است در صورتی که مطابق قانون اضافات که ازمجلس گذشت حقوق مستخدمین جزء هم از صد تومان نباید کمتر باشد مستخدمهٔ یك دبستان دخترانه حقوقش صد تومان است ـ اما معلم آن دبستان حقوقش چهل وپنج تومان ، پنجاه تومان است تازه عنوان کنترانی هم دارد . وزارت معارف در حدود بیست و پنجهزار نفر معلم دارد بیش از بیست هزار نفر آنها هنوز قرار دادی هستند از ۱۲۹۹ موقعیکه آن قانون استخدام بی پیر گذشته تا بحال چقدربرعدهٔ مدارس اضافه شده چقدر معلم اضافه شده همه بصورت کنترانی وارد شده‌اند باید باین ترتیب خاتمه داد یك کسی آمده عمرش‌را ، جوانیش را صرف کرده چهل پنجاه تومان حقوق گرفته حالاپیرمیشود و از کار می افتد فوراً باو میگویند آقا به مناسبت اینکه دیگر کاری از شما ساخته نیست بخدمت تو خاتمه میدهیم وبعد از این خدمت شما ادامه داده نمیشود چون مادهٔ آخر هر کنتراتی این است که در هر موقع وزارت فرهنگ حق الغای قرارداد را دارد وحق دارد کنترات را تجدید نکند و معلمی که دریك دبستان بیست و پنج سال کار کرده است روز آخر این حرف را میتوانند باو بگویند و روانه اش کنند . آقا این بی ترتیبی‌ها را باید موقوف کرد عرض کردم معلمین‌یك‌طبقهٔ نیستند که‌مثل‌سابق تظلم بکنندجلب‌عواطف و عنایت بکنند همهٔ جوانان تحصیل کردهٔ با ارادهٔ رشیدی هستند که درسایر قسمتها بایدکاربکنند ومیتوانند کاربکنند ولی روی احساسات و عواطف یا روی وطن پرستی آمده‌اند یك رشته مفیدتری را اختیار کرده اند و داخل این خدمت شده‌اند اقلاً دولت باید استرضای خاطر آنها را فراهم کند .

یك قسمت دیگرازعرایض بنده این است که دربرنامهٔدولت از الغای انحصارات ذکری نشده است در صورتیکه در این مجلس مکرر ازمضار بعضی از انحصارات گفته شده که مورد قبول خودآقایان وزراء هم شده است ومکرر گفته شده‌است که بعضی ازاین انحصارات موجب شده‌است که قوهٔ تولیدی کشوردارد ازبین میرود (صحیح است) انحصار پنبه ، انحصار توتون و انحصار نوغان و امثال اینها ، این مواد مفیدترین موادی است که در مملکت ما تولید میشده است از قدیم مملکت ما مرکز تولید ابریشم بوده است امروز که خودش یك کارخانهٔ کوچك‌پیدا کرده‌است وچنددستگاه‌ابریشم بافی سادهٔ دستی‌عنقریب‌باید ابریشم ازخارج برای اینها وارد کند همینطور که‌امسال‌سه هزارتن توتون باقیمت گزاف ازترکیه برای ایران خواستند درصورتیکه بنده در شهرخودم کاشان میدیدم یك عده زیادی ، یك طبقه بزرگی از تجار آن جا کارشان فقط تهیه توتون و تنباکو برای صدور بود ومقادیر زیادی تنباکو و توتون از کاشان صادر میکردند امسال که تحقیق کردم‌بیش ازچهارپنج کیسه بیشترتهیه نکرده‌اندزیرا تنباکو وتوتون را ازقیمت هندوانهٔ کال هم کمترمی‌خواهند بخوندهندوانهٔ کال‌رادرشهر کاشان‌یك من‌پنج‌قران‌ششقران کمترنمیدهند ولی‌می‌خواهندتنباکورا که‌باآنهمه‌زحمت‌تهیه میشود که بادست زمین‌را شخم میزنند وباسطل‌آب میدهند میخواهند هرکیلوئی دوقران بخرند ودرحقیقت ازهندوانهٔ کال هم ارزانتر بخرند پس دیگر کسی نمیکارد ودر برنامهٔ دولت ذکری ازالغای این‌انحصارات نشده است وبعقیدهٔ بنده این‌نقص‌است برای برنامهٔ دولت وباید یك‌مرتبه تصمیم‌جدی گرفت واین قبیل انحصارات را یك مرتبه باطل کرد(صحیح است)اگراین کارباختیارخودآقایان وزراء باشد شایداصلاح

شود ولی نمیگذارند و حقیقتش این است که در هر وزارتخانهٔ که با این انحصارات ارتباط دارند یك عده‌ای هستند که عایدی دارند و فایده میبرند و متمتع میشوند از این انحصارات و آنها ذهن آقایان وزراء را مشوب میکنند تا در وزارتخانه‌شان میگویند که نظر دولت این است که مثلاً انحصار پنبه ملغی شود رئیس انحصار و اعضاء اداره اش یك مشت دروغ و یك مشت اعداد بی معنی میگذارند جلوی وزیر و میگویند مطابق این ارقام و مطابق این دلایل و جهات بودن این انحصار لازم است و وزیر هم بدون اینکه فکر بکند تحت تأثیر این حرفها واقع میشود و آن عناصری که سوء استفاده میکنند از این انحصارات پا فشاری میکنند و نمیگذارند که این انحصارات ملغی شود و یك وزیر رشید وفهیمی لازم است که تحت تأثیر این حرفهای شیادان وزارتخانهٔ خودش واقع نشود و واقعاً درست اطراف کار را نگاه کند و تصمیم بگیرد . عرض دیگر بنده راجع است به نظام وظیفه یکی از مسائل مهم و بزرگ و مورد ابتلای تمام افراد این کشور نظام وظیفه است. قانون نظام وظیفه در ۱۳۰۴ از مجلس گذشت آنوقت چون هم ذهن اولیای دولت خصوصاً وزارت جنگ و مجلس صاف و منظم و پاك بود یك قانون نظام وظیفهٔ از قانون نظام وظیفهٔ فرانسه ترجمه کردند و تصویب شد و بموقع اجرا گذاشتند و بالنسبه قانون خوبی بود و کمتر روی او میشد تعدی کرد به حقوق مردم . از جمله مواد مفیدش این بود که دولت هر ساله باید پیش بینی کند که چند نفر احتیاج دارد و بعد آن عده را بین مشمولین آن سال با قرعه انتخاب بکند و بقیه را آزاد بگذارد یعنی معاف کند از خدمت و این عمل تا ۱۳۱۰ معمول بود و راه معافیت هم برای اشخاص از نقطهٔ نظر تکفل و موقعیت تحصیل خیلی زیاد بود . در ۱۳۱۰ اولیای وزارت جنگ برای اینکه اختیاراتشان بیشتر بشود و بهتر بتوانند استفاده کنند آن قانون را لغو کردند و یك قانون دیگری آوردند که عمل قرعه کشی را بکلی بموجب آن قانون ملغی کردند گفتند همهٔ مشمولین باید بیایند بخدمت باز هم یك راههای مختصری برای معافیت باقی بود بعد در ۱۳۱۷ یك قانون دیگری آوردند بمجلس که بکلی راه معافیت را در آن قانون مسدود کردند و نوشتند که کور و شل همه باید خدمت بکنند نه تصور بکنید که حقیقةً مملکت ما مورد هجوم بود که باید تجهیز بشود خیر فقط برای این بود که حدود استفاده و اشخاصی که میشود آنها را چاپید زیادتر بشود (صحیح است) حتی یکی از مواد این قانون ۱۳۱۷ آن بود که تمام آن اشخاصی که تا بحال از خدمت معاف شده‌اند معافیشان باطل است یعنی کلیهٔ کسانی که از پانزده سال پیش معاف شده‌اند معافیشان باطل و باید از نو بیایند خدمت کنند . بنده شخصاً با این ماده چقدر مخالفت کردم و معایبش این کار را گفتم ولی وزیر گفت که من جرئت ندارم بعرض برسانم چون این قانون اینطور بعرض رسیده بنده خودم شخصاً بعرض رساندم و گفتند هیچو چیزی نیست و دروغ میگویند که من چنین امری کرده‌ام که باید معاف شدگان سابق از نو بیایند خدمت کنند خیر کلیهٔ معافیت های سابق معتبر است و باید معتبر شناخته شود اتفاقاً یك قانون عجیب وغریبی که چند تا افسر بیسواد نوشته بودند آوردند به مجلس تحمیل کردند و پس از آن از بس ما به هیئت دولت فشار آوردیم دو سال قبل هیئت دولت قانون نظام وظیفهٔ اصلاح شدهٔ را آوردند بمجلس ولی باز هم نگذاشتند که اصلاحات لازم در این قانون بشود زیرا کسانیکه مستفید از این جریانات هستند راضی نیستند که این جریان سوئی که در این قانون هست و مورد استفادهٔ آن اشخاص است از بین برود . بنده یك حسابی برای آقایان میکنم و عرض میکنم که به بینید چقدر میدان استفاده برای متصدیان این کار باز است الآن مطابق دفاتر آمار سالی صد و بیست و پنج هزار نفر در مملکت به سن سربازی میرسند یعنی الآن که سال ۱۳۲۳ است و متولدین ۱۳۰۳ را احضار کرده اند ۱۳۰۳ که حقیقت دارد چون در ۱۳۰۳ در تمام مملکت دفاتر آمار وجود داشته است و در آن سال ۱۲۵ هزار نفر متولد شده‌اند و توی این ۱۲۵ هزار نفر سی هزار نفرشان چهل هزار نفرشان بواسطهٔ تحصیل یا تکفل یا سایر موانع معاف میشوند بازشصت ، هفتاد هزار نفر برای

خدمت آماده‌اند دولت چقدر احتیاج دارد ؟ الآن قشون ما در حدود شصت هزار نفر است (اگر این عده صحیح باشد و ایدآل نباشد) چون خدمت دو سال است سالی سی هزار نفر که بگیرند شصت هزار نفر تأمین میشود پس چرا عده زیادی را معطل میکنند ؟ فقط برای استفاده است اگر دولت هر سال احتیاجات خودش را پیش بینی کند و بگوید که امسال مثلاً سی هزار نفر احتیاج داریم توی این ۱۲۵ هزار نفر سی هزار نفرشان را باقرعه انتخاب بکنند و بقیه را بگویند مرخص هستید بروید عقب کار خودتان چه میشود؟ مردم راحت‌تر میشوند اما اینکار را نمیکنند هر سال یکعدهٔ زیادی را احضار میکنند و آنها را معطل میگذارند خیال میکنید این عقب مانده‌ها عده‌شان چقدر شده است ؟ هشتصد هزار نفر در مملکت هشتصد هزار نفر کسانی هستند که خدمت سربازیشان مانده است و نوبت بآنها نرسیده است که بیایند خدمت کنند و حالا هم سالی صد و بیست و پنجهزار نفر براین عده اضافه میشود واقعاً به بینید هیچکدام از اینها را بدون استفاده ول کرده اند ؟ وجداناً بگوئید هیچکدام از قوم و خویشهای شما مشمول واقع شده است که بدون استفاده و رشوه او را ول کنند ؟ پس برای چه این هشتصد هزار نفر را در حال معطلی و بلاتکلیفی میگذارند ؟ اگر سربازخانه دارید محل پذیرائی دارید بیاورید خدمتشان را بکنند روانه‌شان کنید بروند اگر ندارید چرا آنهارا معطل میکنید ؟! (طوسی ـ ترشی انداخته اند) این معطلی فقط برای استفاده است از نفری ده تومان بگیرید تا نفری هزار تومان در سال از فرد فرد آنها استفاده میکنند الآن موقع احضار است در قانون نوشته است دیپلمه‌ها و لیسانسیه‌ها باید در دانشکده افسری درس بخوانند و افسر بشوند بنده خودم معلم دانشکده افسری هستم می‌بینم که اینها بیش از صد و پنجاه نفر حداکثر لازم ندارند یعنی جاندارند اما صدی صد آنها را احضار کرده اند الآن مشمولین دیپلمه و لیسانسیه هشت سال را احضار کرده اند آنوقت یکی یکی آنهارا رسیدگی میکنند آنکه اصرار دارد وارد خدمت بشود یك مبلغ هنگفتی ازش میگیرند و قبولش میکنند آنکه اصرار دارد وارد خدمت نشود یك مبلغی ازش میگیرند و موقتاً مرخص میکنند . مثلاً الآن یك عده معلمین که در کرمان وفارس هستند موقع افتتاح مدارس هم هست احضار کرده‌اند در صورتیکه فعلاً وسیلهٔ برای او در این مملکت نیست که بیاید طهران باچه وسیله یك معلم لیسانسیه خودش را برساند اینجا و بعد از مدتی که در طهران سرگردان باشد باو بگویند در دانشکده افسری جانیست این معایب را کی میشود اصلاح کرد ؟ آقایان تصدیق میفرمایند که این نظام وظیفه در اصل اگر عمل شایسته و مفیدی بوده است الآن بصورت یك عمل نامطلوبی در کشور درآمده است (صحیح است) یك دهقان صحیح سالم نجیب پابند بحقوق و اصول خانوادگی را از نطنز میآورند به طهران پس از دو سال مبتلا به سفلیس و سوزاك میشود با یك اخلاق بد ، دزد بیشرف بیعلاقه بهمه چیز اورا رها میکنند برای اینکه از بالادستهایش هم غیر از اینها چیز دیگری ندیده در جامعه طهران و سربازخانه که بوده است غیر از اینها چیز دیگری ندیده و نشنیده اینهم دیگر برنمیگردد به نطنز که یك فرد مولد ثروت و مفیدی باشد درهمین طهران میماند مشغول دله دزدی میشود اگر کارهم بخواهد بکند یك سبد آلو برمیدارد وداد میکشد وتاشام پنج تومان ، شش تومان فایده میبرد (فرمند ـ اینکار خوبش است) پس یك آدم مفیدی را از آنصورت باینصورت درآورده‌اید این نتیجه مستقیم نظام وظیفه هست برای عموم آنهم فشاری که به طبقه تحصیل کردهٔ این مملکت وارد است اینها هیچکدام قابل انکار نیست (صحیح است) همهٔ آقایان خودشان مبتلا باین جریان شده‌اند حالا بیائید مردانه یکمرتبه یك قلم بکشید روی این عده که از سابق مانده اند و بعد هم باداره نظام وظیفه بگوئید اول سال پیش بینی کن هر عده را که لازم دارید بین مشمولین امسال قرعه بکشید و قبول کنید و بقیه را معاف کنید بروند پی کارشان باید این قانون را اصلاح کرد و باین جور عمل کرد . اینها نواقص برنامه بود که عرض کردم . اما موضوع نگرانی بنده آقایان میدانند که هفت هشت ماه

است در مملکت یك جریانات نا مطلوبی هست و دستهائی است که آسایش و رفاهیت مردم رامتزلزل کرده است ایجاد فتنه و فسادبین طبقات مردم در طهران وولایات میشود آقای دکتر کشاورز مسئول کلیهٔ این جریانات دولت را میدانند البته بنده اینقدرتندرو نیستم که شدیدا چنین حکمی بکنم که دولت حتماً مسئول این جریانات نا مطلوب است ممکن است دولت شریك و سهیم باشد و ممکن هم هست که دولت ناظر این جریانات و قضایا بوده است و در نتیجهٔ مسامحه دخالتی نکرده است و مواظب اینگونه عملیات بوده است (دکتر کشاورز ـ در اینصورت بازهم دولت مسئول است) انواع و اقسام اختلافات مذهبی و نژادی دارد پیدا میشود انواع مختلف فتنه و فساد در مملکت دارد بروز میکند و مملکت رو بارتجاع خیلی خشن نا مطلوبی دارد سیر میکند بنده خودم شخصاً اگر ناظر جریانات شهر خودمان کاشان نبودم و نباشم در آنجا مفاسدی خیلی شدیدتر از شاهرود و جاهای دیگر ممکن است بروز کند بنده تمام اینها را ناشی از یك مراکزی می بنیم که با دولت فعلی بی‌ارتباط نیستند و آثار وقرائنی می بینم که آن مراکز دردولت فعلی ذی‌نفوذ هستند این است که بنده رانگران کرده اگر شخص آقای نخست وزیر دراین جا مردانه باقول شرف قول بدهند از تحت تأثیر این عوامل و این مراکز شقاق و نفاق بیرون خواهند آمد و مملکت را نجات خواهد دادمن تابع رأی فراکسیون خواهم بود و رأی مثبت میدهم والا بنده شخصاً امتناع میکنم

رئیس ـ آقای فرمند.

فرمند ـ بنده لازم میدانم جریاناتی که در عرض بیست روزاخیر در مجلس شورای ملی مخصوصاً دردهلیزها جریان داشت درست بعرض آقایان برسانم مخصوصاً برای اینکه ملت متوجه شود و بداند چه جریانی بوده است و بنده کوشش میکنم که بهیچوجه احساسات شخصی و فراکسیونی خود مان را داخل اینموضوع نکنم ...

رفیع ـ درست بگوئید.

یمین اسفندیاری ـ به فرمایش آقای رفیع توجه بفرمائید

فرمند ـ چه فرمودید آقای قائم مقام؟

فاطمی ـ فرمودند راستش را بگوئید.

فرمند ـ عرض کنم ما شنیدیم که یك استیضاحی در جریان است در مجلس از طرف آقای فرهودی و بعد دقت کردیم و دیدیم که استیضاح یك مطلب مهمی است و این استیضاح موضوع مهمی نیست که لغت استیضاح و آن حربهٔ که مجلس شورای ملی نسبت به دولت دارد در بارهٔ آن استعمال شود چون بنده عقیده دارم که بزرگترین حربهٔ که مانمایندگان بر علیه دولت میتوانیم استعمال کنیم استیضاح است ولی اگر بخواهیم آنرا هر روز و در غیر موقع استعمال کنیم مبتذل میشود این بود که بارفقای فراکسیونی وغیره صحبت کردیم که این استیضاح بنظر ما مورد ندارد و باید در این موقع از دولت پشتیبانی کرد که این قبیل استیضاح تکرار نشود حتی درورقهٔ مخالف و موافق هم که روز استیضاح نصب کرده بودند بنده اسم خودم را برمخالفت استیضاح نوشتم درصورتیکه یك وکیلی نباید با استیضاح مخالفت کند چون استیضاح حربهٔ وکلا است مثل تفنگ یك سرباز ولی در عین حال عقیده داشتم که این حربه نباید زیاد استعمال شود برای اینکه وقتی زیاد استعمال بشود و بیمورد استعمال بشود دیگر آن حربه نخواهد بود و مبتذل میشود و مثل خیلی از قضایای قانونی ما و خیلی مطالب معنوی مشروطهٔ ما که مبتذل شده است استیضاح هم مبتذل خواهد شد یك روزی در فراکسیون آزادی صحبت در این شد که ما باید به آقای نخست وزیر رای اعتماد بدهیم بشرط این که کابینه شان را ترمیم بفرمایند بعد از آنکه این مذاکره را خاتمه دادیم از آقای نخست وزیر استدعا کردیم و تشریف آوردند آنجا ومباحثاتی درتمام جریان امور شد و ایشان هم مذاکراتی کردند وتوضیحاتی دادند بعد ما بایشان عرض کردیم که ما این عقیده را داریم که بدولت آقا رأی مثبت بدهیم بشرط این که کابینه ترمیم شود حالا چرا فراکسیون آزادی عقیده داشت که کابینه ترمیم شود؟ برای اینکه از اول و بدو تشکیل یعنی در ۲۴ فروردین که

فراکسیون دمکرات بود خاطر آقایان هست که ما اصرار داشتیم (آنوقت بنده جزو آن فراکسیون نبودم بعد وارد شدم) آقایان اصرار داشتند که وزرائی که سر کار میآیند از وزرای سابق نباید باشند و دلیلش هم این است که این وزراء که سه سال است که هی میآیند ومیروند وهیچ کاری نمیکنند لااقل مورد تنبیه اخلاقی واقع شوند و روز ۲۵ فروردین که بنده در پروگرام آقای ساعد بحث کردم اینرا عرض کردم امروز هم عرض میکنم که مقصود ما این نیست که آقایان وزرائی که میروند اشخاص بدی هستند ولی چون مملکت نتوانست از وجودشان استفاده کند دیگر انتخاب نشوند که وزرائیکه میآیند بدانند که یك مجلس بوجود آمده است که اگر وزراء بدکار کنند یا کار نکنند ما میگوئیم بروند پی کارشان و میگوئیم نمیشود مملکت را برای وجود شما معطل کرد وما این کاررا فعلا دربارهٔ این وزراء کردیم حتی آقای لقمان الملك هم که ازاشخاص صالح و فعال بودند بهآتش آنها سوختند بعد آمدیم و در مورد استیضاح، آقایان اعضاء فراکسیون اتحاد ملی و میهن عقیده مند شدند براینکه استیضاح باید عقب بیفتد و ما آنروز موافق نبودیم استیضاح عقب بیفتد وموافق بودیم که استیضاح همان روز بشود و رای اعتماد بدولت داده شود و خود آقای نخست وزیر بروند کابینه شان را ترمیم بکنند ولی آقایانی که استیضاح را عقب انداختند اصلح دانستند که ترمیم قبل از استیضاح بعمل بیاید و استیضاح از بین برود این بود که ما باز استفاده کردیم وفراکسیون آزادی داخل مذاکره شد با دو فراکسیون دیگر که بیائید یك اکثریتی تشکیل بدهیم وهیئت دولت جدیدی بیاوریم و ما باز روی آن عقیدهٔ که وزرای سابق نباید باشند باقی بودیم وهمهٔ آقایان رفقا هم با ما همراه شدند وامیدواریم این تنبیه اخلاقی که در باره وزراء گذشته شده است آقایان وزراء فعلی را چنان متأثر نماید که یك فعالیت فوق العادهٔ نشان بدهند. بعد هیئت مؤتلفه که مشغول این مذاکرات شدند صلاح بر این دانستند که چون نمیخواهند این وزراء روی کار باشند بهتراست اول دولت استعفاء بدهد بعد دوباره کابینه تشکیل شود. این خلاصهٔ مذاکرات مقدماتی بود بعد روزی که بنا بود نسبت به تجدید کابینه تمایل مجلس خواسته شود آقایان منفردین جمع شدند در اطاق جلسهٔ خصوصی و آقای رئیس هم تشریف بردند واز آقایان منفردین استفسار رأی کردند و چنین تصور میکنم آقایان منفردین چنین خیال کرده بودند که ما یعنی اکثریت خیال نداشتیم با آقایان مشاوره کنیم واین اسباب دلتنگی آقایان شده بود و در جلسهٔ خصوصی که در این موضوع بحث کردیم ما هم متوجه شدیم که با آقایان منفردین هم که از رفقای ما هستند باید مشاوره کنیم و بعد هم در جلسهٔ خصوصی از رفقای منفردین خودمان عذرخواهی کردیم که غفلت شده و ما با همه آقایان آشنا هستیم و خصوصیت داریم واگر غفلتی شد از مشاوره با آنها برای این بود که ماتصور میکردیم اغلب این آقایان منفردین موافقین شخص آقای نخست وزیر هستند (دکتر کشاورز ـ از حزب توده هم معذرت بخواهید)

رئیس ـ قطع کلام مخالف نظامنامه است.

فرمند ـ این دستور اخلاقی را حفظ میکنم و با حسن نظر صحبت میکنم و بعد قضیه‌ای که در بیرون مجلس خیلی تأثیرات کرد و در روزنامه ها هم نوشته شد و بنده باید توضیح بدهم این بود که ما و کلای اکثریت یك وزرائی را تحمیل کردیم به آقای نخست وزیر و این لغت تحمیل بزرگتر شد و گفتند که مجلس میخواهد دیکتاتور بشود ولی این را بنده شرح میدهم که در تمام ممالك دنیا همیشه رئیس الوزرا مطلقا اختیار دارد که هر کس را بخواهد انتخاب کند اختیار او روشن است در قانون اساسی و باید اشخاصی را انتخاب کند که با آن اشخاص هم فکر باشد هم سلیقه باشد هم عقیده باشد این است که شخص نخست وزیر در هر مملکتی از ممالك دموکراسی میرود بارؤسای فراکسیون‌ها یا درآنجا ها بارؤسای احزاب مشاوره میکند و اشخاصی که باخودش هم فکر هستند این اشخاص را ازتوی

آن اشخاص حزبی یافراکسیونهای حزبی که نمایندگان احزاب هستند انتخاب میکنند و البته اینها مطابق سلیقه خودش‌هستند . ولی درمملکت ما احزاب نیست وتشکیلات ما رفته است روی فراکسیونهای مجلس این است که آقای نخست‌وزیر عوض اینکه به‌فراکسیونهای‌حزبی‌مراجعه کند به فراکسیونهای‌مجلس که اینجا اسمش‌را میگذاریم‌دستجات مجلس مراجعه‌میکندبه‌بیند که اکثریت‌مجلس چه اشخاصی را میل دارند بایشان معرفی میکنند که با ایشان هم فکر و هم عقیده باشند . این کاری که آقای نخست وزیر کردند یعنی حق خودشان را بااکثریت مجلس بمیان گذاشتند این حقی است که مال ایشان است و کلا هم با ایشان مشورت کردند مشاوره کردند این کار از نقطه نظر وحدت قوه مجریه وقوه مقننه‌بسیار کار خوبی است و آقای نخست‌وزیر خواستند یك نخست وزیر پارلمانی باشند (دکتر کشاورز- وحدت بین قوه مقننه وقوه مجریه نباید باشد) چرا وحدت فکری وروحی وسلیقه ها بین قوه مقننه و قوه مجریه باید بوجود بیاید .

طوسی ـ در عین تفکیك قوا

فرمند ـ تفکیك قوا راهم شرح خواهم داد . بنده‌تصور میکنم که آقای نخست وزیر هیچ خبطی در این کارنکرده اند و ما و کلا هم عمل دیکتاتوری انجام نداده‌ایم چنانچه در آن صورتهائی که‌ما داریم ومذاکراتی که ما کردیم آقای زرین کفش اسمشان نبود ولی چون آقای نخست وزیر شخصاً ایشان‌رادوست داشتند یا با ایشان توافق سلیقه وفکر داشتند ایشان را انتخاب کردندوما هم‌نگفتیم که چرا ایشان را انتخاب کردید واگر یك شخص دیگری را هم که‌ایشان مطابق میل‌شان بود وانتخاب‌میکردند ما هیچ حرفی‌نمیزدیم همیشه مجلسیان ولیدرهای مجلس به نخست وزیر ها تحمیل وزراء میکردند ومیرفتند بیخ گوششان محرمانه بعضی‌اوقات میگفتند فلان دسته را ما برای شما درست‌میکنیم اگر فلان کس را وزیر بکنید . مجلس چهارده این سیاست‌استتار را از بین برد و این یك محسنات اخلاقی دارد برای چه ؟ برای اینکه امروز ملت میتواند بفهمد فراکسیون آزادی نظرش به کدام وزراء‌بوده‌است فلان فراکسیون چه‌اشخاصی رادر نظردارد وملت‌میتواندبخوبی‌بفهمد که‌دستجات و کلاچه جور فکری‌دارند. اینطوربهتر بودیااینکه‌محرمانه بنده‌میرفتم از طرف فراکسیون یك اشخاصی را تحمیل می کردم که روح فراکسیون‌هم اطلاع نداشت چنانچه‌مرحوم‌مشیرالدوله که یك دوره نخست وزیر شد ایشان یك رفقـای مخصوصی داشتند از قبیل آقای حکیم الملك و مرحوم ممتازالملك و مستشارالدوله و یك وقت اتفاق افتاد که ایشان دو نفر وزیر انتخاب کردند که‌مردم تعجب کردند چون‌باایشان متناسب نبود مردم پرسیدند که چرا اینها را انتخاب کردید ؟ اینها که متناسب با شما نیستند ؟ گفت که اینهـا بواسطه تمایل مجلس واکثریت مجلس بوده است که انتخاب کردم (یکی‌از نمایندگان ـ حق‌هم همین است) مقصود این است که درهمه ادوارمجلس و کلا سرّی عمل میکردند حالامیخواهیم به‌بینیم که سرّی‌خوب است یاعلنی (دکتر کشاورز ـ هردوبداست) اجازه بفرمائید (فرهودی ـ هردوخلاف قانون اساسی‌است) در هشت نه ماه پیش بنده در جلسه خصوصی بآقایان عرض کردم که بنده عقیده مندم که در این مملکت نباید اسرار داشته باشیم وبرای‌این مملکت‌موضوع سرّی هیچ‌خوب‌نیست وزارت امور خارجه‌هم نباید رمز داشته باشد واستتار داشته باشد باید ما سیاست بازداشته باشیم ووزارت جنگ مانباید رمز داشته باشد ، هیئت وزراء وقتی که تشکیل میشود باید تماشاچی داشته باشد برای اینکه یك مقدار از فساد اخلاق و خلاف کاری مابرای همین محرمانه بازی ها است حالا بنده عقیده‌مندم که آقای نخست‌وزیر پسیار کار خوبی کردند که مشاوره کردند و وکلا هم کار خوبی کردند عوض اینکه محرمانه یك اشخاصی را معرفی کنند یك اشخاصی را علناً معرفی کردند و البته این‌برای‌نخست‌وزیرهائی که درآینده میآیند نباید سابقه بشود واین یك حق قانونی نخست وزیر است که میتوانند با وکلا بمیان بگذارد یا نگذارد .

فرهودی ـ قانون اساسی قابل تبعیض نیست .

فرمند ـ قانون‌اساسی هیچ چنین چیزی نگفته است آقا بنده غیر ازقانون اساسی چندین جلدکتاب خوانده‌ام‌درخصوص پارلمانتاریزم (فرهودی ـ مخالف آن عمل کردید)

رئیس ـ آقای فرهودی بین‌الاثنین صحبت نکنید

فرمند ـ حالا بنده وارد میشوم در این که آقایان روزنامه نویسها ورجال‌ملی‌مامیگویند که‌مجلس‌نبایددخالت درقوهٔ مجریه بکند و این حرف بسیار صحیح است‌بدترین دیکتاتوری‌هادیکتاتوری مجلس‌است‌بخوانید درتاریخ فرانسه که وقتی مجلس‌یواش یواش عادت به دخالت درقوهٔ مجریه میکندچه‌مفاسدی‌دارد وچه قدرسوء تفاهم درفهم مشروطیت فراهم میسازد . اینجا بنده عرض‌میکنم که‌بسیار موافقم که مجلس شورای ملی و کلایش نباید دخالت در قوهٔ مجریه بکنند باین معنی که نباید به هیچ وزیری تحمیل کنندیك نفر ثبات یـ یك نفر رتبه ۲ را وزراء خودشان باید اعضاء ادارات‌را انتخاب کنندو ما که‌ناظر هستیم باید ببینیم اگر یك شخص بدی انتخاب شده است باید بگوئیم که آقا چرا آن‌شخص خوب را از آن اداره بیرون میکنید وچرا فلان کار را میکنید این را ما باید بگوئیم چون ما ناظر هستیم نه حاکم و برای این کار از اول که بنده بمجلس آمدم با آقای مخبر فرهمند هم صحبت کردم وایشان شاید هستند که گفتم بزرگترین نقیصهٔ مشروطیت امروز ما دخالت افرادما وکلاءاست در قوهٔ مجریه و این نقیصه را باید رفع کنیم و با آقای دکتر طاهری هم این موضوع را مطرح کردم و در فراکسیون خودمان‌هم این مطلب را مطرح کردیم همه جا این صحبت راکردم حالا از مجلس استدعامیکنم که یك هیئتی معین بکنند از فراکسیون یا شعبات درهمین مجلس و روزی یکنفر ازوزراء‌را بفرستند یا یکنفرازمعاونین‌مطالبی را که وکلا دارند مطالبی است که بحقّه ما باید بکمیسیون عرایض بفرستیم ودر آن جا رسیدگی شود ولی کمیسیون عرایض مبتذل شده برای اینکه‌هر مطلبی که بکمیسیون میرودصورت‌میدهند که‌مطابق‌مقررات اقدامی‌شدوکمیسیون عرایض‌غیراز«مطابق‌مقررات‌اقدام‌شد» کاری‌نمیکندو آن‌شاکی هائی که بمجلس‌شورای‌ملی‌شکایت میکنند به حق خودشان نمیرسند . بنده‌معتقدم که‌اگر یك‌هیئتی‌ازطرف‌وزراء‌و مجلس تعیین‌بشودوبشکایات‌مردم‌رسیدگی‌بکنندواین بسیار کارخوبی است‌زیرامردم ایران‌خیال میکنند که ما وکیل‌مرافعهٔ آنها هستیم که باید مرافعات‌آنها را حل وتصفیه کنیم واین‌حرف را نمیشود از مغز آنها درآورد که ما وکیل مرافعه نیستیم وکیل‌سیاسی هستیم . پس بایدیك راهی پیدا کرد که دولت با مجلس باهمدیگر تشریك مساعی وبعرض وداد مردم برسند و این راه حل تمام این اشکالات است .

سیف‌پور ـ این نظر را کمیسیون عرایض گرفته است و اقدام‌هم کرده است

فرمند ـ . . . اما راجع بقوهٔ مجریه‌همانطور که قوهٔ‌مقننه نباید در کار قوهٔ مجریه دخالت کند همانطورهم قوهٔ مجریه باید خودش یك نیرومندی داشته باشد که این قوهٔ را در تحت بوالهوسی این و آن نگذارد . باید قوهٔ مجریه وزرایش‌معنای حقیقی‌مشروطیت‌رابدانندوموازنه‌قوارانشخیص‌بدهندوبفهمند اگر اشخاصی در قوهٔ مجریه دخالت کنند قوهٔ مجریه را فلج خواهند کرد و خودشان هم که مسئول مجلس شورای ملی هستند خودشان‌را مفتضح خواهندکرد این را باید وزراءاز نقطهٔ نظر مشروطیت بفهمند ووزرای ما باید فکر بکنند که مشروطیت برایشان مفید است برای اینکه بعضی از آقایان میدانند چه تعظیم ها کردند و چه تکانها خوردند چه شبهای بدی راگذراندند پس قدر مشروطه را شما وزراء هم بایـد بدانید اگرنفهمید بملت خودتان ظلم کرده‌اید . اینجااجازه میخواهم یك حاشیه بروم آقایان بمن اعتراض نکنند . یك روزی بعرض آقایان و کلا رساندم که ملت باید وحدت پیدا کند و تمام احزاب بشود یك حزب این حرف یك قدری ثقیل بنظر آمد وروزنامه‌هاهم نوشتند که درمملکت مشروطه چطور میشود یك حزب باشد باید دو تا باشد یکی اقلیت و یکی‌اکثریت . این راهم باید بگویم که هنوزماخلق آسیائی داریم و هنوز ما برشد اجتماعی کاملی نرسیده‌ایم . در آسیا وقتی که دو حزب تشکیل شد فوری میزنند توی‌سرهم‌مانند

حیدری و نعمتی ما خلق آسیائی‌مان این است دوهزار و پانصد سال است که این جور عادت داشته‌ایم حالا ما سی چهل سال است که مشروطه شده‌ایم و باید این مشروطه را کم کم پیش ببریم چنانکه در اکثر ممالک هم تنها یك حزب درست شده است در ایران هم بنده عقیده‌مندم که باید یك حزب واحد درست بشود و این خانه را همانطور که عرض کردم اول باید سقفش را درست کنیم که زیرش بتوانیم بنشینیم بعد رنگ سفید و قرمز و آبی این سقف را درست بکنیم اگر در غیر اینصورت باشد این غلط است در این قسمت قوه مجریه یعنی دولت هم میتواند حامی افکار باشد و احزاب و دستجات را تقویت کند و بعضی را تضعیف بکند. (دکتر کشاورز ـ خلاف اصول دموکراسی است که احزاب را تضعیف یا تقویت کنند پشت تریبون این حرف‌ها را نزنید) در غیر اینصورت ممکن است یك هرج و مرجی بوجود بیاید که بضرر مملکت ما تمام بشود. پس قوه مجریه و مقننه و تمام ارکان ٤ گانهٔ ما باید دور هم جمع بشوند و یك فکر هائی بکنند که بمصلحت مملکت ما باشد. حالا از حزب ردمیشویم بمطبوعات میپردازیم. مطبوعات ما هم یکی از ارکان چهارگانه مشروطیت هستند آنها هم باید جمع بشوند و وحدت پیدا کنند و اتحادیه درست بکنند و یك آدم مزخرف اگر پیدا شد که فحش بدهد او را طوری بهش حمله بکنند که از بین برود مثل محمد مسعود که مطبوعات ما را مفتضح کرده است باید تمام جریده نگاران ما باو حمله کنند اگر یك چنین روزنامهٔ پیدا شد خودجراید باید از عمل او جلوگیری کنند و دولت هم باید هیئت تفتیشیه درست کنند برای اینکه اگر مطبوعات بناشد مبتذل بشود تمام ارکان ما ازبین خواهد رفت و بمشروطیت صدمه وارد میشود باید تمام ارکان چهار گانه ما با ما وحدت بکنند. بنده می‌بینم این چهار قوّه نسبت بهمدیگر همیشه انتقاد و بدبین و یأس نشان میدهند در صورتیکه عقیده مندم که این اسباب اضمحلال ماخواهدشد یعنی اضمحلال مشروطهٔ سوّم مشروطه سوم در خطر است ارکان چهار گانه اش باید بدانند این راو این چهار رکن باید کوشش بکنند که این مشروطهٔ ناقص را حفظ بکنند مخصوصاً این مشروطه ناقص باید حفظ شود و روزنامه ها هم باید افکار مردم را هادی باشند. این است که بنده اعلام میکنم بتمام چهار رکن که بدانند که این مشروطیت سوم ما در خطر است و چنانچه گوش ندهند یك روزی افسوسش را خواهند خورد چنانچه ما خودمان هم یك روزی افسوس دورهٔ هرج ومرج را خوردیم. بآقای نخست وزیر و آقایان وزراء هم یك تذکراتی دارم بدهم در بیست و چهار فروردین گذشته مطالبی را بعرض آقای نخست وزیر و هیئت دولت آن زمان رسانیدم و بدبختانه به هیچ قسمتش توجه نفرمودند و باین جهت گله من از آقای نخست وزیر است که اگر خاطر ایشان باشد بنده راجع بوزیر گیج کن ها صحبت کرده بودم (بلندتر بفرمائید) عرض کردم در جلسه ۲٤ فروردین گذشته بنده راجع بوزیر گیج کن ها صحبت کردم و بآقای نخست وزیر تذکر دادم ولی ایشان اعتنا نکردند و اولین وزیر گیج کن ها و اول کسی که ایشان را گیج کردند آقای وجدانی مدعی‌العموم تمیز بودند که ایشان را گیج کردند و میخواهم الآن گله کنم.

فداکار ـ بعضی نمایندگان مجلس هم هستند.

فرمند ـ نمایندگان مجلس هم در گیج کردن دست دارند؟

دکتر کشاورز ـ اخیراً بله

طوسی ـ باید گفت نمایندگان مجلس کیها بوده‌اند چرا کلی میفرمائید.

فرمند ـ مامیخواهیم اصولی صحبت بکنیم داخل افراد نمیشویم. باز بنده خواستم یك تذکر دیگری بدهم بآقای نخست وزیر که از این اشخاص وزیر گیج کن‌ها اجتناب کنند و بافکار متفرقه گوش ندهند و فرمایشات خود را بفرمایند. و حالا هم با آقایان وزراء عرض میکنم که ازاین وزیر گیج کن ها احتراز کنند اینها شما را از وظایف خودتان باز میدارند و بسیار مفاسد در وجود آنها برقرار است و آقای نخست وزیر مزاج‌اش را چشیده‌اند خودشان. یکی از وزراءتان هم وزیر گیج کن بود آقای عدل

(منصورالسلطنه) که ایشانهم یکی از آنها بودند بعد یك بحثی هم بنده درشرکت بیمه دزدان کردم که این شرکت بیمه دزدان در این مملکت چه اعمالی کردند. آقای ممقانی فرمودند در حدود ٦۰ میلیون تومان دزدی در تحت محاکمه است آقای وزیر این ٦۰ میلیون را از این دزد ها بگیرید بدهید باین کارخانجات. آقا متجاوز از دویست میلیون دزدی شده‌است آقای صالح هستند و ایشان باید شهامت بخرج بدهند که این دویست میلیون دزدی را بگیرند (چون دویست میلیون بوده‌است بقول آقای ممقانی ٦۰ میلیون است) واین راه آهن را که ناقص مانده‌است درست بکنند. الآن ٦۰ میلیون دزدی در تحت محاکمه است بقول آقای ممقانی واین شرکت بیمه دزدان را باید تعقیب کرد این شرکت بیمه دزدان کارش اینست که بمجرد اینکه یك دزدی شد فوراً ازشان یك ضمانت بگیرند و آنهارا آزاد میکنند. خود آقای ممقانی فرمودند که نه هزار دوسیه در عدلیه خوابیده‌است. آقای وزیر دادگستری شما باید این اعتبارش را بیاورید بمجلس و فوق‌العاده بدهید که قضات این نه‌هزار دوسیه را تمام کنند ورسیدگی کنند (مهندس فریور ـ با این محاکم عادی نمیشود) بالاخره این شرکت بیمه دزدان را باید آقایان کشف بکنند باید ترتیبی بدهند که این دزدان کشف بشوند و تعقیب بشوند و الا اگر موفق نشوید همانطور که عرض کردم یك نفر ازاین وزیر گیج کنها هم نخواهد گذاشت که شما بکارتان برسید باید این دو قوم را جداً تعقیب کنید و الانخواهند گذاشت که قوه مجریه ما بجریان طبیعی خودش باشد وبرای این کار باید رشادت فوق‌العاده‌ای آقایان وزراء نشان بدهند. بنده در آن پروگرام که مورد بحث بود یك دو پیشنهاد به هیئت دولت دادم (بلندتر) در بحث پروگرام گذشته در ۲٤ فروردین بنده دو پیشنهاد به هیئت دولت کردم یکی اینکه هروزارتخانه‌ای بقدر کفایت مأمورین صالح دارد این مأمورین صالح را شما از ولایات احضار بکنید و بگذارید در مرکز وقتی که این مأمورین صالح جمع شدند در مرکز یعنی در وزارتخانه های مرکز آنوقت مأمورین نایاب که شما میفرستید به ولایات دیگر جرأت نمیکنند بعضی کارها بکنند. این کار یك کار ساده‌ای است و خیلی آسان است وهیچ خرجی ندارد وفقط اراده و تصمیم میخواهد از بنده و عمر و زید وحشت نداشته باشید اینهارا بفرستید بولایات و آن مأمورین صالح را بیاورید به تهران این یك عملی است که اگر این کار را انجام بدهید خدمتی به مملکت کرده اید. دوم این بود که یك وزارت تفتیش و رسیدگی درست بکنید و آنهم بودجه‌ای لازم ندارد هر یك از وزارتخانه ها دویست نفر باز رس دارند از قبیل باز رس و بازرس ویژه و غیره تمام اینها را اگر جمع کنید یك جمعیت گزافی میشود آنوقت اینها را در وزارتخانه‌شان نگهدارید که اگر در ولایات یك پیش آمدی بکند بروند آنجا یك کاری انجام بدهند چون این بازرسها جز این کاری ندارند که بیکار به نشینند در وزارتخانه البته جز یك عده‌ای که صالح هستند. اما اینجا اگر تمرکز پیدا کنند بعنوان یك اداره کل و یك وزارتخانه که در رأس آنها واقع میشود و یك اشخاص صحیحی که مثل آقای لطفی یا آقای هادی اشتری بلشند و آنها میتوانند کار بکنند آنها مأمور کلیه بازرسها باشد آنوقت میتوانند خوب و بد این مفتشین را تشخیص بدهند وبدها را بردارند بیرون وباشخاص خوب هم البته باید یك حقوقهای کافی بدهند چون با این حقوقها البته امروز مأمورین دولت درست نمیتوانند زندگی کنند. این دومطلب رابنده گوشزد کردم به آقایان وزراء و آقای نخست وزیر که اصلاً عادت کرده بودند که وزارت رابرای آن لباسهای زردوزی شده اش میخواستند که بپوشند به مهمانی بروند و هیچ گوش باین حرفها نمیدادند ولی این آقای نخست وزیر تازه و آقایان وزراء جرأت کنند و یك تصمیمات بگیرند. حالا که دو مرتبه نخست وزیر شده اید یك تصمیمات جدی بگیرید. بنده یك پیشنهادی هم بنظرم آمده است و استدعا میکنم از آقایان رفقا و آقای اسعد که اجازه بفرمایند که دراین خصوص چند کلمه‌ای عرض کنم بنده یك پیشنهاد اصلاحی پیدا کرده ام که الآن آن را خدمت آقایان وزراء عرض میکنم و اگر توجه بفرمایند قطع دارم

که خیلی از کارهای ما رو باصلاح خواهد گذاشت وتنها یك اراده قوی میخواهدو آن اینست که ماپشت‌این‌تریبون اینجا که میآئیم اینجا که چند ذرع درچند ذرع مربع‌است ما باید تصمیم بگیریم که پشت این تریبون که‌میآئیم اینجا را مقدس بدانیم اینجا سفسطه نکنیم اینجا دماگوژی نکنیم و وقتی که میآئیم اینجا با یك وجدان پاك بیائیم این جا را مقدس بدانیم وهیچوقت سفسطه نکنیم و با نیت پاك وصاف اینجا حرف بزنیم و احساسات فردی‌را کنار بگذاریم واحساسات اجتماعی را در اینجا مدخلیت بدهیم

یمین‌اسفندیاری ـ یعنی میفرمائید درمجلس‌را به‌بندند؟

مهندس فریور ـ قیاس به نفس است .

فرمند ـ ولی تا حالا هم وکلا وهم وزراء بسیار کافر ماجرائی کرده اند وسخنان عجیب‌وغریب گفته‌اند وسفسطه بازی کرده اند هم وکلا وهم وزراء ولی امیدوارم که دیگر از این حرفها نباشد چون دراین پنج ماه تمام نطقها حاضر است‌وتمام سفسطه بوده است و صلاح مملکت گفته نمیشد در هرصورت باقید این اصول اگر شما آقایان وزراء عمل‌کنید ما وکلا هم عمل خواهیم کرد این تصمیم را آقایان بگیرند در پروگرام دولت ابداً از اقتصادیات مملکت اسمی برده نشده اجازه بفرمائید بنده چند جمله بعرض آقایان وزراء برسانم . صادرات ایران در این زمان جنگ بسیار ضعیف شده ومخصوصاً در این اواخر روی به ضعف نهاده است واگر جنگ تمام بشود (بلندتر بفرمائید) عرض کردم صادرات ما در این اواخر در اثر جنگ خیلی نقصان یافته واگرچنانچه جنگ انشاءالله بزودی تمام شد این صادرات ما بواسطه نقصانش یك ضرر فوق العاده خواهد داشت زیرا ما صادرات نداریم و نمیتوانیم چیزی بخارج صادر کنیم و بواردات هم بسیار احتیاج داریم و وقتی که جنگ تمام شود یك سیل واردات به مملکت ایران خواهد آمد و وقتی که صادرات نداشته باشیم از آن پولهائی که جمع شده‌است باید در مقابل آن واردات بدهیم . پس دولت باید از حالا بفکر وضعیت اقتصادی ایران برای بعد از جنگ باشد و در خصوصیات کار داخل نمیشوم فقط باید این اصل را بگیریم پیش برویم که صادرات ما بعد از جنگ چه خواهد شد این موضوع ازنقطه نظر بعد ازجنگ برای ما تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد یك اهمیت اساسی دارد یکسال بعد از جنگ این ارزهائی که در این مملکت پیدا شده چه در بانك ملی چه در پیش مردم باید برای واردات مبادله کنیم و این شش ماه که گذشت ما باید یا طلا بدهیم ببرند یا اینکه یك قرضه هائی بکنیم این کار هائی است که به مصلحت مملکت نیست این است که آقایان باید ازحالا بفکر صادرات ایران بعد ازجنگ باشند وبهترین راه بنظر من اول فلاحت است آقایان میدانند که فلاحت عملش خیلی بطی است و امسال اگر چنانکه ما فکر بکنیم دو سه سال طول خواهد کشید بنده تصور میکنم هم باید فلاحت‌را درنظر گرفت هم باید معادن‌را استخراج کرد برای صادرات بعد از جنگ بلکه معادن بتواند یك کمك اساسی بکنند یکی هم در قسمت کارخانجات است این کارخانجات اسلحه سازی که ما داریم بنده تصور میکنم که بعد ازجنگ ما احتیاجی نداریم که اسلحه بسازیم بنده عرض میکنم که این کارخانجات باید مبدل شود به کارخانجات اسبابهای فلاحتی و صنعتی ازقبیل دوك پارچه بافی وغیره بنده عقیده ام این است که این نقشه‌اش باید از طرف آقای دکتر نخعی تهیه شود که کارخانجات اسلحه سازی ما بعد از جنگ که انشاءالله بزودی تمام میشود یك دفعه مبدل شود بکارخانجات ادوات فلاحتی و وسائل دستی درست کنند و از حالا باید بفکر اینکار ها باشیم که وقتی که جنگ تمام شد دیگر نمیشود اینکار را کرد باید از حالا بفکر بود که تا جنگ تمام شد فوری مبدل شود باسبابهای فلاحتی یکی هم در خصوص انحصارات دولتی‌است این انحصارات دولتی‌راهم بایدآقایان وزراء فکراین‌را بکنند‌این‌انحصارات یك‌مقداریش‌اسباب‌زحمت‌امروزه مردم‌شده است‌یکقسمت‌آن لازم است یك قسمتهائی‌هم لازم نیست و باید اینها را درنظر بگیرند که چه قسمتهائی را باید نگاهدارند و چه قسمتهائی را باید لغو کنند این است که بنده معتقدم که این قسمت از

اقتصادیاتمان را باید تحت نظر بیاوریم (صحیح است) البته آقایان‌هم موفقت خواهند کرد شنیده‌ام یك‌شورای اقتصادی می خواهند راه بیندازند و بعد نقشه هائی داشته باشند که ما بعد از جنگ دوچار تشنجات اقتصادی و بیکاری نشویم مخصوصاً راه آهن ما که ۲۵ هزار نفر مستخدم دارد این ۲۵ هزار نفر بعد از جنگ به ۷ هزار نفر تبدیل خواهد شد شما محتاج بهفت هزار نفر آن ها خواهید شد فکر آن ۱۸هزار نفر دیگر را باید از حالا داشته باشید که فردا چه میشود و کجا میروند این است که این موضوع باید بفوریت تحت مطالعه قرار گیرد مطلبی که لازم است بنده تذکر بدهم این است که هر کسی باید عقیده خودش را درخصوص‌نقشه صلح بگوید یك افکاری است در ایران که خیلی در التهاب است برای اینکه این التهاب رفع شود آقای رئیس دولت تصمیم بگیرد آقای تقی زاده آقای علاء و آقای آهی‌را منتقل بکنند و اینها حاضر شوند و مشغول مطالعه شوند تا راجع به مجمع صلح فکر مردم راحت باشد و بنظر بنده این سه نفربهترین اشخاصی‌هستند که ازطرف ملت‌ایران درمجمع‌صلح میتوانند حاضر شوند دراین قسمت هم بنده یك نکته‌ای را میخواهم متوجه آقایان بکنم و آن این است که در این برنامه نوشته شده تثبیت قیمتها و ارزانی‌هزینه زندگی این که به نظرمن خیلی زیاد نوشته شده الآن بواسطه صلح دربازار ۲۵ درصد اجناس خارجی ارزان شده است ولی خرده فروشها ارزان نکرده‌اند دولت باید بتوسط بلدیه‌اقدام جدی‌بکند که بلکه بتواند ازاجحاف خرده فروشها جلوگیری کند واین را بنده عقیده مندم که این کوپن ها که راجع به قند و شکر است اینها بهیچوجه عملی نشده است اینها را باید زودتر تکلیفش را معین کنند که این کوپنها با آن نیتی که دولت دارد که بمستحقین برسد این هیچ عملی نشده بنده عقیده مندم که چون‌جنك‌نزدیك‌است خاتمه‌برسد دولت روزی یك مقداری اجناس در بازار عرضه بدارد و روزی یك مقداری ارزان تر بفروشد تا اینکه برسد بقیمتی که دولت میفروشد و تفاوت آن قیمت را که در بازارقند ۲۷ تومان است ودولت ارزانتر میفروشد درنتیجه قند صدی‌پنجاه صدی‌شصت ارزانتر میشود و بعد برای اینکه به مستمندان و فقراء کمك بشود ممکن است آن توفیر پول را بین فقراء قسمت بکنند و این بهترین کار است و این پول از جیب دولت بیرون میآید و بدست آن دلالها و حقه بازها میرسد و بدست آن مستمندان و فقرائی که باید قند ارزان‌برسد پارچه ارزان برسدنمیرسد وقتیکه نمیرسد چرا ماخودمان را مقتضح میکنیم ؟ چرا خودمان را گول میزنیم ؟ چرا به قیمت بازار نمیفروشند ؟ چرا کاری نمیکنند که باین وسیله ازاحتکارجلوگیری شود (اظهارشد عده‌کافی نیست)

حاذقی - (خطاب بیك نفرازنمایندگان که قصد بیرون رفتن‌راداشته‌است) آقا بیرون‌تشریف‌نبربدالآن فرمایشاتشان تمام میشود .

فرمند ـ عرض کنم این کاررا امروزدولت میتواند بکند برای‌اینکه‌امروزجنك محقق‌است که تمام میشود ومتفقین هم که اجناس را نمیخرند و نمی برند احتکار کنند پس محققاً در اثر جنك حالا که صدی بیست و پنج اجناس ارزان شده است آنهاصدی پنجاه‌ارزان ترخواهند کرددومطلب دیگرهم بعرض آقای نخست‌وزیرمیرسانم یکی‌اینکه آقای نخست‌وزیر که هم نخست وزیر هستند و هم‌وزیر خارجه باید کوشش بفرمایند که در تمام جریانات یك موازنه صحیحی را حفظ کنند وبعد نسبت بتمام جریانات هیئت دولت و پارلمانتاریسم باید حفظ موازنه بشود مقصود این است که در تمام زندگی سیاسی و اجتماعی و مشروطه سوم ما عدم توازنی پیدا شده است یعنی مشروطه راآنطور که معنی‌دارد وآنطور که باید باشد چه دولت ما چه مجلس ما چه جرائد ما و چه ملت ما همه باید معنی‌حقیقتش‌را بفهمیم وهر کسی در وظیفهٔ خودش عمل کند و از وظیفه خودش خارج نشود و حدود و وظایف خودش را نگاهدارد وزرای ما باید مشروطه طلب باشند و باید دولت هم سعی‌داشته باشد که این مشروطه حفظ شود (صحیح است)

یمین اسفندیاری ـ انشاءالله که حفظ خواهد شد .

رئیس ـ آقای یمین اسفندیاری .

یمین اسفندیاری ـ بنده خیلی متأسفم که آقای سید محمد طباطبائی که‌درجلسه گذشته‌بیاناتی کردندوصحبتهای ایشان در کریدورهای‌مجلس مورد بحث واقع گردیدتشریف ندارند . . .

امینی ـ بلندتر ،

یمین اسفندیاری ـ یعنی میفرمائید گلویم پاره شود؟ (خنده نمایندگان) تأثیری که بیانات آقای سید محمد طباطبائی بخشید .

امینی ـ فرمودید صحبتهای کی ؟

یمین اسفندیاری ـ آقای‌سید محمد طباطبائی بنده که دومرتبه گفتم آقای سید محمد طباطبائی جان من اگر حواست توی مجلس هست گوش‌بده اگر حواست توی‌مجلس نیست‌چرا مزاحم میشوی ؟ (خنده نمایندگان) عرض کنم آنهائیکه خوشوقت بودند عقیده‌شان بر این بود که بر آراء دولت افزوده شده و آنهائیکه متأسف بودند فرضشان این بود که ازعده‌ای که داشتند کاسته شده‌اما بنده نه‌خوشوقتی داشتم و نه تأسفی دارم عقیده که‌دارم مربوط به‌بیان آقای آقا سید محمد طباطبائی نیست زیرا که ایشان یك وکیل مبرزی هستند و هر حرفی دارند میتوانند بگویند و آزاد هستند که هرچه بخواهند بگویند اظهار نمایند ولی طرز فکر ایشان مربوط بخودشان است .

حاذقی ـ در حدود قوانین البته .

یمین اسفندیاری ـ این دگر قضاوتش‌با مجلس‌وآقای رئیس است . اما یك تأثر خاطری که برای من پیدا شد این بود در موقعیکه وضع دنیا بصورت فعلی است و ما واقعاً باید برای اجرای یك برنامه مشترکی که‌آزادی‌و استقلال‌ایران را در بر داشته باشد بکوشیم و همه متفق باشیم چرا ؟ باید این طرزفکرها پیدا شود . چرا ؟ باید این بیانات و این‌طرز فکرها پیش آمد بکند از این لحاظ بی اندازه متأثرم چون آقای محمد طباطبائی جزء منفردین هستند ولی منفردین لیدری نداشتند و در بین مذاکراتی که بین خودشان پیش آمد کرد کسی را تعیین نکردند که از طرف آنهادرمجلس صحبتی بکند‌این است که هر چه اظهار کرده اند مربوط بخودشان بود . و مربوط بمنفردین نبوده اما دو موضوع را که ایشان صحبت کردندو در خارج یك سوء تفاهمی پیش آمد کرده است بنده از لحاظ اینکه‌رفع این سوء تفاهم را کرده باشم عرض میکنم که نظر منفردین آنطوریکه ایشان بیان کردند نبوده است آن دو موضوع یکی راجع به قضات است گرچه آقای فاطمی فرمودند که فکرونظر مجلس اینطور نیست بنده قطع دارم‌که ایشان نظر همه را بیان کرده اند نه‌فقط نظرشان با کثریت بوده‌است (صحیح است) ایشان همانطور که اظهار کردند صحیح است وبنده که یکنفر منفرد هستم این فکررانداشتم در دوره سیزدهم وچهاردهم همیشه با این فکرهمراه هستم که اگر واقعاً بین افراد مأمورین دولت ازهرطبقه شاید بواسطه بیچارگی یابدبختی‌بعضیها پولی بگیرند مجلس نباید نسبت بهمه همیشه اظهار کند دزد. دزد ولی درصدد این نیستیم که برای‌این بدبختها یك فکری بکنیم که عائله‌شان را بتوانند اداره کنند وسطح زندگی را طوری پائین بیاوریم که اگر آن دزدها منصف هستند دست از دزدی خودشان بردارند و اگر منصف نیستنددولت‌میتواند حقاً آنها را مجازات بکند مادراین‌فکر نیستیم‌وبازهم اظهارمیکنیم .دزد دزدوحالابجای اینکه طبقه‌بندی کرده باشیم‌وقضات مملکت‌را که یك‌عنوان مهم و یك رتبه عالیمقامی دارند اینها را هم در ردیف دیگران نگذاریم و بگوئیم ما که بشما اطمینان داریم وکارها وامورات حقوقی وجزائی مردم را بشما سپردیم در جائیکه هیچ مورد ندارد یعنی‌درمجلس‌اظهار کنیم که قضات ما دزد هستند این حرفیکه پشت این تریبون زده میشود هیچ میدانید که برای مملکت‌چقدر مضراست؟ (صحیح‌است) اگر ما یك اداره نظارت قضائی که در وزارت داد گستری وجوددارد‌ووظیفه‌دارد که‌نسبت‌بآن‌قاضی که خدای‌نخواسته دزد باشد‌وظیفه اش‌را انجام ندهد اگردادستانی‌داریم اگر محاکمی داریم که صلاحیت این موضوع را دارند و باید آن

اشخاص را تعقیب کنند آنها را باید تقویت کرد بنا بر این ازهمکاران‌خودم استدعا دارم که بیش‌ازاین بر تجری‌یکعده‌ای نیفزائیم و از طرف دیگر هم یکعده خدمتگزار صدیق را مأیوس‌نکرده باشیم عرض دیگربنده راجع‌بموضوع‌دیگری بود که آقای سید محمد طباطبائی بیان کردند و آن نسبت بطرحی بود که نسبت آن را بآقای دکتر مصدق دادند این طرح مربوط بآقای دکتر مصدق نبود این‌طرح مربوط به چند نفر بود که آقای دکترمصدق هم یکی از آن چندنفر بود وقبل‌ازاینکه‌این‌طرح‌را بمجلس‌آورده باشیم میخواستیم بنظر آقایانی که اکثریت دارند رسانده باشیم در این طرح نظر این نبود که از طرف یکعده‌ای مخالفت بشود بلکه نظر این بود که امروز با وضعیت دنیا وبا این وضعیت جنك واین بدبختیهائی که بمملکت واردشده دولت بتواند از وجود اشخاص‌مطلع‌ومجرب وبصیری‌استفاده کند این‌اشخاص ممکن است حاضر نشوند نخست وزیر بشوند حاضر نباشند که بیایند درمجلس کار کنند حاضر نباشند که وزیرباشندولی حاضر هستند که مملکت‌را از خطر نجات بدهند و با دولت تشریك مساعی بکنند و دولت را باصول مهم متوجه سازند اینهایك‌اشخاصی‌هستند که‌سالهای‌متمادی‌درخدمات‌کشوری همه جور امتحاناتی از خودشان داده اند امروز اگر بتوانیم ازوجود اشخاصی مانند آقای‌مؤتمن‌الملك استفاده بکنیم که موردتصدیق‌همه هستند وهمه ایشان‌راقبول دارند وحاضر هم نمیشوند که بواسطهٔ کسالت مزاج وارد کارشوند اگر بنا شد تشریك مساعی بکنند با دولت دولت فعلی‌هم ازوجود ایشان استفاده میکند چه مانعی دارد .

فرهودی ـ این که احتیاج بطرح قانونی نداشت .

یمین اسفندیاری ـ این احتیاج بقانون نداشت عرض کردم این‌طرح بمجلس‌میآید وقتی که میآید عقیده‌خودتان را میگفتید که احتیاج بقانون ندارد موافق‌هم جواب‌میداد اینجا مجلس است معنی مجلس شورای ملتی‌هم این است که در تمام موارد باید شور بشود بنابراین این یك موضوعی نبوده است که ما میخواستیم اینجا با یك فشاری بقبولانیم بلکه نظرمان این بود وقتی که از طرف مجلس گفته شود و اقدام شده باشد تصدیق میفرمائید یك‌اهمیت‌دیگری برای‌آن‌قائل میشوندودولت‌هم دراین‌امردستش‌بازمیشود آنهاهم‌نه‌اتومبیل میخواهند ونه حقوقی و نه بر بودجه کشور تحمیلی میشود بلکه فقط ممکن‌است که دولت ازاطلاعاتشان ازمعروفیتشان ازتجربه‌شان از اهمیتشان که درجامعه دارند استفاده نماید آنهم دریك همچو روزی که وضعیت مملکت و وضعیت دنیا بدین شکل‌است ومحتاج توضیح بیشتری‌نیست پس بنابراین آقای آقا سید محمد طباطبائی دوست عزیز وهمکار محترم‌بنده موضوعی را که طرح نشده‌است بیان کردند گمان میکنم بی لطفی فرمودند و مورد هم نداشته است اما راجع ببرنامهٔ دولت چون بنده با دولت مخالف هستم وارد در برنامهٔ دولت نمیشوم یك دولتی روی‌کار آمده است ویك اکثریتی آن دولت را روی کار آورده‌است و آقایان وزراء هم تعیین‌شده‌اند قطعاً این دولتی که عده کثیری از آقایان نمایندگان که انشاء الله آنها باتوجهی که بکار کشور دارند وازبنده‌هم‌بطور جمع واردترهستند ومعلوماتشان زیادتراست لابد برنامه‌ای را که تهیه کرده‌اند قطعاً یك برنامه است که برای وضعیت فعلی مملکت مفید است زیرا این برنامه را خودشان اجرا خواهند کرد وخودشان‌هم مسئولیت این‌برنامه‌راعهده دارند ولی بیاناتی که مخالف وموافق‌دراینجا اظهار کردند بعقیده بنده قسمت مهمی که اینجا بیان شده است آن قسمتی بوده است که آقای دکتر کشاورز اظهار کرده اند بنده با حزب توده نه بستگی دارم و نه ائتلافی دارم بنده حزب توده‌را مثل‌سایر افراد میدانم وچون روی‌پیشانی آنها‌هم نوشته نشده است حزب توده این است که هر کس حرف حسابی بزند بنده می‌پذیرم پس در اینجا تصور نشود که بنده باحزب توده تماسی‌داشته باشم یك اختلاف‌دیگری که در ضمن بیانات آقای دکتر کشاورز اینجا تولید شد این بودکه اینجا ایشان‌مجلس‌را بدوقسمت تقسیم‌کردند یکی قسمت جوان‌ها که مقصودشان البته آقایان دکترها است و یکی هم قسمت پیرها که آن طبقه معلوم است ولی یك حد

وسطی‌هم هست ولی‌ایشان نخواستند رعایت کنند مثلاً بنده آقای دکتر طاهری‌را باآن فعالیت وکاردانی پیر نمیدانم چه رسد به بنده که جای اولاد ایشان هستم (خنده شدید نمایندگان) بنده در آن قسمت بیانات آقای دکتر کشاورز که راجع بعملیات پنجماهه جناب آقای نخست وزیر یعنی آقای ساعد دوست محترم خودم است حرفی دارم و آن این است که بیانات ایشان‌مربوط به برنامه نبود مربوط بوضعیت چند ماهه گذشته دولت بود و انتظار دارم که آقای ساعد با آن حسن نیتی که دارند و همچنین شخصیتی کـه از لحاظ صحت عمل ودوستی و وطن پرستی دارند اظهاراتی بفرمایند که ما قانع شویم و رفیق عزیزمان آقای دکتر کشاورز هم بدانند دراشتباه هستند والا حق میدهم بآقای دکتر کشاورز و اظهارات ایشان‌را کاملاً صحیح میدانم دولتی کـه در این پنجماهه نتوانسته است کاری انجام بدهد چطور میتواند در آتیه انجام بدهد چون بنده آن قوه بیان و آن قوه چه‌چیز؟

یکی ازنمایندگان ـ قوه نطق .

یمین اسفندیاری ـ خیرقوه‌حافظه آقای‌دکترکشاورز را ندارم این‌است که‌اصول‌مطالبم‌را یادداشت کرده‌ام‌اساس مخالفتی که دارم نه راجع بآقای نخست وزیر است ونه‌راجع‌بآقایان وزراء ایشان است بلکه بنده فقط بآقای‌زرین کفش‌بی‌ارادتم و امیدوارم که ایشان بتوانند به کشور خدمت کنند بنده‌هم بتوانم بسهم خود ایشان را هم تقویت کنم و امیدوارم کـه خدمتگزار ایشان باشم حال وارد در اصل‌موضوع مخالفت خود با دولت آقای ساعد میشوم :

در موضوع جریانات اخیر مجلس و جلوگیری از وقوع استیضاح و اعتراض جمعی از نمایندگان برطرز ابراز تمایل همکاران محترم نسبت برئیس دولت بیمورد نمیدانم چندنکته را بعرض مجلس برسانم محتاج بذکر نمیداند درحکومت‌های پارلمانی‌اداره امور کشور در دست حزبی است که پیرو آن در انتخابات براحزاب دیگر غلبه جسته و اکثریت مجلس را تشکیل میدهند دولت از افراد همین حزب تشکیل‌میشود و پشتیبان دولت‌هم درمجلس‌همین حزب است . دردموکراسی ما یکی از علل بزرگ بی ثباتی و آشفتگی کار های کشور نبودن احزاب منظم است بنابراین در ایران مشروطیت و دموکراسی عبارت از مجلس شورای ملی است در هردوره مجلس قوی و مقتدر باشد مشروطیت برقرار وهروقت بی‌نفوذ و بی‌قدرت باشد باید اذعان کرد دموکراسی اسمی است بلارسم هرایرانی که بآزادی علاقه‌مند است باید برعظمت و اهمیت مجلس بیفزاید ما نه از حیث خودپرستی و نـه از جهة اینکه نماینده هستیم بلکـه برای حفظ اساس نا گزیریم مواظب حیثیات مجلس باشیم و نگذاریم کوچکترین لطمه بر حقوق مجلس وارد آید اصولاً در لزوم و محسنات وجود اکثریت تردیدی نیست اما اکثریتی که متکی برمرام‌معین ووحدت نظر افراد آن درطرز اداره کشور باشد نه اکثریتی که غالباً روی احساسات آنی وخصوصیتهای شخصی‌ومصالح افراد بوجود میآید کـه هیچگونه ثبات و استقراری ندارد چنانکه نمونهٔ از آثار آن حتی درجلسه گذشته علنی‌مجلس هم نمایان بود بنده از بحث در کیفیات ایجاد این اکثریت صرف‌نظر میکنم وچون متوجه هستم که با اوضاع پریشان امروزه کشور بحرانهای‌متوالی وبی‌ثباتی دولتها چقدر برای کشورمضراست لذا آرزو میکنم اکثریت ثابت وپابرجائی برای‌نگاه‌داری وتقویت دولت‌وخاتمه دادن‌باین کشمکش‌ها وجودداشته باشد این‌رسم ابراز تمایل از زمان نیابت سلطنت مرحوم ناصر الملك پذیرفته و رسمیت پیدا کرد که قبل از انتخاب رئیس دولت تمایل مجلس خواسته شود در سلطنت مرحوم سلطان احمدشاه هم‌این رویه بحدی متداول وبهیچ وجه انحراف بعمل نیامد حتی موقعی هم که شاه در اروپـا بود تلگرافاً تمایل مجلس رااستفار میمود بعقیده بنده‌دوره سیزدهم تقنینیه میتواند بدین بدعت افتخار کند که تمایل را بوسیله‌رأی مخفی که‌درآن هیچگونه نفوذی کار گرنباشد برقرار نمود نمایندگانی هم که نخواهند صرفاً از نقطه نظر لجـاج یا فشاری کـنند تصدیق خواهند نمود در این مملکت که انواع نفوذ های مختلف ودستهای غیرمرئی در کار است باستثنای آقای ملك مدنی که اکثر در مجلس متذکر

میشوند که مطالب خودرا بانهایت صراحت‌لهجه‌بیان‌میکنند کمتر کسی صراحت لهجه دارد (خنده نمایندگان) جهانی پیش میآید که مـانع اظهار عقیده بـاطنی میشود برای هر نماینده بی غرضی جای تردید باقی‌نمیماند تنها راه شناختن تمایل حقیقی مجلس توسل برأی مخفی است اگر عرض کنم تنهـا موردی که حق حاکمیت ملت بوسیله مجلس عملی میشود همین خواستن تمایل درباب نخست وزیر است مبالغه ننموده ام اشخاصیکه تصور میکنند رأی مجلس در مورد تمایل یا در موقع اعتمادبیرنامه دولت‌فرقی ندارد یامغالطه میکنند یا دراشتباه هستند زیرا هر حکومتی چنانکه‌روی اساس تمایل حقیقی استوار نباشد ممکن است با بست وبند های خصوصی که بد بختانه هنوز در این مملکت یکی از عوامل مؤثر میباشد شخص خود را برخلاف مصالح کشور بمقام نخست وزیری برساند درمرحله دوم یعنی جلب رأی اعتمـاد در موقع بحث در برنامه کار بسیـار سهلی خواهد بود بر احدی پوشیده نیست دولتی کـه‌مصدر کار است میتواند از مقام رسمی‌خود برای جلب رأی دهندگان سوء استفاده نمـاید ازطرفی هم بسا کسانی هستند که در موقع رأی سر پرو گرام دولت که معمولاً باورقه وبا اسم است‌از اظهار عقیده باطنی خودداری مینمایند

فاطمی ـ آن وکیل نیست

یمین اسفندیاری ـ بدیهی است موارد خطری که ممکن است برای مملکت و مشروطیت پیش آید بنده بآنها اشاره ننمودم و بهیچوجه منطبق بآقـای سـاعد نمیشود زیرا نسبت به ایشان تا کنون برای این گونه سوء ظن ها موردی بنظر نمیرسد اما وقتی سابقه رأی مخفی از بین برده شد چه تضمینی خواهیم داشت فردا کسانی بـا وسائلیکه ممکن است یك رأی مصنوعی بنام فراکسیونها بدون اطلاع تمام نمایندگان بدست بیاورند وپس اززسیدن بمقام شروع باقدامات مضره نمایند من اگر برای پیشرفت این‌منظور که مورد تصدیق همه‌واقع گردید حتی کار بپوزش و معذرت هم رسید میکوشم پیش خدا و خلق و وجدان خودم‌خجل نیستم کی است ؟ که راه لجاج وعناد را می‌پیماید وبقصد بکرسی‌نشانیدن‌رأی‌خود یك سابقه‌را ازمیان برداشته میدان را برای مخاطرات احتمالی آینده باز میگذارد قطعاً در آتیه نزدیکی بهتر شناخته خواهد شد بنده نه فقط تصور میکنم ترجمان افکار آقایان نمایندگان منفردین میباشم و حتی‌عرض میکنم تشکیل اکثریت رالازم وبلکه برای‌حفظ و پشتیبانی دولت واجب میشماریم منتـه چندی است از مسافرت ده‌روزه حوزه‌انتخابیه خود بتهران مراجعت نموده نمیدانم راجع بـاملاك مردم . بهداشت . امنیت . ارزاق . مشاجرات حزبی . بی نظمی کارخانه‌هـا خسارات وارده از پنبه‌های فاسد شده مطالبات زارعین ازدولت و مسائل دیگر با کدام وزیر که در مسند خود ثابت باشد داخل مذاکره شده‌علاج دردهای موکلین خود را خواستار شوم آقای‌ساعد و بعضی از وزرای سابق کابینه قبلی ایشان شاهدند راجع به محبوسین سیاسی چه آنهائیکه دور هستند و چه اشخاصیکه در کنار شهر تهران بلاتکلیف میباشند مکرر‌مذاکره شده‌و مخصوصا تذکر دادم اگر واقعاً هریك از آنها کوچکترین اقدام را بر خلاف تصمیم دولت شاهنشاهی ایران و بر علیه متفقین کرده باشند هیچمجلس بخود حق نمیدهد نه فقط از آنها حمایت ننماید بلکه نسبت بآنها وارد مذاکره‌هم نمیشود ولی اگر نبی‌رویانی صارم‌الممالك مازندرانی که متجاوز از هشتاد سال دارد ازقراریکه میگویند اسمی‌هم ازاودرلیست نبوده و در تمام مدت حبس از او تحقیقی هم نکرده اند و نمیداندچه گناهی‌مرتکب شده است نسبت باوهم بایدساکت بود که خودش درحبس و عیال و اطفالش بی‌سرپرست باشند واضح است که برای تمام درد ها دولت مقتدر که اکثریت محکمی پشتیبان او باشد لازم است یعنی اکثریت واقعی و حقیقی مجلس نه اکثریتی که بزور دیسیپلین فراکسیون تهیه شود ودرهرآن در حال نوسان باشد اما اعتراضات بنده بجریانات اخیر که بارعایت تقدم عرض میکنم از اینقراراست اولاً معلوم نشد جلوگیری ازوقوع استیضاح بنا بچه‌مصلحتی است استیضاح آقـای فرهودی مربوط به اوضاع داخلی

وسطی‌هم هست ولی ایشان نخواستند رعایت کنند مثلاً بنده آقای دکتر ظاهری‌را باآن فعالیت وکاردانی پیر نمیدانم چه رسد به بنده که جای اولاد ایشان هستم (خنده شدید نمایندگان) بنده در آن قسمت بیانات آقای دکتر کشاورز که راجع بعملیات پنجماهه جناب آقای نخست وزیر یعنی آقای ساعد دوست محترم خودم است حرفی دارم و آن این است که بیانات ایشان مربوط به برنامه نبود مربوط بوضعیت چند ماهه گذشته دولت بود و انتظار دارم که آقای ساعد با آن حسن نیتی که دارند و همچنین شخصیتی که از لحاظ صحت عمل ودوستی و وطن پرستی دارند اظهاراتی بفرمایند که ما قانع شویم و رفیق عزیزمان آقای دکتر کشاورز هم بدانند دراشتباه هستند والا حق میدهم بآقای دکتر کشاورز و اظهارات ایشان‌را کاملاً صحیح میدانم دولتی که در این پنجماهه نتوانسته است کاری انجام بدهد چطور میتواند در آتیه انجام بدهد چون بنده آن قوه بیان و آن قوه چه چیز؟

یکی ازنمایندگان ـ قوه نطق .

یمین اسفندیاری ـ خیر قوه حافظه آقای دکتر کشاورز را ندارم این است که اصول مطالبم‌را یادداشت کرده‌ام اساس مخالفتی که دارم نه راجع بآقای نخست وزیر است ونه راجع بآقایان وزراء ایشان است بلکه بنده فقط بآقای زرین کفش بی‌ارادتم و امیدوارم که ایشان بتوانند به کشور خدمت کنند بنده‌هم بتوانم بسهم خود ایشان را هم تقویت کنم و امیدوارم که خدمتگزار ایشان باشم حال وارد در اصل موضوع مخالفت خود با دولت آقای ساعد میشوم :

در موضوع جریانات اخیر مجلس و جلوگیری از وقوع استیضاح و اعتراض جمعی از نمایندگان برطرز ابراز تمایل همکاران محترم نسبت برئیس دولت بیمورد نمیدانم چند نکته را بعرض مجلس برسانم محتاج بذکر نمیداند درحکومت‌های پارلمانی اداره امور کشور در دست حزبی است که پیرو آن در انتخابات براحزاب دیگر غلبه جسته و اکثریت مجلس را تشکیل میدهند دولت از افراد همین حزب تشکیل میشود و پشتیبان دولت‌هم درمجلس همین حزب است . دردمو کراسی ما یکی از علل بزرگ بی ثباتی و آشفتگی کار های کشور نبودن احزاب منظم است بنا بر این در ایران مشروطیت و دمو کراسی عبارت از مجلس شورای ملی است در هردوره مجلس قوی و مقتدر باشد مشروطیت برقرار وهروقت بی‌نفوذ و بی‌قدرت باشد باید اذعان کرد دمو کراسی اسمی است بلارسم هرایرانی که بآزادی علاقه‌مند است باید برعظمت و اهمیت مجلس بیفزاید ما نه از حیث خودپرستی و نه از جهة اینکه نماینده هستیم بلکه برای حفظ اساس ناگزیریم مواظب حیثیات مجلس باشیم و نگذاریم کوچکترین لطمه برحقوق مجلس وارد آید اصولاً در لزوم و محسنات وجود اکثریت تردیدی نیست اما اکثریتی که متکی برمرام معین ووحدت نظر افراد آن درطرز اداره کشور باشد نه اکثریتی که غالباً روی احساسات آنی وخصوصیتهای شخصی ومصالح افراد بوجود میآید که هیچگونه ثبات و استقراری ندارد چنانکه نمونهٔ از آثار آن حتی درجلسه گذشته علنی مجلس هم نمایان بود بنده از بحث در کیفیات ایجاد این اکثریت صرف‌نظر میکنم وچون متوجه هستم که با اوضاع پریشان امروزه کشور بحرانهای متوالی وبی ثباتی دولتها چقدر برای کشورمضراست لذا آرزو میکنم اکثریت ثابت وپابرجائی برای نگاه‌داری وتقویت دولت وخاتمه دادن باین کشمکش‌ها وجودداشته باشد این رسم ابراز تمایل از زمان نیابت سلطنت مرحوم ناصر الملك پذیرفته و رسمیت پیدا کرد که قبل از انتخاب رئیس دولت تمایل مجلس خواسته شود در سلطنت مرحوم سلطان احمدشاه هم این رویه بحدی متداول وبهیچ وجه انحراف بعمل نیامد حتی موقعی هم که شاه در اروپا بود تلگرافاً تمایل مجلس رااستفار مینمود بعقیده بنده‌دوره سیزدهم تقنینیه میتواند بدین بدعت افتخار کند که تمایل را بوسیله‌رأی مخفی که‌درآن هیچگونه نفوذی کارگرنباشد برقرار نمود نمایندگانی هم که نخواهند صرفاً از نقطه نظر لجاج یا فشاری کنند تصدیق خواهند نمود در این مملکت که انواع نفوذ های مختلف ودستهای غیرمرئی در کار است باستثنای آقای ملك مدنی که اکثر در مجلس متذکر

میشوند که مطالب خودرا بانهایت صراحت لهجه‌بیان میکنند کمتر کسی صراحت لهجه دارد (خنده نمایندگان) جهاتی پیش میآید که مانع اظهار عقیده باطنی میشود برای هر نماینده بی غرضی جای تردید باقی نمیماند تنها راه شناختن تمایل حقیقی مجلس توسل برأی مخفی است اگر عرض کنم تنها موردی که حق حاکمیت ملت بوسیله مجلس عملی میشود همین خواستن تمایل درباب نخست وزیر است مبالغه نموده ام اشخاصیکه تصور میکنند رأی مجلس در مورد تمایل یا در موقع اعتمادبرنامه دولت‌فرقی ندارد یامغالطه میکنند یا دراشتباه هستند زیرا هر حکومتی چنانکه‌روی اساس تمایل حقیقی استوار نباشد ممکن است با بست وبند های خصوصی که بد بختانه هنوز در این مملکت یکی از عوامل مؤثر میباشد شخص خود را برخلاف مصالح کشور بمقام نخست وزیری برساند درمرحله دوم یعنی جلب رأی اعتماد در موقع بحث در برنامه کار بسیار سهلی خواهد بود بر احدی پوشیده نیست دولتی که مصدر کار است میتواند از مقام رسمی خود برای جلب رأی دهندگان سوء استفاده نماید ازطرفی هم بسا کسانی هستند که در موقع رأی سر پرو گرام دولت که معمولاً باورقه وبا اسم است از اظهار عقیده باطنی خودداری مینمایند

فاطمی ـ آن دلیل نیست

یمین اسفندیاری ـ بدیهی است موارد خطری که ممکن است برای مملکت و مشروطیت پیش آید بنده بآنها اشاره نمودم و بهیچوجه منطبق بآقای ساعد نمیشود زیرا نسبت به ایشان تا کنون برای این گونه سوء ظن ها موردی بنظر نمیرسد اما وقتی سابقه رأی مخفی از بین برده شد چه تضمینی خواهیم داشت فردا کسانی با وسائلیکه ممکن است یك رأی مصنوعی بنام فراکسیونها بدون اطلاع تمام نمایندگان بدست بیاورند وپس ازرسیدن بمقام شروع باقدامات مضره نمایند من اگر برای پیشرفت این منظور که مورد تصدیق همه‌واقع گردید حتی کار بپوزش و معذرت هم رسید میکوشم پیش خدا و خلق و وجدان خودم خجل نیستم کی است ؟ که راه لجاج وعناد را می‌پیماید وبقصد بکرسی نشانیدن‌رأی خود یك سابقه‌را ازمیان برداشته میدان را برای مخاطرات احتمالی آینده باز میگذارد قطعاً در آتیه نزدیکی بهتر شناخته خواهد شد بنده نه فقط تصور میکنم ترجمان افکار آقایان نمایندگان منفردین میباشم و حتی‌عرض میکنم تشکیل اکثریت رالازم وبلکه برای‌حفظ و پشتیبانی دولت واجب میشماریم منتها چندی است از مسافرت دهروزه حوزه‌انتخابیه خود بتهران مراجعت نموده نمیدانم راجع بملاك مردم . بهداشت . امنیت . ارزاق . مشاجرات حزبی . بی نظمی کارخانه‌ها خسارات وارده از پنبه‌های فاسد شده مطالبات زارعین ازدولت و مسائل دیگر با اقدام وزیر که در مسند خود ثابت باشد داخل مذاکره شده‌علاج دردهای موکلین خود را خواستار شوم آقای‌ساعد و بعضی از وزرای سابق کابینه قبلی ایشان شاهدند راجع به محبوسین سیاسی چه آنهائیکه دور هستند و چه اشخاصیکه در کنار شهر تهران بلاتکلیف میباشند مکرر مذاکره شده و مخصوصا تذکر دادم اگر واقعاً هریك از آنها کوچکترین اقدام را بر خلاف تصمیم دولت شاهنشاهی ایران و بر علیه متفقین کرده باشند هیچکس بخود حق نمیدهد نه فقط از آنها حمایت ننماید بلکه نسبت بآنها وارد مذاکره هم نمیشود ولی اگر نبی‌رویانی صارم‌الممالك مازندرانی که متجاوز از هشتاد سال دارد ازقراریکه میگویند اسمی‌هم ازاودرلیست نبوده و در تمام مدت حبس از او تحقیقی هم نکرده اند و نمیدانند چه گناهی مرتکب شده است نسبت باوهم بایدساکت بود که خودش درحبس و عیال و اطفالش بی‌سرپرست باشند واضح است که برای تمام درد ها دولت مقتدر که اکثریت محکمی پشتیبان او باشد لازم است یعنی اکثریت واقعی و حقیقی مجلس نه اکثریتی که بزور دیسیپلین فراکسیون تهیه شود ودرهرآن در حال نوسان باشد اما اعتراضات بنده بجریانات‌اخیر که بارعایت تقدم عرض میکنم از اینقرارست اولاً معلوم نشد جلوگیری ازوقوع استیضاح بنا بچه‌مصلحتی است استیضاح آقای فرهودی مربوط به اوضاع داخلی

راه آهن وخیلی خوب بود حقایق گفته میشد چنانکه در دوره سیزدهم آقای امیر تیمور و خود اینجانب در این موضوع از وزیر وقت سئوال کردیم و الا در اساس قضیه یعنی استفاده متفقین ما از راه آهن برای محمولات و حوائج نظامی هیچ گفتگوئی نبوده ونیست وخود هم پیمانان ما کاملاً معترفند که یکی از عوامل مهم پیروزی متفقین در این جنگ همین راه آهن ایران و وسایل دیگری بوده است که دولت ما باختیار آنها گذاشته است (نمایندگان - صحیح است) و یقین دارم در اینموقع با پیشرفتهای سریع اخیر متفقین ما و نزدیکی پیروزی نهائی آنها تذکر این معنی موجب مسرت خاص نمایندگان محترم وعموم ایرانیان میباشد با این مقدمه فکر بر هم زدن استیضاح از طرف جمعی از همکاران محترم و موافقت آقای ساعد با این فکر کار صحیحی نبود ثانیاً با وجود تشکیل اکثریت در طرز ابراز تمایل مجلس نسبت بدولت رعایت سابقه وعمل بترتیب گذشته هیچ محظوری نداشت مظهر مشروطیت دموکراسی ایران مجلس شورای ملی است وعلاقمندی باقتدار مجلس وحکومت ملی نمیبایست اجازه داده باشند برویه که همواره ازطرف مجلس در مورد ابراز تمایل برئیس دولت اعمال میشده است لطمه‌ای وارد آید ایراد رسمی بنده مداخله مستقیم نمایندگان در امر انتخابات وزراء است اگر اکثریت برئیس دولت اعتماد دارد این مداخله از چه رو و شرط تشکیل کابینه بدون شرکت هیچیك از وزرای کابینه اول آقای ساعد مبنی بر چه حکمتی است البته اگر درمیان آنها اکثریت مجلس اشخاص معینی را از روی حق صالح نداند رئیس دولت باید نظر آنها را تأمین نماید ولی عده را که مردم بصحت عمل و وطن پرستی و پشتکار آنها اعتماد دارند چرا باید از کار کنار بروند بااین بی آدمی مملکت چرا باید خدمتگذاران صدیق را مأیوس و دلسرد کرد آقایان برای هر کاری سابقه اطلاع و بصیرت را ضرور میدانند جز برای اداره کردن امور کشور اوضاع امروزه دنیا اقتضا دارد کسانیکه در رأس امورهستند تجربه و بصیرت کافی داشته باشند این دلیل براین نیست که آقای نخست وزیر نداشته باشند این عرضی را که میکنم از روی کمال بیطرفی است ونظر خاصی بکسان خود ندارم من باب مثل خود آقای ساعد بهترین گواه هستند که برادر من با عشق وعلاقه که بخدمت کشور دارد ودر مدت قلیلی وزارت کشاورزی هم نقشه اساسی برای کارهای آن وزارتخانه در نظر گرفته وتهیه نموده بود که در بوته اجمال ماند .

ملك مدنی - حالا هم بیاورید در وزارت کشاورزی جایش باز است .

یمین اسفندیاری - اگر مقتضی بدانید . در هر حال تا وقتیکه وسایل پیشرفت کار برای دولت فراهم نباشد عضویت در هیئت دولت را بیفایده میداند بنده قبل از معرفی کابینه نظر خود را در این مسائل با کمال خبرخواهی بآقای ساعد عرض کردم تصور میکنم حالا خودشان تصدیق میفرمایند که مذاکرات من با عوالم دوستی قدیمی در خیر خودشان وصلاح مملکت بوده است درخاتمه برای توجه آقای ساعد تذکر میدهم چند سال قبل موقعیکه بالدوین درانگلستان نخست وزیر بود در یکی ازجراید خواندم که دستور مجلس برای اعتماد بدولت بود روز قبل منشی نخست وزیر از او پرسید اجازه میدهد خبر بیماری پادشاه را بجراید بدهم گفت خیر چونکه اگر قبل از فردا نمایندگان ملت ازخبر مرض پادشاه مستحضر شوند محققاً برای تثبیت وضعیت و جلوگیری از بحران بدولت من رای اعتماد خواهند داد و من چنین رأی مصنوعی را لازم ندارم به آقایانیکه مسئول امور دولت هستند عرض میکنم : ما نیز بسهم خویشتن منتظریم که این وضع جگرخراش تعدیل شود (انشاءالله)

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است .

عدهٔ از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - روزجلسه عادةً یکشنبه است چون دوسه روز است که پشت سر جلسه شده است بنابراین بهتر است که روز یکشنبه باشد .

بعضی از نمایندگان - خیر جلسه آینده روز شنبه باشد

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه میل دارند جلسه آینده

روزشنبه باشد قیام نمایند (اظهارشد - عده کافی نیست) بسیار خوب چون آقایانیکه میخواهند جلسه روز شنبه باشد اکثریت دارند بنابراین جلسه آینده همان روزشنبه است (صحیح است) فعلاً جلسه بعنوان تنفس تعطیل میشود .

(دراین موقع یکساعت وربع بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و روز شنبه ۲۵ شهریور ماه یکساعت قبل از ظهر مجدداً تشکیل گردید) .

رئیس - جلسه شروع میشود چون جلسه سابق ختم نشد صورت مجلس نداریم شروع میشود به بقیه مذاکرات در برنامهٔ دولت، نوبهٔ آقای ثقةالاسلامی است بفرمائید .

ثقةالاسلامی - عرض کنم بنده دیگر راجع بموضوع اقلیت و اکثریت و اینکه چطور آن دولت استعفا داده وچطور دولت حاضر تشکیل شده در اینجا صحبتی نخواهم کرد بجهت اینکه هم موافقین صحبت کردند و هم مخالفین وچون وقت مجلس هم کم است از این باب نباید دیگر وقت مجلس را گرفت (صحیح است) بنده راجع به برنامه صحبت میکنم (اردلان - موافق یا مخالف ؟) بنده موافقم اگر مایل باشید ؟ عرض کنم راجع باستقرار امنیت اولاً بنده میخواستم دو کلمه صحبت کنم راجع به اوضاع که چون حالا جنگ است وموقع وخیم ومهمی که ما درحال حاضر هستیم باید ما فکر کنیم که یك دولت هرقدر فعال وکاری باشد و از مردمان با کفایت هم باشد وقتی یك پشتیبان محکمی در مجلس نداشته باشد نمیتواند کاری بکند و همیشه متزلزل است و مجلس هم از دوره سیزدهم بلکه دوازدهم همیشه در این فکر بوده که یك اکثریت کاملی درست بکنند که پشتیبان دولتها باشد ولی بدبختانه آنطوری که لازمست آقایان باوضاع پی نبرده بودند وبعضی اتفاقات دیگر بود که نمیتوانستند تشکیل اکثریت بدهند . اینکه سه فراکسیون حالا باهم ائتلاف کرده‌اند واشتراك مساعی کرده‌اند این از دوره دوازدهم و سیزدهم فکرش بود تا حالا که خوشبختانه زنده ماندیم که این اکثریت را دیدیم ولی بعقیده بنده بازهم دیر شده که شش ماه از عمر این مجلس میگذرد و ما تازه باین فکر افتاده‌ایم ولی یك مثل فرانسوی هست که میگوید که هرقدر دیر باشد باز بهتر از این است که نباشد و این راهم بنده میخواستم رفع سوء تفاهم بکنم و مخصوصاً بنده بهرچه مقدس است در دنیا میتوانم قسم بخورم که این اکثریت فقط وفقط روی مصالح مملکت تشکیل شده است وهیچ اغراض شخصی دربین نبوده است مثلاً بنده که یکی از افراد این اکثریت هستم ما بین آقایان وزرا قوم وخویش ندارم باهمه‌شانهم دوست وآشنا هستم ولی همه شان خوشبختانه یك اشخاصی هستند که واقعاً نه دوسیه اداری شان حرف دارد نه دوسیه عمومی شان چون بنده درکارها همیشه دوسیه را در نظر دارم یکی دوسیه اداری است که وقتی نگاه کنید به بینید که در عرض سی سال خدمت چه خدماتی کرده اند چه خطاهائی کرده اند یکی هم افکار عامه است ، افکار عامه یك دوسیه ایست که فراموش نشدنی است و در این دولت حاضر خوشبختانه اشخاصی هستند که اغلب صاحب دوسیه اداری هستند که بحمدالله پاك و منزه است و افکار عامه هم در اطرافشان تا بحال حرفهائی نزده و یقین دارم با این اکثریتی که انشاءالله آقایان حائز خواهند شد آقایان باقلب محکم میروند و برای کارهای مملکت اقدام میکنند و بنده خودم شخصاً ازایشان نه چشم طمع دارم نه تقاضائی دارم فقط و فقط نظرم مصالح مملکت است و آن کارهائی که باید اقدام کنند و بنده خودم روی عقیده شخصی خودم بهیچوجه قبول نخواهم کرد که ما نخواستیم بانتوانستیم اینها را ماقبول نمی کنیم اوضاع خیلی وخیم است جنگ هم دارد تمام میشود احتمال دارد بعد از یکماه یادوماه یا شش ماه جنگ تمام شود و ما مثل شعر آن شاعر که گفت :

ما در میان قافله مشغول خواب ناز در فکر این نیستیم
که بایدبرای انجمن صلح ونمایندگان صلح کی هارابفرستیم

اول چیزی که بعقیدهٔ بنده در این مملکت مورد نیاز عمومی است امنیت است این امنیت را هر کس که بایران علاقه‌مند است هرعقیده‌ای هرفکری هرمسلکی دارد وهرمذهبی دارد

وقتی که اسم ایرانی رویش گذاشته شده باشد باید علاقه‌مند باشد (صحیح است) امروز مملکت مادریك خطرات بزرگی دچار شده و واقعاً نسل آینده بما لعنت خواهند فرستاد تاریخ رانمیگویم ششهزار سال ولی از آنچه مسجل است ومبرهن است دوهزار و پانصد سال است این ایران استقلال داشته است و برای ما نهایت بی شرفی و بی حیثیتی و واقعاً از انسانیت دور است که این رویه دوهزارو پانصد ساله رامادر این مملکت بباد دهیم و این دست خودمان است ایران دشمن خارجی ندارد هر کس دردنیا منافع خصوصی وعمومی خودش را حفظ میکند من از هیچکس در دنیا چشم داشت ندارم که بدایران کمك بکند هر کس منافع خودش راحفظ میکند واستفاده از موقع میکند ودشمن ایرانی همیشه ایرانی بوده است وآنهم جهل وبدبختی است وخوشبختانه دراین مملکت ما مذهبی که داریم تمام ایرانی‌ها را زیر بیرق اسلام جمع کرده وما مسلمان هستیم وشیعه هستیم و ایرانی هستیم ایرانیت برای ما و شیعگی‌هم با آن توأم شده و ما را دارای قوه‌ای کرده که نمیتوانیم ازآن دست برداریم و بایدهمه بهم دست بدهیم آقایان اینجا میگویند که فلان دسته دارای فلان مسلك است آقایان توده را هم میگویم دارای یك مسلکی هستند ویك حزبی هستند تمام این آقایان ایرانی هستند و بهمان اندازه که ما باین آب وخاك علاقه داریم آنهاهم دارند و همه کس علاقه باین آب و خاك باید داشته باشد و امروز مملکت مثل یك خانه میماند که خدا نکرده آتش گرفته باشد وقتی که یك خانه آتش گرفت اهالی که در آن خانه هستند نمیگویند که تو فلان هستی یا فلان اول باید آتش خانه را خاموش کنند بعد که خاموش شد و کارها درست شد ... آنوقت باید بیائیم بگوئیم شما در فلانجا بنشینید بنده در فلان جا یا فلان اطاق یا اینکه فلان جا مال من است فلانجا مال شما پس مقصود همه چنانکه آقای دکتر کشاورز هم فرمودند اساسش یکی است و هیچکس در این موضوع اختلاف نظر سیاسی ندارد و ایران برای همه است و همه برای ایران (صحیح است) حالا آمدیم و ببینیم چه لازم داریم؟ امروز برای اینکه ایران ما مصون و محفوظ از تمام مصائب و بدبختی ها بماند اولین نقطهٔ نظر که باید ما تمام‌هم جد و جهد خودمان‌را مصروف کنیم امنیت است وقتی که مملکت امنیت نداشته باشد هیچ ندارد و تمام ادوارسابق باندازه‌ای که ممکن بوده همیشه ایران دچار بدبختی شده در نتیجهٔ عدم امنیت بوده بجهت اینکه همیشه استفاده وسوء استفاده از نبودن امنیت بوده است یعنی وقتیکه مملکت در آسودگی وامنیت زندگی بکنند برای آنهائی که میخواهند در بعضی کارها دخالت بکنند فرصتی نخواهد بود، وامنیت هم درست نمیشود مگر اینکه یك حکومتی قادر ولایق باشد سرکار باشد بنده میخواهم ازاین آقایان وزراء بپرسم که خوب ماخواهش کردیم آقایان وزراء آمدند اینجا واکثریت هم بشما رأی داد شما پیش وجدان خودتان، چون هر کس خودش را بهتر میشناسد، واقعاً قادر و لایق هستید که این بار را بمنزل برسانید در همین اولین مرحله بگوئید که بله ما قادر و لایق هستیم و میتوانیم این بار را بمنزل برسانیم و ما تمام اختیارات را بشما میدهیم وهر کس در هروزارتخانه که بهتر بتواند کار بکند بگوید آقا فلان وزارتخانه رابهتر میتوانم اداره کنم یافلان کار را میتوانم سر کشی کنم امنیت برای این است آنروز بنده خیلی افسوس خوردم که بعضی‌ها اینجا یك صحبتهائی کردند بنده معتقدم که هر ایرانی باید علاقه مند بنظام وظیفه باشد واین مملکت باید قشون داشته باشد اگر قشون نباشد مملکت امن نیست مملکت هرج و مرج میشود وازهر سری یك ترانه وازهردهنی یك سخنی بیرون میآید باید قشون داشته باشیم عدم انتظام یك اداره و نبودن اشخاصی لایق درسر کارها دلیل نمیشود باینکه یك مؤسسه یایك فکری غلط باشد نظام وظیفه دراین مملکت حتماً لازم است و این مملکت باید حتماً قشون داشته باشد مگر اینکه نظام وظیفه مخالف عقیده بعضی ها باشد که نمیتوانند بابودن قشون بعضی مرام‌های خائنانه خودشان را اجرا کنند باید قشون باشد، باید مملکت امن باشد، و آن نواقصی را که دارد باید مرتفع بکنند و این دولتی که حالا هست بنده

تصور میکنم بتوانند آن نواقص را از بین ببرند بجهت اینکه تمام محظورات رفع خواهد شد و یك اکثریت کاملی هم رأی خواهند داد زیرا تمام ملت چشمش به مجلس است واین مجلس هم میخواهد یك اکثریتی باین دولت بدهد که تمام منافع عمومی و خصوصی ملت را در نظر بگیرد چیزی که باید دراینجا حکمفرما باشد بعضی‌ها میگویند یك دیکتاتور شخصی باشد یا یك دیکتاتور جمعی باشد بنده نه دیکتاتور جمعی را میشناسم نه دیکتاتور شخصی را دیکتاتور در این مملکت باید قانون باشد قانون را هر کس اجرا کرد باید اجر ببیند و هر کس از قانون خارج شد باید مجازات ببیند وقتی در مملکت قانون اجرا شد واستثنائی قائل نشدند آن دیکتاتور مملکت قانون است آن دیکتاتوری نیست وقتی که قانون عمومیت پیدا کرد اگر صعوبتی پیداشد آن صعوبت اینقدرها صدمه نمیزند. این استقلال قضات اگرچه بعضی از آقایان راجع باستقلال قضات یك صحبت هائی کردند و بنده هم میخواستم یك عرض مختصری در اینجا بکنم وقتی در کوچه صحبت‌هائی میشود انعکاسش اهمیت ندارد ولی در بعضی جا ها و مجالس و بعضی دهان ها هست که آن صحبت ها اگر در آن مجالس و ازآن دهان ها بیرون بیاید انعکاسش بد است و به حیثیت و استقلال مملکت بر میخورد مملکتی که قضاتش را تخطئه بکنند و بگویند قضاتش دزد است خیلی بد است و بنده تصور نمیکنم بلکه یقین دارم که قاضی دزد نیست اگر یك دزدی خدای نکرده بلباس قاضی در آمده است آن قاضی نیست یك دفعه اینجارا جع بمستخدمین دولت صحبت بود بنده عرض کردم آقا مستخدم دولت دزد نیست شما دزدهارا آوردید مستخدم دولت کردید و الاامروز در مملکت ما قضات صالح و پاکدامن هستند و هیچکس هم از آنها شکایتی ندارد و همیشه هم تابع قانون بوده اند مثلاً ملاحظه بفرمائید چونکه آقایان فرمودند برای فلانکار فلان قاضی را تعیین میکردند پس معلوم میشود که آن قاضی قاضی نبوده است و برای اینکه فلانکار فلانجور بشود فلان شخص را معین میکنند پس قاضی را نگوئید فلان شخص را بگوئید ما بین قضات ما آقایان، تمام قضات را عرض میکنم، مغزه هستند؛ مبری هستند پاکدامن هستند البته یکوقت میشود که تمام معصوم نیستند آنوقت اداره انتظامات دارد و یك شخص مبرزی در رأس محکمه انتظامات هست که تا امروز هیچکس راجع بآن شخص صحبتی نکرده (صحیح است) اگر اینطور باشد آن اداره انتظامات هست آنها را تعقیب میکنند. مطلب دیگری که در برنامه نوشته شده از کلیه عوامل و آثاری که مخل امنیت و نظم باشد، این یکقدری کش‌دار است ولی امروزچون جنك است و یك چیزی که بنده تا بحال چندین‌دفعه گفتم در دوره دوازدهم وسیزدهم هم عرض کردم ما در میان ممالك یا مجتهد هستیم یا مقلد مجتهد که نیستیم پس باید مقلد باشیم در تمام ممالك درموقع جنگ قوانین مخصوصی وضع کرده اند بنده در اول جنگ دو سال تمام در خارجه بودم بمباردمان پاریس و برلن را دیدم درآن موقع تمام قوانینی که سابق بود ازبین رفت وقوانین جنگی جایش آمد مثلاً در آلمان قرار گذاشته بودند که نفری در سال یك پالتو داشته باشد یك کفش زمستانی یك کفش تابستانی آنجا باین درجه سختگیری میکردند که اگر یك نفر میرفت در آن اداره که کفش میدهند و کفش لازم نداشت میگفت یك جفت کفش لازم دارم او را مجازات خائن میکردند می گفتند شما که میدانید امروز جنگ است و مملکت آلمان محتاج به کفش است و شما میخواهید سوءاستفاده بکنید محکوم میکردند آنهارا وحتی محکوم باعدام هم میکردند در فرانسه یك اسپکولاتور بود که نمیدانم بر خلاف مصالح چکار کرده بود او را بردند و اعدام کردند در مملکت ما بر خلاف سایر جاها این قوانین وضع نشده و اگر وضع شده اجرا نشده و بمذاق این باید اجرا شود (دکتر کشاورز — جنگ که تمام شد) کوشش برای تثبیت قیمتها و ارزانی: بنده امروز یك گله دارم از تجار خودمان، بنده اولاً با انحصار مخالف هستم. در آن موقع که میبایستی مملکت آزادی داشته باشد ما انحصار را قبول کردیم بقول اقتصادیون خواستیم یك مملکت اوپارسی

درست بکنیم یعنی هرچیزی که لازم داریم خودمان درست بکنیم یعنی خودمان هم صنعتی باشیم و هم فلاحتی و هیچ چیز وارد نکنیم در صورتیکه این مملکت نمیتواند اینطور باشد آمدند مردم‌را اجبار کردند آنوقت که مملکت انحصار لازم نداشت انحصاری کردند و دچار این بدبختی ها شد که مملکت تمام قوه اقتصادی و بنیهٔ اقتصادی خودش را بباددادو تمام نتیجه این شرکتهائی است که تشکیل شد و مردم را اجبار کردند و این نبود مگر اینکه در تحت عوامل دیکتاتوری بودوخیال‌میکردندبازورمیتوانندمملکت‌راصنعتی قلمداد کنندآنوقت پارچه‌های خارجی‌خیلی ارزان و خوب بودوحتی درمجلس هم‌قانون گذاشتند که و کلای مجلس و مستخدمین ادارات بارچه‌های وطنی تهیه بکنند ما تمام‌آن صدمات راکشیدیم تمام آن بدبختیها را دیدیم برای اینکه مملکت صنعتی بشود و یکی هم لاعلاج بودیم حالا موقعی بود که ما بتوانیم از این کارخانه ها استفاده کنیم در عوض آن‌خوبیها باما اینطور کردند اگرآنروز ازآنها نگهداری نمیکردیم امروز آن کارخانها یك بر هزار نمیتوانستند استفاده کنند. من از یك کارخانه چی پرسیدم فردا که سرحدات باز خواهد شد و ما دیگر آن دولت را نخواهیم داشت که سرحدات ما را ببندد وما خودمان در یك چهار دیواری زندگی کنیم شما باید یك اصولی را رعایت کنید که بتوانید روی رقابت با خارجه‌کار بکنید جواب‌داد که ما یك در پانصد قیمت کارخانه را درآوردیم و این حقیقت دارد اینجا آقای وزیر فرهنگ حاضر است، شاگردانی که بیچاره ها بی‌بضاعت بودند پدر و مادرشان قوه خرید نداشته نمیگذاشتند پارچه های فرنگی که‌ذرعی هفتهزار هشتهزار بود بخرند و مجبور میکردند که از کارخانه های کازرونی و غیره آن پارچه‌های آبی رنگ را بخرند متری بیست وششقران بیست وهفتقران حالا آنها را میفروشند پنجاه تومان شصت تومان این قانون لازم دارد که این اشخاص را بیاورند و دم دیوار بگذارند بگویند شما که خون مملکت را مکیدید و حالا در موقع بدبختی با این مملکت بازی میکنید شما خائن مملکت هستید و اعدام شان کنند (صحیح است) چیزهائی است که مابه‌الاحتیاج مردم است ونمیشود ازآنها استفاده کرد یکی از آنها دوا است یکی ازآنها کفش‌است یکی ازآنهاآب است یکی از آنها پوشاك است یعنی تمام این چیزهائی که مابه الاحتیاج مملکت است کسانی که سوءِ استفاده میکنند خائن هستند جانی هستند آنها باید اعدام بشوند (دکتر کشاورز ـ پس کی عملی خواهد شد؟.) انشاءالله عملی خواهد شد ولی آنطوری که شما میگوئید عمل نخواهد شد (فداکار ـ هیچکاری درست نخواهد شد).

نخیر انشاءالله باز هم عملی خواهد شد (دکتر کشاورز ـ شما هم‌تان رای اعتماد بدولت است) بلی بجهت اینکه ما خودمان پشتیبانی دادیم بدولت ولی ما نمیدانیم تاکنون چرا این قانون احتکار عملی نشده است (دکتر کشاورز ـ احتکار عملی شده) بلی احتکار عملی شده منع احتکار عملی نشده شنیدم بنده در اینجا آقایانیکه در اینجا هستند در دیوان کیفر هم عضویت داشتند چندین هزار دوسیه منع احتکار آنجا راکد مانده است وچرا آنها را اجرا نمیکنید آقای وزیر دادگستری شما مرد شجاعی هستید خواهش میکنم شما اینها را بیاورید و بجریان بیندازید یا اینکه بفرمائید که قبلا کسی‌که این حرف را درمجلس زده یا باید ثابت بکند یا باید مدرك بخواهد از وزارت دادگستری‌که این حرف را زده بنده یقین ندارم ولی اینطور میگویند که تابحال یکنفر محتکر ازآن محتکرهای مشهور یا از آن استفاده‌چی‌ها را محکوم نکرده‌اند بدوسال حبس به پنج‌سال حبس یا بیك میلیون تومان جریمه اکثریت اینهارا ازدولت میخواهد.

شروع باجرای قانون تعلیمات اجباری و تجدید نظر در برنامه‌های تحصیلی تعلیمات اجباری یکی ازآن دوچیزاست که لازم وملزوم مملکتست یکی بهداریست و یکی تعلیمات اجباری‌مملکتی که افرادش سواد ندارد مملکتیکه نمیتواند بد را ازخوب وخوب را از بد تشخیص بدهد حق‌حیات ندارد

وخوشبختانه ایرانرا تاکنون ایرانیت ووطن‌پرستی‌نگهداشته و الا اگر با این تعلیم و تربیت بود بایستی مدتها قبل ما منقرض شده باشیم بجهت اینکه آنطوری که در دنیا امروزه مشهور و معروف است ما تعلیم و تربیت نداریم و این مملکت ۱۵ میلیون یا ۱۴ میلیونی تصور نمیکنم که صدی پانزده‌یا صدی بیست با سواد داشته باشد پس وزارت فرهنگ مجبور است که این قانون را عملی بکند ولی ما همیشه تزیینات را بیشتردوست داریم تاچیزهائیکه اساسی باشد اگر بنده یك اعتراضی یك از آن اعتراضاتی که بدولت های سابق و ۲۰ ساله دارم وبعد میگویم بلکه تعمدی درکار بوده است برای اینکه درتمام شئون درایران یك حرکتی شده یك‌عمارانی ساخته شده راه آهن ساخته شده ولی در عرض این بیست سال‌وزارت فرهنگ ۵ میلیون یا ۶ میلیون بودجه‌اش بوده و برای بهداری‌هم ۵ یا شش میلیون تومان برای ۱۵میلیون نفر که هرنفری یك قران شش عباسی میرسد و با این پول بهداری درست نمیشود در صورتیکه کاخهای با عظمت ساخته اند در هریکی ده دوازده میلیون خرج شده ولی مملکتی که بهداری نداشته باشد مملکتی که فرهنگ نداشته باشد قابل زندگی‌نیست نمیتواند زندگی بکند واینهارا اول از مدارس باید شروع بکند و مدارس بدون معلم نمیشود مثلاً یك نفر را از خارج میآورند ۶۰ تومان ۴۰ تومان حقوق میدهند این حالا مبلغ زیادش است در دهات آدم هست که ماهی سه تومان ۴ تومان باو میدهند برای اینکه معلم بشود در آذرشهر یکنفر هست که رئیس مدرسه است ورئیس فرهنگ آنجاهم هست تازه دارد ۱۰۰ تومان حقوق میگیرد بااین وضع‌نمیشود معلمی کرد از امروز اگر آقای وزیر فرهنگ ملاحظه بفرمایند اگر واقعاً دانشسراهای قابل و لایق تهیه کنید که بتوانند معلمین خوب، معلم‌هائی که قابل و لایق باشند و بتوانند اطفال را خوب تربیت کنند مهم ترین قدمهارا برداشته‌اند اساس را اول‌باید درست کرد اول باید از معلمین شروع بکنید و باید از آن دانشسراها استفاده کرد و بهتر است که اول معلمین را حاضر کرد بعد بچه‌هارا بدست آنها داد وبنده اهمیت این‌متدرا برای‌مدرسه ابتدائی بیشتر میدانم تا بمدرسهٔ متوسطه بجهت اینکه پایه از آنجاست و اگر بچهٔ از مدرسهٔ ابتدائی بد اخلاق شود تا آخر میرود به بد اخلاقی ولی اگر یك معلم خوب درمدرسه ابتدائی شروع کرد این بچه هائی را که مثل موم هستند درست کرد وایرانی خوب تربیت کرد تا آخر همانطوردرست میمانند و اینهم باید با معلمین و آموزگاران خوب درست بشود در تبریز میگویند باهو حلوا نمیشود درست کرد باید شکر باشد آردهم باشد بدبختانه حالا نه شکر هست نه آرد ولی آنطوری که لازمست حضرتعالی باید درتهیه آموزگار باشید و آموزگار تهیه کنید اینقدر بدانشگاه و دبیرستان اهمیت ندهید بمدرسه ابتدائی‌اهمیت بدهید آقای نراقی بهتر اطلاع دارند معلم مدرسه ابتدائی باید معلم خوب باشد معلم حقیقی باشد ومعلمی‌باشد که اقلاً ۴۰تا۳۵سال‌داشته باشدیك بچهٔ‌پانزده شانزده یابیست‌ساله نمیتواند معلم‌بشود وبچه‌هاراهم بد اخلاق کند عرض میکنم که آنروز آقای دکتر کشاورز که با بنده خیلی خیلی دوست هستند و التفات دارند یك حملهٔ خیلی خیلی‌بیجائی بآقای نخست وزیر وبه هیئت دولت کردند و فرمودند که دولت پیاله فروشی را دایر کرده‌است آقااین کاردولت‌نیست‌ممکنست ازاین‌قبیل‌چیزها در موقعیکه میخواهند نفی صحبت‌بکنندااستفاده کرد (دکتر کشاورز ـ شما مثبت صحبت میکنید؟!) این کار شهرداری است و کار انجمن شهرداری (فداکار ـ شهردار راکی کمك میکند) ملاحظه بفرمائید بنده هم در دورهٔ سیزدهم چندین مرتبه اصلاً بفروش عرق و پیاله فروشی اعتراض کردم من خودم برعلیه آن هستم همچنین در مورد منع کشت و استعمال تریاك بنده خیلی تمجید میکنم حضرتعالی را تریاك از آن چیزهائی است که اگر سالی صد میلیون ۲۰۰ میلیون سیصد میلیون هم برای دولت منفعت داشته باشد باید این تریاك از بین برود در این مملکت (صحیح است) اگر چه دولت یك میلیارد تومان برای بودجهٔ مملکت قرض بکند و اگر درعرض یك سال این مخارج را دولت بکند باید این خرج را متحمل بشود و تریاك را از بین ببرد همچنین نوشابه

فروشی و عرق کشی حتی جنابعالی هم بهتر از بنده میدانید عرقی که سابقاً در اینجا تهیه میکردند یکروز در اینجا در کمیسیون بودجه قدیم نمیدانم دکتر بهرامی بود یا کس دیگر میگفت عرقی که امروز تهیه میکنند سم است (دکتر کشاورز ـ بنده چون نمیخورم نمیدانم) بجهت اینکه اصلا از ملاسی که از کارخانه قند بدست میآید تهیه میشود و این سم است این را ما از دولت میخواهیم عرض کنم در مملکت حالا دولت اول چیزیکه باید مرتب کند قشون منظم است و آن دستهای ناپاکی که در مملکت حالا شروع کرده‌اند بعوامل مختلف باسامی مختلف مردم را برعلیه همدیگر تحریک میکنند و تصور میکنم اینها از یک سرچشمه آب میخورد و این را باید آقای رئیس الوزراء مخصوصاً آقای وزیر کشور در نظر گرفته باشند و حالا قریب پنجاه شصت سال بود یا چهل پنجاه سال که همچه چیزی نبوده است که در فلان جا بریزند فلان خانه را غارت بکنند باسم اینکه فلانکس فلانکاره است اینها یک مرکزیتی پیدا کرده است و میخواهند مردم را از بین ببرند و یک کانون فسادی در اینجا درست بکنند حالا بدون اینکه این ترتیب ادامه پیدا کند شما باید آن عوامل را از بین ببرید آن تخم را بشکنید و این هم خیلی آسان است و آنهائیکه محرک این کار هستند باندازهٔ جسور هستند که خودشان را نشان میدهند و این هم یک اندازهٔ ارتباط دارد با مطبوعات برای اینکه در قانون هست که کتب ضاله برعلیه مذهب رسمی ایران قدغن است اینجا بعضی کتب چاپ میشود دولت اینجا عوض اینکه چاپخانه را ببندد و مؤسس را بگیرد تلگراف میکند بولایات که فلان روزنامه و کتابرا جلوگیری بکنید اصلاً شما باید در اینجا جلوگیری بکنید نه در ولایات در ولایات میرود مردم را محرک میشود در این موقع که امروز واقعاً مردم گرسنه هستند ناراضی هستند وعصبانی میشوند یکی از این چیزها نوشته های آقای صفوی است شما نباید بگذارید اینها را اینجا طبع بکنند و باید بچاپخانه‌ها قدغن کنید که نوشته‌های ایشان را چاپ نکنند (بعضی از نمایندگان ـ کسروی یا صفوی) مذهب ایران مذهب اثنی عشری است و اسلام است وهر کسی برعلیه او اقدام کرد و بدنوشت او خائن مملکت است ومجازات باید بشود.

یکی از نمایندگان ـ صفوی نیست آقا. کسروی است

ثقة الاسلامی ـ بلی کسروی است بله آقا ببخشید و همچنین بعضی چیزهای دیگر. آقای رئیس الوزراء بنده یکی از آن اشخاصی هستم که در انقلابات بزرگ خودم شرکت کردم و میدانم وقتی بخواهند یک مملکت را منقلب بکنند همین دستگاهی که اینجا بکار افتاده است در آنجاهم بکار افتاده بود این القاء شبهات را ما میدانیم آقایان مطبوعات که واقعاً در وطن پرستی شان شك وشبههٔ نیست والبته اینها منور افکار عامه ایرانی هستند وخودشان هم ایرانی هستند بعضی چیزها بعضی وقت‌ها مینویسند که مخالف امنیت مملکت است مینویسند بریزید بچاپید خراب کنید بکشید اینها صحیح نیست اینها برخلاف امنیت مملکت است باید مردم را هدایت کرد وقتی که بیکعده مردم گرسنه بگویند بریزید بچاپید خراب کنید بکشید این خطرناك است در یك مملکتی مثل ایران یا در هر جا امروز در انگلیس هم اگر یك روزنامه بردارد بنویسد: بریزید بچاپید بکشید در آن روز نامه را می بندند و آن شخص را مجازات میکنند وجرمش میکنند امروز باید این دستهای ناپاك وخطرناك را ازایران دور کرد واصلاً مرکز فساد را ویران کرد واینهم نمیشود مگر باقانون وآن قانون هم نمیشود مگر آنکه واقعاً با دستهای پاك اجرا بشود یکی دیگر از آن کارهائی که امروز مملکت ما محتاج است وزارت کشاورزی است بنده تصور می کنم وقتی که ادارهٔ کشاورزی بود مردم از آن بیشتر استفاده می کردند تا حالا که وزارتخانه شده است مثلا این وزارت کشاورزی درتبریز یك ادارهٔ پنبه است یك ادارهٔ دفع آفات است و یك ادارهٔ کشاورزی سه تا اداره است درتمام ایالات آذربایجان هم سه تا اداره است وزارت کشاورزی باید منحصر باشد بدفع آفات حیوانی و نباتی و یکی هم راهنمائی برای تخم بذر برای کشاورزان و آنچه لازمست برای او باید کمك کرد و یك چیزهای خارق العادهٔ در مملکت ما هست املاك خالصه که بایستی در دست کشاورزان باشد و ادارهٔ کشاورزی از آنها استفاده بکند رفته بدست وزارت دارائی افتاده که

آنها از تمام املاك مملکت خراب تر شده ادارهٔ کشاورزی اینجا خالصه هائی را که اطراف کرج هستند آنها را فروخت به ثمن بخس و خودش رفته آنجا برای فرم مدلده اجاره کرده است اینها یك چیز هائی است که بکشاورزی مربوط است جلوگیری از اختلاس در ادارات و اجرای قانون مجازات شدید در بارهٔ مختلسین عرض کنم یکی از آن چیزهائی که واقعاً آدم نمیتواند تحمل بکند این است که وزرای ما تاکنون نتوانسته‌اند از اختلاس در ادارات جلوگیری بکنند بلکه بعضی‌ها تشویق می کنند چنانکه یك وزیری که مأمور یك وزارتخانه میشود مسئول تمام کارهائی است که در آن وزارتخانه انجام میشود وقتی که شاه سابق میرفت وزارت پیشه وهنر و یکی از آنجاهائی بود که میشود گفت ۵۰۰ میلیون ۶۰۰ میلیون دارائی آنجا بود یعنی کارخانه هائی که در آنجا بود و حالا چهار روز یبر در آنجا عوض شده است بنده میخواهم بدانم که آقای رئیس الوزرا... گرچه ما بآقای دکتر نخعی اطمینان کامل داریم آقای رئیس الوزراء باید کمیسیون خیلی جدی از اشخاص بی‌غرض تشکیل بدهند و اینکارها را رسیدگی بکنند بعقیدهٔ بنده دروزارت پیشه وهنر قریب ۳۰۰ میلیون اقلاً و ۶۰۰ میلیون اکثراً اختلاس شده است بجهت اینکه مثلاً یکی از کارخانه های پیشه وهنر از بین رفته است و خود وزارت پیشه و هنر نمیداند که آن کارخانه بوده است یا نه مثلاً یك چیزی است که حضرتعالی تعجب خواهید کرد قبل از آنکه شاه سابق برود در ۱۳۱۸ یا ۱۳۱۹ یك انبار بزرگ صد در صد تمام رنك بوده است که ازخارج وارد کرده‌اند و چندین میلیون تومان پول داده‌اند این رنگها برای ده سال ایران کفایت میکرد امروز این رنك هادراین مملکت وجوددارد کجا رفته است؟ آن صندوقهائی که مال دولت بوده و باسم دولت از بندر پهلوی آورده اند اینجا اینها ازبین رفته وحیف ومیل شده اینها کجا رفته است ومختلسین آن کی ها هستند مختلسین را پیدا کنید و بدهید قیمت اینها برای این مملکت خیلی پول است ۵۰ میلیون و ۶۰ میلیون برای این مملکت خیلی پول است برای یك مملکت فقیری ۳۰۰ میلیون تومان خیلی زیاد است در وزارت دارائی آقای زرین کفش چندین سال قبل ۱۲ هزار تن آهن بود حالا یعنی در اوایل دورهٔ سیزدهم مجلس در وزارت دارائی ۶۰۰۰ تن آهن بوده ۶ هزار تن آهن با قیمت امروزی میشود تقریباً دویست میلیون تومان این پول کجا رفته ـ کجا پریده تمام اینها را باید حسابش را بدهید آن وزیری که در آنموقع اینها را تحویل گرفت وتحویل داد باید مجازات بشود (یکی از نمایندگان عده کافی نیست) (امینی ـ حالا خستگی‌تان را در بفرمائید) چرا خستگی دربکنم (امینی ـ مقصودم این بود که خلاصه بفرمائید) (دراین موقع عده کافی شد) دیروز آقای دکتر کشاورز فرمودند که قریباً چند هزار نفر کارگر بارفتن متحدین ومتفقین ما بیکار خواهند شد این درست است ولی درحقیقت اگر نگاه بکنیم آنها کارگر نبودند آن‌ها دهاتی بودند دراینموقع آمده بودند و وقتی که آنها رفتند اینها هم بدهات خودشان برمیگردند و دولت باید نظر داشته باشد که آنهارا بدهات خودشان جابجا بکند (مهندس فریور ـ کارگریکه آمد کار کرد دیگر بدهات برنمیگردد) بله ولی بالاخره دهاتی بوده است (مهندس فریور ـ بنده هم شاید اصلاً دهاتی باشم اینکه دلیل نشد) عرض کنم موضوع دیگر هم راجع به بهداریست سه موضوع بود یکی راجع به امنیت یکی ارزانی جنس یکی هم راجع ببهداری. بهداری امروز اسماًهست و رسماً نیست (فداکار ـ آقا خسته شده‌اند ومیروند) چرا؟ برای اینکه بنده اینجا منفی صحبت نمیکنم وقتیکه فحش نمیدهند خسته میشوند میروند مثل روزنامه‌ها روزنامه‌هائیکه قدری تند مینویسند خریدارشان بیشتر است بنده هم اگر منفی صحبت میکردم که آقای رئیس الوزراء چرا فلان کار را نکردید فلان موضوع را توجه نفرمودید خسته نمی شدند (فداکار ـ آقای ثقة الاسلامی بنده حقیقت را عرض کردم) بله ممنونم. راجع به بهداری بهداری یکی از آن چیزهائی است که مملکت بآن محتاج است مملکتی که آدم صحیح المزاج نداشته باشد بدرد نمیخورد بودجهٔ بهداری ما کم است واین پولی را که

میدهند فقط صرف ادارات میشود نه بمردم دوا میشود نه مریضخانه میشود نه بمردم چیزی میشود و این مملکتی که اقلاً باید صدی ده عایدات خودش را بپهداری صرف بکند واین پولیکه امروز بپهداری داده میشود کفایت نمیکند برای بهداری و وکلاکه نمیتوانند پیشنهاد خرج بکنند ولی دولت باید خودش در نظر بگیرد بهداری و فرهنگ را باید امروز آقا آن ۲/۵ میلیون را همچنانکه آقای تراقی فرمودند و آن ۲/۵ میلیون کم است و بعضی چیز ها را بتوانند کسر بکنند واز اختلاسات جلوگیری بکنند پنج میلیون میشود تهیه کرد که راجع بپهداری و فرهنگ صرف شود عرض کنم از حالا دولت باید در نظر بگیرد که نگوید که بغتةً شد ومن نتوانستم خودم را حاضر بکنم چون این در ایران سابقه داشته است این متفقین ما که امروز در ایران هستند یك روزی انشاءالله خواهند رفت بعد از ۶ ماه بعداز هفتماه بعداز یکسال واین بناهائی که اینجا درست کرده اند و خواهند گذاشت شما باید یك تشکیلاتی بدهید که این بناها از بین نرود بجهة اینکه شاه سابق این همه کارخانه هائی که هست واینهمه بناهائی که ساخت دارد از بین میرود و آن هتل هائی که ساخته اند دارد از بین میرود هتل ها را اجاره داده اند به ثمن بخس هیچ جای دنیا سابقه نداشته است که یك هتلی را با مبل و اثاثیه اجاره بدهند آنهم یك چیزی که ده هزار تومان قیمت داشته باشد بدهند به ۱۰۰۰ تومان و در آنجا چه اثاثیه وچه نفایسی بود . . . ولی حالا از بین رفته است و درهیچ جای دنیا معمول نیست که هتل را با اثاثیه اجاره بدهند بعداز دو سال هیچیك از اثاثیه باقی نمانده بود یك روز رفتم درهمین هتل دربندگفتم این اثاثیه ای که بود کجا رفت قالیها چطور شد ! گفتند بالا گذاشته ایم ، گفتم کجا بالا گذاشته اید ؟ آقا این اثاثیه بعد ازاینکه یکی دوسال گذشت تبدیل باحسن خواهد شد یعنی بمنفعت آن کسی که اجاره کرده است از بین میرود و راجع باملاك واگذاری ، املاك واگذاری را نه بمردم دادند ونه دولت خودش تصرف کرده که دراینجا عوض اینکه دولت منفعت بکند ضرر کرده است و یکی هم راجع به کارخانجات است که باید آنها را در نظر بگیریم و بنده و رفقایم چنانکه عرض کردم این اکثریت از صمیم قلب و وجداناً بشما رأی میدهیم وشما باید آن طوریکه لازم است و خطراتی که متوجه است از آنها جلوگیری کنید .

رئیس ـ آقای دکتر مصدق مخالفند و پیشنهادی هم شده است که بعداً بعرض میرسد .

دکتر مصدق ـ راجع به اسم نویسی که یکی از نمایندگان محترم در مجلس مذاکره نمود لازم میدانم عرض کنم که در جلسه ۱۵ شهریور که برنامه دولت جزء دستور جلسه بعد شد از آقای رئیس درخواست نمودم که بمن اجازه نطق بدهند جلسه خاتمه یافت و آقای تراقی درخارج از جلسه فرمودند که درخواست شما در درجه اول و درخواست من در درجه دویم قرار گرفت و شماره ۱ و ۲ روی درخواست مانوشته شد بعد شنیدم که نمایندگان باید روزیکه برنامه مطرح میشود از اول ساعت اداری به بعد اسم نویسی کنند دوشنبه ۲۰ شهریور یك ربع قبل ازساعت اداری دیدم ورقه ای بدیوار الصاق شده و آقای آقاسید محمد طباطبائی در درجه اول و عده ای بعد ازایشان نام خود را نوشته اند چون ممکن بود که بواسطه رأی در کفایت مذاکرات نوبت بمن نرسد و مطالب من ناگفته بماند اسم خود را در ستون موافق نوشتم وساعت اداری رسید و آقای طوسی ورقهٔ دیگری ارائه دادند وفرمودند قبل ازساعت اداری نمیبایست ورقه بدیوار الصاق شود ورقه ای که باید اسم نویسی شود این است شما هم اسم خود را در آن بنویسید یعنی هم برای اینکه معلوم بشود کدام یك از دو ورقه مقدم خواهد شد اسم خود را در ورقه ثانوی نوشتم و خدمت آقای رئیس عرض کردم که امضای من در ستون موافق ورقهٔ اول حاکی از موافقت نیست و نمی دانم این کار چه اهمیتی داشت که باید موقع مذاکره در برنامه جزو مذاکرات مجلس شود ازافشای پیشنهادی که من برای امضاء آقای آقا سید محمد طباطبائی که در دسته اقلیت بودند ارائه نمودم گله مندم زیرا که باعث شد من از رویه ای که تاکنون داشته ام صرف نظر نمایم راجع به تمایلی که نسبت بآقای نخست وزیر اظهار شده درمجلس

دو عقیده است گروهی معتقدند که فراکسیون آزادی و اتحاد ملی و میهن که اکثریت را تشکیل میدهند وبایشان اظهار تمایل نموده اند تمایل حقیقی مجلس است وگروه دیگر میگویند که چون فراکسیونها باتفاق آراء اظهار تمایل ننموده و درهر فراکسیون جمعی بایشان رأی نداده اند هرگاه عدد مخالفین ازمجموع اعضاء سه فراکسیون کسر شود اکثریت مجلس بایشان تمایل نداشته است و باید طبق سابقه جلسه ای مرکب ازتمام نمایندگان تشکیل وتمایل مجلس معلوم شود چنانچه حائز اکثریت شدند بنخست وزیری منصوب شوند و وزرای خود را به مجلس معرفی کنند و حتی بعضی اینطور میگویند که هرعملی که ازاین دولت صادر شود اگر برنامه او تصویب نشد قانونی تلقی نخواهد شد . یکی ازنمایندگان منفرد اظهار نمودند که درسایر ممالك هرفراکسیونی عقیده خود را اظهار میکند و اعضای مجلس برای اظهار تمایل در یك جا جمع نمیشوند که لازم میدانم در این باب توضیحاتی عرض کنم در ممالکی که احزاب بزرگ هست اظهار تمایل موضوع ندارد هریك ازاحزاب سیاسی که در انتخابات حائز اکثریت شد دولت ازآن حزب تشکیل میشود و آنجائی که احزاب بزرگ نیست احزاب کوچك برای تشکیل اکثریت اتحاد می کنند و البته هرفراکسیون نظریات حزب خود را اظهار می کند و فراکسیون هم اکثریت و اقلیت ندارد دراینصورت اخذ رأی درمجلس مورد ندارد ولی دراین مجلس که انتخاب نمایندگان عموماً حزبی نیست و باید افراد رأی بدهند قضیه فرق می کند .

۱ ـ عده زیادی ازنمایندگان عضو فراکسیونها نیستند و منفردند و باید آنها هم رأی بدهند و اگر ندهند گذشته ازاینکه ازحق قانونی خود محروم میشوند ممکن هست عده آراء فراکسیونها بنخست وزیر آنقدر نباشد که او بتواند باتکای آن آراء قبول مسئولیت کند .

۲ ـ چون منفردین می خواهند که رأیشان مخفی باشد اگر با هم رأی ندهند و از هرکدام جداگانه رأی گرفته شود نظریه آنها تأمین نمیشود و آنها را هم نمیتوان مجبور کرد که با هم رأی بدهند .

۳ ـ موافقت هرفراکسیون بانخست وزیر دلالت نمیکند که تمام اعضاء فراکسیون با او موافق باشند وتا عدد مخالفین ازمجموع اعضای فراکسیونها کسر نشود تمایل حقیقی معلوم نمیشود ، پس بهتر آن است که تمام نمایندگان از اعضاء فراکسیونها و منفردین همه در یکجا رأی بدهند تا در اکثریت مجلس اظهار تردید نشود و آنجائی هم که هیچکس نمیتواند ازحضور خودداری کند جلسه مجلس است بنابراین تا حد امکان بایدکارهای مجلس را با قانون اساسی ونظامنامه تطبیق کرد وگفت که اصل ۷ و ۳۴ قانون اساسی راجع به رسمیت یافتن جلسات شامل این جلسه هم میشود و باید هرکجا که سه چهارم اعضاء حضور پیدا کنند رأی گرفت تا اختلافاتی که اخیراً روی داده است نظایر پیدا نکند ، از اظهار تمایل دو چیز مد نظر است .

اول ـ اگر شاه کسی را بسمت نخست وزیری منصوب کرد و مجلس اورا قبول نکرد ایجاد مشکلات نشود .

دوم ـ از اتلاف وقت جلوگیری شود زیرا لزوم ندارد کسی که مورد توجه مجلس نیست اشخاصی را دور خود جمع کند وآنها را برای قبول کار دعوت نماید و بعد مجلس بادولت موافقت نکند ، پس مجلس غیراز اظهار تمایل نظریات دیگری نباید اعمال کند و تنظیم فهرست اسامی نامزدهای وزارت از طرف وکلا برای اینکه نخست وزیر وزراء را از بین آنها تعیین کند برخلاف اصل ۲۸ متمم قانون اساسی است که میگوید :

« قواء ثلاثه همیشه از یکدیگر منفصل و ممتاز خواهد بود » وهمچنین مخالف اصل شصت ویکم ، زیرا برطبق اصل مزبور « وزراء علاوه براینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور مقابل مجلس مسئول وضامن اعمال یکدیگرند »

وقتی که آقای نخست وزیر مجبور شود وزرای خود را از بین فهرست اسامی نمایندگان مجلس انتخاب کند چطور میتوان اورا مسئول وزراء قرارداد و بهمین جهات هم فراکسیون اتحاد ملی که در موضوع تمایل با فراکسیون

میهن و آزادی ائتلاف داشت از تنظیم فهرست اسامی خودداری کرد مردم انتظار دارند که در این دوره دستهٔ خاص و مستقلی . .

(در این موقع آقای دکتر مصدق قدری آب خواسته)

یکنفر از نمایندگان ـ آقا ماه رمضان است .

دکتر مصدق ـ آقایان میدانند بنده مریض هستم .

سید ضیاء الدین طباطبائی ـ تظاهر نباید کرد مملکت مملکت اسلامی است تظاهر نباید کرد (جمعی از نمایندگان اشکالی ندارد مریض هستند)

یکنفر از نمایندگان ـ «خطاب بآقای سید ضیاء الدین» شما تظاهر میکنید .

دکتر مصدق ـ . . . آقا بنده معذرت میخواهم من اهل تظاهر نیستم ، من مریضم و بیست سال است ، سی سال است برحسب دستور طبیب روزه نمیگیرم با حال مرض اگر کسی روزه بگیرد چون ضرر دارد بر خلاف قانون است . الضرورات تبیح المحظورات «همهمهٔ نمایندگان» . . (کف زدن و ابراز احساسات تماشاچیان ـ زنك ممتد رئیس)

رئیس ـ چند دقیقه تنفس داده میشود . (در این موقع پنج دقیقه بعد از ظهر آقای رئیس صندلی ریاست را ترك وجلسه بعنوان تنفس تعطیل و پس از یك ربع ساعت مجدداً بریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید)

رئیس ـ دو ماده از نظامنامه داخلی مجلس است که آقای طوسی قرائت مینمایند :

ماده ۱۴۳ ـ مخبرین جراید و تماشاچیان باید ساکت بنشینند و اگر از طرف یکی از آنها علامت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فوراً اخراج خواهد شد .

ماده ۱۴۴ ـ هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات یا اختلال نظم شود فوراً بمحاکم مرجع جلب میشود .

رئیس ـ ماده دیگری هست که اگر رئیس به بیند مجلس از نظم خارج میشود میتواند مجلس را موقتاً تعطیل کند زیرا بعضی از آقایان تماشاچیان غیر از راه وسط مداخله کردند با دست زدن (صحیح است) و این مخالف با نظامنامه است ، این است که بنده برخاستم وحالا چون آقایان سابقهٔ نداشتند باین مواد ، قرار شد که این مواد قرائت شود ولی بعداً اگر از طرف بعضی از آقایان مخبرین و تماشاچیان تظاهراتی دیده شود بموجب قانون داخلی مجلس فوراً توقیف یا اخراج خواهند شد (صحیح است) بفرمائید آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق ـ مردم انتظار دارند که در این دوره دسته خاص و مستقلی در مجلس باشد که با کارهای خوب موافقت کند و بهر پیشنهاد خوبی که افرادیا فراکسیونها می نمایند و همچنین بلوایح خوب دولت رأی بدهد ولی اگر دولت لایحه‌ای آورد که مضر باشد و یا موضوع آن بقدری مهم باشد که مملکت را در خطر بگذارد اول با کثریت اندرزدهد و جامعه را دربیغرضی خود شاهد بگیرد وچنانچه اکثریت از راه لجاج موافقت نکرد از دو کار یکی را بکنند . اگر لایحه دولت از امور نظریست و هر فرد یا جمعی برطبق عقیده و مرام خود نسبت بآن لایحه نظر خاصی دارد نظامات مجلس را رعایت کنند و در مجلس بمانند و هر کدام برطبق عقیده خود رأی بدهند وقضاوت آنرا بجامعه واگذارند و چنانچه لایحه مربوط بامریست که در کار مملکت اثر مهم و حیاتی دارد و برای مملکت مضر است ویا آنرا درخطر می‌گذارد در اینصورت از جلسه خارج شوند وجلسه را از رسمیت بیندازند چه بسیار چیزهائی که در روابط بین المللی وارد میشود واگر مجلس تصویب نکرد قوت قانونی ندارد و کان لم یکن فرض میشود ودر صورتی که مجلس تصویب نمود جای چون وچرا نیست وباید اجرا شود .

همانطوریکه در مجلس یك اکثریت ثابتی لازم است که از دولت حمایت کند همانطور هم دراین مجلس بخصوص یك اقلیت مستقل وقابل توجهی لازم است که درمواقع خطرناك از منافع مملکت دفاع نماید زیرا که نمایندگان مجلس سلاحی غیر ازسئوال و استیضاح وامتناع از حضور درجلسه (اُبس‌تروکسیون) ندارند نسبت بامور گذشته از وزراء سئوال می‌کنند واستیضاح می‌نمایند و نسبت بامور آینده که دولت پیشنهاد می‌کند وموافق مصالح نیست از حضور در جلسه امتناع می‌نمایند وجلسه را از رسمیت می‌اندازند

وآنچه در قوه دارند می‌کنند تا دولت لایحه خود را پس بگیرد و مسکوت گذاردن لایحه صلاح نیست ، دولت‌ها اغلب همین سیاست را بکار میبرند و چندی موضوع را تعقیب نمی کنند تا از حرارت مخالفین بکاهند و با بعضی از آنها بسازند زمینه که حاضر شد باز لایحه را در دستور بگذارند

قبل از طرح لایحه نباید از جلسه خارج شد وقتی که در کلیات لایحه مباحثه میشود باید تمام معایب و خطراتی که از تصویب آن متوجه میشود گفت تا در مجلس سابقه بماند واز مذاکراتی که میشود جامعه بتواند در موضوع قضاوت نماید ودرموقعی که رأی برای مباحثه درمواد گرفته میشود از جلسه خارج شد علت عدم موافقت من با اُبس تروکسیون این بود که موضوع آن مهم وحیاتی نبود برفرض اینکه اکثریت با منفردین موافقت میکرد و در جلسه خصوصی اتخاذ رأی میشد یکی از دو حال پیش میآمد : یا اکثریت نصف بعلاوه یك که نخست وزیر آن را قبول می‌کرد رأی میداد ویانمیداد درصورت اول مقصود منفردین حاصل نمیشد زیرا از اُبس تروکسیون مقصود این نبود که اصل هفتم قانون اساسی نقض شده وتا ۳/۴ ازنمایندگان در یك جا جمع نشوند ورأی ندهند رأیی که داده شده رسمیت ندارد بلکه نظر این بود اگر تمام نمایندگان دریکجا رأی بدهند نخست وزیر حائز اکثریت نمیشود . در صورت دویم که نخست وزیر حائز اکثریت نشود اکنون هم فرصت ازدست نرفته ودرموقع رأی به برنامه اکثریت واقلیت معلوم میشود وبطور قطع نمی‌توان گفت که اگر همه در یکجا رأی میدادند منفردین غالب میشدند وبهتر همان بود که کار بطوریکه پیش آمد گذشت .

قریب شش ماه دولت آقای ساعد درامور مملکت دخالت داشت خوب است بفرمائید کدام یك ازمواد برنامه اجرا شد

اینکه درموقع معرفی وزراء اظهار نمودند که مذاکرات مجلس در برنامه وبعد استیضاح فرماندار اصفهان پس از آن کار دکتر میلیسپو واستیضاح از وزیر راه اوقات ایشانرا مشغول کرد وباین جهات برنامه اجرا نشد دلیل ضعف و ناتوانی است (ایرج اسکندری ـ صحیح است) اگر این استدلال صحیح بود از برنامه‌های دول بزرك بواسطه اشتغال نخست وزیران باید یك ماده هم اجرا نشود واظهار شکایت از زیادی کار دلیل آن است که در این دولت هم نتوانند کاری صورت دهند .

هرگاه نخست وزیر می‌فرمودند که اجرای فقره ۲ و ۳ برنامه سابق راجع بتهیه وسائل خواربار وحوائج ضروری مردم وسعی در تعدیل قیمت‌ها و تعیین حداقل مایحتاج زندگانی وغیره وغیره جزء اختیارات دکتر میلیسپو است وتا او صلاح نداند عملی نمیشود و برنامه من جنبه تشریفاتی داشت هیچکس نیست که اظهارات آقای نخست وزیر را تصدیق نکند (صحیح است) ولی افسوس که از ذکر حقایق خودداری میکنند وهمان برنامه سابق را باضافه مواد دیگری ازهمان قبیل بمجلس می‌آورند و می‌خواهند باز مدتی مردم را بوعده‌های خود اغفال کنند .

از نظریات فراکسیونهای آزادی و اتحاد ملی و میهن راجع باینکه دردولت جدید هیچیك ازوزرای سابق شرکت نکنند چنین استنباط میشود که علت عدم موفقیت کابینه سابق وزراء بوده‌اند اگر مطلب این است ایراد بآقای نخست وزیر وارد است که چرا آنها را بکار دعوت نموده‌اند و الا خودشان نتوانسته‌اند دولت را اداره کنند ومعلوم نیست که باز با چه قدرت واراده‌ای وارد کار میشوند و میخواهند شش ماه دیگر هم وقت مملکت را ضایع نمایند . (صحیح است) میگوئید که ائتلاف فراکسیون آزادی بافراکسیونهای دیگر موقتی و فقط مربوط به تشکیل این دولت است و بعد فراکسیون آزادی کاری بدولت ندارد اینجا است که مطلب قابل توجه است اگر آقای ساعد صلاحیت دارند که دولت تشکیل دهند هر کس که بدولت ایشان رأی میدهد باید تا آخر از آن پشتیبانی کند و اگر صلاحیت ندارند باید از دادن رأی خودداری کنند زیرا دولتی که صالح نیست با یك عمل میتواند جامعه را گرفتار کند ـ یکی از اعضای آن فراکسیون اظهار نمود که چون آقای ساعد وعده داده‌اند قانون ۱۳ اردی بهشت را نقض کنند و عنقریب موعد وعده ایشان میرسد من از این

جهت بایشان اظهار تمایل نموده ام که این دولت را تشکیل دهند و بوعده خود وفا نمایند . مردم میگویند اگر آقای ساعد شخص ثابتی است بعد از اینکه کراراً بد کتر اظهار عدم اعتماد نمود و برای اصلاح قانون ۱۳ اردی بهشت وارد مجلس شد و بواسطه پیشنهاد جلسه سری خارج گردید چه شد که در ظرف چند ساعت در جلسه سری عصر آن روز عقیده اش تغییر کرد ، اگر دخالت دکتر در امور مالی و اقتصادی صلاح بود چرا اظهار عدم اعتماد نمود و اگر نبود چرا برای مدت سه ماه بطوریکه میگویند باو مهلت داد .

اگر آقای ساعد میخواست بوعده خود وفا کند باید در رأس وزارت دارائی وزیر مقتدری میگذاشت تامالیه مملکت وسایر مستخدمین امریکائی را اداره کند و از آنها استفاده‌ای که مردم انتظاردارندبنماید انتصاب وزیر فعلی ثابت نمود چیزیکه درفکر نخست وزیر نیست همان اصلاح مالیه و مملکت است .

قریب یکماه است که آئین‌نامه آزادی آرد که ازشارت اکسفورد مهم تر است صادر شده و من آن‌را باآئین نامه جرم مازاد اُفت که ناسخ حکم دیوان بلخ است دیده ام و دکتر هردو را امضاء نموده است و لازم میدانم که راجع به جرم مازاد اُفت توضیحاتی دهم :

هر گاه غله ای که بانبار دولت وارد میشود اُفت آن یعنی خاك و مواد دیگر آن غیر از گندم وجو بیش ازصدی ۵ نیست و معادل اُفت باید گندم ویا جو اضافه پرداخت ، ولی اگر از صدی ۵ بیشتراست فرض کنیم صدی ۸ باشد بجای صدی ۸ صدی ۱۱ اخذ میکنند یعنی صدی سه بیشتر که چرا مخترعین اسبابی اختراع نکرده اند که بوسیله آن اُفت حقیقی گندم را تعیین کنند و جنسی که بیش از ۵٪ اُفت دارد بانبار حمل نکنند .

انتشار و اجرای این دو آئین نامه در گروی لایحه ایست که دولت سابق برای وصول مازاد معوقه پیش نهاد مجلس نموده است .

دکتر میگوید اگر لایحه تصویب شد آئین نامه‌ها انتشار و اجرا میشود واگر نشد مردم ازنان خوب محروم باشند ویا اینکه مثل سال گذشته باآرد قاچاق اعاشه نمایندوصاحبان غله هم جریمه را بدهند واز بابت کفاره گناهان مجلس حساب کنند (صحیح است) محصول بدست آمد وخرمن‌ها برداشته شد و ازمؤدیان غله هم جریمه گرفته میشود ومردم هنوزمنتظرند که آئین‌نامه‌های دکتر منتشر شود . دراین موقع که پایان جنگ نزدیك است و دراین وقت که هرملتی میخواهد قضایای مربوط بامور بین‌المللی را درمنافع خود حل کندو کشتی متلاطم مملکت را بساحل نجات رساند وضعیت ما را طوری درست کرده اند که وقت ما صرف جزئیات میشود ، آنهائی که طالب ابقای این وضعیتند عقیده بخیر و صلاح مملکت ندارند ما باید مناقشات شخصی و مرامی را کنار بگذاریم وهمگی درراه سعادت ایران کار کنیم(صحیح است) ما باید درمصالح عمومی اتحاد کنیم و از هر گونه اختلافی که مملکت ازآن متضرر میشود دوری نمائیم تاوضعیت مطابق آمال و انتظار ما شود .

سئوال من از آقای نخست وزیر و جوابهای ایشان وقت مجلس رامدتی گرفت‌وعده دادند که‌کالاهای موجود فروخته شود ودر انبارها نماند که فاسد شود وبواسطه پیش آمدمصلح ازقیمت تنزل کند واز فروش آنها وضعیت بازار بهترومضیقه کمتر شود ولی جای تأسف است که سئوال و جواب ما بواسطه‌اینکه‌درامور اقتصادی دولت اختیارندارد‌نتیجه نداد .

مردم ازاین زندگی بتنگ آمده‌اند مردم بیچاره‌وناتوان شده‌اند (صحیح است) مردم نه نان دارند ونه لباس (صحیح است) واز اولین احتیاجات زندگی محرومند ومرجعی‌برای شکایت ندارند (صحیح‌است) دراین‌عالم که کسی نیست بداد برسد پس خدا بفریاد ما برسد .

آقای نخست وزیر مملکت ایران فقط یزد و کرمان نیست‌ازبحرخزر تا خلیج‌فارس کشورایران‌است (صحیح‌است) اگر شما طالب استقلال و تمامیت مملکتید روبه شما مخالف مکتومات شما است و راهی که میروید برخلاف مصالح ما است ، ما باید باهرچیزی که مارا ضعیف کند موافقت نکنیم و از یك سیاستی بتمام معنی ملی تعقیب کنیم من با برنامه بی اصل و بی اساس شما مخالفم من با برنامه سابق و لاحق و

برنامه‌هائی که می خواهید برای چند سال تهیه کنید به پیشنهادی که تقدیم میکنم وعده‌ای ازآقایان نمایندگان‌هم امضا نموده‌اند مصالحه می کنم .

۱ ـ تشکیل هیئتی مرکب از ۱۲ نفر از شخصیت ها و اشخاص مطلع و مجرب برای اینکه در مسائل اساسی و مهم مملکت مرجع شور دولت واقع شوند ودرلوایح دولت قبل از پیشنهاد بمجلس اظهارنظر کنند وپیشنهاداتی برای خطمشی دولت راجع بسیاست خارجی واصلاحات داخلی تهیه نمایند

۲ ـ الغای قانون ۱۳ اردیبهشت

من اشتهای زیادی ندارم وچیزهائی که قابل هضم نیست نمی‌خواهم آن دولتی که باحسن نیت است هروقت که‌لایحهٔ خوب‌آورد در برنامه‌هم که ازآن اسمی نباشد مجلس آن را استقبال می کند وکدام مجلسی است که بالایحه خوب دولت موافقت نکند .

بعضی آنقدر بدبینند که می گویند درمملکت‌عده‌ای که جامع شرایط این پیشنهاد باشد نیست والا آنها وزیر میشدند ودولت ازتشکیل چنین هیئتی مستغنی بود ، عرض میکنم که این هیئت از آقای مؤتمن‌الملك و امثال ایشان باید تشکیل شود که اگربواسطه کبرسن آنها نمی‌خواهند ویا نمی‌توانند وارد کارشوند دولت که معمولاً از تیپ جوان تشکیل میشود از تجربیاتی که یك عمر بآنها عاید شده برخوردار شود هیچ نمی توان گفت که دولت از مشورت با اشخاص خیرخواه استفاده نکند و ازمشورت باچنین‌اشخاص مملکت متضرر شود چون این پیشنهاد درصلاح وخیرمملکت است لازم دانستم جزو برنامه دولت شود و تقدیم آن حاکی ازموافقت امضاء کنندگان بادولت‌نیست بلکه‌ازاین‌نظراست که دولت آنرا مورد توجه قرار دهد .

ازالغای قانون۱۳اردیبهشت مقصود این نیست که دکتر در امور مالیه دخالت نکند زیرا قانون استخدام قانون دیگریست ومجلس آن را ۹ماه قبل از قانون ۱۳اردیبهشت تصویب نموده است ، می گویند که دکتر بواسطه کسالت و کثرت کار نمی‌خواست قانون مزبور تصویب شود وعده‌ای از نمایندگان دوره ۱۳ او را بقبول اختیارات اقتصادی وادار نمودند ای کاش که قبول نمی‌نمود وقسمت دارائی را از این بهتر اداره میکرد .

قانون ۱۳ اردیبهشت نه‌تنها برخلاف قانون اساسی است ومسئولیت وزراء را فلج می‌نماید بلکه نتیجه اش هم که جامعه از آن انتظار داشت حاصل نشد و یکی از نامه های آقای نخست وزیر که در۲۷ خرداد ۱۳۲۳ بد کتر نوشته‌اند مطلب را روشن و آشکار مینماید .

چون آقای نخست وزیر در برنامه خود از الغای آن قانون ذکری نفرموده اند نامه مزبور را که بسیار مفصل و حضار را خسته می کند از نظر انجام وظیفه می خوانم تا جامعه بدانند که امضاءکنندگان پیشنهاد غیراز صلاح این مردم نظری ندارند .

آقای دکتر میلسپو رئیس کل دارائی

مراسلهٔ مورخ ۲۲/۳/۱۰ شما واصل و از مفاد آن استحضار حاصل گردید ازوماً توجه شما را بمراتب زیر جلب مینماید :

۱ ـ موضوع سقوط کابینه که در مذاکرات بآن اشاره شده بود بر خلاف آنچه که‌ذکر نموده اید جنبهٔ سیاسی نداشته است بلکه توضیحی که داده شدمبتنی براین بود که در مقابل آن قسمت اعتراض نمایندگان که صحیح بنظر میرسد در صورتیکه نتوانید مدارك قابل قبولی در دسترس دولت بگذارید که بتواند ازعهده جواب قانع کننده برآید دولت وسیله برای دفاع از شما و خود نخواهد داشت . از طرز بیان مطلب اینطور مستفاد میشود که تصور نموده‌اید دولت در مقابل فشار افکار عامه و اظهارات نمایندگان‌تحت تأثیر واقع شده و برای ابقای خود بدون اینکه بایرادانیکه میشود ایمان داشته‌باشد آنهارا وارد و متوجه شما ساخته است و حال آنکه دولت نمیتواند خودرا قانع کند که کلیه جریان‌امورمالی‌واقتصادی که بدست شمااداره میشود مطابق مصالح و مقتضیات کشور بوده و غیر قابل ایراد است . بنابر این خودنیز طرفدار اصلاحاتی است که‌ضمن مذاکرات‌بشما

خاطر نشان گردیده ولی متأسفانه نه توضیحات شما کافی و قانع کننده بود و نه حاضر باصلاحات مورد نظر شده اید با این ترتیب نمیتوان مقصود شما را دایر بر اینکه دولت از نقطه نظر حفظ کابینه و دفاع از آن ناچار باظهاراتی شده تصدیق نمود .

۲ ـ اینکه اشعار داشته‌اید نامه شماره ۱۴۴۷ مورخ ۲۳/۲/۶ شماعنوان ریاست‌مجلس‌شورای ملی‌راجع بتشکیل کمیسیون برای دادن اطلاعات لازم بلا جواب مانده است تصور میرود چون شما حق مکاتبه مستقیم نداشته‌اید جواب شما داده‌نشده‌است‌ولی‌را جع بتوضیحاتیکه‌درسه‌یاچهارمورد درخصوص امور اقتصادی، باینجانب داده شده متأسفانه قانع کننده نبوده است .

۳ ـ راجع بشرحی که در خصوص بدی اوضاع در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۲۲ و قبل از آن نوشته بودید انکار نمیشود که اوضاع در آن تاریخ خوب نبوده است و بهمین جهت اقدام باستخدام شما و سایر مستخدمین امریکائی گردیده و اختیارات وسیعی بشما داده شده ولی باید اذعان نمود که اوضاع درغالب امور تا کنون بهبودی نیافته و هنوز نگرانی زیاد موجود است . این را هم نباید از نظر دورداشت که در سال ۱۳۲۱ درنتیجه بالا بردن قیمت غله در کلیه نقاط کشور هزینه زندگی نیز بطور فوق العاده ترقی نمود ولی انتظار میرفت اختیارات ۱۳ اردیبهشت شما باخوبی محصول آن‌سال نتایج بهتر و سریعتری بدهد .

۴ ـ بامراجعه بفهرست قیمت ها که‌طبق ارقام بانك ملی ایران بشرح زیر :

سال ۱۳۱۵	۱۰۰
سال ۱۳۱۶	۱۲۱/۱
سال ۱۳۱۷	۱۳۲/۵
شال ۱۳۱۸	۱۴۲/۷
سال ۱۳۱۹	۱۶۱/۹
اسفند سال ۱۳۲۰	۳۱۴/ـ
اسفند سال ۱۳۲۱	۷۷۸/۳
فروردین سال ۱۳۲۲	۹۴۵/ـ
اردیبهشت سال ۱۳۲۲	۹۱۰/ـ
خرداد سال ۱۳۲۲	۸۷۴ ـ
تیر سال ۱۳۲۲	۹۱۷ ـ
مرداد سال ۱۳۲۲	۹۸۰/ـ
شهریور سال ۱۳۲۲	۹۹۳/ـ
مهر سال ۱۳۲۲	۱۰۳۱/ـ
آبانماه سال ۱۳۲۲	۱۰۶۸/ـ
آذر سال ۱۳۲۲	۱۰۷۶/ـ
دی سال ۱۳۲۲	۱۰۷۳/ـ
بهمن سال ۱۳۲۲	۱۰۸۲/ـ
اسفند سال ۱۳۲۲	۱۰۸۵/ـ
فروردین سال ۱۳۲۳	۱۱۰۸/ـ

درج نموده و آنرا برای تقلیل بهای اجناس ملاك قرار داده بودید ناگزیر ازذکر این نکته میباشم که بالعکس جدول فوق ترقی هزینه زندگی را بطور محسوس نشان میدهد .

بطور کلی میتوان گفت وجود جنگ در دنیا و ورود متفقین در ایران و ترقی قیمت غلهٔ که در زمان تصدی مستر شریدن صورت گرفت و نزدیك شدن قشون آلمان به سرحدات قفقازیه و بسته شدن راه های دریائی هر یك بسهم خود ازسال ۱۳۲۰ دربالا رفتن هزینه زندگی مؤثربوده است ولی تنزلی که از اردی بهشت ۱۳۲۲ تا تیر ماه همان سال یعنی در سه ماه اول تصویب اختیارات حاصل نشده فقط نتیجه اثرروحی قانون اختیارات شما بود و بلا فاصله در مرداد همان سال رقم ۹۱۷ به ۹۸۰ و در فروردین ۱۳۲۳ به ۱۱۰۸ یعنی به بالاترین میزانیکه سابقه نداشته ترقی یافته‌است . بطوری که قبلاً ذکر شد ترقی قیمت خواربار و بالا رفتن هزینه زندگی در سال زراعتی ۱۳۲۱ (خرداد ۲۱ وخرداد ۱۳۲۲) به علل مذکور دربالا بطور خارق‌العاده بوده است و با اینکه این موجبات در سال ۱۳۲۲وجود نداشته و بطوریکه درارقام مذکور بالاملاحظه میشود قیمت ها دائماً در ترقی بوده است .

۵ ـ جای تردید نیست که همان طور که اظهار نموده‌اید اوضاع فعلی جنك مانع از آن بوده است که کالا های مورد احتیاج بطور عادی وارد کشورشود ولی نمیتوان انکار نمود که شما موفق نشده‌اید حتی از تمام سهمیه که متفقین ما بایران اختصاص داده اند استفاده کنید . موقعی که با حضور چند نفر از آقایان وزراء راجع به سهمیه قند وشکر۱۹۴۳ ایران مذاکراتی بعمل آمد در جواب توضیحاتی که از شما خواسته شد چنین اظهار نمودید :

کمیته خاور میانه ایران را ۱۲ میلیون حساب نموده و از قرار هر نفری درماه نیم کیلوشکر سهمیه معین نموده است که بالنتیجه سهمیه ایران معادل ۷۲ هزارتن میگردد .

ازاین مقدارمحصول داخلی که تقریباً بیست هزارتن میباشد باستثناء ۸ هزارتن که برای مصارف غیرجیره بندی تشخیص داده‌اندموضوع‌وسهمیه خالص‌ایران به ۶۰ هزارتن مقررشده که از قرار ماهی ۵ هزار تن تحویل داده شود و نیز اظهار نمودید که درسال ۱۹۴۳ کمیته نامبرده‌عملیات زیر را اجرا نموده است :

الف ـ قند و شکری که تجار در خارجه تحصیل ووارد ایران نموده‌اند از سهمیه ایران کم گذاشته .

ب ـ مقدارزیادی شکرقرمزیعنی‌شکرتصفیه نشده بجای قند و یا شکر سفید داده .

ج ـ با وجود اینکه شکر وارد شده از طرف تجار را از سهمیه ایران کسر گذاشته اند معادل ۱۸ هزار تن هم از اصل سهمیه نداده .

خیلی متأسفم از اینکه در موضوع قند و شکر عملیات و اقدامات شما با منافع عمومی مردم وفق نمیدهد در صورتی که دولت و مجلس شورای ملی از حیث تهیه و توزیع انواع و اقسام خواربار منتها اختیاری را که در هیچ کشور بهیچ مستخدم دولت داده نمیشود بشخص شما داده است .

ایرادات مهمی که در موضوع قند و شکر بعملیات شما وارد است خلاصةً از قرار زیر است :

۱ ـ عده سکنه ایران مطابق تشخیص اداره کل آمار به ۱۵میلیون بالغ‌میشود وشما قبول کرده‌اید که ازحیث‌سهمیه قند و شکر آنرا ۱۲ و ازحیث پارچه و غیره فقط ۱۰میلیون معین نمایند .

۲ ـ تقریباً در تمام کشور های‌خاورمیانه سهمیه هر نفر بیش از ۵۰۰ گرم درماه معین شده و شما با اینکه خودتان معتقد هستید که این مقدار بقدر کافی نمیباشد آن را قبول نموده اید .

۳ ـ با وجود اینکه تصمیم‌کمیته خاور میانه براین بوده است که‌همین مقدار کم‌را هم بایران قند ویا شکرسفید یعنی تصفیه‌شده بدهند شما قبول کرده‌اید که مقدار زیادی ازآن را شکرسرخ یعنی شکر تصفیه نشده بدهند بدون اینکه تفاوت محسوسی را که از حیث دارا بودن مواد قندی در بین شکر تصفیه شده و تصفیه نشده موجود میباشد منظور کرده و این تفاوت را مطالبه نمائید .

۴ـ شما قبول کرده‌اید که کمیته خاورمیانه قندوشکری را که تجارایرانی با هزاران زحمت و خطرمالی درخارج تهیه کرده وباوسایل نقلیه غیرعادی که غالباً کشتیهای بادی بوده است وارد ایران می‌نمایند ازسهمیه ایران کم گذاشته شود .

۵ ـ باتمام مراتب فوق درسال پیش شما اقدام نکرده‌اید که ۱۸ هزار تن شکرهم که ازاصل سهمیهٔ ایران در ۱۹۴۳ کم گذاشته شده است تحویل داده شود . نکات فوق از جمله مسائل مهمه‌ایست که‌شمابرطبق قرارداد و موافق اختیارات وسیعی که درامرخواربار بشماداده شده‌است متعهدووظیفه‌دار بوده‌اید که درآن باب‌اقدامات جدی بعمل بیاورید متأسفانه نه فقط اقدام مفیدی نکرده‌اید حتی این وضعیت ناگوار را درموقع خود باطلاع دولت هم نرسانیده‌اید تالااقل دولت در صدد اقدام برآید . گذشته از مسائل فوق مطابق اطلاعات و آمار صحیحی که از اداره کل گمرکات تحصیل نموده‌ام تا چندی قبل معادل ۴۹۷۷ تن قند وشکر در انبارهای گمرك موجود بوده و شاید تا بحال هم در آنجا باقی مانده باشد و شما تا چند روز پیش هیچ اقدام مفیدی برای اجازه خروج آن بعمل نیاورده بودید و مقدار زیادی در اثر این

تسامح از کالای مزبور فاسد شده و از بین رفته است . در موضوع سهمیه ۱۹۴۴ نیز از بیانات شما چنین مستفاد میشود : اولاً اقدام خواهید کرد که ۱۸ هزار تن باقیمانده سهمیهٔ ۱۹۴۳ را در ۱۹۴۴ تحویل دهند ثانیاً در چهار ماه اول ۱۹۴۴ سهمیه ماهیانه هم که بالغ به ۲۰ هزار تن می باشد داده نشده است اگرچه در جواب توضیحاتی که از شما خواسته شد اظهار نمودید که کمیتهٔ خاورمیانه وعده داده است که سهمیه چهار ماه اول سال را بسهمیه ۸ ماه بعد اضافه کرده و آنرا تا آخر سال تحویل دهند ولی این نکته مسلم است که هرگاه شما موفق بشوید که در ۸ ماه آخر سال ۱۹۴۴ تمام سهمیه ایران را با باقیمانده سهمیه سال قبل تحصیل نمائید باید روی هم رفته ۸۰ هزار تن شکر در گمرکات جنوب ایران وارد بشود یعنی در هر ماه ۱۰ هزار تن و شما میدانید که برای دولت نه از حیث راه آهن و نه از حیث کامیون بهیچوجه ممکن نخواهد بود که هر ماه این مقدار شکر را بنقاط لازم کشور حمل نماید چه اولاً میدانید که دولت تمام راه آهن های خود را برای کمک به متفقین و حمل و نقل مهمات جنگی تخصیص داده و فقط روزی ۲۰۰ تن محصولات برای خود دولت تخصیص داده شده است و بنا بر این اگر تمام این مقدار بحمل شکر تنها اختصاص یابد بهیچ قسم کالای دیگری حمل نشود شما موفق نخواهید شد که احتیاجات داخلی ایران را از حیث شکر تأمین نمائید بر فرض اینکه باین امر تا حدی موفق بشوید لازمه این امر محروم نمودن نقاط داخلی کشور از سایر کالاهائی خواهد بود که باید از بنادر جنوب حمل شود . ثانیاً با ترتیبی که فعلاً بدستور شما در اداره کل باربری اتخاذ شده است آیا تصور نمی کنید که اداره مزبور با اشکال موفق خواهد شد باینکه از یکطرف تا آخر سال ۱۹۴۴ بحمل شکر مشغول بوده و از طرف دیگر گندم و سایر حبوبات را که برای تأمین نان شهرستانها لازم است حمل نماید ؟

ثالثاً تصور می کنم این اطلاع را هم داشته باشید که انبارهای گمرکات جنوب گنجایش این را ندارند که ماهی ۱۰ هزار تن شکر بآنجا وارد گردد و مسلماً با مشکلات حمل و نقل که در بالا گفته شد مقدار زیادی از واردات شکر در هوای مرطوب و با نبودن وسایل لازم برای حفاظت آنها فاسد خواهد شد . با توجه بمطالب فوق باید این نکته را نیز تذکر دهم که آیا تصور نمیکنید که باین ترتیب اگر تحویل قند و شکر بعقب افتد در آخر سال ۱۹۴۴ بواسطه تحویل نگرفتن قند و شکر بقیه سهمیه را نیز قطع نمایند و اگر این کار را کردند شما چگونه در مقابل کشور ایران زیر بار این مسئولیت خواهید رفت و البته تصدیق می نمائید که استفاده نکردن از سهمیه قند و شکر وغیره خسارات مالی هنگفتی نیز بعایدات گمرک و مالیات ساختمان راه و راه آهن وارد ساخته است .

در ملاقاتی هم که در تاریخ ۱۵ ماه جاری آقای هابسن نماینده کمیته تدارکات خاورمیانه با اینجانب نمودند اظهار داشت که از تحویل دادن پنجهزار تن قند و شکر سهمیهٔ ماهیانه بعنوان اینکه طبق اظهار شما موجودی قند و شکر کشور بالغ بر ۳۱ هزار تن میباشد و میزان پخش قند و شکر در ماه بیش از دوهزار تن نیست خودداری نموده اند . مسلم است که هرگاه جیره بندی در سراسر کشور اجرا شود حتی ۵ هزار تن شکر سهمیه مقرره کفاف مصرف اهالی را نخواهد داد و اگر ادارات مربوط نتوانسته باشند قند و شکر را طبق مقررات جیره بندی بین کلیهٔ اهالی پخش نمایند دلیل نمیشود که سهمیه مقرره تحویل نگردد با اینکه احتیاج بقند و شکر نهایت درجه زیاد است معلوم نیست این عمل مبتنی بر چه اساس میباشد . خواهشمندم در این خصوص توضیحات بیشتری بدهید که رفع نگرانی بعمل آید . راجع به سهمیه قماش سنهٔ مالی ۱۹۴۳ در جلساتی که با حضور شما و کارکنان امریکائی وزارت دارائی در کاخ وزارت امور خارجه با حضور اینجانب و وزراء مشاور و وزیر دارائی تشکیل شد اظهار داشتند سهمیهٔ ۱۹۴۳ قماشی که از ناحیه کمیته خاورمیانه برای ایران تخصیص داده شده فقط هزار تن است از این میزان ۴۸۵ تن توسط کارکنان دارائی در هندوستان خریداری شده و ۳۶۵ تن از سهمیه ببازرگانان ایرانی اختصاص داده شده و دولت هندوستان با بازرگانان ایرانی نسبت باین

قسمت از سهمیه ترتیبات مخصوصی داده است و ۱۵۰ تن بقیه قماش را بشرکت نفت اختصاص داده اید راجع بموضوع فوق لازم دانستم تذکرات ذیل را بشما داده تقاضای توضیحات بیشتری بکنم .

اولاً — سهمیهٔ قماش که برای مملکت ایران که سکنه اش ۱۵ میلیون است چرا باین میزان کم معین شده البته میتوانید اظهار نمائید که بیش از این حاضر نشده اند برای مملکت ایران سهم تعیین نمایند ، در مقابل این جوابی که ممکن است بدهید اظهار می کنم خوب بود از مراتب دولت را مسبوق میکردید تا بوسایل مختلفه اقدام برای بدست آوردن سهمیهٔ بیشتری میشد . با وجود آنکه سهمیهٔ کمی برای کشور ما منظور شده معلوم نیست چرا از این سهمیه معادل ۳۶۵ تن آن را دولت هندوستان با بازرگانان معامله خواهد کرد . راجع باین موضوع بخاطر دارم اظهار نمودید دولت مزبور مایل است تجار محل استفاده برده و مشتریهای قبلی خود را از دست ندهد . البته نسبت بنظریهٔ دولت هندوستان میبایستی جواب داده شود سهمیه ای که برای دولت ایران کمیته خاورمیانه تعیین کرده باید بدولت ایران حواله شود نه بتجار و اگر با این استدلال دولت هندوستان قانع نمیشد میبایستی تدابیری در داخله کشور اتخاذ نمائید که این مقدار از سهمیه را اولاً تجار ایرانی وارد نمایند ثانیاً پس از ورود بایك نفع عادلانه ای بدولت ایران واگذار کنند آیا چنین اقدامی بعمل آورده اید یا خیر ؟ و ثالثاً راجع به اختصاص دادن ۱۵۰ تن از سهمیهٔ قماش مزبور بکارکنان نفت همان قسمی که حضوراً تذکر داده شد درصورتیکه بکلیهٔ سکنه ایران که بنا بر احصائیه دولت عده آنها ۱۵ میلیون وبنا بر آمار ادعائی کمیته خاور میانه عده آنها از حیث استحقاق پارچه ۱۰ میلیون است فقط یك هزار تن قماش تخصیص داده بشود بچه علت از این یکهزار تن که باید اولاً بین ۱۵ میلیون سکنه تقسیم شود ۱۵۰ تن یعنی قریب یك ششم آنرا ببیست هزار نفر کارگر شرکت نفت که با خانواده وبستگان بیش از ۸۰ هزار نفر نمیشوند تخصیص داده اید . نسبت باین موضوع آقای فراکسن حضوراً اظهار داشتند اولاً عملجات شرکت تبعهٔ ایران هستند ثانیاً دوازده متر برای هر نفر سهمیه قماش تعیین شده ثالثاً قرار داده ایم مازاد را ذخیره نگاهدارند البته تصدیق مینمائید اصولاً باید در توزیع کالاها در موقع جنگ رعایت تساوی مطلق بعمل آید بنا بر این وقتی که قرار شد هزار تن قماش برای ۱۵ میلیون جمعیت تخصیص داده شود با مختصر محاسبه میتوان گفت تقریباً برای هریك میلیون نفر سکنه شصت وشش تن و برای هرصد هزار نفر شش تن و ششصد کیلو قماش میتوان تخصیص داد ، بنابراین برای ۸۰ هزار نفر عمله و خانواده آنها ۱۵۰ تن قماش تخصیص دادن خارج از هر گونه عدالت و بکلی مخالف اصول جیره بندی است . البته میتوان اظهار کرد از قماشهائی که از دولت شوروی گرفته میشود و یا درداخله کشور تهیه میگردد جبران کم بود احتیاجات سکنه کشور بعمل خواهد آمد ولی متأسفانه باید اظهار کنیم درسال ۱۳۲۲ با کثر نقاط کشور قماش داده نشده ودرپایتخت فقط درظرف ۱۴ ماه بهر نفری ۳ متر قماش داده شده و آنهم بنصف سکنه تهران بعلت عدم رعایت نظم در موقع توزیع قماش نرسیده است . درخاتمه این قسمت را لازم میدانم بپرسم آیا این اظهاراتی که میشود درشمال بیش از ۵ میلیون متر قماش در کارخانه های بهشهر وشاهی موجود و بواسطهٔ تحویل نگرفتن وحمل نکردن درشرف پوسیدن است صحیح است یا خیر ؟ و همچنین اینکه میگویند در گمرکات مقدار زیادی قماش درشرف فاسد شدن است این گزارش هم مبنی برحقیقت است یا خیر ؟

ازقراریکه آقای هابسن نمایندهٔ کمیته خاور میانه باین جانب اظهار کرد (بواسطهٔ آنکه اظهار شده است معادل ۳۲۵۰۰ عدل قماش در کشور بطور ذخیره موجود است سهمیه سه ماههٔ دوم ایران که ۲۵۰ تن میشود داده نشده است) خواهشمندم اطلاع خود را نسبت باین اظهارات نیز برای اینجانب کتباً نوشته و ضمناً نسبت بسهمیه قماش ۱۹۴۴ توضیحات بیشتری بدهید .

۶ — برخلاف آنچه اظهار داشته اید موضوع جیره بندی وپخش کالا رضایت بخش نبوده است وضع توزیع قماش که

پوشاك قسمت اعظم اهـالی کشور را باید تأمین کند بطوری که دربالا ذکر شد عدهٔ کثیری از اهالی کشور ازاستفادهٔ آن محروم مانده و یا اتفاقاً هر گاه طبق مقررات موضوعه اداره توزیع عده قلیلی قرارشده‌است از آن بهره مند گردند بواسطهٔ اختلال امور فروشگاه وهجوم غیر عادی مردم غالباً ازخرید قماش صرفنظر نموده اند ولی آنچه‌مربوط بپخش قندوشکر میباشد صرفنظر ازاینکه پخش این کالا هم تاکنون در کلیه کشور برقرار نگردیده است ولی درنقاطی که جیره بنـدی معمول گردیده بواسطهٔ وجود داشتن‌بازار آزاد سرمایه‌داران کوپن اشخاص کم بضاعت را خریداری و کالای مربوط را با بهای کم تحصیل و دربازار آزاد آن کالاها را باقیمت گزاف بفروش رسانیده اند .

۷ ـ بطوریکه شما اطلاع حـاصل نموده‌ایـد توسط بازرگانان در حدود ۱۲ میلیون دلار اعتباربرای واردکردن پارچه‌های ابریشم مصنوعی وغیره‌ازسویس‌ازبانك‌های امریکا اعتبار بارز شده و مقداری از این پارچه‌هـا بکشور وارد و باقیمت خیلی گزاف بفروش رسیده است درصورتیکه طبق اطلاعات واصله ۸۰۰ هزارمتر پارچه‌های ابریشمی درشمال موجود ودر شرف پوسیدگی است معلوم نیست نگاهداشتن اینگونه اجنـاس در انبارها روی چه اصلی است مخصوصاً موقعی‌که مشاهده میشودکه‌از کشورخارج وکالای‌نامرغوبی در مقابل آن وارد میگردد .

۸ ـ بقرار گزارشهای واصله در امر حمل و نقل‌کالاهای دولتی‌غالباً کسر وزن‌معتنابهی نسبت‌بوزن مبدأ پیش میآید که دریك مورد بهای کسر وزن ذغال و هیزم حمل شده‌بالغ به۷۰ میلیون ریال بوده است از قرار معلوم گزارش جامعی که دراین‌خصوص داده‌شده مورد توجه‌وتعقیب قرار نگرفته است .

۹ ـ بامراجعه بقسمت اخیر گزارش اسفند مـاه ۱۳۲۲ شما مربوط بکار گزینی معلوم میشود که در اجرای قوانین نظر شخصی خودتان را دخالت میدهید در قانون استخدام ۶۰ نفر امریکائی مصوب اول‌آبان ۱۳۲۲ مصرح است کـه برای هر رئیس امریکائی یك معاون ایرانی باسمت وحقوق مناسبی تعیین گردد شما در گزارش مزبور اینطور اظهـار نموده‌اید (تارئیس امریکائی‌مدتی سرشغل خود انجام‌وظیفه ننمایدتعیین معاون‌ایرانی‌غیرممکن است) محتاج به‌یادآوری نیست کـه مفاد قوانین مصوبه باید کاملاً اجراء و تجزیه و تعطیل‌قسمتی از آن بهیچ وجه جایز نیست وخصوصاً اینکه منظور اصلی قانون‌این بوده است که مستخدمین آمریکائی ایران با تشریك مساعی معاونین ایرانی که در کارها بصیرت دارند انجام وظیفه نمایند .

۱۰ ـ غالباً شکایت میشود اتومبیلهائی کـه جهت تعمیر به تعمیرگـاه داده میشود پس از مدتی معطلی مشاهده شده است‌که نه تنها تعمیراتی‌که منظور بوده است بعمل‌نمیآورند بلکه براثر استفاده نمودن از آنها قسمتی ازآن را معیوب و بعلاوه مقداری از اثاثیه آنها را از بین میبرند جای بسی تأسف است که بجای حفظ و حراست اموال دولت تعمداً به تفریط و از بین بردن آن مبادرت میشود و معلوم نیست‌این عمل را برچه باید حمل نمود و چه موجبی برآن تصورکرد

بطوریکه اظهار داشته‌اید قسمت اعظم ۹۰۰ کامیونی‌که سال گذشته در اختیار اداره باربری‌گذارده شده است ازبین رفته و از حیز انتفاع افتاده است البته با اوضـاع کنونی و نرسیدن وسایط نقلیه بایران فوق‌العاده جای نگرانی است که براثر عدم مواظبت و سهل انگاری این قبیل خسارات جبران ناپذیر در این موقع سخت وارد آید و مشکـلاتی برای کشور ایجـاد کند که در نتیجه حمل و نقل خواربار کشور و پخش کالاهای انحصاری دچار زحمت واشکال‌گردد .

۱۱ ـ در ضمن مذاکرات حضوری اظهار نمودیدکـه از بابت تحویل‌برنج‌بشورویها درهذه‌السنه ۲۶ میلیون ودر سال گـذشته ۳۰ میلیون تومان ضرر وزارت دارائی‌میباشد لازم‌است توضیح دهید چه‌نوع وچه میزان کالا برای‌جبران این خسارت از شورویهاتحویل خواهید گرفت البته‌تصدیق می‌فرمائید که این‌قبیل ضررهاهمه‌ساله برای دولت غیرقابل تحمل و باید برای جبران آن راه عملی پیدا نمود .

۱۲ ـ راجع بشرحیکه دائر برعدم‌لزوم تشکیل وزارت اقتصاد نوشته بودید متذکر میگردد موضوع تفکیك امور مالی از اقتصادی مربوط بعوامل مخصوص ومسبوق بسوابقی است که در بالا ذکر شد اضافه برآنکه درکلیه ممالك اصل تقسیم کار ایجاب نموده است کـه امور مالی و اقتصادی از یکدیگر مجزا باشد زیرا وظایف مربوط بهریك باندازه‌ای سنگین است که از تلقین آنها نتیجه خوب گرفته نمیشود وتجربه این‌مطلب را ثابت وتأیید نموده‌است . نخست‌وزیر این بود مراسلهٔ آقای نخست وزیر و راجع ببرنامهٔ جنـاب آقای اللهیارصالح که از هرجهت صلاحند عرض میکنم که در امور سیاسی کار بزرگ شما این بودکه نخواستید وزیر نوکر باشید واز وزارت دارائی‌کناره جوئی نمودید اکنون چه شده که بابرنامهٔ که قسمت مهم آن مربوط بقـانون ۱۳ اردی‌بهشت است ودولت درآن حق دخالت نـدارد موافقت مینمائیدمن‌ازشماوامثال شماکه دراین‌دولتند سؤال‌میکنم که موافقت بایك برنامهٔ بی‌اساسی و تعهد در کاری‌که شمـا بعنوان مسؤلیت مشترکـه میکنید و از حیز قدرت دولت خارج است ازچه نظرمی‌باشد و برای اینکه مردم از شمـا سلب اعتماد نکنند آیـا بهترنیست عدم مسئولیت خود را دراین قسمت از برنامه در همین جلسه اظهار کنید و جامعه را بوعده‌های غیرعملی خود امیدوار ننمائید تاجـامعه بداند که شما از ذکر حقایق خودداری ندارید و اظهارات شمارا برای آتیه مملکت ذخیره کنند . (جمعی از نمایندگـان صحیح است) .

رئیس ـ آقای سیف پور فاطمی (یکی از نمایندگـان ختم جلسه) اجازه بفرمائید یك پیشنهادی‌آقای مخبرفرهمند کرده‌اند قرائت میشود :

پیشنهاد میکنم : آقایان مخـالفین یکی بعد از دیگری مطالب خود را اظهار بعد یکی از موافقین جواب بدهد که بیش‌ازاین‌دولت‌ومملکت بی‌تکلیف نماند (یکی‌ازنمایندگان مخالفم آقا مخالف نظامنامه است)

رئیس ـ آقای مخبرفرهمند .

مخبرفرهمند ـ عرض کنم بنده علت اینکه پیشنهاد کفایت مـذاکرات را نکردم از دو نقطـه نظر است یکی اینکـه البته حق اقلیت بایدمحفوظ باشد (صحیح است) و اظهارات خودش را بکند و دیگر اینکه باین ترتیب‌کار واین‌وضعیتی‌که برای مملکت هست خـاتمه داده شود ، آقا اگر توجه بکنیم باینکه در چه دقایق و ساعات و ایامی داریم میگذرانیم . هر دقیقه وساعتی کـه میگذرد ببطالت به قیمت هستی ما تمام میشود این را باید توجه داشت : مجلس اگر بناشد کابینه آقـای ساعد را هر هفته یا هرماه عوض بکـنند ، مثل اینکه شده است ، الآن چند ماه بیشتر نگذشته است از تشکیل کابینهٔ اولی شان یك برنامه دادند و روی برنامه ایشان هم چنـد ماه صحبت شد الآن آن برنامه را آورده‌اند با یکی دو جمله علاوه چنـد روز است ما وقت مملکت را داریم تلف میکنیم خدای من شاهد است این اظهاراتی‌که میکنم جزاینکه انجام وظیفه بکنم و یادآوری بکنم و توجه آقایان را جلب بکـنم کـه این موضوع وقت را تضییع میکند واوقات ببطالت‌میگذرد بهمین حرفها دارد میگذرد . دولتی کـه باید برود بنشیند پشت میزش و فکر نقشه‌های داخلی و خـارجی و اوضاع عمومی دنیا باشد از صبح تا دوساعت بعدازظهر میآید اینجا می نشیند و وقت خودش را میگذراند ومیرود وبنده حساب کردم سی نفر موافق ومخالف اجازه خواسته اند از این سی نفر هر دو نفرشان یك جلسه را میگیرد . هفتـه‌ای هم سه روز جلسه است روی این حساب (مهندس فریور ـ هرروز هست ، صبح وعصر کـنیم) .. پانزده روزدیگربا این‌رویه‌ای که داریم و اگر بخواهیم حق‌همه محفوظ باشد و همه صحبت بکنیم ۱۵ روز دیگر باید صحبت بکنیم و این بنظر بنـده هیچ صلاح نیست‌که با این اوضاع دنیا بما اجـازه میدهید بصراحت اگرکابینهٔ دیگری موجود هست وضمانت‌میکند امنیت‌عمومی‌مملکت واستقلال وهمه‌چیز واحتیاجات‌عمومی مملکت را (دکترکشاورز ـ مگر اینها ضمانت‌کردند)

رئیس ـ آقا بین صحبت‌شان حرف نزنید ، بگذاریـد صحبتشان را بکنند .

مخبر فرهمند ـ اجازه بدهید آقا بنده عرایضم رابکنم و الاّ هی عیب گرفتن که نمیشود ، خدا شاهد است که تاکنون از آقای ساعد هیچ تقاضائی نکرده‌ام ونخواهم کرد و در نظر بنده او با دیگری مساوی است ولی یك تفاوت هست ، یك تفاوت هست ساعد را با آقایان واشخاصی که گذشته‌اند و آقایانی که بعد میآیند که هنوز ندیده ایم ولی مقایسهٔ با گذشته ها که میکنیم ایشان خیلی مزایا دارند که دیگران نداشتند (صحیح است) ایشان پاکدامن هستند صدیق و راستگو هستند وطن پرست هم هستند (صحیح است) (فداکار ـ کافی نیست کاری ازایشان بر نمی‌آید) . (دکتر کشاورز ـ این کافی نیست)

مخبر فرهمند ـ . . . اجازه بفرمائید همین که فرمودید کاری از ایشان نمیآید بنده توضیح بدهم (فداکار ـ ممکن است بیرون خدمتتان برسم) . . اجازه بفرمائید شما . در دورهٔ گذشته اشخاصی که روی کار آمدند همه شایستگی و لیاقت کار را داشتند . (دکتر کشاورز ـ نخیر) واین همه اصلاحات در مملکت به لیاقت وشایستگی آنهاشد (یکی از نمایندگان ـ کدام اصلاحات) شما همان قدرت قانونی را بیك کابینه بدهید بهتر از آنها کار میکنند (صحیح است)

دکتر کشاورز آن قدرت دیکتاتوری بود .

مخبر فرهمند ـ . . . شما آقا اجازه بدهید بیك کابینهٔ که کار بکند .

دکتر کشاورز ـ پنج ماه که بود .

مخبر فرهمند ـ . . . بلی بود ولی ازفردا شروع میکنید بسئوال واستیضاح وپنجماه دیگرهم تهدید میکنید (دکتر کشاورز ـ پنجماه دیگرهم همین حرفها را تکرارمیکنند) بهرحال بنده پیشنهادم این بود که اگر آقایان موافقت نمیفرمایند باختم مذاکرات و بایستی که همه صحبت ها را بکنند بنده پیشنهادکردم که آقایان مخالفین یکی بعد از دیگری صحبت‌هاشان را بکنند و یك نفر موافق یا خود دولت بلند شود جواب بدهدکه قضیه کوتاه بشود و وقت دولت هم تلف نشود (فاطمی ـ موافقم) .

رئیس ـ آقای سیف پور .

سیف‌پور ـ آقا اجازه بدهید بنده توضیحم را بدهم اولاً ما وکیل درتوکیل نیستیم مخالف صحبتش را کرده‌است و موافق هم باید بیاید و صحبتش را اینجا بکند بنا براین پیشنهاد آقای مخبر فرهمند کار دولت را سست میکند یك صحبتهائی اینجا مخالفین کرده اند اینها تمام جواب دارد موافقین دولت بیایندوجوابشان را بدهند . ایشان پیشنهاد کرده‌اندکه مخالفین هرچه دلشان میخواهد اینجا بگویند بعد یکنفر اینجا جواب بدهد اینطور نیست اولاً این پیشنهاد مخالف ماده ۱۰۸ آئین نامه داخلی مجلس است که که میگوید : در مباحثات ناطقین باید متناوباً بترتیب مخالف وموافق نطق نمایند دربارهٔ وزراء یا معاونین آنها ویامخبرین کمیسیونها که مأمورتأیید ودفاع لوایح یاطرح قانونی هستند لازم به ثبت اسم نیست وهر وقتی که اجازهٔ نطق بخواهند اجازه بآنها داده‌میشود . اجازه بدهید بنده که بادولت موافقم آقاوری میدهم باید صحبت خودمرا بکنم من باین دولت ایمان دارم من باید بیایم و جواب بدهم حرفهایم را بزنم و بعلاوه نظریاتی که دارم باید بگویم پارلمان یعنی محل حرف ، مخالفین آمدند یك حرفهائی زدند ، یك تهمت‌هائی بدولت زدند صحیح یا سقیم (یکی از نمایندگان ـ تهمت نزدند) مخالفین آمدند ازجنگ قادسیه وشکست دارا بدست اسکندر همه را گذاشتند بگردن این پیرمرد شریف (خندهٔ نمایندگان) موافقین هم باید جواب بدهند و حرفهٔ شانرا بزنند تا به‌بینیم که آخرکار چه از آب بیرون میآید وچهار نفر بیایند دراین موضوع صحبت بکنند بعد رأی میگیریم بکفایت مذاکرات . این نشد که یك عده بیایند صحبت بکنند بعد یکنفر بیاید جواب‌شان را بگوید .

رئیس ـ چون این پیشنهاد با ماده نظامنامه درست در نمیآید موضوع ندارد .

مخبر فرهمند ـ بنده متوجه موضوع نبودم وحالا پس میگیرم (طباطبائی تجدد ـ حالا که توجه فرمودید؟)

طباطبائی تجدد ـ برای اینکه این موضوع تکرار نشود بنده تذکری داشتم وپیشنهادکرده‌ام و همانطورکه آقای دکتر مصدق هم ضمن بیاناتشان فرمودند (نمایندگان نفرمودند)بنده همچوشنیدم خواستم تذکر بدهم که پیشنهاد در یك لایحه ایست دریك قانونی است که از طرف دولت بمجلس میآید و حالا چیزی مطرح نیست و این صورت پیشنهادی ندارد (همهمهٔ نمایندگان) . . . اجازه بفرمائید عرض کنم حالا این ورقه‌ایکه ملاحظه میفرمائید دولت آورده باسم پروگرام ، این قانون نیست مجلس باین رأی نمیدهد مجلس باین ورقه‌ایکه مرامنامه است وآرزونامه است باینکه رأی نمیدهد نه‌رداً ونه‌قبولاً وجلاتیکه در اینجا گذاشته‌شده‌ممکن‌است‌اسباب شبهه بشود وخیال کنند که‌این هم باسم قانون است این هم پیشنهادی دارد .

بعضی ازنمایندگان ـ هیچکس این‌خیال‌را نمیکند

طباطبائی تجدد ـ بنده حالا این تذکری که میدهم برای این است که آسان شود این ها اجزا وشقوق این ورقه‌است رأی‌هم باین‌ها گرفته نمیشود ، قانون یك چیزی است که در آن یك یاچند ماده باشد وآنوقت مجلس رویش صحبت میکند ، میشود پیشنهاد دادحالا یکعده آمدندآقا از شما رأی اعتماد میخواهند به‌اشخاص و رئیس دولت در این موضوع انتقاد میشود اعتراض میشود مخالف و موافق صحبت می‌کنندجواب میدهند (صحیح است) بابرنامه دولت که کسی مخالفت نمیکند آقای ساعدکه سهل است اگر خدای نکرده معذرت میخواهم اگر شمر را هم بیاورند آن که پروگرام بد نمیآورد مطلب بد نمیآورد ، تمام مطالب خوبست ، مجلس اکثریتش روی قبول یاعدم قبول اشخاص است والا اگر ما فرض کنیم درموقعی که رأی ما لزوم پیدا کرد اگر ورقه رأی‌زیادتر شد . آنوقت این اشخاص بازهم به‌مجلس میآیند .

رئیس ـ این پیشنهادها آقا اساساً درست است آن بیان هم که این‌ها قانون نیست صحیح است ولکن این پیشنهادها منافات‌هم ندارد که پیشنهاد بشود وتوضیح بدهند (صحیح است) وهمیشه وکیل میتواند پیشنهادکند . پیشنهاد آقای طهرانچی قرائت میشود :

این‌جانب پیشنهاد میکنم بجای آقایان موافقین‌جناب آقای نخست‌وزیر جواب آقایان مخالفین را بدهند .

طهرانچی ـ عرض‌کنم اولاً اگر بجای آقایان موافقین آقای نخست‌وزیرجواب آقایان مخالفین‌را میدادند بنده هیچوقت این پیشنهاد را نمیکردم بنده الان می بینم که آقایان موافقین ومخالفین حرف میزنند یا یك مطالبی است که تذکر میدهند یابك آرزوهائی است که درپروگرام اضافه ویاازآن بیفتدو چون‌بیشتر ایرادهاهم بکابینهٔ بگذشته ایشان است ، اگر جواب آقایان مخالفین را خود آقای نخست‌وزیر بفرمایند ممکن است که مخالفین متقاعد بشوندوهیچ صحبتی نکنند (صحیح است) ولی‌چون آقایان موافقین جواب مخالفین را نمیدهند این است که بنده این پیشنهادرا کردم واستدعا میکنم که خودآقای نخست‌وزیر جواب مخالفین را بدهند نه‌اینکه ازطرف خودشان‌مطالب را بفرمایند .

رئیس ـ آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی ـ بنده مخالفم از نقطهٔ نظر اینکه خود نظامنامه تعیین‌کرده است که آقای نخست‌وزیر وآقایان وزراء هروقت بخواهند خودشان می توانند جواب بدهند ودر نظامنامه هم این موضوع تشریح شده که هروقت بخواهند جواب میدهند این لازم به پیشنهاد نیست (صحیح است)

[۴ ـ موقع ودستور جلسه بعد ـ ختم جلسه]

رئیس ـ پیشنهاد ختم جلسه شده است (مهندس فریور جلسه امروز عصر باشد)

جمعی از نمایندگان ـ فردا صبح .

رئیس فعلاً جلسه ختم میشود **وجلسه آینده فرداصبح ساعت نه ونیم دستور هم بقیه شور دربرنامه دولت**

(مجلس یکساعت ونیم بعد ازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی ـ سید محمدصادق طباطبائی

مخبر فرهمند ـ اجازه بدهید آقا بنده عرایضم رابکنم و الاّ هی عیب گرفتن که نمیشود ، خدا شاهد است که تاکنون از آقای ساعد هیچ تقاضائی نکرده‌ام ونخواهم کرد و در نظر بنده او با دیگری مساوی است ولی یك تفاوت هست ، یك تفاوت هست ساعد را با آقایان واشخاصی که گذشته‌اند و آقایانی که بعد میآیند که هنوز ندیده ایم ولی مقایسهٔ با گذشته ها که میکنیم ایشان خیلی مزایا دارند که دیگران نداشتند (صحیح است) ایشان پاکدامن هستند صدیق و راستگو هستند وطن پرست هم هستند (صحیح است) (فداکار ـ کافی نیست کاری ازایشان بر نمی‌آید) . (دکتر کشاورز ـ این کافی نیست)

مخبر فرهمند ـ . . . اجازه بفرمائید همین که فرمودید کاری از ایشان نمیآید بنده توضیح بدهم (فداکار ـ ممکن است بیرون خدمتتان برسم) . . اجازه بفرمائید شما . در دورهٔ گذشته اشخاصی که روی کار آمدند همه شایستگی و لیاقت کار را داشتند . (دکتر کشاورز ـ نخیر) واین همه اصلاحات در مملکت به لیاقت وشایستگی آنها شد (یکی از نمایندگان ـ کدام اصلاحات) شما همان قدرت قانونی را بیك کابینه بدهید بهتر از آنها کار میکنند (صحیح است)

دکتر کشاورز ـ آن قدرت دیکتاتوری بود .

مخبر فرهمند ـ . . . شما آقا اجازه بدهید بیك کابینهٔ که کار بکند .

دکتر کشاورز ـ پنج ماه که بود . .

مخبر فرهمند ـ . . . بلی بود ولی ازفردا شروع میکنید بسئوال واستیضاح وپنجماه دیگرهم تهدید میکنید (دکتر کشاورز ـ پنجماه دیگرهم همین حرفها را تکرارمیکنند) بهرحال بنده پیشنهادم این بود که اگر آقایان موافقت نمیفرمایند باختم مذاکرات و بایستی که همه صحبت ها را بکنند بنده پیشنهادکردم که آقایان مخالفین یکی بعد از دیگری صحبت‌هاشان را بکنند و یك نفر موافق یا خود دولت بلند شود جواب بدهدکه قضیه کوتاه بشود و وقت دولت هم تلف نشود (فاطمی ـ موافقم) .

رئیس ـ آقای سیف پور .

سیف‌پور ـ آقا اجازه بدهید بنده توضیحم را بدهم اولاً ما وکیل درتوکیل نیستیم مخالف صحبتش را کرده‌است و موافق هم باید بیاید و صحبتش را اینجا بکند بنا براین پیشنهاد آقای مخبر فرهمند کار دولت را سست میکند یك صحبتهائی اینجا مخالفین کرده اند اینها تمام جواب دارد موافقین دولت بیایندوجوابشان را بدهند . ایشان پیشنهاد کرده‌اندکه مخالفین هرچه دلشان میخواهد اینجا بگویند بعد یکنفر اینجا جواب بدهد اینطور نیست اولاً این پیشنهاد مخالف ماده ۱۰۸ آئین نامه داخلی مجلس است که که میگوید : در مباحثات ناطقین باید متناوباً بترتیب مخالف وموافق نطق نمایند دربارهٔ وزراء یا معاونین آنها ویامخبرین کمیسیونها که مأمورتأیید ودفاع لوایح یاطرح قانونی هستند لازم به ثبت اسم نیست وهر وقتی که اجازهٔ نطق بخواهند اجازه بآنها داده‌میشود . اجازه بدهید بنده که بادولت موافقم آقاور ی میدهم باید صحبت خودمرا بکنم‌من باین دولت ایمان دارم من باید بیایم و جواب بدهم حرفهایم را بزنم و بعلاوه نظریاتی که دارم باید بگویم پارلمان یعنی محل حرف ، مخالفین آمدند یك حرفهائی زدند ، یك تهمت‌هائی بدولت زدند صحیح یا سقیم (یکی از نمایندگان ـ تهمت نزدند) مخالفین آمدند ازجنگ قادسیه وشکست دارا بدست اسکندر همه را گذاشتند بگردن این پیرمرد شریف (خندهٔ نمایندگان) موافقین هم باید جواب بدهند و حرفهٔ شانرا بزنند تا به‌بینیم که آخرکار چه از آب بیرون میآید وچهار نفر بیایند دراین موضوع صحبت بکنند بعد رأی میگیریم بکفایت مذاکرات . این نشد که یك عده بیایند صحبت بکنند بعد یکنفر بیاید جواب‌شان را بگوید .

رئیس ـ چون این پیشنهاد با ماده نظامنامه درست در نمیآید موضوع ندارد .

مخبر فرهمند ـ بنده متوجه موضوع نبودم وحالا پس میگیرم (طباطبائی تجدد ـ حالاکه توجه فرمودید؟)

طباطبائی تجدد ـ برای اینکه این موضوع تکرار نشود بنده تذکری داشتم وپیشنهادکرده‌ام و همانطورکه آقای دکتر مصدق هم ضمن بیاناتشان فرمودند (نمایندگان نفرمودند)بنده همچوشتیدم خواستم تذکر بدهم که پیشنهاد در یك لایحه ایست دریك قانونی است که از طرف دولت بمجلس میآید و حالا چیزی مطرح نیست و این صورت پیشنهادی ندارد (همهمهٔ نمایندگان) . . . اجازه بفرمائید عرض کنم حالا این ورقه‌ایکه ملاحظه میفرمائید دولت آورده باسم پروگرام ، این قانون نیست مجلس باین رأی نمیدهد مجلس باین ورقه‌ایکه مرامنامه است وآرزونامه است باینکه رأی نمیدهد نه‌رداً ونه‌قبولاً وجملاتیکه در اینجا گذاشته‌شده‌ممکن‌است‌اسباب شبهه بشود وخیال‌کنند که‌این هم باسم قانون است این هم پیشنهادی دارد .

بعضی ازنمایندگان ـ هیچکس این‌خیال‌را نمیکند

طباطبائی تجدد ـ بنده حالا این تذکری که میدهم برای این است که آسان شود این ها اجزا وشقوق این ورقه‌است رأی‌هم باین‌ها گرفته نمیشود ، قانون یك چیزی است که درآن یك یاچند ماده باشد وآنوقت مجلس رویش صحبت میکند ، میشود پیشنهاد دادحالا یکعده آمدندآقا از شما رأی اعتماد میخواهند به‌اشخاص و رئیس دولت در این موضوع انتقاد میشود اعتراض میشود مخالف و موافق صحبت می‌کنندجواب میدهند (صحیح است) بابرنامه دولت که‌کسی مخالفت نمیکند آقای ساعدکه سهل است اگر خدای نکرده معذرت میخواهم اگر شمر را هم بیاورند آن‌که پروگرام بد نمیآورد مطلب بد نمیآورد ، تمام‌مطالب خوبست ، مجلس اکثریتش روی قبول یاعدم قبول اشخاص است والا اگر ما فرض‌کنیم درموقعی‌که رأی ما لزوم پیدا کرد اگر ورقه رأی‌زیادتر شد . آنوقت این اشخاص بازهم به‌مجلس میآیند .

رئیس ـ این پیشنهادها آقا اساساً درست است آن بیان هم‌که این‌ها قانون نیست صحیح است ولکن این پیشنهادها منافات‌هم ندارد‌که پیشنهاد بشود وتوضیح بدهند (صحیح است) وهمیشه وکیل میتواند پیشنهادکند . پیشنهاد آقای طهرانچی قرائت میشود :

این‌جانب پیشنهاد میکنم بجای آقایان موافقین‌جناب آقای نخست‌وزیر جواب آقایان مخالفین را بدهند .

طهرانچی ـ عرض‌کنم اولاً اگر بجای آقایان موافقین آقای نخست‌وزیرجواب آقایان مخالفین‌را میدادند بنده هیچوقت این پیشنهاد را نمیکردم بنده الان می بینم که آقایان موافقین ومخالفین حرف میزنند یا یك مطالبی است‌که تذکر میدهند یایك‌آرزوهائی است‌که درپروگرام اضافه ویاازآن بیفتدو چون‌بیشترایرادهاهم بکابینهٔ بگذشته ایشان است ، اگر جواب آقایان مخالفین را خود آقای نخست‌وزیر بفرمایند ممکن است‌که مخالفین متقاعد بشوندوهیچ صحبتی نکنند(صحیح است) ولی‌چون آقایان موافقین جواب مخالفین را نمیدهند این است‌که بنده این پیشنهادرا کردم واستدعا میکنم‌که خودآقای نخست‌وزیر جواب مخالفین را بدهند نه‌اینکه ازطرف خودشان‌مطالب را بفرمایند .

رئیس ـ آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی ـ بنده مخالفم از نقطهٔ نظر اینکه خود نظامنامه تعیین‌کرده است که آقای نخست‌وزیر وآقایان وزراء هروقت بخواهند خودشان می توانند جواب بدهند ودر نظامنامه هم این موضوع تشریح شده که هروقت بخواهند جواب میدهند این لازم به پیشنهاد نیست (صحیح است)

[۴ ـ موقع ودستور جلسه بعد ـ ختم جلسه]

رئیس ـ پیشنهاد ختم جلسه شده است (مهندس فریور جلسه امروز عصر باشد)

جمعی از نمایندگان ـ فردا صبح .

رئیس فعلاً جلسه ختم میشود وجلسه آینده فرداصبح ساعت نه ونیم دستور هم بقیه شور دربرنامه دولت

(مجلس یکساعت ونیم بعد ازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی ـ سید محمدصادق طباطبائی